

هو الله العلي الاعلى
يُعرف الله تعالى لِنَبِيِّهِ الْكَرِيمِ؛ الْأَيُّمَةِ الْمُهَيِّدِينَ وَأَتْبَاعَهُمُ الْمُهْتَدِينَ، وَيُبَشِّرُهُمْ
خداوند به پیامبر اعظم ﷺ ائمه مهتدين ﷺ و پیروان مهتدين شان را معرفی نموده و بشارتشان می دهد:
وَالَّذِينَ آجَتَنَّبُوا الظُّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا، وَأَتَابُوا إِلَى اللَّهِ، لَهُمُ الْبُشْرَى،
فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ، وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ

گاهنامه

بررسی

برای آگاهی و تبادل و فکر کردن، محیط و افراد و امکانات و موانع را شناختن، و برای رسیدن به مقصد اعلی تلاش نمودن

آغاز این بررسیها مربوط به سال 1398 هجری قمری و در دوران طاغوت بود که مطالب با استماع رادیوهای مختلف و اخبار شفاهی و ارتباطات مؤمنان مبارز داخل و خارج ایران (از افغانستان و پاکستان و هندوستان تا خلیج و عراق و لبنان و اروپا و آمریکا) بدست می آمد و بطور شفاهی در جلسات همراهان تبادل می کردید، بعد از بیروزی انقلاب اسلامی و شروع دوران یاقوت، امکانات جمهوری اسلامی و بولتنهای محرمانه و رسمی افزون بر رسانه های عمومی هم به بشتوانه این بررسیها افزوده شد، سپس با آمدن اینترنت و وسعت گستره بررسیها و امکان ارسال ایمیل این بررسیها برای برخی از اهل مطالعه تبادل مطالعاتی انجام می شد،

تا به امروز، که این برنامه چهل ساله شده است، والحمدلله رب العالمین همچنانکه در عناوین و توضیحات آمده است؛ هدف آگاهی از احوال زمان و انجام مسؤولیت در برابر آن بوده است، و عدم محاصره خبری و تسلط جو رسانه ای توسط جریانهای خاص؛ و اطلاع هرچه وسیعتر و فارغ از ایزوله حزبی یا حکومتی می باشد. همانطور که اشاره شده نقل و مطالعه برخی گزارشها خصوصا از منابع غیر خودی و با ادبیات خودشان؛ صرفا برای احاطه کافی بر نبض جریانها و فارغ از دسته بندیها می باشد.

فرستادن گزارشی علامت تایید کلیات چه برسد جزئیات آن یا تعبیرات آن نیست، و صرفا جهت اطلاع از فضا و محیط می باشد، فرصتی هم برای تصحیح یا بازنویسی متن آنها یا تعلیقه نویسی بر همه گزارشها و همه فقرات آن نیست، ارسال مطالب صرفا برای بررسی و آگاهی و تأمل و تفکر و شناخت محیط و افراد و امکانات و موانع و انگیزه کافی جهت تلاش برانمقصد اعلی است،

اگر می بینید که رویکرد مناسب فوق را نداشته از ما بخواهید تا برایتان دیگر ارسال نکنیم و مطالب آنرا برای دیگری که به غیر مقصود برداشت می کند نقل نکرده و ارسال هم نکنید (وتعیهها اذن واعیه).

کسانی که این گزارشها را بررسی می کنند؛ از افتادن به دسته بندیها برهیز کنند و بر محور تعالیم الهی:

- 1- ابتدا اجتناب از طاغوت و عبادت و پیروی و التزام به آن کنند.
- 2- توجه عمیق و با تمام وجود به درگاه و مسیر الهی بنمایند.
- 3- در بررسیها هرچه بیشتر بشنوند و بخوانند، و بهترینش را که در چهارچوب تعالیم مکتب وحی است پیروی کنند.

اگر مناسب دیدند مطلبی را در اختیار کسی بگذارند، رعایت ظرفیت طرف مقابل و عدم سوء برداشت او را بنموده، و مطلب را بدون انتساب به کسی یا شخصی یا مرکزی یا عنوانی در اختیارش بگذارند؛

1 محرم

1440

مهدی کروبی: خبرگان اگر خبرگان باشد باید از نتایج سیاست‌های راهبردی رهبر در سه دهه گذشته که کشور را به اینجا رسانده پرسش کند، ماجرای حذف محدودیت دهساله برای رهبری در بازنگری قانون اساسی، و افزودن قید مطلقه؛ و آقای بی مسئولیتی و پاسخگو نبودن رهبری

چکیده: من به اصلاحات باور دارم اما پالایش و اصلاحاتی که ساختار نظام را در جهت حق تعیین سرنوشت مردم بدون نگاه قیم‌آبانه فرد یا گروهی اصلاح کند. ” با این تعریف می‌توان گفت که مهدی کروبی اگر چه به ساختار کنونی اصلاحات در ایران باور دارد، اما اگر این اصلاحات به پالایش و اصلاحات ساختاری در جهت حقوق مردم منتهی نشود، باید ساختار اصلاحات برای رسیدن به این مهم، تغییر کند

مهدی کروبی در نامه ای جامع به اعضای مجلس خبرگان رهبری، با ذکر سه خاطره به موضوع دخالت مرحوم هاشمی رفسنجانی و آیت الله خامنه ای در روند بازنگری قانون اساسی با هدف تغییر به مطلوب، از جمله افزودن لفظ مطلقه به ولایت فقیه و لغو مدت زمان ده سال برای رهبری بدین نحو که دوران مسئولیت رهبری به مادام العمر بودن اشاره کرده است و از اعضای مجلس خبرگان خواسته تا ضمن انجام وظایف قانونی و شرعی خود با استفاده از ابزار سوال از و نظارت بر رهبری، به اوضاع اسفبار کنونی کشور، رسیدگی نمایند.

به گزارش سحام، مهدی کروبی در این نامه از اعضای مجلس خبرگان خواسته تا به چند حوزه ورود کرده و با توجه به اختیارات قانونی خود، از رهبری به جای مدح و ستایش درباره سیاست های سه دهه کشور از او توضیح بخواهند که چرا کشور را به اینجا رسانده است.

رئیس مجلس ششم شورای اسلامی می نویسد: “خبرگان اگر خبرگان باشد باید از نتایج سیاست‌های راهبردی رهبر در سه دهه گذشته که کشور را به اینجا رسانده پرسش کند. خبرگان اگر خبرگان باشد باید از وضعیت اسف بار دستگاه قضا از رهبری سوال کند که با این احکام سیاسی روی محاکم رژیم منحوس پهلوی را سفید کرده است

شیخ محصور اصلاحات در نامه خود از خبرگان رهبری خواسته تا به “وضعیت نهادهای نظامی و اقتصادی زیر نظر رهبری که نقش اصلی و مهم در وضعیت اسفبار امروز مردم و کشور دارند رسیدگی” نمایند.

همچنین در این نامه از خواسته شده که “از رهبری نسبت به ورود سپاه، بسیج و نیروی انتظامی به بانکداری، فروش نفت و ... ” پرسش شود و همچنین از دخالت “نظامیان و ائمه جمعه” در امور جاری کشور!

متن نامه مهدی کروبی که جهت انتشار در اختیار سحام قرار گرفته بدین شرح است:

باسمه تعالی

اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری

سلام علیکم

این نامه را در آستانه اجلاس سالانه خبرگان که طبق سنوات گذشته در شهریور ماه برگزار

می‌شود خطاب به شما نوشتم و امیدوارم محتوی آن را به دور از پیش داوری و حب و بغض‌های ناشی از حوادث ۸۸ مورد توجه قرار دهید. در ابتدا این نامه لازم می‌دانم به روزهای بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ اشاره‌ای داشته باشم چرا که بر این باورم که بخش مهمی از گرفتاری‌های امروز ریشه در تصمیمات عجولانه همان روزها دارد.

در اردیبهشت ۶۸ پس از ده سال از اجرایی شدن قانون اساسی و تجربه عملی و عینی در اداره کشور امام هجرتی را با تعیین محدوده مسائل مورد تجدید نظر، مأمور اصلاح قانون اساسی کرد. مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورا و اینجانب از مجلس در کنار ۱۸ عضو دیگر به انتخاب امام در شورای بازنگری قانون اساسی قرار گرفتیم. انتخاب ۵ عضو دیگر به مجلس شورا واگذار شد که پس از انتخاب آنان شورای بازنگری کار خود را رسماً آغاز کرد.

ساختار قانون اساسی به گونه‌ای بود که مسئولان و کارشناسان از ناکارآمدی برخی اصول از جمله اصول مرتبط با قوای مجریه و قضائیه سخن می‌گفتند. در قانون پیشین رئیس‌جمهور منتخب مردم علیرغم آن جایگاه رفیع که ناشی از رأی مستقیم مردم بود در عمل قدرت اجرایی لازم را نداشت و همین امر از ابتدای انقلاب موجب اختلاف میان رؤسای جمهور با نخست وزیران وقت گردیده بود. برخی افراد هم از اشکالات سیستم قضایی و شورای عالی قضایی می‌گفتند و خواستار تمرکز مسئولیت در این قوه بودند.

در ارتباط با رهبری هم قانون اساسی صلاحیت علمی و تقوایی لازم برای افتاء و مرجعیت را از شرایط و صفات رهبری می‌دانست و آن روزها بحث عدم لزوم شرط مرجعیت برای رهبر یا شورای رهبری مطرح بود. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه هم اجتهاد مطلق می‌خواست و تقید به آن در عمل بس مشکل بود. از این‌رو امام در نامه خود به شورای بازنگری نظر خود را مبنی بر عدم لزوم شرط مرجعیت بیان کردند و مقرر شد در بازنگری شرط مرجعیت از صلاحیت علمی ولی فقیه حذف شود و به‌گونه‌ای بر روی اجتهاد تأکید گردد. متأسفانه امام در خلال بازنگری رحلت کردند. شب هنگام جلسه‌ای در بیت امام به محوریت مرحوم آقای هاشمی برگزار شد که کل بحث آن جلسه درباره شورای رهبری بود. در آن جلسه هرگز سخن از انتخاب یک فرد به میان نیامد. اسامی متعددی از سوی افراد برای عضویت در شورای رهبری مطرح و مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. اما فردای آن روز در جلسه فوق العاده خبرگان در ۱۴ خرداد ۶۸ مرحوم هاشمی برخلاف بحث‌های شب گذشته‌شان به نقل خاطرهای از امام پرداختند و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر موقت انتخاب گردید.

به حرمت رحلت امام شورای بازنگری به مدت یک هفته تعطیل شد. وقتی کار شورا پس از یک هفته از سر گرفته شد شاهد تغییر فضا بودیم به نحوی که برخی افراد چنان ولایی شده بودند که باورش سخت بود. در حقیقت رحلت او و انتخاب رهبر موقت همه چیز را به هم ریخت و برخی افراد نظرات جدیدی در جهت افزودن به قانون اساسی مطرح می‌کردند.

در این نامه تنها به سه مورد اشاره می‌کنم و از شما می‌خواهم در صورت امکان در اجلاس سالانه آن مجلس فرصتی برای اینجانب فراهم آورید تا از حصر تحت الحفظ نیروهای امنیتی در جلسه حضور یابم و مسائل دیگر را به تفصیل بیان کنم و اگر این امر را مقدور و یا به صلاح نمی‌دانید نمایندگان را از آن مجلس برای شنیدن نکات مورد نظرم به مکان حصر بفرستید.

اما موارد سه‌گانه:

۱، افزودن لفظ مطلقه: پس از تعیین آقای خامنه‌ای شرائط حاکم بر شورای بازنگری تغییر کرده بود و ایشان در جایگاه رهبر نظام در جلسات و بحث‌های حساس حضور می‌یافتند. در شورای بازنگری افزودن لفظ “مطلقه” به ولایت فقیه و افزایش حدود و اختیارات این مقام از سوی افرادی از جمله مرحوم آیت‌الله آذری‌قمی دنبال می‌شد. ایشان در خلال صحبت‌های‌شان گفتند تعدادی از فرماندهان ارشد سپاه در دیدار با اساتید حوزه خواستار درج عبارت “مطلقه” در قانون اساسی شدند. آقای آذری در آن روز گفت من خجالت می‌کشم وقتی سپاهیان این موضوع را می‌فهمند و برخی هم لباس‌های من اهمیت آن را درک نمی‌کنند!!! در این ارتباط بحث و گفتگوی فراوانی صورت گرفت و از مغایرت آن با سایر اصول قانون اساسی صحبت شد. آیت‌الله خامنه‌ای در پایان بحث گفتند حالا که در این مورد صحبت شده با آن موافقت کنید. چند سال بعد وقتی مرحوم آذری قمی با موضوع مرجعیت رهبری که سنت دیرینه شیعه را به چالش کشانده بود مواجه شدند، مخالفت خود را با این موضوع علنی بیان کردند که البته مغضوب شدند و بعدها به طرق مختلف از اقدامات پس از رحلت امام و مواضع‌شان در بازنگری و خبرگان اظهار ندامت کردند.

۲، لغو مدت زمان ده سال: در بازنگری تصمیم مهمی در ارتباط با مقام رهبری اتخاذ شد. بدین نحو که هیئت مسئولیت مادام‌العمری برای رهبر قائل نبود و مدت زمان ۱۰ سال را برای این مسئولیت مهم در نظر گرفته بود. روزی مرحوم آقای هاشمی از قول برخی مدرسین حوزه گفتند که آنان خواستار لغو محدودیت زمانی هستند. ما اما با لغو مصوبه پیشین مخالف بودیم و گفتیم درباره این موضوع قبلاً بحث شده و تصمیم گرفته شده است. اما ایشان گفتند حالا رأی می‌گیریم که این محدودیت را حذف کنیم. لذا وقتی مرحوم هاشمی لغو مصوبه پیشین را به رأی گذاشتند و سپس با شمارشی سطحی و سریع مدعی شدند که لغو محدودیت ۱۰ ساله رهبری رأی آورده است من به اعتراض پیش ایشان رفتم و از وی خواستم دوباره رأی‌گیری کند. به ایشان گفتم بارها در مجلس شورای اسلامی با آن تعداد وقتی در رأی‌گیری شفاهی (قیام و قعودی) تشکیک می‌شود دوباره رأی می‌گیریم و اینجا با تعداد محدود اعضا (۲۵ نفر) چرا دوباره رأی نمی‌گیرید تا رفع شبهه شود. او موضوع را به شوخی برگزار کرد و از من خواست به صندلی‌ام برگردم.

۳، انحلال مجلس: موضوع انحلال مجلس توسط رهبری پس از نصب آقای خامنه‌ای از سوی برخی افراد در شورای بازنگری دنبال می‌شد. آنان در کنار دیگر اختیارات رهبری در اصل ۱۱۰ به دنبال احصا کردن امکان انحلال مجلس توسط این مقام بودند. لذا هماهنگی‌های لازم را صورت دادیم تا پیشنهاد انحلال مجلس رأی نیاورد که از این پیشنهاد عقب‌نشینی شد. از مرحوم آیت‌الله خزعلی که هم قومی ما بود و رفاقت و دوستی دیرینه‌ای داشتیم شنیدیم که آقای خامنه‌ای در مقابل پرسش وی که چرا این پیشنهاد در جلسه طرح نشد گفته بودند وقتی مطمئن شدیم این پیشنهاد زمینه‌ای برای رأی ندارد از طرح آن منصرف شدیم. البته لازم به ذکر است که مرحوم خزعلی برخلاف ما خواستار درج چنین اختیاری برای رهبری بودند. خوشبختانه اختیار انحلال مجلس در زمره اختیارات رهبری احصا نشد در غیر اینصورت احتمالاً مجالس سوم و ششم رسماً منحل می‌شدند.

اعضای مجلس خبرگان

سخن از نفی استبداد و حاکمیت خودکامه فردی را در روزهای انقلاب فراموش نکرده‌ایم. این مهم در مقدمه قانون اساسی لحاظ گردیده و مشروعیت سیاسی بنیانگذار این نظام با آن ویژگی‌ها هم ناشی از حضور و حمایت میلیونی مردم دانسته شده است. قانون اساسی مشروع بخش همه‌ی ارکان قدرت در جمهوری اسلامی است. اصل ۱۰۷ قانون اساسی تعیین رهبر را بر عهده مجلس خبرگان که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود گذاشته است و اصل ۱۱۱ همین قانون با صراحت می‌گوید: “هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است.”

در نظام سلطنتی شخص شاه با استدلالی واهی از مسئولیت مبری گردیده بود و همین امر موجب فساد و سقوط آن سیستم گردید اما انقلاب اسلامی آن دیدگاه را به زباله‌دان تاریخ انداخت و این اصل بزرگ و زیبا، کلام راع و کلام مسئول را در قانون اساسی حاکم نمود؛ اگرچه در عمل این اصل بزرگ اجرا نگردید. در قانون اساسی هیچ قدرتی بدون نظارت و پاسخگویی وجود ندارد و تصور غیر پاسخگو بودن ریشه‌ای جز خودمحوری و خودکامگی ندارد. همانطور که رئیس‌جمهور و وزراء در مقابل مجلس پاسخگو و قابل استیضاح و عزلند، رهبری که بالاترین مقام سیاسی کشور است و تصمیمات این مقام بیشترین تأثیر را بر سرنوشت مردم و کشور دارد باید در قبال تصمیمات، سیاست‌های اتخاذی و عملکرد زیر مجموعه‌اش پاسخگو باشد. اتفاقاً این موضوع وقتی بحث اصلاح لایحه مطبوعات در مجلس ششم مطرح بود از سوی رهبری بیان شد. آیت‌الله خامنه‌ای گفتند اگر من در این زمینه اقدام نمی‌کردم خبرگان در این باره از من سؤال می‌کرد.

در قانون اساسی اهرم نظارت و کنترل بر قوای مجریه و مقننه پیش‌بینی گردیده و تا حدودی هم اعمال می‌گردد. اگر در حال حاضر مجلسی زنده و پویا نداریم تا در مقابل کوتاهی، ضعف‌ها و یا فساد احتمالی برخی از اعضای دولت و یا نهادهای ناقض قانون قرار گیرد این امر ناشی از قلع و قمع شورای نگهبان است که شایسته‌گان را به تیغ نظارت استصوابی از حق انتخاب شدن محروم کرده است.

همین امر در مورد خبرگان هم صادق است. در سال پایانی دوره اول مجلس خبرگان رهبری مکان جلسات این مجلس از ساختمان مجلس شورای اسلامی به حسینیه بیت رهبری برده شد و سپس طرح اصلاح آئین‌نامه خبرگان (بدون اطلاع رئیس وقت آن مجلس که شرح کامل آن در نامه اینجانب به آیت‌الله مشکینی در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۷۷ آماده است) مبنی بر واگذاری احراز صلاحیت نامزدها از مراجع و استادان به شورای نگهبان تهیه و ماه‌ها بعد در نشست خبرگان تصویب شد. هدف کنترل خبرگان بود که اینچنین حاصل شد. حذف چهره‌های برجسته‌ای از خبرگان اول در انتخابات دوره دوم (سال ۱۳۶۹) مانند آیات دستغیب و احسان بخش و حجت‌السلام و المسلمین جمی در کنار دیگر نامزدها و چهره‌های شاخصی که اجتهادشان توسط مراجع و اساتید بزرگ تأیید شده بود لطمه بزرگی به استقلال خبرگان وارد ساخت. واگذاری سرنوشت مجلس خبرگان که طبق قانون اساسی نصب، عزل و نظارت بر رهبری را بر عهده دارد به منصوبین رهبری در شورای نگهبان که اتفاقاً اعضای آن همواره کاندیدای این مجلس هستند دور باطلی را ترسیم کرد و این رکن مهم قانون اساسی را از خاصیت تهی گرداند.

هرچه جلوتر آمدیم دامنه حذف چهره‌های شناخته شده نظام گسترش یافت تا جایی که شخصیت‌هایی نظیر آیات و حجج الاسلام حاج سیدحسن خمینی، حجتی کرمانی، بجنوردی، عباسی‌فر و ... را در بر گرفت. معلوم نیست برخی چه رویاهایی برای خبرگان در سر دارند که برای تحقق آن همه باید قربانی شوند.

قانون اساسی خبرگان را با وظیفه‌ای معین ناظر بر مقام رهبری با آن اختیارات وسیع قرار داده است. این قانون مقرر کرده که هیچ نهادی بر این مجلس نظارت و احاطه نداشته باشد. این مجلس طبق قانون اساسی عالی‌ترین مرجع نظارتی در جمهوری اسلامی است و هیچ یک از نهادهای نظارتی نمی‌توانند مطابق مَر قانون اساسی مانع انجام وظایف قانونی آن در انتخاب، سؤال و یا عزل رهبر شوند. اما افرادی نظیر مرحوم مهدوی‌کنی بودند که علی‌رغم این صراحت قانونی می‌گفتند خبرگان حافظ رهبری است نه ناظر بر رهبری که پر واضح است این دیدگاه نه با فلسفه وجودی مجلس خبرگان همخوانی دارد و نه با قانون اساسی.

چند روز پیش در خبری خواندم که کمیسیون سیاسی و اجتماعی مجلس خبرگان به بررسی مسائل اقتصادی و تحولات بازار سکه و ارز پرداخته است. پیش از آن هم بیانیه‌ای به نام خبرگان منتشر شد که در آن “خروج از برجام، تکلیف شرعی و قانونی دستگاه دیپلماسی” خوانده شده بود و از مجلس و دولت خواسته بود که اقدامات لازم را در این مسیر بکار ببندند. این بیانیه به جای خبر از نظارت این مجلس بر عملکرد رهبر و نهادهای قدرتمند زیر نظر وی تنها به مدح و ستایش عجیب از او با لفظ “آیت‌الله العظمی” پرداخته بود و خارج از حیطه قانونی‌اش برای دیگر ارکان نظام تعیین تکلیف کرده بود و خواستار عذرخواهی رئیس‌جمهور به‌واسطه خسارات وارده از برجام شده بود. در این بیانیه آمده بود: “خبرگان ملت، درباره مبارزه قاطع با پدیده قاچاق و کنترل بازار ارز و سکه و اصلاح نظام بانکی و پولی و چرایی معطل کردن ظرفیت کشور در بخش اقتصادی بر برجام و رفع تحریم‌ها، سؤالات جدی از رئیس‌جمهور و دولت دارند.” البته برخی از اعضا این مجلس گفته‌اند که از این بیانیه اطلاعی ندارند و صدور آن ارتباطی با آنان نداشته است.

اعضای محترم خبرگان رهبری

سؤالات جدی از رئیس‌جمهور و دولت بر عهده مجلس است نه خبرگان. قانون اساسی حق سؤال و استیضاح، برکنار کردن اعضای کابینه و حتی عدم کفایت رئیس‌جمهور را به مجلس شورای اسلامی داده است. خبرگان وظیفه دیگری دارد که متأسفانه تاکنون به آن نپرداخته است. خبرگان اگر خبرگان باشد باید از نتایج سیاست‌های راهبردی رهبر در سه دهه گذشته که کشور را به اینجا رسانده پرسش کند. خبرگان اگر خبرگان باشد باید گزارشی جامع از نظارت خود بر رهبر و نهادهای زیر مجموعه وی که دامنه ناتمام آن تمامی ابعاد کشور را در بر گرفته ارائه کند. فقدان نظارت مؤثر خبرگان بر رهبری و نهادهای زیر نظر این مقام از جمله شورای نگهبان، سپاه پاسداران، بسیج، قوه قضائیه، صدا و سیما، و بنیادها و نهادهای اقتصادی در سه دهه گذشته خسارات جبران‌ناپذیری به کشور و مردم وارد کرده است که در این نامه هدف به گشودن ابعاد آن ندارم. اما صریحاً می‌گویم با این شیوه مدیریت، کشور به دوران پیش از مشروطه یعنی به زمان قاجار برگشته است.

آیا وقت آن نرسیده به وضعیت نهادهای نظامی و اقتصادی زیر نظر رهبری که نقش اصلی و مهم در وضعیت آسفبار امروز مردم و کشور دارند رسیدگی کنید و گزارشی کامل به

صاحبان انقلاب ارائه کنید؟ حتماً در جریان اختلاس و ورشکستگی بانک‌های نظامیان هستید و می‌دانید ده‌ها هزار میلیارد خسارت این بانک‌ها به دولت واگذار شده و بناست هزینه غارت و حیف و میل برخی اشخاص از گرده ملت پرداخت شود.

چرا از رهبری نسبت به ورود سپاه، بسیج و نیروی انتظامی به بانک‌داری، فروش نفت و ... پرسش نمی‌کنید؟ چرا از دخالت‌های فرماندهان سپاه بر امور سیاسی و اقتصادی کشور و یا تعیین مرزهای دیپلماسی که مغایر قانون اساسی و فرمان امام است پرسش نمی‌کنید؟ چرا از دخالت‌های دستوری برخی از ائمه جمعه در امور جاری کشور پرسش نمی‌کنید؟ چرا از مجازات خودسر و غیرقانونی ۸ ساله دکتر زهرا رهنورد بانویی قرآن پژوه که آثار علمی‌اش پیش از انقلاب نیز مطرح بوده نمی‌پرسید؟

جا دارد خبرگان از وضعیت اسفبار دستگاه قضا از رهبری پرسش کند. دستگاهی که سلامت هر نظامی مرهون سلامت آن است. بر اساس قانون اساسی دستگاه قضا قوه‌ای مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول عدالت در کشور است. این قوه بنا بود در راستای احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع قدم بردارد اما در عمل امروز به جای انجام آن وظائف مهم و خطیر، خود به محور ظلم و تعدی به مردم تبدیل گردیده است. احکام ننگین چند شعبه خاص علیه روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی، حقوق بشری و محیط زیستی، دانشجویان، معلمان، کارگران و زنان را مطالعه کنید تا ببینید این احکام صرفاً سیاسی روی محاکم نظامی رژیم منحوس پهلوی را سفید کرده است. آنانی که پیش از انقلاب در مبارزه با سلطنت خودکامه حضور فعالی داشتند، شکنجه شدند و زندان رفتند به خوبی می‌دانند که دادگستری آن رژیم بدون دخالت نهاد قدرت به کار قضایی خود مشغول بود و محاکم نظامی به دستور مقامات سرکوبگر در مقابل مخالفین قرار گرفته بود. احکام سنگین مخالفین در محاکم نظامی برای کسانی که مبارزه مسلحانه می‌کردند صادر می‌شد. بسیاری از مبارزین فکری و اندیشه‌ای از جمله برخی از چهره‌های مؤثر نظام در آن زمان دستگیر شدند اما در دادگاه نظامی حتی محکوم هم نشدند. در سال‌های پایانی وقتی شاه مغرورتر و مستبدتر شده بود شاهد محکومیت‌های سنگین برای مخالفان فکری و اندیشه‌ای بودیم.

عدالت قضایی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی ۵۷ بود اما دستگاه قضایی امروز به مسئولیت آقای صادق لاریجانی احکام عجیبی علیه فعالان و منتقدین صادر کرده و می‌کند. به طور نمونه ببینید چه بر سر خانم نرگس محمدی به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری آورده‌اند. این مادر از هنگام خردسالی دو فرزندش محکوم به ۱۶ سال زندان گشته و سالهاست که در زندان است. همین رفتار با زنان جوان دیگری که با اتهام‌های واهی روانه زندان شده‌اند صورت گرفته است و آنان را از دیدار فرزندان نوزاد و خردسال‌شان محروم کرده‌اند. آیا این همان عدالتی است که در دوران مبارزه به مردم وعده دادیم؟ مطالعه کنید و ببینید رفتاری که با عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری آنهم بخاطر دفاع از متهمین سیاسی و حقوق بشری صورت گرفته چگونه بوده است. او بیش از ۸ سال است که بخاطر تعهد حرفه‌ای‌اش در بند است. اخیراً هم دکتر شعله سعدی نماینده سابق مجلس و وکیل دادگستری را به همراه وکیل محترم دیگری با پابند و دستبند روانه زندان کرده‌اند. آیا تعداد زنان زندانی (منتقد حکومت) در دوران پهلوی با حال حاضر قابل قیاس است؟ در آن زمان عموماً با زنانی که در مبارزه مسلحانه حضور پیدا می‌کردند برخورد سنگین قضایی می‌شد اما در دستگاه قضا جمهوری اسلامی زنان

و دختران دانشجو و معترض به صرف یک اعتراض با احکام سنگینی که زندگی آنان را از اساس متلاشی می‌کند مواجه شده‌اند. آیا فرصت کرده‌اید احکام سنگین قضایی علیه معترضین ۸۸، حوادث دی ماه سال گذشته و اعتراضات اخیر که بیشترشان هم از جوانان هستند را مطالعه کنید؟

یقین دارم از آنچه بر درویش مظلوم گذشته باخبر هستید. ببینید جریانی که فهم و درک‌اش از جمهوری اسلامی یک حکومت بی‌تحمل فرقه‌ای است چه بلایی بر سر درویش و دیگر اقلیت‌ها آورده است. آیا خبر ندارید تعداد زیادی از زنان و مردان درویش را به طور فله‌ای دستگیر و در دادگاهی نمایشی به حبس‌های طویل‌المدت محکوم کرده‌اند که یک نمونه آن محکومیت ۲۶ ساله فعال رسانه‌ای شان می‌باشد. چگونه می‌توان تعدی‌هایی که به نام اسلام، انقلاب و روحانیت صورت می‌گیرد را دید و دم بر نیآورد. در عجبم از سکوت قبرستانی برخی اشخاص در قبال این همه ظلم و تباهی!!!

پرسش اساسی این است که چرا عدالتخانه نظام اسلامی به این روز سیاه نشسته است؟ عدالتخانه‌ای که روزی همچون مرحوم آیات بهشتی و اردبیلی و آیت الله العظمی صانعی در آن حضور داشتند و امروز کسی بر مسندش نشانده شده که کوچکترین قرابتی با انقلاب، جنگ و آرمان‌هایش نداشته و ندارد. این‌که بگوئیم فرزند آیت الله العظمی آملی است و برادر کوچک علی آقا رئیس مجلس. پاسخ شما بعنوان ناظر رهبری به این پرسش اساسی مردم که روزانه شاهد ذبح عدالت بنام حفظ قدرت هستند چیست؟

اعضای محترم خبرگان رهبری

در شورای بازنگری ما بر این باور بودیم که افزایش این مقدار قدرت بدون محدودیت زمانی در یک فرد خطرناک و زیان بار است. تلاش‌مان را هم کردیم و گذر زمان ثابت کرد که مخالفت ما با حذف محدودیت زمانی رهبر تا چه اندازه درست بوده است. من به اصلاحات باور دارم اما پالایش و اصلاحاتی که ساختار نظام را در جهت حق تعیین سرنوشت مردم بدون نگاه قیم‌مآبانه فرد یا گروهی اصلاح کند. من این راه را کم هزینه‌ترین راه برای کشور، امنیت مردم و حفظ تمامیت ارضی سرزمین‌مان می‌دانم. راهکار این امر را هم در کنار گذاشتن نظارت استصوابی و برگزاری انتخابات‌هایی آزاد و ملی می‌دانم. بدون تردید سر منشأ فساد فراگیر قدرت و ثروت که متأسفانه دامنه آن روز به روز در حال افزایش است همین نظارت استصوابی است که نتیجه‌ای جز محروم کردن افراد از انتخاب کردن و انتخاب شدن و از کار افتادن اهرم‌های نظارتی نداشته است. من از روزی که این نظارت غیر قانونی پایه‌گذاری شد با آن مخالفت کردم و دلایل خود را در دو نامه به رهبری و مرحوم هاشمی رئیس‌جمهور وقت در تاریخ پنجم و دهم فروردین ۱۳۷۱ بیان کردم اما نبود گوش شنوا. در آن روز بیش از ۴۰ نماینده مجلس که برخی از آنان همچون آیت الله بیات زنجانی نایب رئیس مجلس سوم که در سه دوره مجلس حضور داشتند از گردونه رقابت در کنار خیل دیگر نامزدها حذف گردیدند. در دو دهه هفتاد و هشتاد بارها در نامه‌های سرگشاده‌ام به آقای جنتی و دیگر مقامات به تفصیل به این معضل پرداختم. مبالغه نیست اگر بگویم تنها کسی هستم که از ابتدای اجرای این نظارت در دیدارها و نامه‌نگاری‌هایم با رهبری، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس خبرگان، مراجع، دبیر و اعضای شورای نگهبان از مضار آن که جمهوریت و کارآمدی نظام را نادیده گرفته بود سخن گفتم.

در آستانه چهلمین سال انقلاب باید با صراحت بگوئیم که نه تنها نتوانسته‌ایم به آرمان‌های انقلاب وفادار بمانیم بلکه به دلیل همین خودمحوری‌ها و عطش سیری ناپذیر قدرت کارنامه پر افتخار روحانیت شیعه را که در گذر بیش از هزار سال تلاش بزرگان به دست آمده بود ویران کردیم. باید بپذیریم که شیوه غلط و بدتر از آن اصرار بر همان شیوه غلط مردم را اینچنین در مقابل نظام قرار داده است.

خدا را گواه می‌گیرم که اگر نبود وظیفه شرعی و ملی و نگرانی‌ام نسبت به سرنوشت کشور این دغدغه‌ها را هرگز از حصر با شما مطرح نمی‌کردم و در عسرت و عزلت پیش آمده با استناد به حصر تحمیلی بار مسئولیت تاریخی از خود بر می‌داشتم و به توصیه برخی از عزیزانم که نگران وخیم‌تر شدن اوضاع این حصر هستند عمل می‌کردم. اما با وظیفه شرعی و ملی‌ام چه کنم؟ از انصاف و جوانمردی برای کسی که عمر خود را در این مسیر پر حادثه گذرانده به دور است که در آغاز دهه هشتاد عمرش و بخاطر مصلحت فردی‌اش زبان در کام گیرد و راه برون رفت از بحران را صریح و شفاف نگوید اگرچه به مذاق برخی خوش نیاید. چه کنم که دل در گرو کشور، انقلاب و قانون اساسی دارم و از آنجاکه به پالایش ساختاری نظام باور دارم و در همین چارچوب فعالیت می‌کنم با شما سخن گفتم و در پایان یادآور می‌شوم که همین میثاق ملت برای ممانعت از خودکامگی، نظارت بر بالاترین مقام کشور و نهادهای زیر نظر وی را به شما داده است. هرگونه کوتاهی در قبال آن خیانتی است به سرنوشت ملتی که این روزها گرفتار زیاده‌خواهی و بی‌تدبیری جمعی گردیده‌اند که به نام دین و انقلاب به قدرت و ثروت آلوده شده‌اند و حاضر به ترک آن نیستند. خدا می‌داند این زیاده‌خواهی و انحراف چه بستری برای دشمنان قسم خورده این سرزمین فراهم آورده تا از این آب گل الود ماهی خود را بگیرند.

تردیدی نیست که همه ما به میزان سهم و نقش‌مان باید مسئولیت خود را پذیرا باشیم. اینجانب اگر عمری داشتم در زمان مقتضی درباره شکست و ناکامی‌های اصلاحات و اصلاح‌طلبان در دو دهه گذشته و عدم توجه به صحبت‌های ناصحانه به تفصیل صحبت خواهم کرد. بازخوانی حوادث آن روزها نه برای سرزنش و ملامت اشخاص بلکه برای درس گرفتن از اشتباهات گذشته است که ان‌شاءالله در آینده تکرار نگردد.

صاحبان قلم و اندیشه بر من خرده نگیرند که این قانون ایرادات و اشکالات دیگری هم دارد. طبیعی است که ایرادات جدی به برخی اصول قانون اساسی وارد است و باید در جهت حاکمیت و خواست مردم قانون اساسی به روز شود. ۱۰ سال پس از انقلاب این قانون اصلاح و بازنگری شد و قطعاً پس از ۲۹ سال از آخرین بازنگری آنهم با تجربه عینی و عملی امروزمان باید مجدداً اصول متعدد آن به نفع حاکمیت و نظارت مردم اصلاح شود بنحوی که انحصار قدرت در ید یک فرد برای همیشه در این سرزمین کنار گذاشته شود و مردم نه در حرف و کلام بلکه در عمل حاکم بر سرنوشت خویش گردند.

والسلام

مهدی کروبی ۱۱ شهریور ۱۳۹۷

بیانیه جمعی از نمایندگان ادوار مجلس در حمایت از نامه‌ی مهدی کروبی: مقدس و غیرپاسخگو خواندن رهبری، تعطیلی قانون اساسی و در نهایت جمهوریت نظام را در پی خواهد داشت

چکیده : ما به عنوان جمعی از نمایندگان مجلس از نامه حجه الاسلام والمسلمین کروبی به اعضای مجلس خبرگان رهبری حمایت می‌کنیم و از نمایندگان این مجلس می‌خواهیم مجدانه باب نظارت علنی قانونی بر نهاد رهبری را بگشایند، هرچند سوگمندانه عملکرد اجلاس اخیر این مجلس همانند هیچ قرابتی با وظائف قانونی و اختیارات این نهاد نداشت، و بازهم بگونه سابق عمل و ذوب در ولایت عمل کرد!

کلمه - گروه خبر: جمعی از نمایندگان ادوار مجلس از جمله احمد سلامتیان، علی اکبر موسوی (خوئینی)، علی مزروعی، و حسن یوسفی اشکوری در بیانیه‌ای از نامه‌ی اخیر مهدی کروبی شیخ در حصر خطاب به اعضای مجلس خبرگان رهبری حمایت کردند.

به گزارش کلمه متن این بیانیه به شرح زیر است:

نزدیک به هشت سال از حصر و حبس خانگی غیرقانونی آقایان مهدی کروبی و میرحسین موسوی و سرکار خانم زهرا رهنورد می‌گذرد اما این حصریان همچنان مقاوم و اتوار بر مطالبات قانونی خود از حاکمیت ایستاده‌اند.

در این شرایط جناب کروبی هرازگاه با صدور بیانیه و نامه به بیان دیدگاه تحلیلی خود در تناسب با موقعیت اقدام و توجه همگان را به وظائف قانونی قوا و نهادهای حاکم جلب می‌نماید. نامه اخیر وی در آستانه برگزاری اجلاس مجلس خبرگان خطاب به اعضای آن باردیگر توجه و تمرکز عموم شهروندان را به وظائف خطیری که اعضای این مجلس به نمایندگی از ملت برای نظارت بر عملکرد رهبری نظام و نهادهای زیرنظر وی و پاسخگو کردن وی دارند، جلب کرد.

جناب کروبی در فرازی از نامه خود خطاب به اعضای مجلس خبرگان یادآور شد: "در قانون اساسی هیچ قدرتی بدون نظارت و پاسخگویی وجود ندارد و تصور غیر پاسخگو بودن ریشه‌ای جز خودمحوری و خودکامگی ندارد. همانطور که رئیس‌جمهور و وزراء در مقابل مجلس پاسخگو و قابل استیضاح و عزلند، رهبری که بالاترین مقام سیاسی کشور است و تصمیمات این مقام بیشترین تأثیر را بر سرنوشت مردم و کشور دارد باید در قبال تصمیمات، سیاست‌های اتخاذی و عملکرد زیر مجموعه‌اش پاسخگو باشد."

از اینرو با صراحت بیان داشته‌اند: "خبرگان اگر خبرگان باشد باید از نتایج سیاست‌های راهبردی رهبر در سه دهه گذشته که کشور را به اینجا رسانده پرسش کند. خبرگان اگر خبرگان باشد باید گزارشی جامع از نظارت خود بر رهبر و نهادهای زیر مجموعه وی که دامنه ناتمام آن تمامی ابعاد کشور را در بر گرفته ارائه کند. فقدان نظارت مؤثر خبرگان بر رهبری و نهادهای زیر نظر این مقام از جمله شورای نگهبان، سپاه پاسداران، بسیج، قوه قضائیه، صدا و سیما، و بنیادها و نهادهای اقتصادی در سه دهه گذشته خسارات جبران ناپذیری به کشور و مردم وارد کرده است که در این نامه هدف به گشودن ابعاد آن ندارم. اما صریحاً می‌گوییم با این شیوه مدیریت، کشور به دوران پیش از مشروطه یعنی به زمان قاجار برگشته است."

و در آخر از اعضای مجلس خبرگان پرسیده‌اند: "آیا وقت آن نرسیده به وضعیت نهادهای نظامی و اقتصادی زیر نظر رهبری که نقش اصلی و مهم در وضعیت آسفبار امروز مردم و کشور دارند رسیدگی کنید و گزارشی کامل به صاحبان انقلاب ارائه کنید؟ حتماً در جریان اختلاس و ورشکستگی بانک‌های نظامیان هستید و می‌دانید ده‌ها هزار میلیارد خسارت این بانک‌ها به دولت واگذار شده و بناست هزینه غارت و حیف و میل برخی اشخاص از گرده ملت پرداخت شود."

ما به عنوان جمعی از نمایندگان مجلس از نامه حجه الاسلام والمسلمین کروبی به اعضای مجلس خبرگان رهبری حمایت می‌کنیم و از نمایندگان این مجلس می‌خواهیم مجدانه باب نظارت علنی قانونی بر نهاد رهبری را بگشایند، هرچند سوگمندانه عملکرد اجلاس اخیر این مجلس همانند هیچ قرابتی با وظائف قانونی و اختیارات این نهاد نداشت، و بازهم بگونه سابق عمل و ذوب در ولایت

عمل کرد!

ما نظارت بر نهاد رهبری را رکنی مهم از قانون اساسی می‌شماریم، و هشدار می‌دهیم که با مقدس و غیرپاسخگو خواندن رهبری، آگاه یا ناخودآگاه، تعطیلی قانون اساسی و در نهایت جمهوریت نظام را در پی خواهد داشت.

ما توجه همه شهروندان و معتقدان به حاکمیت قانون را به این موضوع مهم جلب می‌کنیم که فرو گذاشتن هر بخش از قانون اساسی دفاع ما را از کلیت آن قانون و دیگر ارکان نظام سیاسی را در تحلیل نهایی ناممکن می‌کند.

در غیاب "حاکمیت قانون" و "اجرای بدون تنازل قانون اساسی" آنچه معیار اداره کشور قرار خواهد گرفت، زور و سرکوب عربان است که به شهادت تاریخ این مرز و بوم همواره فاجعه آفریده است. جمعی از نمایندگان ادوار مجلس: احمد سلامتیان، علی اکبر موسوی (خوئینی)، علی مزروعی، و حسن یوسفی اشکوری.

انتقاد «مطهری» از قطعنامه پنجمین اجلاس خبرگان

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی از قطعنامه پنجمین اجلاس رسمی مجلس خبرگان که به گفته وی صرفاً شامل رهنمودهای اقتصادی است، انتقاد کرد و گفت که بهتر است این مجلس در قطعنامه پایانی اجلاس‌های خود گزارشی از وظایفش را به مردم ارائه کند.

آفتاب‌نیوز:

علی مطهری در یادداشتی با عنوان «مجلس خبرگان و قانون اساسی» نوشت: «اصل ۱۱۱ قانون اساسی می‌گوید: "هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یک صد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است."

به گزارش آفتاب‌نیوز، پس وظیفه اصلی مجلس خبرگان رصد کردن و نظارت بر بقای شرایط رهبر است. این شرایط مطابق اصل پنجم و یکصد و نهم قانون اساسی عبارتند از صلاحیت علمی، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. در میان این شرطها شرط عدالت که ناظر به عملکرد رهبر است از همه مهمتر است. مجلس خبرگان رهبری موظف است علاوه بر سایر شروط دائماً بر بقای شرط عدالت در رهبر نظارت داشته باشد و در قطعنامه پایانی اجلاس‌های خود گزارشی از این امر به مردم بدهد که مثلاً ما گزارشی از وضعیت نهادهای زیر مجموعه رهبری به ایشان دادیم یا چند سوال را با مقام رهبری مطرح کردیم و ایشان پاسخ دادند، چیزی که مورد رضایت خود مقام رهبری نیز هست و ایشان بارها به ضرورت سوال و انتقاد از خودشان تصریح کرده‌اند.

متأسفانه مرحوم آیت الله مهدوی کنی نظارت مصرح در اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی بر رهبر را به صیانت از رهبر تفسیر کردند، تفسیری که خلاف نص این اصل و تداعی کننده اندیشه سیاسی قرون گذشته اروپاست که می‌گفتند حاکم در مقابل خدا مسؤولیت دارد و پاسخگوست اما در مقابل مردم چنین نیست و همین امر باعث گریز مردم اروپا از دین شد.

نگاهی به قطعنامه پنجمین اجلاس رسمی مجلس خبرگان رهبری که صرفاً شامل رهنمودهای اقتصادی است نشان می‌دهد که مجلس خبرگان به کلی از مسیر قانونی خود خارج شده و وارد حوزه اختیارات مجلس و دولت شده است. ورود به موضوع بازار ارز و سکه چه ارتباطی با وظایف این مجلس دارد؟ حال که مجلس خبرگان به وظیفه اصلی خود نمی‌پردازد بهتر است از برگزاری اجلاس‌های خود که موجب استهلاک بیت المال است صرف نظر کند.»

منبع: ایسنا

«حقایق» جامعه از چشم رهبری و خبرگانش

چکیده: در بخش‌های دیگر صحبتش از دولت حمایت کرد و از مخالفان خواست «خوبی‌ها را هم ببینند». وقتی کسی در دوره‌های مختلف، درست هنگامی که دولت نامطلوبش نسبتاً موفق عمل می‌کرد خودش خوبی‌ها را ندید و پشتیبان تندترین حملات بود؛ معنای کاری که الان دارد در ضعیف‌ترین دوران عملکرد دولت می‌کند حمایت از آن نیست بلکه ترس از فروپاشی کلیت نظام است

محمد جواد اکبرین

اجلاس آروزی مجلس خبرگان رهبری دیروز پایان یافت و در بیانیه‌ی پایانی‌اش بر «حمایت از جبهه مقاومت؛ فلسطین، لبنان، سوریه، یمن و بحرین/اشتغال/اصلاح ساختار بانکی/وظائف قوای سه‌گانه» تاکید کرد. آخرش هم توصیه کرد به صرفه‌جویی و قناعت. یعنی در ۸ بند، دریغ از یک کلمه‌ی مرتبط با شرح وظائف خبرگان!

عبدخدایی، یکی از نمایندگان این مجلس هم در تپش گفت: «به عنوان عضو خبرگان حق دارم از مسئولان بپرسم که تا چه اندازه دستور رهبری درباره اقتصاد مقاومتی را اجرایی کرده‌اند؟» هیچکس هم نبود به او بگوید که از قضا فقط به عنوان «یک شهروند» حق دارد از مسئولان بپرسد، نه به عنوان «عضو خبرگان»! شرح وظائف خبرگان در اصل ۱۱۱ قانون اساسی آمده که عبارت است از نظارت بر عملکرد رهبری و عزل و نصبش، نه پرسش از مسئولان!

امروز هم رفته‌اند دستبوس، تا موحدی کرمانی، نایب‌رئیس مجلس در گزارش این آروز بگوید: «اجلاس اخیر به مسائل اقتصادی و میزان موفقیت قوای سه‌گانه در حل آنها اختصاص داده شد». رهبری هم گفت: «رجزخوانی نمی‌کنیم بلکه با اطلاع دقیق می‌گوییم که کشور در حال حرکت به سمت مفاهیم و آرمانها و حقایق انقلابی است/حضور گسترده جوانان در راهپیمایی اربعین، اعتکاف، نماز جماعات دانشگاهها و جلسات ماه رمضان، نشان‌دهنده‌ی پیشرفت در زمینه‌های معنوی است».

در بخش‌های دیگر صحبتش از دولت حمایت کرد و از مخالفان خواست «خوبی‌ها را هم ببینند». وقتی کسی در دوره‌های مختلف، درست هنگامی که دولت نامطلوبش نسبتاً موفق عمل می‌کرد خودش خوبی‌ها را ندید و پشتیبان تندترین حملات بود؛ معنای کاری که الان دارد در ضعیف‌ترین دوران عملکرد دولت می‌کند حمایت از آن نیست بلکه ترس از فروپاشی کلیت نظام است. بماند که «حقایق» را باید در سفره و سفر و آب و آبروی مردم جستجو کرد نه در راهپیمایی اربعین، اعتکاف، نماز جماعات دانشگاهها و جلسات ماه رمضان.

وفد من الحوزة العلمية الزينية يزور علماء ومشايخ العلويين في سورية



قام وفد من إدارة الحوزة العلمية الزينية، المجاورة للحرم الزيني المطهر في العاصمة السورية دمشق، بزيارة علماء ومشايخ العلويين، في الساحل السوري.

الزيارة جاءت في إطار التواصل، وتعزيز العلاقات التاريخية التي تأسست وترسخت على اليد الكريمة لمؤسس الحوزة الزينية، الشهيد السعيد، آية الله، السيد حسن الشيرازي قدس سره الشريف. ضم الوفد الزائر الشيخ سماحة حسن عبد الهادي مدير الحوزة العلمية الزينية، وفضيلة الشيخ مقبل أحد أساتذة الحوزة الزينية.

وقد التقى الوفد في مدينة اللاذقية بأصحاب الفضيلة الشيخ محمد بدور، الشيخ راجي ناصر، الدكتور الشيخ غالب السيد، الشيخ موفق غزال، الشيخ ذوالفقار غزال، الشيخ غسان حمدان، الشيخ يوسف خدام، الشيخ لقمان بدر، الشيخ غيدق غزال، الشيخ فرزدق غزال، الشيخ دريد قادرو، الشيخ محمد رضا حاتم، الشيخ عبد الحليم حاتم.

جدير ذكره، أن المفكر الإسلامي، الشهيد السيد حسن الشيرازي قدس سره وفي أثناء زيارات عديدة إلى العاصمة دمشق، لفت إلى ضرورة تأسيس حوزة علمية، في هذه المدينة المهمة، لتخريج العلماء والخطباء والمبلغين، وكان مما حفّزه على ذلك أيضاً قيام السلطات في العراق _آنذاك_ بتفسير أعداد كبيرة من طلبة العلوم الدينية الوافدين من مختلف بلاد العالم للدراسة في حوزات النجف وكربلاء، ثم عدم حصولهم على فرصة مواصلة طريق العلم، فكان السيد حسن الشيرازي المنقذ والأمل لهم، حيث استقبلهم ورعاهم واعتنى باحتياجاتهم، واقترح قدس سره عليهم بأن يستقرّوا في جوار مرقد السيدة زينب (عليها السلام)، ويساندوه في تحقيق أمنيته التي طالما تطلّع إلى تحقيقها، ألا وهي تأسيس حوزة علمية في الشام، تحتضن طلاب العلوم الدينية، وتنير المنطقة بعلومها ونشاطاتها، وكان ذلك في العام 1394هـ/1973م، حيث وضع الشهيد الشيرازي اللبنة الأولى لأول حوزة دينية في الشام، وثالث أهم حوزة بعد حوزتي النجف الأشرف وقم المقدّسة.







بررسی امور محور مقاومت

اسرائیل: طی دو سال ۲۰۰ حمله علیه اهداف ایران در سوریه انجام شده / ایران: پاسخ عجولانه نداریم و حق پاسخگویی همجنان محفوظ است!

مقام های دولت اسرائیل در اظهار نظری نادر تایید کرده اند که ارتش این کشور در کمتر از دو سال گذشته بیش از ۲۰۰ حمله علیه اهداف ایران در سوریه انجام داده است. به گزارش رویترز "اسرائیل کاتز" وزیر اطلاعات اسرائیل روز سه شنبه در نطقی در یک کنفرانس در کالج "آی دی سی هرزلیا" گفت: "همین حالا این خبر به نام منابع مطلع ارتش منتشر شده و من هم می توانم از آن نقل قول کنم که اسرائیل در دو سال گذشته بیش از ۲۰۰ عملیات نظامی در داخل سوریه انجام داده است." او افزود: "اهمیت این مساله را در ارتباط با حفظ خط قرمز (اسرائیل) درک کنید، یعنی ممانعت از کارهایی که ایران انجام داده، انجام می دهد یا قصد انجام آنها علیه اسرائیل از سوریه را دارد."

یک سخنگوی ارتش اسرائیل در پاسخ به سوال رویترز در مورد این اظهارات گفت که این کشور "طی یک سال و نیم اخیر حدود ۲۰۰ حمله در داخل سوریه انجام داده است." این اظهار نظری نادر از سوی اسرائیل در مورد حمله به اهدافی در سوریه است.

پیشتر در روز سه شنبه سوریه گفت که راکت های شلیک شده از جنگنده های اسرائیلی علیه اهداف نظامی در نزدیکی شهر حما را ساقط کرده. اما سخنگوی ارتش اسرائیلی از تایید یا تکذیب این گزارش ها خودداری کرد.

رویترز به نقل از منابع مطلع در منطقه گزارش می دهد که اسرائیل از سال ۲۰۱۳ حملاتی را علیه آنچه مظنون است محموله های سلاح برای گروه حزب الله لبنان، و همچنین محل استقرار نیروهای ایرانی در سوریه باشد شروع کرد.

در اوت ۲۰۱۷ هم فرمانده وقت نیروی هوایی اسرائیل به روزنامه هآرتص گفت که این کشور "تقریباً ۱۰۰ حمله" در سوریه انجام داده است.

روز دوشنبه آویگدور لیبرمن وزیر دفاع اسرائیل اشاره کرد که کشورش ممکن است به آنچه مظنون است اهداف نظامی ایران در عراق باشد حمله کند.

به نوشته رویترز یک مقام ارشد ارتش اسرائیل روز سه شنبه گفت که اسرائیل بر این باور است که ایران از خاک عراق به عنوان مجرای برای انتقال سلاح به سوریه استفاده می کند. این مقام به شرط فاش نشدن نامش صحبت می کرد.

رویترز روز ۳۱ اوت گزارش داده بود که ایران تعدادی موشک بالستیک در اختیار گروه‌های وابسته به خود در عراق قرار داده است.

یک "مقام عالی‌رتبه ایرانی" به ریترز گفت که "منطق این اقدام این است که اگر ایران هدف حمله قرار بگیرد، طرح پشتوانه‌ای هم داشته باشد" و افزوده که تعداد موشک‌های ارسال شده به عراق زیاد نیست و از چند ده فروند تجاوز نمی‌کند اما در صورت لزوم، امکان انتقال تعداد بیشتری هم وجود دارد.

توافق دفاعی ایران و سوریه، اسرائیل را 'منصرف نمی‌کند' حملات پیدا و پنهان اسرائیل در سوریه در مورد حملات قبلی اسرائیل در سوریه اطلاعات قطعی کمی وجود دارد.

از طرفی اسرائیل در بسیاری از موارد رسماً عملیات این چنینی خود را رد یا تایید نمی‌کند و از طرف دیگر هم سوریه و متحدانش هم اطلاعات چندانی درباره میزان خسارت‌ها و تلفات حملات اسرائیل منتشر نمی‌کنند.

دو روز پیش، چندین انفجار یک فرودگاه نظامی در حومه دمشق را به لرزه در آورد، اما دولت سوریه اخبار منتشر شده در مورد حملات موشکی اسرائیل به این فرودگاه را رد کرد.

در پی آن انفجارها، رسانه دولتی سوریه گفتند مشکلات فنی باعث انفجار در انبار مهمات فرودگاه شده است.

افشاگری کری از جزئیات نامه محرمانه اسد به اوباما در سال ۲۰۱۰ صلح با اسرائیل در برابر تخلیه جولان



جان کری، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در کتاب خاطرات جدیدش مدعی شده بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در سال ۲۰۱۰ در نامه‌ای پنهانی به باراک اوباما پیشنهاد صلح با اسرائیل را داده و این پیشنهاد با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر این رژیم نیز به اشتراک گذاشته شد.

جان کری، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در کتاب خاطرات جدیدش مدعی شده بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در سال ۲۰۱۰ در نامه‌ای پنهانی به باراک اوباما پیشنهاد صلح با اسرائیل را داده و این پیشنهاد با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر این رژیم نیز به اشتراک گذاشته شد.

به گزارش روزنامه هآرتس، طبق ادعای جان کری در کتاب خاطرات جدیدش به نام "هر روز روز دیگری است" بنیامین نتانیاهو این پیشنهاد بشار اسد را "غافلگیرکننده" دانست چون نشان می‌داده که بشار اسد به دنبال دادن امتیازهای بیشتر نسبت به مذاکرات در گذشته است.

بنا به ادعای کری، این نامه یک سال قبل از آغاز جنگ داخلی سوریه از سوی بشار اسد تهیه شده بود. سوریه و اسرائیل تا اوایل ۲۰۱۱ وارد یک مذاکرات با میانجی‌گری آمریکا شده بودند اما به هیچ توافق یا تفاهمی دست پیدا نکردند.

کری در ادامه این کتاب خاطر نشان می‌کند که مساله سوریه "زخم بازی" است که بعد از پایان دولت اوباما نیز باقی مانده و مساله‌ای است که او "هر روز" درباره آن می‌اندیشد.

کری نوشت، در سال ۲۰۰۹ به هنگام ریاست کمیته روابط خارجی سنای آمریکا در چارچوب سفری به خاورمیانه به دمشق سفر کرده و اولین دیدار طولانی‌مدتش را با بشار اسد انجام داد.

کری می‌نویسد در اولین دیدار با او درباره یک نیروگاه هسته‌ای سوری صحبت کردند که اسرائیل آن را بمباران کرده بود.

وی مدعی شد: این "حقیقت" که آنجا یک تاسیسات هسته‌ای بود به شکلی "کاملاً علنی" مشخص شده بود و "جای تردیدی در آن وجود نداشت".

با این حال به گفته جان کری بشار اسد این مساله را حتی هنگامی که هر دوی آنها با یکدیگر تنها بودند رد کرد. کری مدعی شد: اسد در چشمان من نگاه کرد و به من گفت که آنجا تاسیسات هسته‌ای نبود و این گفته را دقیقاً با همان تاثیر و تن صدایی که همیشه به کار می‌برد مطرح کرد. این یک "دروغ احمقانه و کاملاً غیرقابل اثبات" بود اما او "بدون هیچ تردیدی دروغ گفت!"

همچنین جان کری نوشته است: در گفت‌وگوی بعدی آنها او بشار اسد را در زمینه حمایت از گروه حزب‌الله لبنان تحت فشار قرار داده و پاسخ رئیس‌جمهور سوریه این بوده است که هرچیزی باید مورد مذاکره قرار بگیرد و این ظاهراً نشانه‌ای بوده مبنی بر اینکه سیاست او در نتیجه مذاکرات با اسرائیل ممکن است تغییر کند.

به ادعای کری تمامی تلاش‌های قبلی برای حصول صلح میان اسرائیل با سوریه از جمله در دولت‌های اسحاق رابین، شیمون پرز، ایهود باراک، اولمرت و اولین دوره دولت نتانیاهو نیز شکست خورده بودند اما "بشار اسد هنوز علاقه‌مند به نوعی توافق با اسرائیل بوده است."

به ادعای کری "بشار اسد از اوباما خواسته بود از احیای مذاکرات صلح با اسرائیل حمایت کند و به بیان تمایل سوریه برای اتخاذ اقداماتی به ازای بازگرداندن بلندی‌های جولان از اسرائیل به سوریه پرداخته بود."

کری گفت: "حافظ اسد، پدر بشار اسد تلاش کرده بود جولان را برگرداند و شکست خورده بود. بنابراین او می‌خواست که به ازای پس گرفتن آن امتیازاتی دهد."

کری بعد از این دیدارش با بشار اسد به اراضی اشغالی پرواز کرد و اطلاعاتش را با نتانیاهو به اشتراک گذاشت و در آن زمان نتانیاهو پس از ۱۰ سال بیرون ماندن از سیاست یا فعالیت در جبهه مخالفان به تازگی به قدرت برگشته بود.

او گفت: "من نامه بشار اسد را به نتانیاهو نشان دادم. او غافلگیر شد از اینکه بشار اسد حاضر به این کار شده و نشست قبل خیلی جلوتر آمده است."

پیشتر جان کری در مصاحبه‌ای با نیویورکر در سال ۲۰۱۵ وجود چنین نامه‌ای را ذکر کرده بود اما درباره گفت‌وگویش با نتانیاهو درباره این نامه چیزی نگفته بود.

الجزیره بررسی کرد؛

روسیه به این ۳ دلیل نمی‌خواهد و نمی‌تواند ایران را وادار به خروج از سوریه کند

حدس و گمان‌ها درباره شکرآب شدن رابطه ایران - روسیه بعد از ضربه‌ای که ابتدای سال میلادی به برجام وارد شد، حالا چند ماه است که شنیده می‌شود. تهران از خیانت نگران است و مسکو تلاش می‌کند سر موضوع‌های مختلف به خصوص تحریم‌های اقتصادی اخیر با آمریکا مذاکره کند.



آمریکا نباید برای ایجاد فشار به ایران جهت خروج از سوریه در آینده نزدیک نباید روی روسیه حساب کند. به گزارش «انتخاب»؛ حدس و گمان‌ها درباره شکرآب شدن رابطه ایران - روسیه بعد از ضربهای که ابتدای سال میلادی به برجام وارد شد، حالا چند ماه است که شنیده می‌شود. تهران از خیانت دیدن نگران است و مسکو تلاش می‌کند سر موضوع‌های مختلف به خصوص تحریم‌های اقتصادی اخیر با آمریکا مذاکره کند. جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا روز ۲۲ آگوست در کنفرانس خبری‌اش در جریان سفر به اسرائیل به خبرنگارها گفت: ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه با خروج نیروهای نظامی ایران از سوریه موافق است: "رئیس جمهور پوتین سه هفته پیش با من صحبت کرد. صحبت‌های او به این معنی بود که مصالح ایرانی‌ها در سوریه با مصالح روس‌ها یکی نیست و باید منتظر باشیم تمام نیروهای ایرانی به زودی به کشورشان برگردند. ما درباره بازگشت همه نیروهای ایران به کشورشان صحبت کردیم."

یک روز بعد بولتون با نیوکلائی پاتروشف همتای روسش و شورای امنیت این کشور دیدار کرد. خروجی آن جلسه مشخص کرد که نظرهای دو طرف آن طور که بولتون مدعی شده بود به هم نزدیک نیست. بعد از یک ملاقات ۵ ساعته بولتون به خبرنگارها گفت: موضوع‌هایی که در جریان دیدار پوتین و داند ترامپ در هلسینکی مطرح شده بود یک بار دیگر بررسی شد، اما مذاکرات پیشرفت چندانی نداشت. به گفته او پاتروشف پیشنهاد داده به جای تحریم اقتصادی، برای نیروهای نظامی ایران محدودیت‌های جغرافیایی اعمال شود. این پیشنهاد بی درنگ از طرف آمریکایی‌ها رد شده است. بعد از اینکه نماینده‌های روسیه بندی که آن‌ها را وادار می‌کرد به دخالت در انتخابات آمریکا اعتراف کنند (بندی که بولتون آن را اضافه کرده بود) را قبول نکردند، دو طرف برای امضای یک بیانیه مشترک به توافق نرسیدند. در آن مذاکرات و مذاکرات پیش از آن آمریکایی‌ها جوری رفتار می‌کردند که گویا دست بالاتر را دارند. آن‌ها اعتقاد داشتند "روس‌ها آن زمان درسوریه به مشکل خورده بودند." در طرف دیگر رهبران روسیه فشار آمریکا را نپذیرفتند و می‌خواستند در مذاکرات شرایط مساوی داشته باشند.

به جز همه این‌ها، روس‌ها دلایل دیگری هم برای رد کردن پیشنهادهای آمریکایی‌ها درباره سوریه دارند. همانطور که الکسی پووشکف سناتور روس بعد از مذاکرات ژنو گفت؛ "آمریکایی‌ها تلاش می‌کنند از روسیه عبور کنند و با تغییر دادن موقعیت دو طرف، در سوریه همه کاره شوند." و هنوز مشخص نیست روسیه در قبال پذیرش درخواست آمریکا مبنی بر رها کردن متحد منطقه‌ای خود ایران، چه چیز به دست خواهد آورد. اینکه آمریکا تضمین می‌دهد امتیازهایی که روسیه به دست می‌آورد در نهایت به کاهش تحریم‌های اقتصادی ختم خواهد شد، برای مسکو تضمین شده نیست. روسیه به خوبی می‌داند تغییر در شکل تحریم‌ها دست کنگره آمریکا است نه رئیس جمهور این کشور و این یعنی امضا هرگونه توافق نامه درباره سوریه با ترامپ هیچ تضمینی درباره تحریم‌ها به روسیه نمی‌دهد.

در عین حال رهبران روسیه نمی‌خواهند همه راه‌های ارتباطی‌شان با ایران را خراب کنند. به جز مشکل‌هایی که در سوریه وجود دارد، تهران و مسکو مشکلات مشترک دیگری هم دارند؛ از مبحث انرژی و امنیت منطقه کاسپین تا وضعیت افغانستان. روسیه هم مثل ایران می‌خواهد همکاری‌های دوجانبه درباره این مشکل‌ها ادامه داشته باشند.

روسیه به آمریکا اعتماد ندارد و برای این عدم اعتماد دلایل خوبی وجود دارد

در ماه ژوئن سال ۹۵ ال گور معاون رئیس جمهور آمریکا یک توافق‌نامه محرمانه با ویکتور چرنومیردین نخست وزیر روسیه امضا کرد که بر اساس آن روسیه روند فروش اسلحه به ایران را تا پایان سال ۹۹ متوقف می‌کرد. آن توافق‌نامه ۴ میلیارد دلار به روسیه ضرر زد.

سال ۲۰۰۹، دولت‌های دیمیتری مدودف و باراک اوباما برای "شروع مجدد" در روابط آمریکا و روسیه توافق رسیدند. این توافق روسیه را موظف می‌کرد سطح روابطش با ایران را کاهش دهد. یک سال بعد روسیه فروش سامانه موشکی S-۳۰۰ به ایران را با توجه به قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل متوقف کرد. این قطعنامه کشورهای صاحب سلاح‌های سنگین را به بهانه برنامه هسته‌ای ایران از فروش این سلاح‌ها به ایران منع می‌کند.

در هر دو پرونده باوجود اینکه روسیه به تعداتش عمل کرد، هرگز "شروع مجدد"ی در کار نبود و روابط واشنگتن و مسکو گرم نشد. روسیه دیگر تمایلی به استفاده از ایران در جریان روابطش با آمریکا ندارد. ایران دچار مشکلات اقتصادی شده و ریسک این وجود دارد که تهران اعتمادش را به روسیه از دست بدهد.

نفوذ روسیه روی تهران نامحدود نیست

دلایل دیگری هم برای اینکه روسیه پیشنهادهای آمریکا درباره سوریه را آن هم در شرایطی که کنترل اتفاق‌ها را در اختیار دارد نپذیرد، وجود دارد. به نظر نمی‌رسد وقتی رهبران روسیه از "غیرواقعی" بودن تمایل آمریکا برای خروج ایران از سوریه صحبت می‌کنند، دروغ بگویند. روسیه بازیگر اصلی سوریه به شمار می‌رود، اما آن‌ها میدانند که نفوذشان روی همسایه‌های دیگر نامحدود نیست.

بعد از اینکه ایران اوایل این ماه مرز اسرائیل و سوریه را ترک کرد، واشنگتن و تل‌آویو به این باور رسیدند که روسیه می‌تواند به خروج کامل نیروهای ایرانی از سوریه کمک کند، اما روسیه به ۳ دلیل نمی‌تواند چنین درخواست بلندپروازانه‌ای را عملی کند:

اول اینکه خروج نیروهای سوریه از مرز با اسرائیل به دلیل درخواست یا فشار سوریه انجام نشد. دلیل این اتفاق این بود که رهبران ایران فکر می‌کردند اتخاذ این تصمیم به نفع آن‌ها است. خروج داوطلبانه ایران از مرز جنوبی سوریه، ریسک درگیری ایران با ارتش اسرائیل را کاهش می‌دهد، اما در عین حال این فرصت را به سوریه می‌دهد که کنترل این مرز را در اختیار بگیرد. برای روسیه سخت خواهد بود که از ایران بخواهد همه نیروهایش را از سوریه خارج کند، چون ممکن است این کار به تهران یا سوریه (در متن اصلی دولت اسد) کمک کند.

دوم اینکه حذف همه نیروهای ایران از سوریه در شرایط فعلی ممکن نیست. ماهیت حضور ایران ممکن است در ظاهر بخشی از سیستم فعلی در سوریه نباشد، اما حتما بخش نامرئی آن است. در جریان ۷ سال جنگ داخلی سوریه ایران به حدی در ساختار نیروی نظامی سوریه حضور پیدا کرده که حذف آن ممکن است به بهم خوردن سیستم نظامی این کشور منجر شود.

سوم اینکه ۲۷ آگوست ایران و سوریه قرارداد همکاری نظامی امضا کردند که خروج نیروهای نظامی ایران از خاک سوریه را غیرممکن‌تر هم کرد.

با نگاهی به همه این شرایط می‌توان نتیجه گرفت آمریکا به سختی می‌تواند روی کمک سوریه برای خارج کردن نیروهای ایران از سوریه در آینده نزدیک حساب کند.

إسرائيل عند الخط الأحمر: روسيا اتخذت قراراً نهائياً



مباحثات بين بعثتي وزارتي الدفاع الروسية والإيرانية - 21/08/18

تحت العنوان أعلاه، كتب فيكتور كوزوفكوف، في "فوينيه أوبزرينيه"، حول الاتفاقية العسكرية بين سوريا وإيران ووضع روسيا المحرج مع إسرائيل، التي تقول إن دمشق تجاوزت الخط الأحمر.

وجاء في المقال: لا يزال الوضع حول سوريا معقداً للغاية ولا يمكن التنبؤ به... حتى لشهر واحد. على هذه الخلفية، بدت العلاقات الروسية الإسرائيلية كجزيرة استقرار غير متوقعة. وعلى خلفية هذا المشهد الروسي الإسرائيلي، تجري أحداث تضع على المحك العلاقات بين البلدين.

وقّع بشار الأسد ووزير الدفاع الإيراني، أمير خاتمي، اتفاقاً حول التعاون العسكري بين سوريا وإيران. لسوء الحظ، نحن لا نعرف تفاصيله، لكن الجانب الإسرائيلي أبدى على الفور معارضته القوية لهذا الاتفاق.

وقال وزير الاستخبارات الإسرائيلي، إسرائيل كاتز، في مقابلة مع التلفزيون الإسرائيلي إن بشار الأسد، بتوقيعه اتفاقية للتعاون العسكري بين سوريا وإيران، عبر "الخط الأحمر" الذي وضعته إسرائيل. كما لم يتردد رئيس الوزراء الإسرائيلي بنيامين نتنياهو بالتهديد بضرب المواقع الحكومية السورية ومواقع الوحدات الإيرانية في سوريا. إن احتمال قيام الأسد بالتوقيع على هذه الاتفاقية دون التشاور مع موسكو ضئيل جداً. فهو يدرك تماماً أن أي مواجهة مع الكرملين تهدد بانسحاب القوات الروسية من سوريا.

أما موافقة موسكو فتعني أن هذا الاتفاق ليس قاتلاً بالنسبة لإسرائيل، أو أن القصص حول الانسحاب القائم بين إسرائيل وموسكو مبالغ فيها كثيراً. الحالة الأولى، تعني أنه لا توجد نقاط حرجية بالنسبة لإسرائيل في الاتفاق - لا تواجد عسكري طويل الأمد، ولا قواعد عسكرية إيرانية هناك.

الخيار الثاني، أكثر إثارة للاهتمام. فهو يعني، على أقل تقدير، أن روسيا قررت أخيراً اختيار استراتيجية طويلة الأمد في مواجهة الغرب، وأن الشراكة الاستراتيجية مع إيران بالنسبة لموسكو أفضلية.

لكن لن نكون قادرين على التحديد قبل أن تنزل إسرائيل ضربتها. فإذا ضرب سلاح الجو الإسرائيلي بضعة أشياء ثانوية، لن يكون ممكناً استخلاص أي استنتاجات نهائية. إما إذا كانت الضربة قوية بما فيه الكفاية، وطولت مواقع مهمة للجيش السوري والحكومة السورية، فيمكن التخلي عن الشكوك.

لذلك، فنحن ننتظر لنرى ما إذا كانت إسرائيل نفسها ستتجاوز "الخط الأحمر".

لم تعد إيران بحاجة إلى روسيا



تحت العنوان أعلاه، كتب زاوور كاراييف، في "سفوبودنبا بريس"، حول حاجة روسيا إلى الامتثال لشروط طهران للحفاظ على الصداقة مع الجمهورية الإسلامية.

وجاء في المقال: من الناحية الدبلوماسية، نجحت روسيا أكثر من الجميع في سوريا. فكم تساوي خطتها لإنشاء مناطق خفض تصعيد. بالإضافة إلى ذلك، تمكنت روسيا من بناء نموذج للسلوك، جعل جميع المشاركين الأجانب، تقريبا، في الصراع السوري يوافقون على تصرفاتها. بشكل عام، ناورت موسكو بمهارة وحقت النجاح. ولكن، على ما يبدو، سوف ينتهي ذلك قريبا. لقد سئم الإيرانيون من التضحية بمصالحهم الخاصة من أجل نجاح روسيا. وهكذا فمن أيام، زار سوريا وزير الدفاع الإيراني أمير خاتمي. لم يحمل خاتمي إلى دمشق اتفاقا حول التعاون العسكري - التقني فحسب، إنما وملحقا سريا معه. تطالب إيران بأن يضمن حلفاؤها مساعدتها في الدفاع ضد الهجمات التي تشنها الولايات المتحدة وإسرائيل على منشآتها في سوريا. فإذا ما تخلت موسكو ودمشق عن ذلك، فسوف يسحب الفرس حراس ثورتهم الإسلامية، وكذلك الجماعات الموالية لإيران من سوريا. على أية حال، لن تشارك هذه القوات في العملية القادمة لتحرير إدلب.

وفي الصدد، التقت "سفوبودنبا بريس" المستشرقة الروسية كارينيه غيفورغيان، فقالت للصحيفة: لا أحسب أن الإيرانيين سيتحدثون بقسوة. لكنني أعتقد أن هذه المشكلة يجب أن تكون موضوعا لمفاوضات.

إذا كان لا يزال لديهم مثل هذه الخطط ، فما هي فرصتهم للدفع بهذا المشروع؟

يمكنهم بالفعل سحب قواتهم. لكن هذا ليس السبب الوحيد الذي قد يدفع طهران لإعادة قواتها. فمسودة العقوبات الأمريكية ضد روسيا وإيران وتركيا، في رأيي، مقدمة لخطوات أكثر جدية من قبل واشنطن. أعتقد أن سبتمبر القادم، يمكن أن يشهد مشاركة نشطة للأمريكيين في تسخين الصراعات في جنوب القوقاز وآسيا الوسطى. بالطبع، سيضع هذا الأمر كلا من إيران وروسيا أمام مسألة تعزيز وسائل ضمان أمنها القومي. بعبارة أخرى، سيكون على طهران تكريس مزيد من الجهد لأمن حدودها، فضلاً عن الحيلولة دون انتقال عدم الاستقرار من البلدان المجاورة إليها. لذا، فإن انسحاب الوحدة الإيرانية ممكن لعدة أسباب. لكن أحدا لن يتخلى بصورة مفاجئة عن سوريا، خاصة وأن إيران أمضت سبع سنوات بالفعل، إن لم يكن أكثر، لتعزيز مشاريعها في هذا البلد.

المركزي السوري: قادرون على تعزيز الليرة إلى 200 للدولار



أكد حاكم مصرف سوريا المركزي دريد درغام، أن المركزي قادر على خفض سعر صرف العملة الأمريكية لتصل إلى 200 ليرة، وذلك من نحو 450 ليرة للدولار حالياً في الأسواق.

وقال درغام، خلال اجتماع مع أعضاء مجلس إدارة غرفة تجارة حلب: "هناك تجار حرب اغتنوا والعملة السورية أصبحت لديهم تلالاً، لذلك أقول لا يجوز لي وأنا قادر على خفض قيمة الدولار إلى 200 ليرة أن أسمح لهؤلاء بمضاعفة القوة المالية الضاربة لديهم مرتين ومهما كان عددهم كبير أم صغر، ولا يجوز لأغنياء الحرب الذين بات يملك أحدهم 100 مليون ليرة أن أمنحه هدية 100 مليون ليرة أخرى بقرار منّا".

وأضاف درغام، أنه لا يجوز عمل أي تخفيض رأفة بالمواطنين والعمال والموظفين.

وخلال الاجتماع تساءل أعضاء في الغرفة عن دور المصرف لتخفيف العبء على المواطنين وتخفيض الأسعار، فأشار درغام إلى أنه يجب التفكير برواتب مقبولة للمواطنين، بدلاً من منحهم قروضا سكنية بمبالغ ضخمة.

وأوضح أن سعر المنزل الآن يبلغ 20 مليون ليرة سورية كحد أدنى، وعندما يكون راتب المواطن 30 ألف ليرة، فهذا يعني أن قسط المنزل الشهري هو 100 ألف ليرة، وبموجب القانون ممنوع الحسم من راتب الموظف أكثر من 30%، وبهذه الحالة يجب أن يكون راتب الموظف الشهري 300 ألف ليرة ليستطيع الحصول على منزل، لذلك يجب العمل على التفكير بزيادة رواتب مقبولة.

يشار إلى أن سعر صرف العملة السورية يبلغ الآن في السوق السوداء 450 ليرة للدولار، بعدما كانت عند 50 ليرة قبل الحرب.

خبير بالشأن الإيراني: طهران تكشف عن قدرات عسكرية غير عادية

قال الدكتور محمد نور الدين، الخبير في الشؤون الإيرانية، إن القدرات العسكرية الإيرانية تتزايد يوما بعد يوما، أو بمعنى أدق تتكشف قدراتها القوية غير العادية يوما بعد يوم.

وأضاف نور الدين، في تصريحات لـ "[سبوتنيك](#)"، اليوم الاثنين، أن إعلان إيران عن نيتها تزويد الجيش السوري بطائرات مقاتلة مصنعة داخل [إيران](#)، بالإضافة إلى منظومة دفاع جوي تعادل قوتها منظومة "إس 300" الروسية، معناه أن إيران بدأت تعلن عن [قوتها العسكرية](#) للعالم، وقدرتها على تكوين جبهة خارجية.

وأوضح نور الدين أن طهران ما زالت تعمل في الوقت الحالي على تعزيز قوتها، من خلال التمدد في مناطق الفراغ الاستراتيجي في منطقة الشرق الأوسط، فهي تشتبك مع كافة الملفات المهمة في المنطقة، ولا سيما ملف سوريا، الذي بات النصر فيه وشيكا لجبهة "إيران روسيا تركيا"، في مواجهة الجبهة الأمريكية، بالإضافة إلى ملف اليمن.

وشدد الخبير في الشأن الإيراني على أن إيران لديها خطة لتتقدم في مناطق الفراغ الاستراتيجي العربي، بدعم من الأعداء الطبيعيين للولايات المتحدة، وكذلك من الأعداء الجدد، الذين خلقتهم السياسات الخاطئة والمجحفة للرئيس الأمريكي الحالي دونالد ترامب، وهو ما تعمل إيران على تنميته، بحيث يكون تواجدتها أقوى من أي اعتراضات خليجية أو أمريكية.

ولفت الأكاديمي المصري إلى أنه بعد التداخل الإيراني والاشتباك مع الأزمات العربية المختلفة، أنتج حالة من العداء لها، في أوساط الدول الراغبة في تقليص الدور الإيراني في المنطقة من جهة، والراغبة في تحقيق مخططات غير أخلاقية في الدول التي ظهر فيها النفوذ الإيراني، خاصة أن الظهور الإيراني كان سببا مباشرا في إخفاق مثل هذه المخططات.

وأشار نور الدين إلى أنه على الرغم من الاحتجاجات الواسعة التي ضربت إيران مؤخرا، والتي كانت ورائها في البداية دوافع اقتصادية، تحولت مع الوقت إلى دوافع سياسية، إلا أن الأرقام تؤكد أن إيران تشهد معدلات نمو اقتصادي عالية جدا، ويمكن تصنيفها باعتبارها واحدة من أعلى معدلات النمو في الشرق الأوسط، ما يشير إلى أنها لن تكون فريسة سهلة.

وتعترم إيران تزويد الجيش السوري بمقاتلات ومنظومات دفاع جوية. وبحسب موقع بوليت روس، إن [إيران](#) سترسل مقاتلات "كوثر" ومنظومة الدفاع الجوية "بافار-373"، وهي نظيرة منظومة الدفاع الروسية "إس-300". ولم تعرف بعد بالضبط تواريخ التسليم وعدد الأسلحة التي ستحصل عليها سورية.

يذكر أنه في الأسبوع الماضي، زار وزير الدفاع الإيراني العميد أمير حاتمي سوريا والتقى هناك بنظيره علي عبد الله أيوب. وكذلك اجتمع مع الرئيس السوري، بشار الأسد. وتم التوقيع على اتفاقية حول التعاون العسكري التقني.

وعرضت إيران، يوم 21 أغسطس/آب 2018 إمكانيات مقاتلة "كوثر" العسكرية. وهي تنتمي إلى الجيل الرابع من الطائرات الحربية النفاثة، وهي مجهزة بنظام حساب باليستتي، وبرادار متعدد المهام. وهذه أول طائرة تم تطويرها وتصنيعها بالكامل على أراضي إيران.

ورود جين و کره شمالي به محور مقاومت و کمک به سوریه و
يمن!!!

بررسی برجام ایران

وزیر خارجه اسبق آمریکا گفته است "هیچ کشوری مثل ایران برای پایبندی به توافق هسته‌ای عمل نکرده است" **انتقاد شدید جان کری از ترامپ بخاطر برجام: او چیزهایی به هم می‌بافد؛ این غم‌انگیز است | برجام بدون واشنگتن هم کار می‌کند**

«جان کری» وزیر امور خارجه اسبق آمریکا بار دیگر از خروج 'دونالد ترامپ' از توافق هسته‌ای انتقاد کرده و گفت که برجام بدون واشنگتن هم کار می‌کند.

آفتاب‌نیوز:

کری در مصاحبه‌ای با شبکه «سی.بی.اس» که یکشنبه پخش شد، در پاسخ به این پرسش که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا برجام را «توافق بد» خوانده است، اظهار داشت: گفتن این حرف موجب نمی‌شود که این گونه باشد.

به گزارش **آفتاب‌نیوز**؛ وی افزود: این توافق از لحاظ بازرسی‌ها، پاسخگویی و آنچه که ایران باید انجام دهد، سختگیرانه‌ترین توافق است که در مقایسه با هر توافق دیگری روی کره زمین، بیشترین شفافیت در طولانی‌ترین مدت را ایجاد می‌کند. هیچ کشوری مثل ایران برای پایبندی به این توافق عمل نکرده است.



وزیر خارجه دولت باراک اوباما رئیس‌جمهوری سابق آمریکا در ادامه گفت: درحالی که آمریکا از توافق خارج شده، روسیه، چین، فرانسه، آلمان و انگلیس همگی تلاش می‌کنند تا آن را حفظ کنند. فقط آمریکا از آن خارج شد، فقط دونالد ترامپ.

کری تاکید کرد: به نظرم کارشناسانی که می‌فهمند - وزارت دفاع - وزیر دفاع او بر این عقیده بودند که باید توافق را حفظ کرد. وزیر خارجه‌ای که ترامپ اخراجش کرد (رکس تیلسون) هم معتقد بود که باید آن توافق را حفظ کرد. مقام‌های اطلاعاتی دولت او هم می‌گفتند که باید آن را حفظ کرد. واقعیت این است که آن توافق کار می‌کند و حالا بدون آمریکا هم کار می‌کند.

سی.بی.اس در بخش دیگری از پرسش‌های خود درخصوص تماس‌های تلفنی کری با وزرای خارجه اعضای گروه 5+1 برای حفظ برجام سؤال پرسید. وی درباره تماس خود با «محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران گفت که در هنگام آن تماس، «سیاست خارجی آمریکا همچنان از توافق هسته‌ای حمایت می‌کرد».

کری افزود: من تلاش داشتم تا سیاست آمریکا که بخشی از توافق بود و آنچه عقل سلیم می‌کرد، ادامه پیدا کند. من مذاکره نکردم. من حرف خودم را زدم و همیشه از حقم برای حرف زدن استفاده می‌کنم. سی.بی.اس همچنین به صحبت‌های ترامپ اشاره کرد که گفته بود «جان کری در مذاکره هسته‌ای میز مذاکره را ترک نکرد، مگر وقتی که می‌خواست دوچرخه سواری کند».

وزیر خارجه دولت اوباما اظهار داشت که وی یک بار از مذاکرات خارج شد و دو یا سه بار دیگر نیز در آستانه ترک میز مذاکره قرار داشت. کری افزود: متأسفانه او (ترامپ) واقعا اغلب موارد نمی داند که چه حرفی می زند. این غم انگیز است. او چیزهایی به هم می بافت و همین طور چیزهای دیگری می بافت.

وی در انتقاد از رفتارهای «غیرقابل پیش بینی» ترامپ گفت: آن نوع رفتارهای غیرقابل پیش بینی که هفتاد سال پیام هایی مانند ناتو را از بین می برد یا غیرقابل پیش بینی بودن در رابطه با خلع سلاح و سلاح های هسته ای یا هر چیز دیگر یا روسیه واقعا خوب نیست.

ترامپ 18 اردیبهشت ماه برخلاف برخی هشدارهای داخلی و مخالفت های گسترده جهانی از برجام خارج شد.

حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی رییس جمهوری اسلامی ایران در واکنش به اقدام ترامپ، اعلام کرد که تهران به همکاری های خود با 5 کشور باقیمانده در توافق نامه ادامه خواهد داد و چنانچه از منافع برجام منتفع نشود، تصمیم مقتضی را خواهد گرفت. اعضای دولت سابق آمریکا نیز اقدام ترامپ را به شدت محکوم کردند. در همان شب خروج ترامپ از برجام، کری در بیانیه ای اعلام کرد: این تصمیم امنیت ما را تضعیف می کند و ما را در میان متحدان اروپایی منزوی می کند. وی هشدار داد: این اقدام همچنین به توان دولت های آینده برای بستن توافق نامه های بین المللی لطمه می زند.

وی سپس در مصاحبه با شبکه ام.اس.ان.بی.سی گفت: رئیس جمهوری به طور یکجانبه توافقی چندجانبه را نقض کرده است. «جان برنان» مدیر آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در دولت اوباما هم تصمیم ترامپ را «تهدیدی علیه امنیت ملی» این کشور خواند. وی گفت: ترامپ هم در مورد برنامه هسته ای ایران دروغ گفت و هم اینکه اعتماد جهانی به تعهدات آمریکا را تضعیف کرد. وی ما را در میان نزدیک ترین متحدان تضعیف کرد.

«جو بایدن» معاون اوباما در بیانیه ای تصمیم ترامپ را یک «اشتباه عمیق» و «بحرانی غیرضروری» خواند و افزود که این اقدام رئیس جمهوری، آمریکا را در «مسیر تصادم» با نزدیک ترین شرکای واشنگتن قرار می دهد.

اروپایی ها نیز متعهد شده اند که در برجام بمانند و روابط اقتصادی خود را با ایران ادامه دهند. آنها گفته اند که با اجرای قوانینی از شرکت های خود که با ایران همکاری می کند، در مقابل تحریم های آمریکا محافظت خواهند کرد.

منبع: ایرنا
کد خبر: ۴۲۷۹۵۴

نشال اینترست: ترامپ مجبور به استعفا می شود

نشریه آمریکایی نشنال اینترست در گزارشی نوشت: اگر دموکرات ها کنترل مجلس نمایندگان را در دست گیرند، می توانند با انجام معامله ای ترامپ را مجبور به خروج از کاخ سفید، استعفا یا مواجهه با چشم اندازی از نابودی امپراطوری کسب و کار و زندانی شدن فرزندانش روبرو کنند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir):

نشنال اینترست در گزارشی نوشت: اگر دموکرات ها کنترل مجلس نمایندگان را در دست گیرند، می توانند با انجام معامله ای ترامپ را مجبور به خروج از کاخ سفید، استعفا یا مواجهه با چشم اندازی از نابودی امپراطوری کسب و کار و زندانی شدن فرزندانش روبرو کنند.

'دیک کریکوس' از استادان بنام دانشگاه 'ماری' واشنگتن روز سه شنبه (دیروز) در یادداشتی با عنوان 'کابوس ترامپ، نه استیضاح که از دست دادن امپراطوری تجاری است' افزود: 'رابرت مری' از نویسندگان این نشریه آمریکایی به تازگی در گزارش خود در تاریخ 23 آگوست (1 شهریور) نوشت: تاریخ ثابت خواهد کرد که استیضاح 'دونالد ترامپ' کار آسانی نخواهد بود. این ممکن است درست باشد حتی اگر دموکراتها جادو کنند و کنترل مجلس سنا و نمایندگان را در اختیار بگیرند.

زیرا نظرسنجی ها نشان می دهند احتمال دارد دموکرات ها تنها بتوانند مجلس نمایندگان را در اختیار بگیرند. در هر شرایطی و به لحاظ تاریخی استیضاح یک رئیس جمهوری همواره امری دشوار بوده است. در واقع جدا از موانع موجود در قانون اساسی، ترامپ تا سال 2020 همچنان به عنوان رئیس جمهوری باقی می ماند. هرچند خشم و اصطکاک که در طول این دوره به وجود خواهد آمد می تواند مسائل مهم بحرانی داخلی و خارجی ایجاد کند.

این استاد دانشگاه در ادامه یادداشت خود آورده است: هفته گذشته 'مایکل کوهن' وکیل پیشین ترامپ ادعا کرد که رئیس جمهوری آمریکا در توطئه ای بزرگ در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال 2016 دست داشته و وعده داد اطلاعات بیشتری درباره رفتار مجرمانه ترامپ ارائه کند. محکومیت 'پل مانفورت' مدیر کارزار انتخاباتی ترامپ از دیگر مواردی است که به وضوح وی را دچار اضطراب نموده و اخبار دیگر مبنی بر اعلام جرم علیه نزدیکان و دوستان ترامپ نشان می دهد مقامات بدون شک اهداف خود را بر روی رئیس جمهوری آمریکا تنظیم کرده اند. این وضعیت ملالت بار اما تنها شامل این موارد و آنچه 'رابرت مولر' ممکن است در تحقیقاتش پیدا کرده باشد نیست، بلکه بزرگترین نگرانی اطرافیان ترامپ، طوفان توییتری است که پیش بینی می شود او را در معرض خطر جدی قرار دهد. اما باز هم حق با 'مری' است و بعید به نظر می رسد ترامپ استیضاح شود. اما یک مشکل دیگر نیز وجود دارد. اگر دموکرات ها تنها مجلس نمایندگان را در دست گیرند، همه کمیته ها از جمله سیاست خارجی، اطلاعات، خدمات مسلح و مالیات را در اختیار می گیرند و می توانند بر موضوعاتی مانند 'توطئه' با روسیه برای دخالت در انتخابات متمرکز شده و در نهایت ترامپ را مجبور به خروج از کاخ سفید کنند. این کار دموکرات ها می تواند با انجام معامله ای با ترامپ انجام گیرد که وی هرگز نمی تواند آن را رد کند؛ استعفا دهد یا با چشم اندازی از نابودی امپراطوری کسب و کارش و زندانی شدن اعضای خانواده اش روبرو شود.

گزارش ها همچنین نشان می دهد 'جرارد کوشنر' داماد ترامپ و 'ایوانکا ترامپ' همسرش از موقعیت های دولتی خود برای پیشبرد منافع تجاری بهره برداری کرده اند، امری که تاکنون مقامات قانونی آن را نادیده گرفته اند. از سوی دیگر دارایی های ترامپ قرار دارند که لازم نیست تلاش چندانی کنیم برای پیدا کردن فهرستی از آن و فعالیت های فراوان ترامپ که در نتیجه برکناری ترامپ در خطر قرار می گیرند. دانشگاه ترامپ، کازینوهای گوناگون، معامله با پیمانکاران و تصمیم برای استخدام کارگران خارجی و در نهایت ارتباط او با شخصیت های مافیایی حاضر در عرصه ساخت و ساز در نیویورک، تنها بخشی از این فهرست است.

در این شرایط ترامپ در موقعیت عقب نشینی قرار گرفته و با موقعیت پیچیده ای روبرو شده و تمامی رقبای تجاری او منتظر انتقام از او هستند. هفته گذشته ترامپ هدف حملات شدید 'جف سشنز' دادستان کل ایالات متحده قرار گرفت که اعلام کرد بدون در نظر گرفتن کاخ سفید، کار خود را انجام می دهد و عدالت را برقرار می کند. در این میان کمیته کارزار جمهوری خواهان نیز نامزدهای جمهوری خواه را تشویق به جدایی موضع خود از کاخ سفید کرد.

همانطور که گزارش ها از کاخ سفید نشان می دهد، ترامپ متوجه شده که رئیس جمهوری بودن آن چیزی نیست که او امید داشت با آن در این پست روبرو شود. علاوه بر این، ترامپ مردی است که در دهه هفتم زندگی خود بسر می برد و ممکن است در نهایت به معامله با دموکرات ها تن دهد. اما اگر سعی کند وارد نبرد شود، احتمالا با یک چشم انداز ناخوشایند و دستگیری و زندانی شدن یک یا چند فرزندش مواجه می شود.

بنابراین با توجه به شناختی که از ترامپ به عنوان یک تاجر برجسته وجود دارد پاسخ به سوال زیر روشن است، اینکه آیا ترامپ مقاومت می کند و یا در نهایت تسلیم می شود و به نجات بخشی از تجارت خود می پردازد و آینده کاری و آزادی فرزندانش را ترجیح می دهد؟

*نشریه آمریکایی نشنال اینترست در طول تقریبا سه دهه فعالیت از آغاز کار خود را با تمرکز بر سیاست خارجی شروع کرد. این نشریه در سال 1985 توسط 'ایروینگ کریستول' و 'اوون هریس' تأسیس شد و با متفکران و دولتمردانی همچون 'دیسرائیل'، 'بیسمارک' و 'هنری کیسینجر' ارتباط دارد. گرچه سیاست های بین المللی در چند دهه گذشته بطور قابل توجهی تغییر کرده، اما اساسنامه این نشریه همچنان بدون تغییر باقی مانده و تمرکز خود را بر روی سیاست خارجی در راستای منافع ملی آمریکا قرار داده است.

روایت جان کری از اختلاف او با و نتانیاهو بر سر برجام/ کری: پذیرش حق غنی سازی ایران بسیار سخت بود

وزیر خارجه سابق آمریکا در تازه ترین کتاب خاطراتش به شدت از تلاش های نخست وزیر رژیم صهیونیستی برای ضربه زدن به توافق هسته ای ایران و قدرت های جهانی انتقاد کرده است.

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، جان کری وزیر خارجه پيشين آمريكا در تازه ترين

کتاب خاطراتش که روز سه شنبه منتشر شد، به روابط متشنج باراک اوباما رئیس جمهور وقت آمریکا با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل اشاره کرده است، به خصوص تلاش‌های نتانیاهو برای لطمه زدن و بی اعتبار کردن توافق هسته‌ای ایران با قدرت های جهانی که جان کری تلاش زیادی برای به سرانجام رسیدن آن انجام داده بود. جان کری به شدت از اقدامات نتانیاهو برای بی اثر کردن توافق هسته‌ای ایران انتقاد کرده است.

جان کری در این باره نوشت: نتانیاهو عملاً با پذیرش درخواست و دعوت جان بینر رئیس سابق کنگره آمریکا برای سخنرانی در بین نمایندگان کنگره صحبت کردن علیه توافق هسته‌ای ایران، عملاً پروتکل‌ها را نقض کرد. علاوه بر این نخست وزیر اسرائیل از این نشست استفاده کرد تا به تلاش های انجام شده برای توافق هسته‌ای ایران لطمه وارد کند، آن هم در شرایطی که توافق هسته‌ای در حال نهایی شدن بود.

وی افزود: البته این جای شگفتی نبود که نتانیاهو اساساً بخواهد در روند توافق هسته‌ای خلل ایجاد کند. وی یک سخنرانی کاملاً سیاسی در کنگره آمریکا ایراد کرد، این سخنرانی یک تجزیه و تحلیل صادقانه از راهبرد عدم اشاعه تسلیحات یا یک استدلال قوی درباره این واقعیت نبود که اسرائیل بدون توافق هسته ای ، امن تر خواهد شد.

جان کری نوشت: هر کسی درک می کرد که سخنرانی نتانیاهو تنها با هدف جلب توجه مخالفان توافق هسته‌ای بود، یک سخنرانی احساساتی با این هدف که حامیان خود در آمریکا را بسیج کند و سناتورهای را از تصویب توافق هسته‌ای ایران بترساند.

200 صفحه آخر از این کتاب 584 صفحه‌ای مربوط به دو اولویت مهم کاری جان کری است: دستیابی به توافق سازش بین فلسطین و اسرائیل و دستیابی به توافق بر سر برنامه هسته‌ای ایران.

جان کری افزود: با نزدیک تر شدن به زمان نهایی شدن توافق هسته ای ایران و قدرت های جهانی، روابط او با و نتانیاهو تیره و تارتر می شد. البته اختلاف رئیس جمهور آمریکا و نخست وزیر اسرائیل نخستین بار زمانی علنی و آشکار شد که نتانیاهو در سخنانی در کاخ سفید در برابر دوربین ها با درخواست او با بازگشت رژیم صهیونیستی به خطوط مرزی 1967 میلادی مخالفت کرد.

جان کری نوشت: من نسبت به عدم اعتماد نتانیاهو به رهبران ایران آگاهی داشتم، همگی ما نسبت به این مساله اتفاق نظر داشتیم ولی با پذیرفتن دعوت رئیس کنگره آمریکا، رژیم اسرائیل بی احترامی خود را به او با نشان داد. پس از آن روابط رهبران دو کشور هرگز بهبود نیافت.

جان کری در یک بخش 40 صفحه ای از کتاب خود تحت عنوان "جلوگیری از یک جنگ" به تلاش های واشنگتن برای نهایی شدن توافق هسته ای ایران اشاره کرد و نوشت: در یک نقطه آمریکا تصمیم گرفت تا موضع خود درباره اجازه دادن به ایران برای غنی سازی اورانیوم را تغییر دهد.

وی افزود: کنار آمدن با این مساله که آیا ایران حق غنی سازی اورانیوم را دارد، بسیار سخت بود ولی در نهایت من به این نتیجه رسیدم که اجازه دادن به ایران برای غنی سازی اورانیوم به صورت محدود و کاملاً مراقبت شده، تنها راهکار برای نظارت شفاف و اطمینان حاصل کردن از این مساله است که ایران به دنبال تسلیحات اتمی نخواهد بود. دلیل دیگری که آمریکا دیدگاه و نظر خود را با غنی سازی اورانیوم توسط ایران تغییر داد این بود که سایر قدرت های جهانی یعنی انگلیس، فرانسه، آلمان روسیه و چین نیز با این مساله موافقت کردند. این در واقع تنها راه برای دسترسی به تاسیسات هسته ای ایران و اطمینان حاصل کردن از عدم تولید تسلیحات هسته ای توسط تهران بود.

جان کری: دولت بوش غنی سازی ایران را پذیرفته بود



وزیر خارجه اسبق آمریکا در کتاب خود در بخش مربوط به مذاکرات هسته ای با ایران نوشت دولت «جورج بوش» در محافل خصوصی غنی سازی ایران را پذیرفته بود.

به گزارش مشرق، وزیر خارجه پیشین و سناتور اسبق آمریکایی کتابی 743 صفحه ای با عنوان « هر روز فرصتی دیگر است» (Every Day Is Extra) منتشر کرده و در یکی از فصول آن به موضوع مذاکرات هسته ای ایران و برجام پرداخته

است.

«جان کری» در بخشی از این فصل به موضوع حق غنی سازی اورانیوم و استدلال‌های ایران در زمینه این حق پرداخت.

کری: برجام قوی‌ترین توافق هسته‌ای روی زمین است

او نوشت: «ایران برای سال‌های زیادی استدلال می‌کرد که به عنوان عضو معاهده منع گسترش سلاح اتمی (ان‌پی‌تی) و تا زمانی که کاملاً در چارچوب محدودیت‌های ان‌پی‌تی قرار دارد، از حق غنی سازی اورانیوم برخوردار است. ما مرتب تأکید می‌کردیم که ان‌پی‌تی فقط حق داشتن نیروی هسته‌ای را تعیین کرده و بر می‌شمارد و برای هیچ یک از اعضا حق غنی سازی توسط خودشان را تعریف نکرده و این حق را اعطا نکرده است».

کتاب جان کری

وزیر خارجه دولت «باراک اوباما» تصریح کرد: «جدای از اینکه آیا ایران "حق" غنی سازی دارد یا ندارد، من این را متوجه بودم که تا زمانی که ما آماده صحبت درباره احتمال تداوم غنی سازی ایران تحت محدودیت‌های به دقت تعریف شده نباشیم، هیچ راهی برای تحقق دسترسی، شفاف سازی و محدودیت مورد نیاز برای اطمینان از عدم پیگیری برنامه اتمی نظامی توسط ایران وجود نخواهد داشت. شاید اصلاً راهی برای آوردن ایران به میز مذاکره هم وجود نمی‌داشت. یک فرد عادی در ایران از این ایده که کشورش نمی‌تواند کاری که دیگر کشورهای مستقل انجام می‌دهند (غنی سازی)، به خاطر اینکه آمریکا از آن می‌خواهد، عصبانی می‌شود. از نظر ایرانی‌ها چنین چیزی تسلیم شدن محض در برابر آمریکا است؛ آمریکایی که از نظر آنها برای مدت‌های بسیار طولانی در زمان (محمدرضا) شاه در استقلال و حاکمیت آنها دخالت می‌کرد».

دیپلمات ارشد پیشین آمریکا در این کتاب، از پذیرش حق غنی سازی اورانیوم ایران در دولت «جورج بوش پسر» خبر داد. به گفته کری، دولت بوش در محافل خصوصی و خفا غنی سازی اورانیوم توسط ایران را پذیرفته بود اما در محافل عمومی چنین چیزی را بیان نمی‌کرد.

کری در کتابش نوشت: «موضع آمریکا برای مدت طولانی این بود که هرگونه غنی سازی هر چند هم غنی سازی خیلی محدود، برهم زننده هرگونه توافقی است اما شرکای ما در گروه ۵+۱ به اجماع از این موضع کنار رفتند و آنها تصمیم گرفتند که به طور خاص به ایران چیزی که دیگر کشورها داشتند انجام می‌دادند، داده شود. از نظر آنها (شرکای آمریکا در ۵+۱) باید درباره غنی سازی در آینده صحبت شود تا ایرانی‌ها مذاکرات را جدی بگیرند. من همچنین از گفت‌وگوهای خصوصی‌ام فهمیدم که به رغم موضع علنی دولت بوش، این دولت در خفا و به صورت خصوصی موافق ایده (غنی سازی ایران) بود هر چند آنها هرگز درباره اینکه ساختار یا سطوح (غنی سازی) چگونه باشد، به جمع‌بندی و نتیجه نرسیدند».

افشای پذیرش غنی سازی ایران توسط دولت بوش در شرایطی صورت گرفته که دولت اسبق و جمهوری‌خواه آمریکا در محافل عمومی بارها مدعی شده بود که شرط توافق با ایران، ممنوعیت حق غنی‌سازی توسط این کشور است.

منبع: فارس

روزنامه آلمانی بررسی کرد؛ نجات برجام مأموریتی تقریباً غیرممکن برای اروپا

یک روزنامه آلمانی در گزارشی تلاش اتحادیه اروپا برای دورزدن تحریم‌های آمریکا برای نجات برجام را مأموریتی تقریباً غیرممکن ارزیابی کرد.

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، روزنامه "هندلزبلات" آلمان در مطلبی نوشت: دولت آلمان و اتحادیه اروپا در پی یافتن راه‌هایی مستقل از تحریم‌های آمریکا برای تبادل مالی با ایران هستند، چند پیشنهاد در حال بررسی است، اما بحث‌های داخلی نشان می‌دهند که هنوز راه‌حلی یافت نشده است.

به‌ابتکار وزارت امور خارجه آلمان "گروه کاری تحریم‌ها" تأسیس شده که قرار است کانال‌هایی برای تبادلات مالی بیابد که خارج از شعاع عمل تحریم‌های آمریکا باشد. به‌نوشته روزنامه آلمانی "هندلزبلات" این وظیفه دشواری برای اعضای گروه کاری است که در برلین در این زمینه فعالیت می‌کنند.

به‌نوشته "هندلزبلات"، اعضای "گروه کاری تحریم‌ها" که متشکل از رؤسای بخش‌های امور خارجه، اقتصادی و مالی و نیز دفتر صدراعظم آلمان است پنجشنبه گذشته 8 شهریور (30 آگوست) برای نخستین بار با یکدیگر ملاقات کردند.

اروپایی‌ها نگران‌اند که تحریم اقتصادی آمریکا نقطه پایانی برای توافق هسته‌ای با ایران باشد و منجر به رقابت میان کشورهای منطقه خاورمیانه برای داشتن سلاح‌های اتمی شود. اما اروپا چگونه می‌تواند با وجود تحریم‌های آمریکا استقلالش را حفظ کند؟ چطور می‌تواند در برابر برتری دلار مقاومت کند؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که پاسخ به آنها در حال حاضر از همیشه مهم‌تر به‌نظر می‌رسد.

در حال حاضر اولاف شولتز، وزیر دارایی آلمان، در حال مشاوره با هم‌تایان خود در پاریس و لندن است تا کانال‌هایی را مستقل از آمریکا برای پرداخت پول به‌وجود بیاورند، گفت‌وگو‌هایی نیز با کمیسیون اتحادیه اروپا در جریان است.

هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان، اخیراً پیشنهادی را مطرح کرد. پیشنهاد ماس این بود که برای نجات برجام و خنثی کردن ترکش‌های برخاسته از تحریم ایران از سوی آمریکا یک سیستم مالی اروپایی در برابر "سوئیفت" (جامعه جهانی ارتباطات مالی بین‌بانکی) ایجاد شود. سوئیفت شریان اصلی بازرگانی خارجی است. درباره پیشنهاد هایکو ماس در "گروه کاری تحریم‌ها" هم بحث می‌شود.

هدف از ایجاد سوئیفت، تسریع تراکنش‌های مالی در سطح جهان بود؛ نهادی که می‌بایست مستقل از سیاست و تصمیم دولت‌ها امر دادوستد در دنیا را هماهنگ کند. اما فشارهای آمریکا پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر عملاً به اصل ناظر بر این شبکه مالی، یعنی مستقل بودن از سیاست دولت‌ها، آسیب رساند. سوئیفت از تحریم‌های آمریکا علیه ایران هم بدون اما و اگر پیروی می‌کند؛ چون مدیران آن از مجازات‌های دستگاه قضایی آمریکا می‌ترسند.

اما کارشناسان به‌خوبی می‌دانند که تأسیس نهادی که بتواند جایگزینی برای سوئیفت باشد در کوتاه‌مدت میسر نیست. اروپایی‌ها در کوتاه‌مدت تنها همراه با چینی‌ها می‌توانند چنین نهادی را بنا کنند. اما تعویض وابستگی به آمریکا با وابستگی به چین چندان عاقلانه به‌نظر نمی‌رسد.

در محافل اقتصادی بروکسل گفته می‌شود که حتی در طولانی‌مدت هم وجود دو جامعه جهانی ارتباطات مالی بین‌بانکی که با هم رقابت کنند تنها باعث سردرگمی می‌شود، به همین دلیل کمیسیون اتحادیه اروپا نمی‌خواهد به بررسی ایده هایکو ماس بپردازد، همچنین وزارت امور خارجه آلمان در این میان دریافته که مهم این است که بتوان همین سوئیفت موجود را در برابر تحریم‌ها مقاوم ساخت.

اتحاد سیاسی، ناتوان در راهکار اقتصادی

حالا مقامات اتحادیه اروپا در بروکسل به راه‌حلی دیگر می‌اندیشند؛ کشورهای عضو این اتحادیه می‌توانند شرکتی را تأسیس کنند که در رابطه با تأمین مالی معاملات با ایران کمک کند. اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته همواره به این راهکار متوسل شده است.

در بروکسل گفته می‌شود که آلمان، فرانسه و بریتانیا که در مذاکرات مربوط به توافق اتمی با ایران مشارکت داشتند می‌توانند چنین شرکتی را تأسیس کنند. در "گروه کاری تحریم‌ها" در برلین هم در این باره بحث شده است. چنین شرکتی می‌تواند به‌عنوان میانجی میان طرف‌های اروپایی و ایرانی در معاملات مربوط به ایران عمل کند. اگر موضوع فقط بر سر پرداخت باشد این شرکت حتی نیاز به جواز بانکی هم ندارد.

در موضوعات مربوط به ایران 28 کشور اتحادیه اروپا کنار هم و در برابر آمریکا ایستاده‌اند و می‌خواهند توافق اتمی را که ترامپ به‌طور یکجانبه از آن خارج شد نجات بدهند. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، گفته است که اتحادیه اروپا مصمم به ماندن بر سر این توافق

است.

با آنکه اروپایی‌ها در این باره با هم توافق دارند اما یافتن راهی برای رسیدن به مقصودشان دشوار است. آمریکا بانک‌ها و شرکت‌های سراسر دنیا را تهدید می‌کند که در صورت ادامه دادوستد با ایران با مجازات روبه‌رو می‌شوند، برای نمونه دیگر اجازه فعالیت در بازارهای آمریکا را نخواهند داشت.

آمریکا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ با شدتی بی‌سابقه قدرت دلار را به بقیه دنیا نشان می‌دهد. در بازارهای مالی جهان نمی‌توان از کنار دلار گذشت؛ دلار واحد تبادلات مالی در بسیاری از معاملات مواد خام است و این چیزی است که به مجازات‌های تجاری آمریکا جنبه‌ای جهانی می‌بخشد.

سیاست تحریمی ترامپ به اروپایی‌ها محدودیت حاکمیت مالی‌شان را نشان می‌دهد، چه در مورد تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه چه در مورد مناقشه بر سر توافق اتمی با ایران. آمریکا تصمیم دارد با اجرای تحریم‌هایی که از ماه نوامبر به‌اجرا می‌گذارد، امکان صادرات نفت ایران را به صفر برساند و رهبری ایران را به‌زانو درآورد.

تحریم‌های آمریکا قرار است از ماه نوامبر اجرایی شوند. عباس عراقچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران، سه‌شنبه 13 شهریور (4 سپتامبر) در سخنانی گفت: «مهلتی که آمریکا برای اعمال تحریم‌های بعدی در آبان ماه تعیین کرده است همان چیزی است که ما به اروپایی‌ها گفتیم که تا قبل از آن باید سازوکارهای عملیاتی‌شان را ارائه دهند و این یک مهلت مشخص است و اروپایی‌ها هم می‌دانند تا آن تاریخ (14 آبان) همه چیز باید مشخص شود».

اتحادیه اروپا ماه‌هاست با تلاش فراوان در فکر یافتن راهی در برابر تحریم‌های آمریکا علیه ایران است، اما تا کنون موفق نبوده است. اتحادیه اروپا در آغاز تابستان قانونی را دوباره فعال کرد که طبق آن شرکت‌های اروپایی مجاز نیستند تحریم‌های آمریکا علیه ایران را رعایت کنند، اما تقریباً هیچ یک از شرکت‌ها توجهی به این ممنوعیت نکردند، چون ترس بیرون رانده شدن از بازار آمریکا بسیار بزرگ است.

افزون بر این، اتحادیه اروپا از بانک سرمایه‌گذاری اروپا EIB خواسته که از پروژه‌های در ایران با وام‌های کم‌بهره حمایت کند. این بانک در واقع بانکی است که برای امور داخل اروپا تأسیس شده است. این بانک که در لوکزامبورگ است هنوز به خواست اتحادیه اروپا پاسخ نداده است.

ساده‌ترین راه برای تبادل مالی میان ایران و اروپا وقتی است که بانک‌های مرکزی وارد عمل بشوند. در بروکسل گفته می‌شود که ایران در دویچه بوندس‌بانک و بانک د فرانس حساب دارد و می‌توان از این حساب‌ها استفاده کرد. اما بانک‌های مرکزی حاضر به انجام این کار نیستند و می‌گویند هم خطر پولشویی در این میان بسیار زیاد است و هم خطر اینکه با مجازات‌های آمریکا روبه‌رو شوند، برای مثال نتوانند به آمریکا سفر کنند تا در نشست سالانه صندوق مالی جهانی شرکت کنند. البته کمیسیون اتحادیه اروپا معتقد است که ترس بانک‌های مرکزی مبالغه‌آمیز است.

اروپا در صورتی می‌تواند کانال‌های پرداختی خودش را به‌وجود بیاورد که بتواند جایگاه یورو را به‌عنوان ارز ذخیره مستحکم سازد، و این تنها در صورتی ممکن است که یورو قادر به مقاومت بیشتر در برابر بحران‌ها باشد، در این زمینه سال‌هاست بحث می‌شود و پیشنهادهایی ارائه می‌گردد، اما هنوز پیشرفت بزرگی حاصل نشده است.

روسیا عن غیر قصد دعت العقوبات ضد ایران



تحت العنوان أعلاه، كتبت أناساتاسيا باشكاتوفا، في "نيزافيسيميا غازيتا"، حول بحث طهران عن مذنبين في وضعها الخائق، واحتمال أن تنضم روسيا إلى القائمة قريباً.

وجاء في المقال: في سبتمبر، قد تستضيف طهران قمة روسية تركية إيرانية حول سوريا. وفي الصدد، قال ألكسندر تيموفيف، الأستاذ المساعد في الجامعة الاقتصادية الروسية، لـ "نيزافيسيميا غازيتا": "يمكن، من حيث المبدأ، لروسيا وإيران وتركيا أن تشكل تحالفاً قوياً في منطقة ذات أهمية حاسمة في العالم". تأثيرهم معاً على سوق الطاقة عظيم. إنما ليس كل شيء على ما يرام بينهم، لأن المصالح بين هذه الدول تتوافق فقط بشكل مؤقت، تبعاً للظروف. بصعوبة بالغة، تطورت العلاقات بين روسيا وتركيا، لا سيما في مجال الطاقة، "حول السيل التركي". ويمكن أن تنشأ تناقضات ليست أقل حدة مع إيران.

وقال وزير النفط الإيراني، بيجن نامدار زنگنه، إن بعض أعضاء منظمة البلدان المصدرة للنفط (أوبك) يشوهون القرارات الأخيرة التي اتخذتها المنظمة فيما يتعلق بكميات الإنتاج. يمكن افتراض أن روسيا مقصودة أيضاً بهذه الشكوى. فقد حاولت في وقت سابق، في إطار ما يسمى باتفاق "أوبك +"، خفض إنتاج النفط أولاً، ثم بدأت في زيادته. مهما تكن الأسباب المنطقية لزيادة إنتاجها الآن، فموسكو تبدو كأنها تشارك بصورة غير متوقعة في التواطؤ مع واشنطن ضد طهران. إلا أن المحلل في شركة "فينام" سيرغي دروزدوف، يرى تواطؤاً من مصدري النفط مع الولايات المتحدة. ف"بعد أن وصل سعر الذهب الأسود إلى 80 دولاراً للبرميل، قررت بلدان أوبك + التي تفقدها روسيا والمملكة العربية السعودية زيادة الإنتاج، لوقف الارتفاع المفرط في سوق النفط. مثل هذه الخطوة، على خلفية استياء الولايات المتحدة، يمكن أن تبدو مؤامرة. إلا أنه مجرد تطابق بالصدفة بين مصلحة أوبك والولايات المتحدة".

إنما يعترف بعض الخبراء بأن موسكو وجدت نفسها بالفعل في وضع صعب للغاية وتحاول أن تأخذ في الاعتبار جميع مزايا وعيوب التعاون مع كل من طهران وواشنطن.

ففي السياق، يقول مدير معهد الاقتصاد الراهن، نيكيتا إيسايف: "من ناحية، سيكون دعم موسكو الواضح لطهران سبباً لتشديد العقوبات الأمريكية ضد روسيا؛ من ناحية أخرى، فإن تجاهل مصالح إيران سيفقد روسيا دعماً كبيراً في سوريا.. مسألة الشرق الأوسط، مهمة ومعقدة. لكن العقوبات المستقبلية ضد روسيا خطيرة للغاية... إذا كانت الولايات المتحدة مستعدة للنظر في بعض التنازلات في الشرق الأوسط كورقة مساومة، فمن المحتمل أن تقبل (موسكو) بها".

كيهان: ۲ نماینده مجلس از دهانشان لجن بیرون آمده / با اینکه نظارت استصوابی بود، این اجق وجقها وارد مجلس شدند، اگر نبود چه می شد؟ / اگر صنایع موشکی نبود اینها به عنوان برده به شیوخ عیاش آل سعود فروخته می شدند

کیهان در ستون گفت و شنید خود نوشت: گفت: دوتن از وکیل الدوله های فراکسیون امید در نطق های پیش از دستور مجلس به بهانه مشکلات اقتصادی، هر لجنی که از دهانشان بیرون آمده بود را به چهره نظام و رزمندگان اسلام پاشیده اند!

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



کیهان در ستون گفت و شنید خود نوشت: گفت: دوتن از وکیل‌الدوله‌های فراقسیون امید در نطق‌های پیش از دستور مجلس به بهانه مشکلات اقتصادی، هر لجنی که از دهانشان بیرون آمده بود را به چهره نظام و رزمندگان اسلام پاشیده‌اند!

گفتم: حالا که دیگر خواجه حافظ هم می‌داند مشکلات اقتصادی نتیجه عملکرد خود این وکیل‌الدوله‌ها و دولت تحت حمایت آنها بوده است! باید خودشان را لجن‌مال کنند!

گفت: به نظارت استصوابی و صنایع موشکی و مقاومت در مقابل زورگویی آمریکا و... نیز به شدت حمله کرده‌اند! گفتم: با این که نظارت استصوابی بود، بعضی از این اجق و جق‌ها وارد مجلس شدند، حالا ببین اگر نبود چی می‌شد؟! و اگر فداکاری رزمندگان و صنایع موشکی کشورمان هم نبود که این آقا و خانم نماینده الان باید پوتین تروریست‌های داعش را واکس می‌زدند و به عنوان برده به شیوخ عیاش آل سعود فروخته می‌شدند! گفت: مگر حرف‌های این دو نفر دقیقا همان مزخرفاتی نیست که اسرائیل و آمریکا و آل سعود علیه ایران اسلامی بر زبان دارند؟!!

گفتم: چه عرض کنم؟! یارو وارد یک نمایشگاه نقاشی شده بود، جلوی یک تابلو ایستاد و به مدیر نمایشگاه گفت: خجالت نمی‌کشید این تابلوی مزخرف را به نمایش گذاشته‌اید؟ مدیر گفت: تابلو نیست آینه است!

چرت شریعتمداری از شنیدن حقیقت پاره شد؛ عصبانیت از سخنان دو نماینده مجلس

پنج شنبه، ۱۵ شهریور، ۱۳۹۷

چکیده: شریعتمداری همچنین با فرار از اشاره به محتوای اظهارات این نمایندگان درباره مشکلات اساسی کشور با تحریف سخنان آنان اینگونه القا کرد که این دو نماینده با صنایع موشکی مخالفند و نوشت: اگر صنایع موشکی نبود این‌ها به عنوان برده به شیوخ عیاش آل سعود فروخته می‌شدند
کلمه_ گروه خبر: روزنامه کیهان ارگان رسانه ای جریان تحجر و انحصار، امروز با توهین و استهزاء نسبت به سخنرانی‌های دو نماینده شجاع و حق طلب مجلس واکنش نشان داد.
به گزارش کلمه، این روزنامه در ستون گفت و شنود خود با واکنشی عصبی و توهین آمیز نوشته است ۲ نماینده مجلس از دهانشان لجن بیرون آمده و با اینکه نظارت استصوابی بود، این اجق و جق‌ها وارد مجلس شدند، اگر نبود چه می‌شد؟

شریعتمداری همچنین با فرار از اشاره به محتوای اظهارات این نمایندگان درباره مشکلات اساسی کشور با تحریف سخنان آنان اینگونه القا کرد که این دو نماینده با صنایع موشکی مخالفند و نوشت: اگر صنایع موشکی نبود این‌ها به عنوان برده به شیوخ عیاش آل سعود فروخته می‌شدند.
نکته جالب اینکه حسین شریعتمداری حتی حاضر نشده به محتوای سخنان سلحشوری و حیدری اشاره ای کند و سپس مخاطبان خود را در معرض قضاوت قرار دهد و به جای آن صرفا به فحاشی پرداخته است.

غلامرضا حیدری در مجلس: خفه کردن در استخر به خفگی

نظام نیانجامد

چکیده: به هوش باشیم که باندهای مافیایی پشت صحنه موسسات مالی، قاچاق کالا، بدهکاران بزرگ مالی، بازار شدیداً آشفته ارز و سکه، خفه کردن در استخر، ناگهان کلیت نظام را به خفگی نکشاند غلامرضا حیدری نماینده فراکسیون امید در مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور خود در مجلس گفت:

ایران عزیز در شرایطی قرار گرفته که وضعیت معیشتی مردم هر روز سخت و سخت تر می شود و متأسفانه جمهوری اسلامی ایران گویا از ابتدای انقلاب با نگاهی منفی با دنیا مواجه شد که این نگاه منفی چه در روابط داخلی و چه خارجی موجب تنش و روابط حذف گرایانه شد. نخست وزیران، روسای جمهور، روسای مجلس و بسیاری دیگر، عموماً به حذف، حصر یا زندان کشیده شده اند.

سفارت آمریکا را اشغال کردیم که نقطه آغازینی برای شروع تحریم و جنگ شد و جنگ تحمیلی را حتی پس از فتح خرمشهر ادامه دادیم تا به جایی رسید که امام (ره) در پذیرش قطعنامه فرمودند جام زهر را می نوشم.

از بازسازی مناطق جنگی هنوز رها نشده بودیم که فعالیت های هسته ای را شروع کردیم و در این راه به قدری هزینه دادیم که به نرمش قهرمانانه رسیدیم که حاصل آن پذیرش برجام شد و هنوز جوهر برجام خشک نشده بود، موشک هوا کردیم که بهانه ای برای تشدید تنش آفرینی ها شد. باید این واقعیت را بپذیریم که دوست دائمی ما منافع ملی کشورمان است؛ این منافع ملی را با رویکرد و تعامل مثبت در روابط داخلی و خارجی می توان به دست آورد و مردم به روشنی متوجه می شوند و ما نیز باید با مردم صادقانه صحبت کنیم.

کاهش شدید ارزش پول ملی، افزایش شدید قیمت ها، حتی برای مایحتاج اولیه زندگی نشانگر این است که کشور خوب اداره نمی شود. مگر ما قیم دنیا هستیم که می خواهیم بینی همه را به خاک بمالیم؟! باید واقع بین باشیم و واقعیت ها را آن گونه که وجود دارد، ببینیم، بنابراین آن گونه که من یک پدیده را می بینم می تواند به گونه ای دیگر نیز دیده شود؛ بنابراین خود را حق مطلق نپنداریم و آنچه را که با فکر ما تفاوت دارد، باطل نپنداریم.

شاید این نگاه یکی از مهمترین دلایل تنش ها و درگیری های روابط داخلی و خارجی کشور است. ساختار اداره کشور به گونه ای است که اختیارات در یک جا و مسئولیت ها در جای دیگری است و این امر موجب اصطکاک و کاهش شدید بهره وری در اداره امور کشور شده است.

اگر رئیس جمهوری ضعیف و مجلسی ناتوان از انجام وظیفه نمی خواهیم، باید ساختار اداره کشور به صورت شفاف به گونه ای دیگر طراحی شود. اینگونه که حرکت می کنیم، توان نظام اقتصادی روز به روز مستهلک تر و اعتماد عمومی کمتر و کمتر می شود.

کاهش اعتماد عمومی به دست اندرکاران اداره کشور قطعاً حدی دارد و خدا نکند که از حد خود تجاوز کرده که دیگر قابل جبران نباشد.

یکی از ارکان نظام، جمهوریت آن است، به گونه ای که ارکان دیگر نیز به اتکای آرای عمومی استوار است، بنابراین جا دارد برای حل برخی معضلات داخلی و خارجی از مراجعه به آرای عمومی استفاده نماییم.

در شان نظام اسلامی نیست که ما هنوز نتوانسته ایم رفع حصر آقایان کروب، موسوی و خانم رهنورد و رفع ممنوع التصویری آقای خاتمی و آزادی بسیاری از زندانیان به ویژه زندانیان سیاسی را حل کنیم.

به هوش باشیم که باندهای مافیایی پشت صحنه موسسات مالی، قاچاق کالا، بدهکاران بزرگ مالی، بازار شدیداً آشفته ارز و سکه، خفه کردن در استخر، ناگهان کلیت نظام را به خفگی نکشاند.

پروانه سلحشوری نماینده مجلس: پیگیر دلایل اعلام نقص

پرونده ۲۰ دانشجوی ارشد هستیم

چکیده: من به همراه فاطمه سعیدی و طیبه سیاوشی به دنبال پیگیری وضعیت این دانشجویان هستیم، در صورتی که اسامی تمامی این ۲۰ دانشجو را به دست آوردیم با وزارت علوم ارتباط می گیریم و با آنان در مورد این دانشجویان صحبت می کنیم

پروانه سلحشوری با اشاره به نقص مدرک برخی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد گفت: حدود ۲۰ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد هستند که نام ۸ نفر از آنان به بنده داده شده است و منتظرم اسامی بقیه را دریافت کنم.

وی اظهار داشت: من به همراه فاطمه سعیدی و طیبه سیاوشی به دنبال پیگیری وضعیت این دانشجویان هستیم، در صورتی که اسامی تمامی این ۲۰ دانشجو را به دست آوردیم با وزارت علوم ارتباط می گیریم و با آنان در مورد این دانشجویان صحبت می کنیم.

نماینده مردم تهران در مجلس گفت: ما شاهد هستیم که تعدادی از این دانشجویان رتبه های خوب ارشد را به دست آورده اند مثلا به ما اطلاع داده اند که رتبه های ۹ و ۱۲ کنکور ارشد دچار نقص پرونده شده اند. سلحشوری ادامه داد: ما به دنبال حل مشکل این دانشجویان هستیم و قطعاً امکان حل شدن مشکلات آنان وجود دارد.

پیش از این فاطمه سعیدی در حساب توئیتری خود نوشت: از تمام داوطلبانی که در آزمون کارشناسی ارشد حائز رتبه قبولی شده و از ثبت نام آنها جلوگیری به عمل آمده است می‌خواهم اطلاعات خود را جهت پیگیری دقیق به اینجانب ارائه کنند. با سلب حق تحصیل مخالفم و برای احقاق حق داوطلبین تمام تلاش خود را می‌کنم.

بررسی اقتصاد مقاومتی

انتقاد کلانتری از 'دخالت نظامیان در کشاورزی'



عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، از "دخالت نظامیان" در کشاورزی انتقاد کرد

عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، از "دخالت نظامیان" در کشاورزی انتقاد کرد

عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، با انتقادی کم‌سابقه از "دخالت نظامیان در کشاورزی" گفته است که وزارت جهاد کشاورزی در تصمیم‌گیری‌هایش عملاً "تحت تاثیر ارگان‌های نظامی‌ست". او همچنین این ارگان‌ها را به "خرج کردن نادرست بودجه" متهم کرد.

آقای کلانتری که در کنگره ملی "علوم زراعت و اصلاح نباتات" صحبت می‌کرد به اظهار نظر محمدرضا نقدی، رئیس سابق سازمان بسیج مستضعفین، اشاره کرد که گفته بود که ایران "ظرفیت تولید غذا برای یک و نیم میلیارد نفر را دارد".

رئیس سازمان محیط زیست همچنین رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس را به دلیل تائید نظر سردار نقدی مورد نقد قرار داد و نتیجه این رفتار را "انحراف همه تصمیم‌گیران" دانست که در نهایت به "تعطیلی بخشی از کشاورزی" می‌انجامد.

خبرگزاری‌های وابسته به نهادهای نظامی با حمله به آقای کلانتری نظر او را مبنی بر مشکل ایران برای تامین غذای ۳۰ میلیون نفر زیر سوال برده‌اند.

شواهدی علیه فعالان زندانی محیط زیست در ایران 'وجود ندارد' 'خودکشی' یکی از فعالان بازداشتی محیط زیست در زندان محیط زیست ایران و چالش‌های پیش روی فعالان محیط زیستی آقای کلانتری به عنوان نمونه از خرج نامناسب بودجه به پروژه آبرسانی به زابل و احیای تالاب هامون اشاره کرد و گفت که وزارت جهاد کشاورزی نزدیک به یک میلیارد دلار برای این منظور بودجه گرفته است اما وضعیت امروز زابل و شمال سیستان نشان می‌دهد که این بودجه به درستی خرج نشده است.

عیسی کلانتری می‌گوید که وزارت جهاد کشاورزی تحت تاثیر موضع ارگان‌های نظامی و تندروها ر ایران "تغییرات اقلیمی را قبول ندارند و تلاش جهانی "برای مقابله با گرم‌تر شدن زمین" را توطئه می‌دانند.

محمدرضا نقدی، فرمانده سابق بسیج گفته است که ایران ظرفیت تولید غذا برای یک نیم میلیارد نفر را دارد او همچنین "انجمن‌های علمی" را به دلیل "سکوت" در برابر این اظهارنظرها مقصر دانست و گفت: وقتی انجمن‌های ما سکوت می‌کنند و فکر و ذکرشان ارتقای تشریفات اداری خودشان می‌شود، یک نظامی یا چند نماینده می‌آیند و سیاست‌گذاری می‌کنند.

عیسی کلانتری بدون نام بردن از فعالان محیط‌زیستی که بیش از ۹ ماه به اتهام "جاسوسی" در زندان‌های اطلاعات سپاه بازداشت هستند این انجمن‌ها را به تماشاجی بودن متهم کرد از آنان با عنوان "انجمن خلع سلاح شده" یاد کرد.

شهروندان عادی ایران هر روز هزینه فساد اداری را پرداخت می‌کنند

آیا صرف بگیر و ببند "فساد" را ریشه‌کن می‌کند؟ مدل لهستانی یا روسی؛ کدام یک به کارزار "مبارزه با فساد" در ایران کمک خواهد کرد؟

به نظر می‌رسد برای موفقیت در مبارزه با فساد اداری، مقام‌ها ایرانی باید محیطی را فراهم کنند که زمینه‌ساز گسترش فساد نشود نه آنکه صرفاً به بازداشت کسانی مبادرت ورزند که در این‌گونه فعالیت‌ها دخالت داشته‌اند.

آفتاب‌نیوز:

سرویس سیاسی- سایت "المانیتور" با اشاره به گسترش نارضایتی نسبت به فساد در ایران و برخوردهای اخیر صورت گرفته می‌نویسد: "به نظر می‌رسد نارضایتی ایرانیان در روند گسترش فساد در ایران گسترده‌تر شده به خصوص همزمان با تشدید بحران اقتصادی در آن کشور. شدت خشم عمومی در این‌باره به گونه‌ای است که مسئولان را وادار به پاسخگویی کرده است.

به گزارش **آفتاب‌نیوز**، المانیتور افزوده است: رهبری ایران خواستار اقدام سریع و درست علیه فساد اقتصادی شده‌اند. قوع قضاییه نیز به دادستان‌ها دستور پیگرد ده‌ها نفر به اتهام ارتکاب اخلاص در نظام اقتصادی کشور را داده است. "محمد جعفر منتظری" دادستان کل کشور نیز اخیراً گفته بود که مقام‌های دولتی از پیگرد و تحقیق در مورد پرونده‌های فساد مصون نیستند. او گفت هر مقامی که در این موارد نقشی داشته احضار خواهد شد، حتی وزرا نیز احتمال احضارشان وجود دارد. اخیراً یکی از معاونان بانک مرکزی نیز در میان بازداشت‌شدگان بود. به نظر می‌رسد این جنگ گسترده علیه فساد به وضوح تلاشی برای متقاعد کردن افکار عمومی است که قوانین ضد فساد در حال در حال اجرایی شدن هستند.



ایران در قانون مجازات اسلامی خود، مجازات‌های سرقت، رشوه، اختلاس و پولشویی را تعریف کرده و همگی مصادیق جرائم و اقدامات غیرقانونی محسوب می‌شوند. ایران همچنین در سال 2009 میلادی کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد را تصویب کرد. با این حال، بیشتر این قوانین بر بازدارندگی جرائم متمرکز هستند. چالش اصلی محیط کلی‌ای است که فساد در آن ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، مبارزه با فساد با صرف بازداشت عاملان نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. واقعیت آن است که عوامل فرهنگی بر شکل‌گیری محیط

زمینه‌ساز بروز فساد تاثیرگذار هستند. فرآیند فرهنگ‌سازی یک پروژه بلندمدت است. که باید با جدیت مدنظر قرار گیرد".

"المانیتور" با اشاره به نتایج دو الگوی اقتصادی در دو کشور در زمینه فساد می‌نویسد: "در اوایل دهه 90 میلادی "تیموتی فرای" و "اندري شلیفر" در ارزیابی خود این پرسش را مطرح کردند که چرا در لهستان در مقایسه با روسیه فساد کمتری وجود دارد؛ دو کشوری که در آن زمان دولت نیروی مداخله‌گر اصلی در اقتصاد بود. آنان کشف کردند که در لهستان دولت فراتر از قانون قرار داشت. با این حال، از قدرت خود در مسیرهایی استفاده می‌کرد که به طور کلی به نفع کسب و کار بود. در این مدل که الگوی دست کمک‌کننده است، بوروکرات‌ها در ترویج فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی دخیل بودند. آنان از برخی شرکت‌ها حمایت می‌کردند و باعث نابودی برخی دیگر می‌شدند. از سیاستگذاری‌های صنعتی‌شدن حمایت می‌کردند و اغلب ارتباطات خانوادگی با کارآفرینان نیز داشتند. در روسیه اما وضعیت متفاوتی حاکم بود. علیرغم آن که دولت به همان اندازه لهستان، مداخله‌گر در اقتصاد بود و فراتر از قانون قرار داشت، بوروکرات‌های دولتی در آن کشور علاقه زیادی به طعمه‌کردن کارآفرینان داشتند. روسیه نمونه خوبی از دامن زدن به فساد بود؛ ساختاری که در آن شمار زیادی از بوروکرات‌ها اهداف خود را دنبال می‌کردند و رشوه‌گیری میان آنان شایع بود. اگرچه این بوروکرات‌ها شعار "دست کمک‌کننده دولت" را پذیرفته بودند با این حال، در عمل سیاستگذاری عمومی‌ای اتخاذ کرده بودند که جدای از اصلاحات رادیکال و مستقل اقتصادی بود".

این سایت در ادامه می‌افزاید: "برای چندین دهه است که ایران در میانه این مدل گیر افتاده و تلو تلو می‌خورد. با این حال، به نظر می‌رسد که ایران از نظر فساد ناشی از رشوه‌گیری و رشوه‌دهی مدلی شبیه به مدل روسی شده است. این موضوع زمانی آشکارتر شده که بحران اقتصادی در جریان تحریم‌های امریکا تشدید می‌شود. این موضوع را می‌توان در شرکت‌های پتروشیمی دولتی ایران نیز دید که با نوسانات ارزی در برخی از موارد درآمدهای ارزی خود را در بازار آزاد به فروش گذاشته بودند، حرکتی که در تضاد با منافع اقتصاد کلان کشور بود. کار تا جایی پیش رفت که "بیژن زنگنه" تهدید کرد که مدیران شرکت‌های پتروشیمی را اخراج خواهد کرد. "حسین راغفر" اقتصاددان برجسته نیز گفته بود که این شرکت‌ها به هیچ‌کس پاسخگو نیستند.

برای نجات وضعیت کنونی اقتصاد ایران نیاز به پیگیری مدل "دست کمک‌کننده" مشابه لهستان وجود دارد. برای این کار نهادهای انتخابی ایران از جمله مجلس و ریاست‌جمهوری باید کارزار ضد فساد را در پیش گیرند و در صدر آن تصویب قوانین و اجرای آن را قرار دهند. این کار بسیار کارآمدتر از بگیر و ببندها و بازداشت‌های صورت گرفته اخیر از سوی قوه قضاییه است. با توجه به اینکه در ایران حسابرسی مستقل از حساب‌های دولتی چندان وجود ندارد اهمیت اصلاحات قانونی و حقوقی آشکارتر می‌شود. اصلاحات قانونی باید شامل تقویت شفافیت مالی، محدودکردن توانایی کارمندان دولتی در ورود به بخش خصوصی و تنظیم کانال خرید دولتی باشد. اگر اراده سیاسی کافی در این زمینه وجود داشته باشد ایران می‌تواند در این زمینه پیشرفت کند.

در یک حرکت مجلس ایران اخیرا خواستار تصویب قانون برکناری بازنشسته‌هایی شد که در پست‌های دولتی قرار گرفته بودند تا مجوز استخدام جوانان ایران در رده‌های عالی‌تر بوروکراسی ایران وجود داشته باشد. امیدواری وجود دارد که توانمندسازی مقام‌های جوان به بهبود فرهنگ سازمانی و افزایش پاسخگویی کمک کند. همچنین، پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی می‌تواند سبب تقویت مقررات مبارزه با پولشویی و در ایران شود. شهروندان عادی ایران هر روز هزینه فساد اداری را پرداخت می‌کنند. باید دید آیا دولت نیز انگیزه لازم برای ایجاد تغییر در دراز مدت از جمله بازگشت به مدل دولت کمک‌کننده را خواهد داشت یا خیر".

حذف نصف وزارتخانه ها، راهکار آرژانتین برای توقف سقوط ارزش پول ملی

آرژانتین بزرگترین صادرکننده حبوبات و روغن سویا در جهان است. این کشور همچنین یکی از بزرگترین تولیدکنندگان ذرت و گندم است. دولت آرژانتین برای صرفه جویی مالی، نصف وزارتخانه ها را حذف می کند.

به گزارش عصرایران به نقل از بی بی سی، صرفه جویی مالی با هدف جلوگیری از ادامه سقوط ارزش پول ملی آرژانتین صورت می گیرد. رئیس جمهوری آرژانتین در سخنرانی تلویزیونی گفت که کشورش نمی تواند همچنان بیش از درآمد، هزینه کند.

پول ملی آرژانتین (پزو) از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون 50 درصد ارزش خود را از دست داده است.

براساس اقدامات جدید دولت آرژانتین عوارض صادرات برخی حبوبات و تولیدات این کشور افزایش می یابد و نصف وزارتخانه ها نیز حذف

می شود.

دولت آرژانتین هنوز اسم وزارتخانه هایی که قرار است حذف یا ادغام شوند را اعلام نکرده است. آرژانتین بزرگترین صادرکننده حبوبات و روغن سویا در جهان است. این کشور همچنین یکی از بزرگترین تولیدکنندگان ذرت و گندم جهان به شمار می رود. وزیر اقتصاد آرژانتین هم گفت که اقدامات ریاضت اقتصادی با هدف جبران کسری بودجه سال آینده و در چارچوب توقف کاهش ارزش پول ملی آرژانتین صورت می گیرد. دولت آرژانتین امیدوار است در بودجه سال 2019 به کسری بودجه صفر برسد. همچنین وزیر اقتصاد آرژانتین قرار است در سفر به واشنگتن با رئیس صندوق بین المللی پول دیدار و گفتگو کند. آرژانتین قصد دارد از صندوق بین المللی پول وام بگیرد. وضعیت فعلی آرژانتین باعث شده بسیاری از سرمایه گذاران منابع مالی خود را به دلار تبدیل می کنند. اگر کمپین «نخریدن خودروی صفر» ادامه پیدا می کرد...؛

«بنز و بی ام و» به حال «ایران خودرو و سایپا» غبطه می خورند! / کدام حمایت از «تولید ملی»؛ ایران خودرو و سایپا که دلیل عدم عرضه را تحریم می دانند! چرا تولید پراید با وجود آمار کشتار بالا ادامه دارد؟!

انتظار می رود، تصمیم گیران در جهت ایجاد اعتماد عمومی و تأمین منافع مردم، با سیاست های جدید در حوزه خودرو، راه را برای واردات خودروهای خارجی به کشور بدون محدودیت های قبلی و با تجدیدنظر جدی در نظام تعرفه ای باز کنند. این مسأله شاید به انگیزه ای برای تولید خودروهای با کیفیت و عرضه بدون احتکار خودرو از سوی خودروسازان وطنی بینجامد؛ هرچند از محاسنی نظیر تأمین امنیت جانی مصرف کنندگان خودروهای خارجی، کاهش مصرف سوخت و هدر رفتن منابع عمومی کشور، کاهش آلودگی هوا و مسائلی از این قبیل هم نباید غافل شد.

کد خبر: ۸۳۱۲۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴ شهریور ۱۳۹۷ - ۱۵:۰۰۰۵ September 2018

چند سال پیش، کمپینی با نام «خودروی صفر نخرید» به راه افتاد که شاید برای اولین و آخرین بار مردم در یک مسأله اقتصادی و به منظور جلوگیری از اجحاف خودروسازان در حق مصرف کننده، نمایشی بزرگ از همدلی و وحدت را اجرا کردند و کار را به جایی رساندند که خودروسازان (ایران خودرو و سایپا) به دلیل عدم استقبال مردمی از تولیدات شان به ورطه ورشکستگی افتادند.

به گزارش «تابناک»؛ کمپین نخریدن خودرو به اندازه ای جدی دنبال شد که مردم سایر خودروها حتی خودروهای وارداتی چینی، ژاپنی، کره ای و اروپایی را هم مورد توجه قرار نمی دادند و همین عدم استقبال مردم از خرید و کساد بازار خرید و فروش باعث شده بود که قیمت ها اولاً مشابه امروز از کارخانه تا بازار اختلاف های آنچنانی را نه تنها شاهد نباشد، بلکه در بسیاری از موارد قیمت بازار پایین تر از کارخانه هم بود. از طرفی به اندازه ای میل تولیدکنندگان و عرضه کنندگان خودرو به فروش محصولاتی که روی دستشان مانده بود، افزایش یافت که شرایط متنوعی پیش روی خریداران قرار می گرفت تا شاید بتوانند رونقی در بازار خودرو ایجاد کنند. در رابطه با محصولات چینی که این رویه چنان جدی تر بود که بعضاً شرایط باورنکردنی پیش روی خریداران قرار می گرفت، ولی باز هم استقبالی ندیدیم.

نخریدن خودرو از سوی مردم، چنان ایران خودرو و سایپا را به زمین زد که اگر نبود وام عجیب و غریب دولت و وزارت صنعت وقت به آنان، امروز شاهد ورشکستگی کامل و تبدیل این دو خودروساز به بخش خصوصی واقعی بودیم، اما یک ترفند دولتی برای اعطای وام به منظور توانمندسازی این دو خودروساز و همچنین تسهیل شرایط به گونه ای که خریداران با کمترین بضاعت هم بتوانند خودروهای بدون مشتری این دو خودروساز را خریداری کنند، جلوی این اتفاق را گرفت.

پس از این تجربه بود که ایران خودرو و سایپا به این نتیجه رسیدند که نمایندگی ها، کارچاق کن ها و دلالان وفادارترین مشتریان آنان هستند و بهتر است به جای عرضه خودرو به مصرف کنندگان واقعی، شرایط را به نحوی پیش ببرند که خودروهای تولید داخل هم مشابه خودروهای خارجی که به ایران وارد می شوند و توسط شرکت های واسطه ای به فروش می رسند، از طریق واسطه به خریدار عرضه شود.

کم کم تلاش جدی برای دو نرخی کردن قیمت خودرو و تفاوت قیمت از کارخانه تا بازار صورت گرفت تا همین خودروهایی که سرخواستنش دعوا بود و مردم هزار و یک ایراد به آن می گرفتند هم حکم کیمیا را پیدا کند و این سختی رسیدن محصول به دست مصرف کننده نهایی باعث شود خودروهایی که دیگر در هیچ کجای دنیا تولید و عرضه نمی شود، برای ماه ها و سال های آتی از سوی ایران خودرو و سایپا به فروش برسد.

ایجاد شرایطی همچون تحویل حواله، در نظر گرفتن صلح بین خریدار و فروشنده پیش از تحویل خودرو، پیش فروش های عجیب و غریب و مسائلی از این دست برای اجرای سناریوی کامل حاکم شدن دلال بر بازار خودرو بود که طی چند سال اخیر با قدرت ادامه پیدا کرد تا در نهایت به سبب شرایط نامساعد اقتصادی ایجاد شده برای کشور، ایران خودرو و سایپا بتوانند سلطه فراگیری بر بازار و خریدار پیدا کنند.

تا چند وقت پیش مردم به مقایسه محصولات خودرویی تولید شده در دیگر نقاط دنیا با خودروهای تولیدی ایران

خودرو و سایپا می پرداختند؛ از عدم کیفیت خودروهای تولید شده، مصرف سوخت و استهلاک بالا، غیر ایمن بودن این خودروها در مقایسه با خودروهای خارجی و عدم رعایت استانداردهای روز خودروهای دنیا توسط این دو خودروساز گلایه داشتند و در حقیقت بر سر نخواستن محصولات آبی و نارنجی پوشان جاده مخصوص دعوا بود.

اما با اقداماتی که پس از تجربه راه اندازی «کمپین خریدن خودروی صفر» توسط ایران خودرو و سایپا انجام شد، کم کم مصرف کنندگان در دام آنها گرفتار شدند؛ هرچند وزارت صنعت، معدن و تجارت هم همراهی های جدی با آنها و علیه حقوق مصرف کنندگان انجام داد که از بسته شدن سامانه ثبت سفارش و افزایش قیمت خودروهای خارجی تا ممنوعیت واردات خودروهای خارجی که قیمت این خودروها را در مقابل محصولات ایران خودرو و سایپا نجومی کرد و البته به افزایش آنچنانی محصولات آنها نیز منجر شد.

حالا قیمت های تولیدات ایران خودرو و سایپا به قیمت چند ماه پیش خودروهای با کیفیت خارجی و حتی بیشتر از آن هم رسیده و البته آنها توانسته اند محصولات خود را نه تنها برای امسال، بلکه برای سال آینده هم به فروش برسانند؛ موضوعی که آرزوی خیلی از خودروسازان پیشرفته دنیا از جمله بنز و بی ام و است و شاید آنها اگر از این فروش عجیب ایران خودرو و سایپا مطلع شوند، به حال این دو خودروساز ایرانی غبطه بخورند.

شاید اگر مردم مشابه آنچه چند سال پیش انجام دادند را در بحبوحه افزایش های آنچنانی قیمت خودروهای داخلی و حتی خارجی در پیش می گرفتند و برای خرید راغب نبودند، امروز شاهد آن نبودیم که ایران خودرو و سایپا برای فروش خودروهای خود به مردم «ناز» کنند و حتی به فکر دیوی خودروهای خود - که هر روز فیلم و تصویری از آن در گوشه گوشه تهران و سایر شهرهای کشور بیرون می آید - بیفتند.

حالا که این اتفاق نیفتاده و مردم رغبت زیادی به خرید دارند، چند نکته در ارتباط با وضعیت اخیر خودروسازان وطنی وجود دارد که بسیار قابل تأمل و جدی است. از آنجا که ایران خودرو و سایپا مدعی تولید ملی هستند و بسیاری از تولیدات خود را خودروی داخلی می خوانند، باید اشاره کرد که این دو خودروساز در جریان تحریم های اخیر آسیب پذیری خود را نشان داده اند، به گونه ای که به اعتراف خودشان بخش اعظمی از تولیداتشان ملی نیست و وابسته به واردات نهاده ها یا مواد اولیه از خارج کشور است، پس چنین محصولی را نمی توان داخلی خواند.

به نظر می رسد که سیاست ها و معافیت های عجیب و غریب و امتیازاتی که برای این دو خودروساز در جهت توانمندسازی و تولیدات خودروهای داخلی در نظر گرفته شده، نه تنها تاکنون جواب نداده و منجر به دستیابی به چنین مسأله ای نشده است، بلکه ایران خودرو و سایپا را به 2 خودروساز تبیل که به خاطر شرایط مساعد ایجاد شده، اطمینان خاطر جدی دارند و هیچ تلاشی برای بهبود وضعیت و کیفیت محصولات شان نمی کنند، تبدیل کرده است.

حالا که به اذعان سازمان ملی استاندارد خودروهای تولید شده توسط ایران خودرو و سایپا کیفیت بسیار پایینی دارند و برخی از این خودروها حتی استانداردهای اولیه از نظر تأمین امنیت برای سرنشین، آلایندگی هوا و ... را ندارد، بهتر است برای رقابتی کردن فضا و ایجاد انگیزه بیشتر به منظور تولید محصولات با کیفیت و تماما ایرانی، محدودیت های مربوط به واردات خودروهای با کیفیت خارجی برداشته و در نظام تعرفه گذاری برای واردات این نوع خودروها بازبینی جدی شود.

سیاست های مربوط به حوزه خودرو نه تنها طی دهه های اخیر جواب نداده و منجر به تولید یک محصول تماما ایرانی، با کیفیت و دارای توان صادراتی نشده است، بلکه وضعیت تولید خودرو در کشور را هر روز نابسامان تر کرده و آن را بر خلاف سایر نقاط دنیا برای مردم به یک موضوع سرمایه ای تبدیل کرده که تنها خروجی آن رواج دلالی، کاهش ارزش پول ملی، به هم ریختن وضعیت اقتصاد کشور و ... بوده است؛ لذا به نظر می رسد باید سیاست گذاری جدیدی در این حوزه صورت بگیرد؛ شاید با این نگاه جدید بتوان صنعت خودروی داخلی را ارتقا داد و با کیفیت ساخت.

همین شرایط موجود باعث شده، هرچند قرار بود تولید پراید و برخی دیگر از خودروهای تولید ایران خودرو و سایپا به دلیل نداشتن ایمنی کافی و از دست رفتن جان بسیاری از هموطنان مان از ناحیه استفاده از این خودرو، متوقف شود، اکنون همین خودروها حکم کیمیا را پیدا کرده اند و شرایط به گونه ای است که مردم برای از دست رفتن ارزش دارایی شان برای خرید آن حاضرند ماه ها و حتی یک سال در انتظار بنشینند؛ موضوعی که با اشتیاق تولیدکننده آن را دنبال می کنند!

انتظار می رود، تصمیم گیران در جهت ایجاد اعتماد عمومی و تأمین منافع مردم، با سیاست های جدید در حوزه خودرو، راه را برای واردات خودروهای خارجی به کشور بدون محدودیت های قبلی و با تجدیدنظر جدی در نظام تعرفه ای باز کنند. این مسأله شاید به انگیزه ای برای تولید خودروهای با کیفیت و عرضه بدون احتکار خودرو از سوی خودروسازان وطنی بینجامد؛ هرچند نباید از محاسنی نظیر تأمین امنیت جانی مصرف کنندگان خودروهای خارجی، کاهش مصرف سوخت و هدر رفتن منابع عمومی کشور، کاهش آلودگی هوا و مسائلی از این قبیل هم غافل شد.

بزرگترین محترکین، خود دولتی ها هستند/ خودروسازها به ریش

نمایندگان می‌خندند/ قوه قضاییه کی می‌خواهد این مدیران نالایق را محاکمه کند؟

پراید از 7 میلیون تومان در عرض چند سال به 40 میلیون تومان رسیده و خودروهای دیگری که تا همین سه ماه پیش، کسی رغبتی به خرید آنها نداشت و حتی با آفرهایی مانند چک و تحویل آتی و وام بدون بهره هم مشتری چندانی نداشتند، امروز در بازار کمیاب شده اند و با قیمت های نجومی به فروش می رسند.

خودروی پراید از 7 میلیون تومان در عرض چند سال به 40 میلیون تومان رسیده و خودروهای دیگری که تا همین سه ماه پیش، کسی رغبتی به خرید آنها نداشت و حتی با آفرهایی مانند چک و تحویل آتی و وام بدون بهره هم مشتری چندانی نداشتند، امروز در بازار کمیاب شده و با قیمت های نجومی به فروش می رسند. به گزارش «تابناک»؛ خودروسازها ادعا می کنند خودکفا شده اند و به همین دلیل، مانع از آزاد شدن واردات خارجی شده اند؛ اما وقتی نوبت به تحویل خودرو می رسد، ادعا می کنند چندین هزار خودروی آنها به دلیل تحریم ها و کمبود قطعات ناقص مانده و نمی توان آنها را تحویل مشتری داد!

رسول خضری، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در گفت وگو با تابناک در این باره می گوید: به نظر من، دولت بزرگترین محترک است. جالب است که اینها خودشان احتکار می کنند و از طرف دیگر، به صدا و سیما می روند و می گویند احتکار نکنید. آنها خودشان در جای جای کشور، از آذربایجان شرقی گرفته تا تهران، 40 هزار، 20 هزار، 8000 و ... خودرو احتکار کرده اند و به مردم می گویند، کالا احتکار نکنید! این نماینده مجلس افزود: خودروساز ما 20 هزار خودرو را به بهانه واهی و تنها به این دلیل که رادیو کم دارد، نگه داشته. آقا رادیو پیشکش؛ مردم در این وضعیت رادیو می خواهند چکار؟ خودرو در بازار یک و نیم تا دو برابر قیمت کارخانه شده؛ پس کی می خواهند به داد مردم برسند؟

خودروسازهای ما، خودروهای بنجل را با قیمت دو تا سه برابر به مردم می فروشند که البته به نظر من به مردم می اندازند و این یک دهن کجی به مردم و حتی رهبری است. باید با این افراد به شدت برخورد کرد. باید از من نماینده و دولت ها در این باره پرسید، چرا کسی نباید پاسخگو باشد؟ باید با محترکین بزرگ که خود دولتی ها هستند، برخورد شود و دادگاه ها و قوه قضاییه نیز به شدت با این افراد برخورد کند تا دیگر جرأت احتکار اموال مردم را نداشته باشد.

خضری در ادامه گفت: خودروسازی ها و برخی مدیران همدمست اینها، خون مردم را در شیشه کرده اند، به گونه ای که ماشین های 20 میلیونی را 40 میلیون و خودروهای 40 میلیونی را 80 میلیون می فروشند و به ریش مجلس و مردم می خندند. نمایندگان باید با جدیت به این موضوع ورود کنند. کاش به جای این جلسه امروز که هیچ خروجی نداشت، به همین مباحث می پرداختیم و این موضوع را سه فوریتی در دستور کار قرار می دادیم!

این نماینده مجلس همچنین ادامه داد: به نظر من، باید این مفسدین را که باعث تضییع حقوق عمومی شده اند، مجازات سنگین کنند، چون اگر با این افراد برخورد شود، قطعاً این وضعیت فروکش خواهد کرد. این وضعیتی که امروز در بازار می بینیم، حاصل جنگ روانی است که خود مدیران داخلی کشور به راه انداخته اند؛ البته ما نمی گوییم، عوامل خارجی تأثیر ندارد، ولی از پیش از شروع تحریم ها، این وضعیت واقعاً پذیرفته نیست. وی همچنین یادآور شد: مگر ما خودروهای خود را از آمریکا وارد می کنیم که امروز به مردم خودرو نمی دهند؟ به چه دلیل خودروسازها مردم را تحریم کرده اند؟ غیر از این است که به دنبال دلالتی و سود بیشتر هستند؟ اینها هر زمان که آب گل آلود شده، ماهی خود را گرفته و خلاصه خودروی 7 میلیونی را به 40 میلیون تومان رسانده اند؛ در کجای دنیا چنین چیزی دیده شده است؟!

چرا قوه قضاییه در این موضوع ورود نمی کند؟ تا کی باید مردم شاهد مکیده شدن خونشان توسط این افراد باشند؟ اینها در حالی است که میلیاردها تومان هزینه های اضافی آقایان است؛ خوب چه زمانی قرار است آنان محاکمه بشوند؟ در این چهل سال چه کاری برای کشور کرده اند؟ مگر ادعای خودکفایی ندارند؛ چرا می گویند نمی توانیم قطعه وارد کنیم؟ این چه خودکفایی است که صدها هزار خودرو لنگ یک پیچ یا یک رادیو باشد؟ چرا نمی گویند توان تولید خودرو را ندارید، تا مردم و مجلس هم تکلیف خود را با شما روشن کنند؟ مگر نمی گویند اگر واردات آزاد شود، کمر تولید داخلی می شکند؟ این چه تولید داخلی است که لنگ وارد کردن قطعه مانده؟! اینها مردم را مسخره خودشان کرده و نشسته اند و به ریش ما می خندند.

فرشاد مومنی، اقتصاددان:

نامه دوم اقتصاددان ها را به زودی منتشر می کنیم/ دست هایی در کار است که روحانی با ما روبه رو نشود/ چیزی که مجلس و دولت پخته اند بی کیفیت ترین برنامه تاریخ است

استاد اقتصاد دانشگاه علامه



طباطبایی گفت: چیزی که مجلس و دولت پخته‌اند بی کیفیت‌ترین برنامه‌ای است که در تاریخ وجود دارد. در بی‌برنامگی، کارگران کتک می‌خورند و رانت‌بگیران پاداش می‌گیرند. باید به سمت برنامه برویم. ساختار نهادی الان به گونه‌ای است که علیه تولیدکنندگان و مردم است و خدمت‌گذار رانت‌خوارها. باید برای مبارزه با فساد هم برنامه داشته باشیم.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی تاکید کرد: در تمام دنیا حتی در کشورهای پیشرفته در مواجهه با بحران، پدیده ملی‌سازی برای امنیت شرایط مورد توجه قرار می‌گیرد. جنبش واگذاری در اوج بحران که برخی مسئولان از آن می‌گویند هیچ نسبتی با منافع ملی ندارد.

به گزارش «انتخاب»؛ فرشاد مومنی در کنگره حزب مردم‌سالاری اظهار داشت: بسط امید واقع‌بینانه در بالاترین سطح به اصلاح رابطه مردم و حکومت برمی‌گردد. اگر جنبه‌های مختلف حیات جمعی را تفکیک می‌کنیم، باید بدانیم قراردادی است. همه این تفکیک‌ها یک چیز است به همین دلیل امکان ندارد اوضاع اقتصاد خراب باشد و در فرهنگ شرایط خوب باشد. رابطه حکومت و مردم باید اصلاح شود.

به نوشته ایلنا، وی افزود: برای اینکه چنین اصلاحی صورت بگیرد، مبنای شفافیت و علم باشد، نه فریب و دروغ. اوضاع فعلی ایران نشان می‌دهد کارهایی که باید انجام شود، در دستور کار نیست. اساس بقا، مناسبات رانتی، عدم شفافیت و دستکاری واقعیت امروز وجود دارد. اوضاع پیچیده صحیح نیست. منافع و برداشت‌هایی وجود دارد که وارونه‌نمایی واقعیت و ترویج دروغ ما را از استفاده از ظرفیت‌ها محروم می‌کند.

مومنی تصریح کرد: در کلی‌ترین حالت، غفلت نابخشودنی از افزایش نظام‌وار نابرابری ناموجه، از اساسی‌ترین مشکلات ایران امروز است. در سال ۲۰۰۶ که قرار بود پدیده بحران آب مورد بررسی قرار گیرد، معلوم شد هیچ عنصری به اندازه نابرابری ناموجه قدرت توضیح ندارد. نابرابری در ایران باید خیلی بیشتر مورد توجه باشد؛ چه از نظر عقیدتی و چه شعارهای مردم در جریان مبارزات که اعتراض به نابرابری است.

این فعال اقتصادی گفت: اساس نابرابری در ایران به تولید مربوط نیست، به رانت مربوط است. بنابراین نابرابری شدت می‌گیرد. نابرابری در یک اقتصاد رانتی مهم‌ترین نیروی تشدید وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج است که باید مورد توجه باشد. چرا آنهایی که در ساخت قدرت نیستند هم سهل‌انگاری نابخشودنی دارند؟ نابرابری‌های ناموجه به گسترش و فساد گره خورده است. امیدوارم همه کسانی که دل در گرو ایران و اسلام دارند، کلید اصلی را فراموش نکنند. چون در ساخت سیاست رانتی قرار داریم، هر قدر مناسبات مبتنی بر حذف افزایش یابد، به جای همکاری، بحران‌ها شدت می‌گیرد. راهکارهای ما امروز را به فردا منتهی می‌کند. به اعتبار شرایط ویژه منطقه‌ای اگر به دنبال چاره باشیم، باید به رابطه بین نابرابری و گسترش بین وابستگی ذلت‌آور توجه کنیم. چگونه توزیع نابرابر قدرت با نابرابری ناموجه ارتباط دارد؟

وی تصریح کرد: شدت وابستگی ذلت‌آور به دنیای خارج در دوره‌ای است که عده‌ای فکر کردند می‌توانند از طریق توزیع نامناسب قدرت یکپارچه، مناسبات خود را پیش ببرند. کلید اصلی ماجرا برای مواجهه با این قضیه این است که وقتی مناسبات رانتی با دروغ در دستور کار است و مسائل منفعتی برای گروه‌های خاص است احزاب و دانشگاه و رسانه باید تلاش کنند به نظام دیده‌بانی در کشور دست پیدا کنیم. در سال ۸۸ یک شعار به صورت یک تابلو درآمد و آن دروغ ممنوع بود و کشور به شدت به آن نیاز دارد. مناسبات رانتی باعث شده به اسم مبارزه با بحران سیستم نابرابر مورد توجه قرار گیرد.

مومنی افزود: وقتی کارگران ۱۸ ماه است حقوق نمی‌گیرند تصمیم می‌گیرند پراکنده شوند و در قوا تصمیم می‌گیریم برای آنهایی که در موسسات غیرمجاز سرمایه‌گذاری کردند منابع آماده کنیم و به آنها بدهیم. قوا صلاحیت اقتصادی ندارند. وزارت کار گزارش داد یک میلیون و صد هزار فرصت شغلی نابود شده است. چه کسی نمی‌داند این یعنی چی؟

وی اضافه کرد: در تمام دنیا حتی در کشورهای پیشرفته در مواجهه با بحران، پدیده ملی‌سازی برای امنیت شرایط مورد توجه قرار می‌گیرد. جنبش واگذاری در اوج بحران که برخی مسئولان از آن می‌گویند هیچ نسبتی با منافع ملی ندارد. اگر شرایط بحرانی باشد به نفع آنهاست چون این واگذاری به شکل ارزان‌تری برای آنها تمام می‌شود. در شرایط بحرانی و تحریم اعلام شد تعدادی از کالاها ممنوع‌الورود هستند که بررسی کردیم از کل انقلاب برخی از آنها ممنوع بوده، مثل مشروبات و گوشت خوک.

مومنی گفت: اینها کی آزاد بوده‌اند؟ این دروغ‌سازی‌ها به نفع چه کسی است؟ چیزی که هوشیاری ملی می‌طلبد این است که دستکاری واقعیت و وارونه‌نمایی اولویت و دروغ‌گویی برای کسب رانت، نیاز به چاره دارد. گزارش‌های رسمی می‌گوید از ۸۴ تا ۹۲ کسری بودجه چهار و نیم برابر شده است. چگونه می‌خواهید ناهنجاری اجتماعی را رفع کنید وقتی از این موضوع حرف نمی‌زنید؟ وقتی می‌خواهند به فقرا رسیدگی کنند به صورت صدقه‌ای اqlام می‌دهند. از جمعیتی که داریم طی ۱۵ سال گذشته نزدیک به دو سوم هیچ نقشی در تولید ملی ندارند. در سرشماری قشر تحصیل‌کرده به ۱۳ میلیون رسیده و میانگین بیکاران دو برابر افزایش یافته است این یعنی در کشور هرچه دانایانتر باشی فرصت شغلی کمتر

است.

وی با تاکید بر اینکه ما برای خروج از این شرایط نباید لکنت زبان برای بیان واقعیت داشته باشیم، گفت: نباید همه از بیان واقعیت بترسند. نباید خودسانسوری در گزارش‌های رسمی باشد. تمام مشکلات ایران در تسخیر علم است و هنوز ظرفیت‌های دانایی فراتر از دشواری‌هاست. چرا کسی نمی‌گوید به واسطه میدان دادن به مناسبات رانتی بی سر و صدا از بازار ارز و پول در ایران حاکمیت‌زدایی شده و دولت دنبال مطامع رانتی است؟

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی گفت: بازار سرمایه اعتبار بهره گرفتن از مناسبات رانتی نسبتی با واقعیت‌ها در اقتصاد ملی را ندارد. چرا روحانی این‌ها را نمی‌داند و می‌گوید اوضاع خراب است؟ به بازار سرمایه نگاه کنید. چرا هر مقام اقتصادی که حرف می‌زند از دانشجویان اقتصادی خجالت می‌کشیم؟ چرا انقدر بی مایه؟ چه کسی این خوراک را تامین می‌کند؟ چرا یکدفعه با عمده کردن نقدینگی می‌خواهند نقش اصلی شوک‌های ارزی را ناپیدا کنند؟ این اقدامات منافع چه کسی است؟ چرا راجع به منشاءهای جهش نقدینگی صحبت نمی‌کنند؟ چه کسی به روحانی گزارش کارشناسی داد و وقتی گرم بود گفت کنترل نقل و انتقالات بانکی از مسائل شخصی مردم است.

مومنی خاطر نشان کرد: در فرآیند تصمیم‌گیری علم اولویت نیست و مناسبات رانتی و فاسد اولویت است. این افتخار برای ما بس که دانایی را در متن قرار می‌دهیم و نمی‌دانیم چه اراده‌ای در کار است که در مجلس و دولت اصرار به حل و فصل جزیره‌ای دارند. بارها من به روحانی گفتم اول باید از این توهم در بیایید که برنامه دارید.

وی خاطر نشان کرد: این چیزی که مجلس و دولت پخته‌اند بی کیفیت‌ترین برنامه‌ای است که در تاریخ وجود دارد. در بی‌برنامگی، کارگران کتک می‌خورند و رانت‌بگیران پاداش می‌گیرند. باید به سمت برنامه برویم. ساختار نهادی الان به گونه‌ای است که علیه تولیدکنندگان و مردم است و خدمت‌گذار رانت‌خوارها. باید برای مبارزه با فساد هم برنامه داشته باشیم.

این فعال اقتصادی گفت: برخورد غیربرنامه‌ای با فساد اثر بازدارندگی ندارد. به خاطر آدرس‌های غلط بحران ارزی نامه دوم اقتصاددان‌ها را به زودی منتشر می‌کنیم. کام آنهایی که مناسبات رانتی دارند، به خاطر نامه‌های ما تلخ شده است. دیروز از نهادی حکومتی با من تماس گرفته می‌گویند در جلسات جزیره‌ای که به عنوان اقتصادی شکل می‌گیرد شرکت نکنید. گفتیم چرا؟ گفتند چون به عنوان برنامه دولت و مجلس حرف‌های شما را اعلام می‌کنند و بر همین اساس از آبروی شما خرج می‌کنند. با من تماس گرفتند گفتم چه دست‌هایی در کار است که می‌خواهید روحانی با ما روبه‌رو نشود. می‌دانیم در دوره‌ای دولت‌ها روی دنده خلاص می‌گذارند اما دنده این دولت غیرعادی است.

وی افزود: مهم‌ترین چالش توسعه، ضعف ظرفیت‌های سازمانی است. جامعه‌ای که ظرفیت سازمانی ضعیف دارد، انباشت ذره‌ای دارد. در جامعه با تقدم مناسبات سیاسی روبه‌رو هستیم. به یقین در ایران شکل‌گیری احزاب پایدار و توانمند راه نجات کشور است. دانشمندان سیاسی به کمک نظام بیایند و دست‌های پشت پرده را تشخیص دهند که به شفافیت آلرژی دارند. تذکر می‌دهم از امواج فسادزا خود را مصون بدانید.

اگر مشکل قحطی و گرانی پوشک بانوان و نوزادان حل نشود مملکت به گند کشیده می‌شود / ورود رهبری به موضوع

پوشک

این روزها پوشک بانوان و نوزادان بسیار خبرساز گشته و افزایش چشمگیر قیمت آن به دغدغه اصلی بسیاری از مردم تبدیل شده است. حتی کار به جایی رسید که رهبر انقلاب به این افزایش قیمت و کمبود پوشک نوزادان واکنش نشان داد. پیگیری‌ها نشان می‌دهد، پنج عامل به کمبود و گرانی پوشک نوزادان دامن زده است.



این روزها پوشک بانوان و نوزادان بسیار خرساز گشته و افزایش چشمگیر قیمت آن به دغدغه اصلی بسیاری از مردم تبدیل شده است. حتی کار به جایی رسید که رهبر انقلاب به این افزایش قیمت و کمبود پوشک بانوان و نوزادان واکنش نشان داد. پیگیری‌ها نشان می‌دهد، پنج عامل به کمبود و گرانی پوشک بانوان و نوزادان دامن زده است.

به گزارش «[تابناک اقتصادی](#)»، چند هفته ای است، پوشک بانوان و نوزادان کمیاب شده و قیمت آن نیز به شکل چشمگیری افزایش یافته است. این موضوع آن قدر جدی شده که حتی رهبر انقلاب در دیدار اخیر خود با اعضای هیأت دولت به کمبود پوشک بانوان و نوزادان و کودکان اشاره کرد و گفت: مواردی هم هست که بحث سود طلبی نیست، بلکه خرابکاری است. مثلاً فرض بفرمایید ناگهان در تهران و یا در شهرهای بزرگ پوشک بچه نایاب شده است. دشمن می‌خواهد مردم عصبانی شوند از دستگاه دولتی و دستگاه حکومت.

اما علت این کمیابی و گرانی پوشک نوزادان چیست؟

بررسی های نشان می‌دهد که پنج عامل موجب گرانی و کمیابی پوشک بانوان و نوزادان را فراهم کرده است. در ادامه به بررسی این عوامل خواهیم پرداخت.

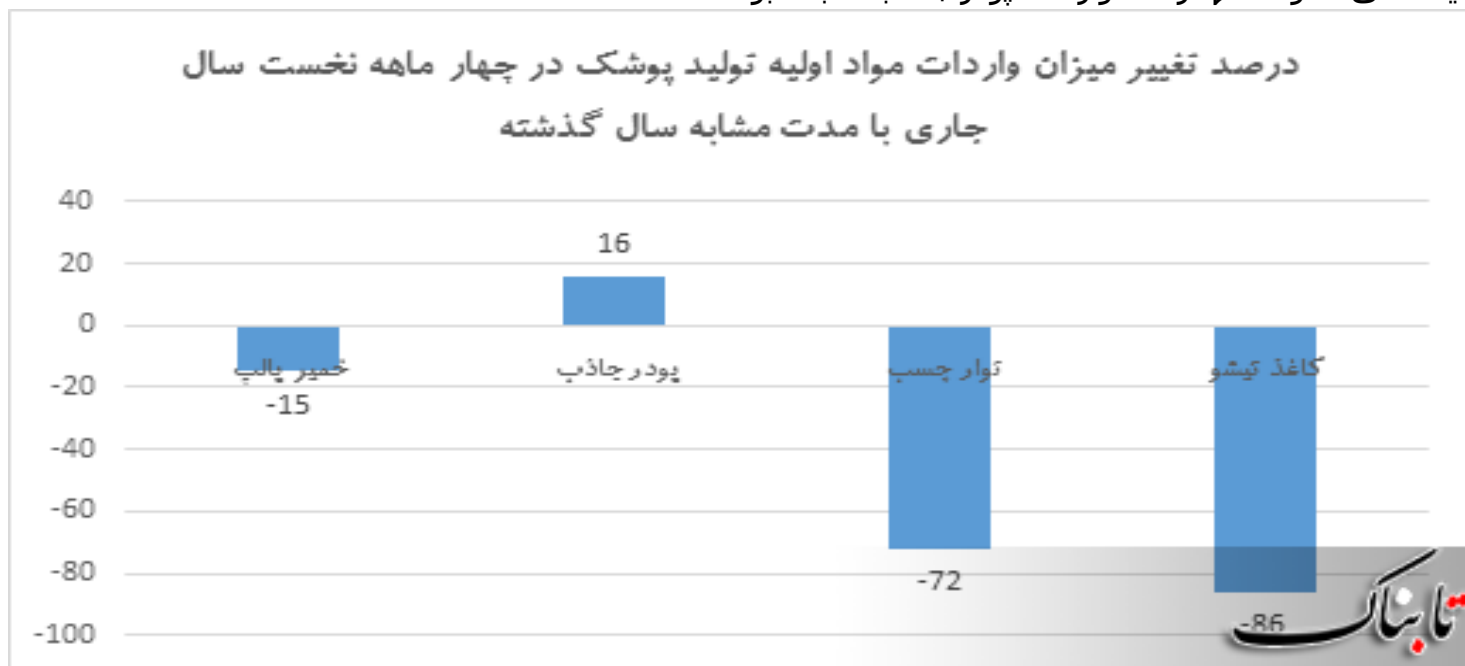
اولین عامل کمیابی و گرانی پوشک بانوان و نوزادان، به این موضوع بازمی‌گردد که **بیشتر مواد اولیه تولید پوشک بانوان و نوزادان وارداتی است** و ارتباط مستقیمی با قیمت ارز دارد. مطابق با صحبت های عباس فصیح خوشگر، رئیس هیأت مدیره انجمن صنایع سلولزی بهداشتی ایران **80 درصد مواد اولیه تولید این محصول وارداتی است؛** بنابراین طبیعی است، با افزایش نرخ ارز قیمت تمام شده پوشک نیز افزایش یابد. پس افزایش نرخ ارز در ماه های اخیر، یکی از عوامل افزایش قیمت پوشک بانوان و بچه

بوده است.

دومین عامل، کاهش واردات مواد اولیه جهت تولید پوشک بانوان و نوزادان بوده است. مواد اولیه برای تهیه پوشک بانوان و نوزادان عبارت است از خمیر پالپ، پودر جاذب، نوار چسب ویژه پوشک، کاغذ تیشو، بک شیت، مانوون و کیسه چایی.

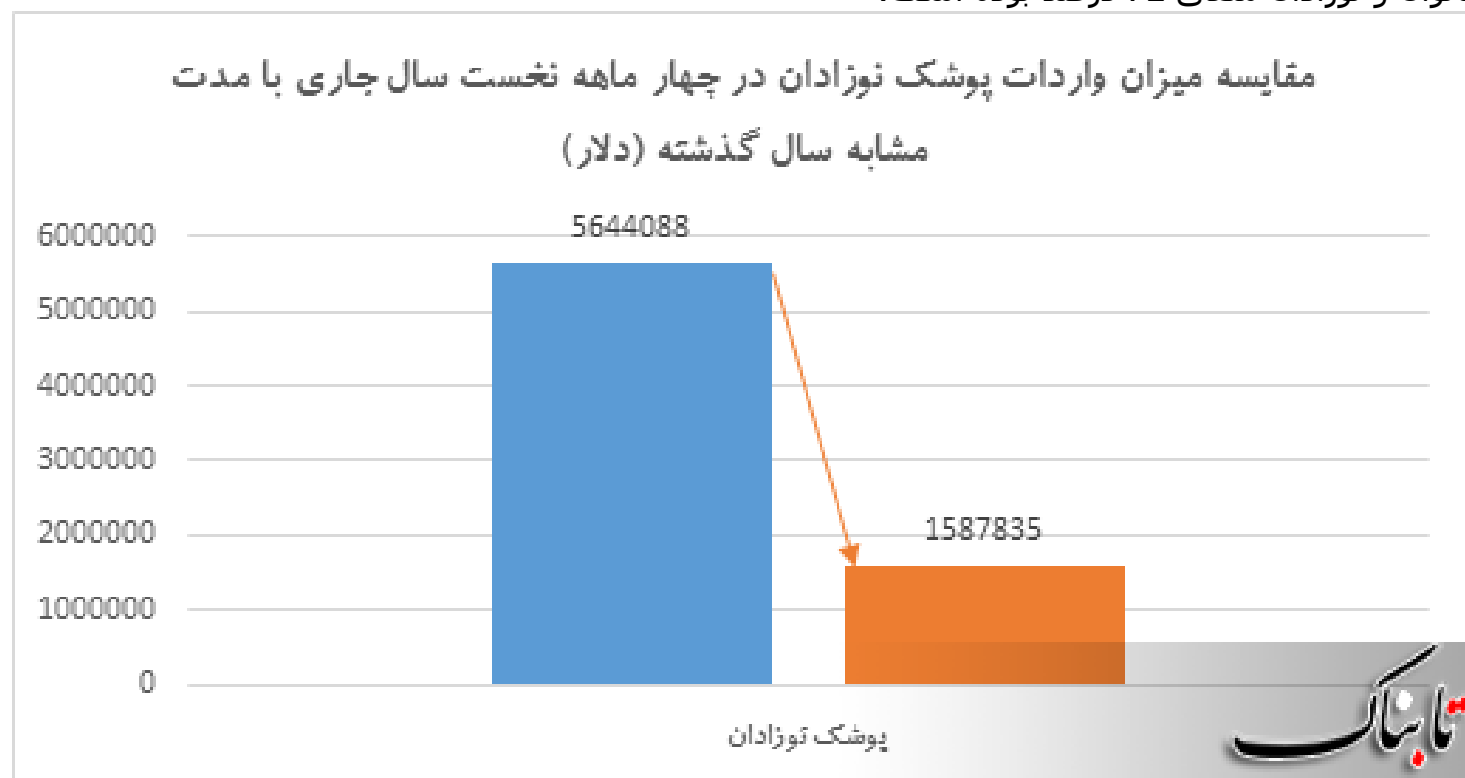
به عنوان نمونه در چهار ماهه نخست سال گذشته، ارزش واردات خمیر پالپ 3 میلیون و 66 هزار و 729 دلار بوده که این میزان در چهار ماهه نخست سال جاری، به 2 میلیون و 616 هزار و 352 دلار کاهش یافته است.

نمودار زیر درصد تغییر میزان واردات برخی از مواد اولیه مورد نیاز برای تولید پوشک بانوان و نوزادان در چهار ماهه نخست سال جاری با چهار ماهه نخست سال گذشته را نشان می دهد. همان گونه که دیده می شود، تنها رشد واردات پودر جاذب مثبت بوده است.

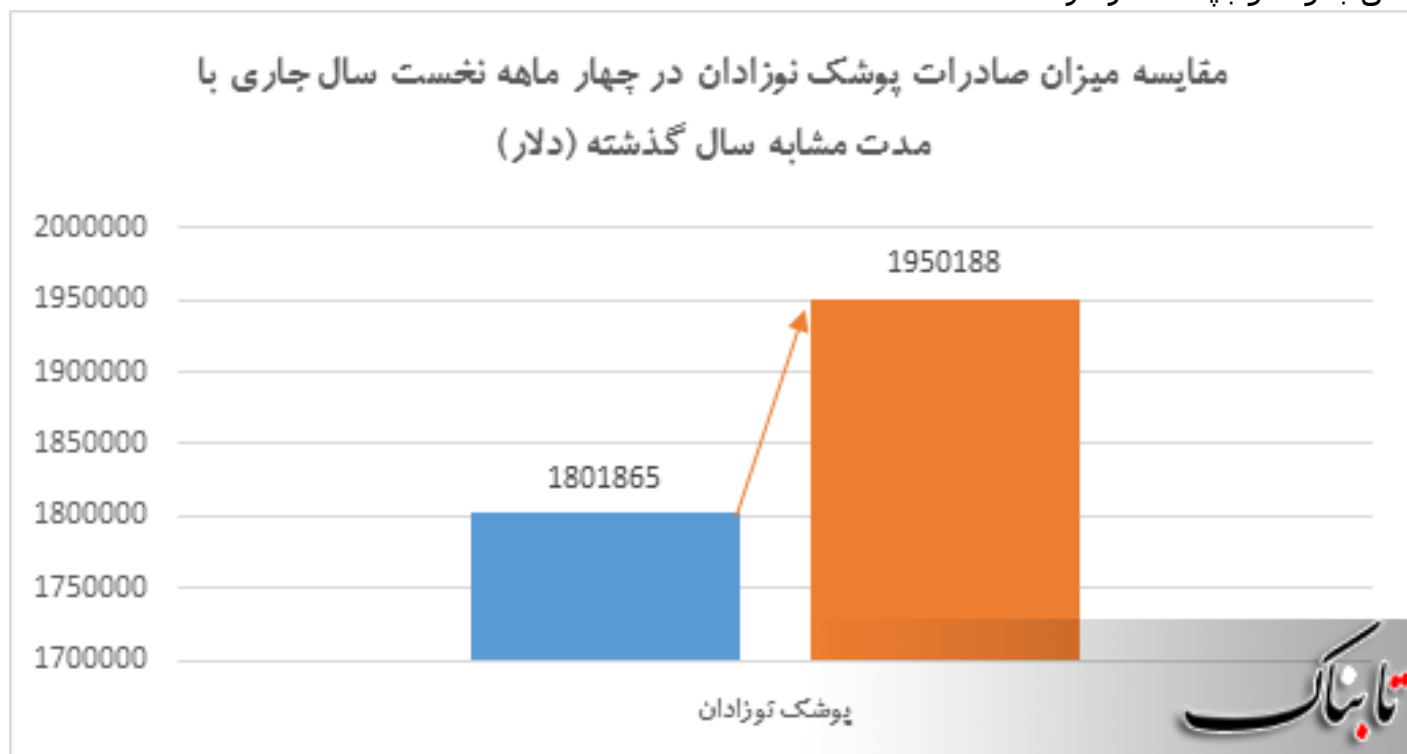


سومین عامل، کاهش میزان واردات پوشک بانوان و نوزادان است. در چهار ماهه نخست سال گذشته، ارزش واردات پوشک بانوان و نوزادان 5 میلیون و 644 هزار و 88 دلار بوده که این میزان در چهار ماهه نخست سال جاری به یک میلیون و 587 هزار و 835 دلار کاهش یافته است.

بنابراین در چهار ماهه نخست سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته رشد واردات پوشک بانوان و نوزادان منفی 72 درصد بوده است.



چهارمین عامل، رشد صادرات پوشک بانوان و نوزادان بوده است. به دلیل افزایش نرخ ارز، صادرات پوشک بانوان و نوزادان نسبت به عرضه داخلی آن به صرفه تر شده است و همین رشد صادرات باعث شده است تا عرضه داخلی این قلم کالا کاهش یابد. آمارها نشان می دهند که میزان صادرات پوشک بانوان و نوزادان در چهار ماهه نخست سال جاری، یک میلیون و ۹۵۰ هزار و ۱۸۸ دلار بوده که این میزان در مقایسه با میزان صادرات پوشک بانوان و نوزادان در مدت مشابه سال گذشته ۸ درصد رشد داشته است. بنا بر اطلاعات گمرک در چهار ماهه نخست سال جاری به ترتیب ارزش صادرات، ایران به کشورهای عراق، ترکیه، ترکمنستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان، تاجیکستان، پاکستان و ساحل عاج پوشک کامل بانوان و بچه صادر کرده است.



پنجمین عامل گرانی و کمبود پوشک بانوان و نوزادان، احتکار بوده است. در چند روز گذشته خبر کشف چندین انبار پوشک بانوان و بچه در رسانه ها منتشر شد؛ برای نمونه در یازدهم شهریور ۱۳۹۷ در خبرها آمده بود که یک انبار در استان البرز حاوی یک میلیون و دویست و هشت هزار بسته پوشک بانوان و بچه به ارزش تقریبی ۶۰ میلیارد تومان کشف شد. بی ثباتی قیمت ها در بازار و طمع کسب سود بیشتر باعث شده است تا عده ای به فکر انبار نمودن این قلم کالا بیفتند که این موجبات کاهش عرضه پوشک بانوان و نوزادان در بازار داخلی و متعاقب آن افزایش قیمت را فراهم کرده است. عوامل بالا نشان می دهند، مسئولین باید علاوه بر کشف انبارهای پوشک بانوان و نوزادان و برخورد با محتکرین، شرایطی را جهت سهولت در واردات مواد اولیه این قلم کالا و جلوگیری از صادرات بی رویه آن فراهم کنند.

کدام دست نامرئی با افزایش قیمت ارز گرانی پمپاژ می کند؟

روزنامه کیهان در گزارش اصلی خود که عنوان آن را تیتیر یک امروزش کرده، نوشت: از ابتدای سال جاری، قیمت دلار از پنج هزار تومان به ۱۴ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده و در همین شش ماه، ۱۹۰ درصد ارزش پول ملی کاهش یافته است، توجه کنید که فقط در همین شش ماه! فضای ملتهب بازار ارز و سکه سؤالاتی را در ذهن مردم و حتی کارشناسان ایجاد می کند، سؤالاتی مبنی بر اینکه چرا وقتی اتفاق خاصی در این یک هفته نیفتاده و اصلا جو عمومی کشور دستخوش تغییر قابل لمسی نشده؛ قیمت ها باید این همه تغییر کند؟

چرا وقتی همه چیز طبق روال گذشته پیش می رود باید قیمت ارز مدام افزایش پیدا کند؟ این سؤالی است که حتی طرفداران آزادسازی نرخ ارز هم نمی توانند به آن پاسخ بدهند، چراکه بر مبنای نظر آنها دلار هشت هزار تومانی، نرخ مناسبی بوده و اشکالی ندارد، اما حال که قیمت دلار به بالای ۱۴ هزار

تومان رسیده، چگونه می‌توانند آن را توجیه کنند؟

اگر اختیار

مدیرعامل بانک
نویسنده از اقتصاد
مدیرعامل
تأسیس نشر
چهارشنبه ۴

افتتاح
پتروشیمی
مرحله
با حفظ

نگاهی به در
به سه
رو
یک غا

تحریر
ر
ناشر

معلوم نیست چه دست‌هایی پشت پرده این افزایش قیمت‌هاست که علی‌رغم نفروختن دلار توسط صرافی‌ها، قیمت‌ها به طور کاذب افزایش یافته و از آن بدتر عوارض خود را در زندگی و معیشت مردم نشان می‌دهد.

آقای روحانی که در انتخابات ۹۲ با صراحت و قید قسم جلاله گفته بود «و... العلی العظیم اگر مشکلات این کشور که بسیار و بسیار پیچیده است راه‌حل نداشت من کاندیدا نمی‌شدم.» معلوم نیست چرا نسبت به هم‌ریختگی بازارهای ارز و سکه و از همه مهم‌تر کاهش ارزش پول ملی هیچ کاری انجام نمی‌دهد!

همان‌طور که اشاره شد تغییر خاصی در شرایط کشور به وجود نیامده و با حتی بخشنامه وزیر نفت به پتروشیمی‌ها مبنی بر ملزم کردن آن‌ها به فروش ارزهایشان به بانک مرکزی، ظاهراً مشکلات پیشین هم برطرف شده، ضمن اینکه رئیس‌کل بانک مرکزی هم چندی پیش گفته بود ۹۷ درصد ارز پتروشیمی‌ها وارد بازار ثانویه شده و لذا از این جهت هم مشکلی نباید به وجود بیاید؛ پس چرا این نابسامانی‌ها به وجود آمده؟ جالب اینجاست که آقای رئیس‌جمهور در سخنان اخیر خود در مجلس گفته بود: «در روزهای اخیر نسبت به هفته قبل قیمت ارز مقداری متعادل شده است. در هفته‌های بعد متعادل‌تر خواهد شد (!) همه تلاش ما این است که مردم احساس نگرانی نکنند. (!؟)»

گفتنی است، برخی کارشناسان معتقدند با توجه به اینکه بزرگ‌ترین عرضه‌کننده ارز در ایران خود دولت است بنابراین ما چیزی به نام بازار ارز واقعی نداریم بلکه دولت هرگاه اراده کند می‌تواند با افزایش عرضه ارز قیمت‌ها را کنترل کند.

خاطرنشان می‌شود برخی صاحب‌نظران معتقدند در شرایط فعلی جریانی مشکوک به دنبال افزایش التهابات در بازارهای مختلف است تا از این طریق نارضایتی عمومی را در کشور دامن بزند. بر همین اساس به نظر می‌رسد دستگاه‌های ذی‌ربط باید اتفاقات این روزهای بازار ارز را به طور جدی زیر نظر بگیرند و مسببان اصلی این فضا را شناسایی کنند.

*

- خود دولت قیمت دلار را افزایش و سپس کاهش داده است

این روزنامه اصلاح طلب ادعای عجیبی را مطرح کرده است: نزدیک هشت ماه است هر روز خبرهای مربوط به بازار ارز و سکه را می‌شنویم و در این مدت نوسان و التهاب بازار ارز به قدری زیاد بود که تقریباً مردم به اخبار آن عادت کرده‌اند. همین موضوع باعث شده است که مردم کمتر متوجه این نکته شوند که التهابات دو هفته گذشته این بازار به هیچ‌وجه عادی نبود. شاید در زمستان 96 دولت افزایش قیمت ارز را غیرطبیعی می‌نامید اما واقعیت این است که از نظر اکثر اقتصاددانان و فعالان اقتصادی این اتفاق دیر یا زود رخ می‌داد و روند حوادث هرچند برای عموم جامعه تلخ بود ولی با منطق اقتصادی تطابق کامل داشت.

اما به همان اندازه که اتفاقات زمستان 96 با منطق اقتصادی همخوانی داشت روند ارز و سکه در دو هفته اخیر فاقد دلایل قابل قبول اقتصادی بود. قیمت ارز برای چند هفته ثابت بود، تفاوت قیمت واقعی ارز با قیمت اسمی چندان زیاد نبود، به خاطر چند نرخ بودن ارز امکان مدیریت مصارف گوناگون فراهم بود، هنوز اثر تحریم‌ها به شکل قابل ملاحظه در اقتصاد ظهور نکرده است و شوک جدیدی افکار عمومی را تحت تأثیر قرار نداده بود که اتفاقات ارزی را به انتظارات نسبت دهیم. مردم به قدری خبر افزایش نرخ ارز شنیده‌اند که افزایش قیمت دلار به پانزده هزار تومان و سپس کاهش قابل توجه آن را طبیعی می‌دانستند اما نه این افزایش قابل توجیه بود و نه آن کاهش. در زمستان 96 شرایط اقتصاد مانند اتاقی پر از گاز، آستن نوسان بود و یک جرعه برای التهاب بازارها کفایت می‌کرد. در چنین شرایطی تحریک تقاضا به وسیله انتظارات کافی بود که قیمت ارز که به صورت دستوری برای چند سال پایین نگه داشته شده بود به قیمت واقعی بازگردد اما شرایط در شهریور 97 به هیچ‌وجه اینگونه نبود.

سناریوی بدبینانه‌ای در تشریح دلیل اتفاقات دو هفته اخیر بین فعالان اقتصادی وجود دارد که بعضی در لفافه از آن با رسانه‌ها سخن گفته‌اند. با توجه به اینکه بیش از 80 درصد ارز در اختیار دولت است (با احتساب نفت، گاز، میعانات گازی، پتروشیمی و معادن بزرگ) بعضی معتقد هستند دولت خود در دو هفته اخیر به شکل مصنوعی قیمت را افزایش و سپس کاهش داده است. چندین دلیل این شک را تقویت می‌کند.

دولت برای پرداخت هزینه‌های ریالی خود نیاز به فروش ارز دارد و در عین حال شرایط تورمی به گونه‌ای است که باید از فروش ارز به بانک مرکزی و افزایش پایه پولی اجتناب کند پس بهترین روش ایجاد تقاضا برای خرید ارزهای گران قیمت در داخل است.

زمزمه افزایش حقوق کارکنان از هم اکنون آغاز شده است و در عین حال پس از تشدید تحریم‌ها در آبان ماه مساله انتقال ارز و تأمین حقوق کارکنان بحثی جدی خواهد بود و اگر دولت منابع ارزی خود را با دلار 15 هزار تومانی بفروشد بخش قابل توجهی از منابع لازم را تأمین کرده است.

نقدینگی زیادی در دست مردم وجود دارد که حرکت آن در بازارهای مختلف مشکل‌ساز است. تصور کنید این نقدینگی دلارهای پانزده هزار تومانی خریداری کنند و سپس قیمت دلار به 10 یا 12 هزار تومان کاهش یابد. عملاً بخشی از این نقدینگی مشکل‌ساز از بین رفته است.

شرایط سیاسی دولت به گونه‌ای است که می‌تواند چند هفته انتقاد را تحمل کند. وزیر امور اقتصادی و دارایی استیضاح شده است و اگر انتقادی از عدم عملکرد صحیح این وزارتخانه شود دولت توپ را به زمین مجلس می‌اندازد. رییس کل بانک مرکزی تازه تغییر کرده است و طبیعتاً همه می‌گویند به وی فرصت دهیم.. بعد از چند هفته هم قیمت ارز کاهش یافته است و دولتمردان ژست موفق بودن سیاست‌ها را می‌گیرند.

اگر چنین فرضیه‌ای صحیح باشد باید گفت دولت دست به قمار بزرگی زده است. فراموش نکنیم که آغاز التهابات ارزی سال 96 به خاطر دستکاری‌های کوچک هر ساله به منظور تأمین کسری بودجه بود اما در شرایط خاص سال 96 مانند اختلاف شدید نرخ ارز واقعی و اسمی و همچنین خروج سرمایه قابل توجهی که در سال قبل رخ داده بود و در نهایت عدم دسترسی دولت به منابع حاصل از صادرات عملاً فتر ارزی در رفت. در این برهه زمانی دیگر فتر جمع شده ارزی وجود ندارد اما اگر واقعاً دولت به شکل مصنوعی نرخ را دستکاری کند ممکن است عواقب غیرقابل پیش‌بینی به بار بیاید که در این باب باید گفت: آزموده را آزمودن خطاست.

در برنامه پایش مطرح شد؛

رانت 30 هزار میلیاردی پتروشیمی‌های خوراک دولتی / ۹ ماه یارانه ایرانی‌ها در جیب ۲۰ شرکت

برخی شرکت های پتروشیمی نرخ خوراک خود را با ارز 3800 تومانی از دولت می گیرند و ارز بدست آمده از صادرات را با نرخ 8 هزار تومان به بازار ثانویه می فروشند.

به گزارش مشرق، حمیدرضا قریشی پژوهشگر اقتصادی در برنامه پایش شب گذشته در مورد رانت پتروشیمی های خوراک دولتی گفت: در حال حاضر تعدادی از پتروشیمی ها خوراک خود را دولتی دریافت می کنند. مجموع این پتروشیمی ها حدود 20 شرکت هستند که پتروشیمی مروارید، بوعلی ، فن آوران ، بندرامام و زاگرس از مهمترین این شرکت ها هستند که خوراک خود را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم و با ارز 3800 تومانی از دولت دریافت می کنند.

بیشتر بخوانید:

۴ مسیر رفع تعهد ارزی

این پژوهشگر اقتصادی گفت : اکنون این شرکت ها خوراک خود را با نرخ 3800 تومانی دریافت می کنند و محصول آنها به دو طریق عرضه در داخل و صادرات به فروش می رسد. این پتروشیمی ها ارز بدست آمده از صادرات محصولات خود را در بازار ثانویه به نرخ ارز حدود 8 هزار تومانی می فروشند.

وی افزود: پس در نتیجه این شرکت ها نرخ خوراک خود را با ارز 3800 تومانی از دولت می گیرند و ارز بدست آمده از صادرات را با نرخ 8 هزار تومان به بازار ثانویه می فروشند.

قریشی گفت: بخش تلخ ماجرا اینجاست که در حالی که قیمت خوراک پتروشیمی ها با ارز 3800 به آنها داده می شود ولی ارز اختصاصی برای واردات دارو و کالاهای اساسی با نرخ 4200 تومان محاسبه می شود این بدان معنی است که دولت نرخ خوراک پتروشیمی ها را ارزان تر از ارز کالاهای اساسی که مایحتاج مردم است می دهد.

وی با اشاره به رانت پتروشیمی ها تصریح کرد: اگر دولت خوراک پتروشیمی ها را بر مبنای ارز 4200 تومانی به آنها بفروشد از رانت حدود 3 هزار میلیارد تومانی این پتروشیمی ها حذف می شود ، این رقم برابر با یارانه نقدی کل ایرانیان در یک ماه است .



قریشی گفت: اگر دولت خوراک را بر مبنای بازار ثانویه یعنی ارز 8 هزار تومانی به پتروشیمی ها بدهد حدود 30 هزار میلیارد تومان رانت پتروشیمی ها حذف می شود ، این رقم نیز معادل یارانه 9 ماه کل ایرانیان است. در حال حاضر این پتروشیمی های خوراک دولتی حدود 30 هزار میلیارد رانت دریافت می کنند.

کنایه مجری پایش به علت لابی افراد تصدی مدیرعاملی پتروشیمی ها

کیا داوود اسفندیاری مجری برنامه پایش در خلال صحبت های قریشی به این رانت عظیم واکنش نشان داد و گفت : آدم حس می کند که این پتروشیمی ها در یک حکومت مستقلی قرار دارند که زود هیچکس به آنها نمی رسد. وی افزود: پس بخاطر این رانت عظیم و وسوسه انگیز است که این روزها همه تلاش می کنند مدیرعامل یا عضو هیئت مدیره یک پتروشیمی شوند ، متأسفانه پتروشیمی ها مثل ابکش شده اند و هر چه دلار در آنها ریخته می شود معلوم نیست چکار می کنند.

شورای رقابت مرجع قیمت گذاری خودرو داخلی شود

برنامه پایش شب گذشته در سوال خود از مردم پرسید: به نظر شما قیمتگذاری خودروهای تولید داخل بهتر است به کدام نهاد سپرده شود؟ 1- بازار آزاد 2- شورای رقابت 3- وزارت صمت در پایان این نظرسنجی 46.51 درصد از شرکت کنندگان اعتقاد دارند بهتر است قیمت گذاری خودرو به شورای رقابت سپرده شود، 26/87 درصد گزینه بازار آزاد و 26.63 درصد نیز وزارت صنعت، معدن و تجارت را به عنوان نهاد مناسب برای قیمت گذاری را انتخاب کردند.

نظرسنجی به نظر شما قیمتگذاری خودروهای تولید داخل بهتر است به کدام نهاد سپرده شود؟

پیمانه‌های قابل قبول (۴۶۴۶)، غیر قابل قبول (۱۷۱)



خرید عراقی‌ها در مریوان 'باعث نایاب شدن کالاهای اساسی شده است'

فرماندار مریوان می‌گوید روزانه حدود ۱۱۰۰ نفر از مرز باشماق وارد این شهر می‌شوند

فرماندار مریوان هشدار داده است که خرید کالاهای اساسی از سوی مسافرانی که از مرز عراق وارد مریوان می‌شوند، باعث نایاب شدن کالاهای اساسی در این شهر شده است.

محمد شفیعی به خبرگزاری ایسنا گفته است که روزانه حدود ۱۱۰۰ نفر از مرز باشماق وارد مریوان در استان کردستان در غرب ایران می‌شوند تا "حجم زیادی از کالاهای اساسی زندگی خود" را در این شهر فراهم کنند.

فرماندار مریوان حجم تردد مسافران عراقی برای خرید کالاهای اساسی را بی‌سابقه خوانده و درباره یک "بحران جدی" هشدار داده است.

سقوط ارزش پول ایران در ماه‌های گذشته دلیل اصلی افزایش تردد مسافران عراقی از مرزهای کردستان و خوزستان به داخل ایران برای خرید کالا عنوان شده است.

پیش از این هم خبرگزاری کار ایران، ایلنا گزارش داده بود که روزانه ده‌ها هزار عراقی برای خرید مایحتاج خود وارد منطقه آزاد اروند در استان خوزستان می‌شوند.

مصطفی فتح‌اللهزاده، یک مدیر آژانس مسافرتی به ایلنا گفت که این افراد "بازارها را خالی می‌کنند و شب مجدداً از مرز به کشور خود بازمی‌گردند".

به گفته آقای فتح‌الله‌زاده مسافران عراقی از بصره و جنوب عراق وراد منطقه آزاد اروند، خرمشهر و آبادان می‌شوند و در آنجا "گوشت، مرغ و حتی نان و نمک روزانه خود را تهیه می‌کنند."

بانک مرکزی ایران: نقدینگی در یک سال بیست درصد افزایش یافته
آیا دلار در ایران از این هم گران‌تر می‌شود؟
افت قیمت ارز و سکه همزمان با آغاز پرداخت ارز مسافرتی در تعدادی از بانک‌ها

این مدیر آژانس مسافرتی به خبرگزاری ایلنا گفت "به‌دلیل بی‌ارزش شدن پول ایران، خرید عراقی‌ها به دینار مفت درمی‌آید. به عنوان مثال یک مرغ در عراق شش دینار است که به پول ما شصت هزار تومان می‌شود. در صورتی که آنها در آبادان می‌توانند این مرغ را کیلویی ده تا دوازده هزار تومان خریداری کنند."

در چند ماه اخیر و به خصوص در طی دو هفته گذشته ارزش ریال ایران در برابر دلار و دیگر ارزهای خارجی به شدت افت کرده است.

قیمت دلار در ابتدای سال گذشته حدود ۳ هزار و ۷۰۰ تومان بود و با احتساب قیمت روز، ظرف این مدت ارزش دلار بیش از سه برابر شده است.

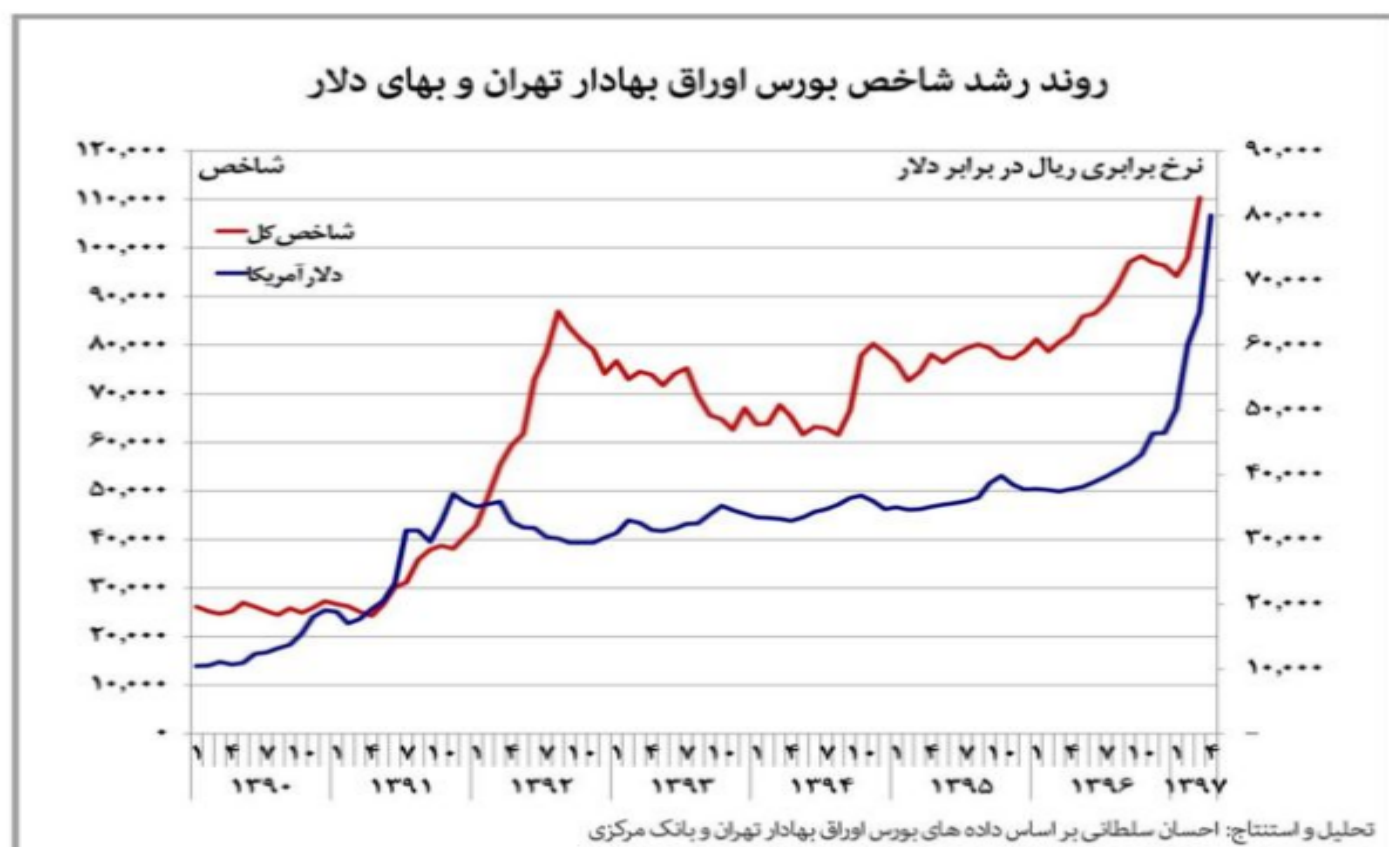
کاهش ارزش پول ایران در آستانه دور دوم تحریم‌های آمریکا که صنعت نفت و انرژی ایران را هدف می‌گیرد باعث نگرانی مردم از بالارفتن قیمت کالاهای اساسی و کمیاب شدن آن شده است.

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور ایران امروز (بیست شهریور) اذعان کرد که تحریم‌ها تاثیر "بسیار زیادی" داشته و شرایط کشور را "خاص، خطیر و دشوار" توصیف کرد.

سخنی کوتاه با اقتصاددانان مقیم خارج؛ اقتصاد ایران به ارزش دلار وابسته است
احسان سلطانی اقتصاددان

احسان سلطانی اقتصاددان در این مطلب دیدگاه‌های خود را درباره اظهار نظر برخی کارشناسان اقتصادی در رسانه‌ها درباره تاثیر نرخ ارز بر زندگی مردم نوشته است.

اخیرا آقای علی دادپی استاد اقتصاد دانشگاه سنت ادواردز در مورد افزایش قیمت دلار با شبکه بی‌بی‌سی مصاحبه‌ای داشتند. ایشان با توجه به دلار ۸۰۰۰ تومانی در سامانه نیما و ارز دولتی و حجم پایین ارزش معاملات بازار آزاد، استدلال کردند ارزش دلار در بازار آزاد ملاک قیمت‌گذاری در اقتصاد کشور نیست، دلار اقتصاد را تعریف نمی‌کند و شاخص تورم و اندازه‌گیری ثروت در

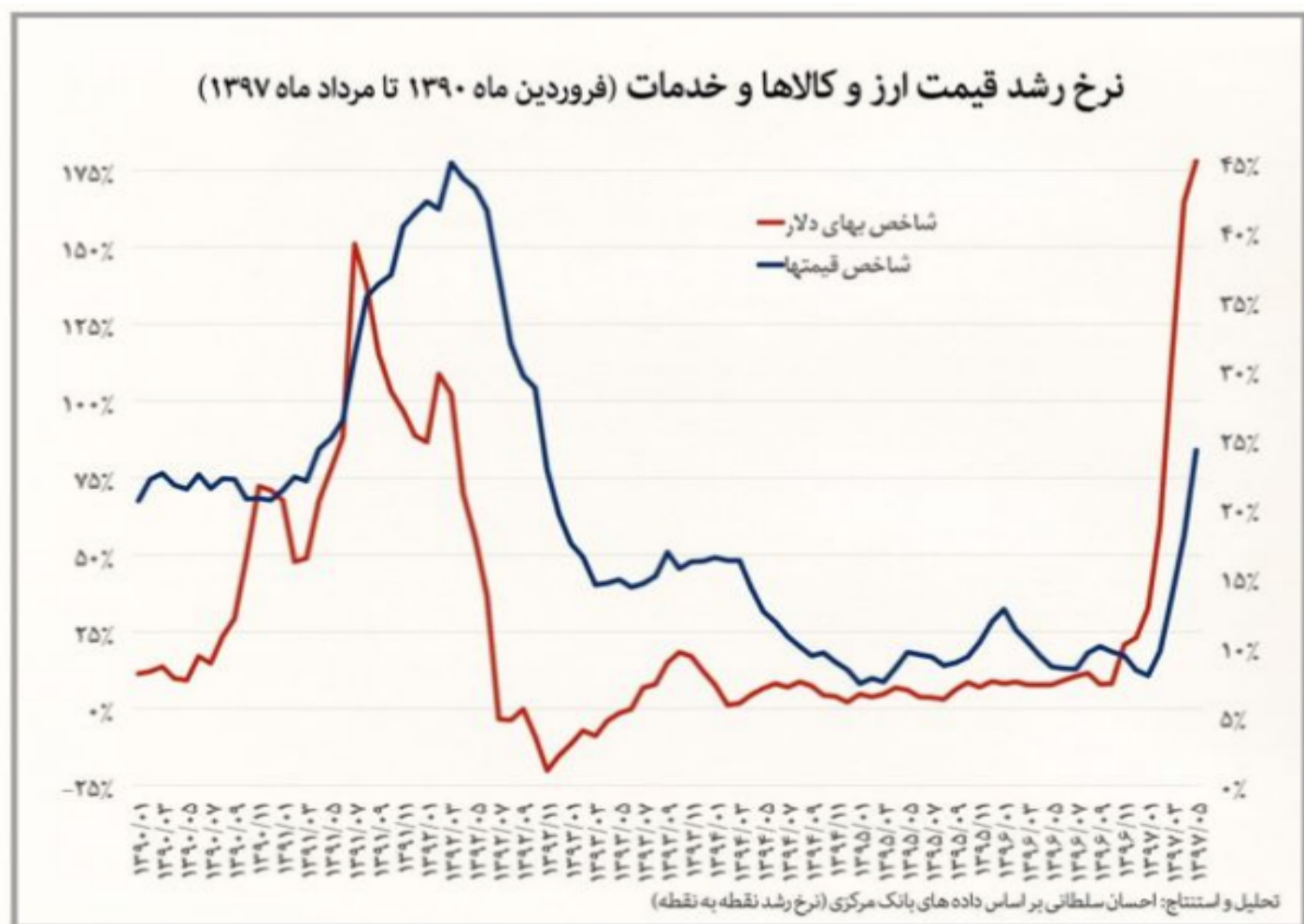


روند رشد شاخص بورس اوراق بهادار تهران و بهای دلار

ایران نیست. علاوه بر این در هر کشوری که در دوره‌هایی ارزش پول ملی کم شده، دوره‌های رشد صادرات و گردشگری در پی آمده و افزایش نرخ ارز یک فرصت است.

روند رشد شاخص بورس اوراق بهادار تهران و بهای دلار بر خلاف اظهارات ایشان، در اقتصاد ایران دلار ملاک قیمت‌گذاری بوده و هست. شاخص‌های تورم و ثروت مردم نیز با یک تاخیر زمانی خود را با قیمت دلار هماهنگ می‌کند، چنان که در هر چهار شوک ارزی پس از انقلاب همین اتفاق افتاده است. هنگامی که قیمت دلار به ۱۴ هزار تومان می‌رسد، همزمان

قیمت طلا (معادل دلار) به ۱۳ هزار تومان می‌رسد و بسیاری قیمت‌های دیگر نیز کم و بیش خود را به آن نزدیک می‌کنند و حتی بهای مواد اولیه داخلی پی‌وی‌سی برای تولید لوله نیز سه برابر سال گذشته می‌شود. در اقتصادی که بر اساس فروش منابع خام و اولیه ارز تولید می‌کند و با آن ارز مواد اولیه و



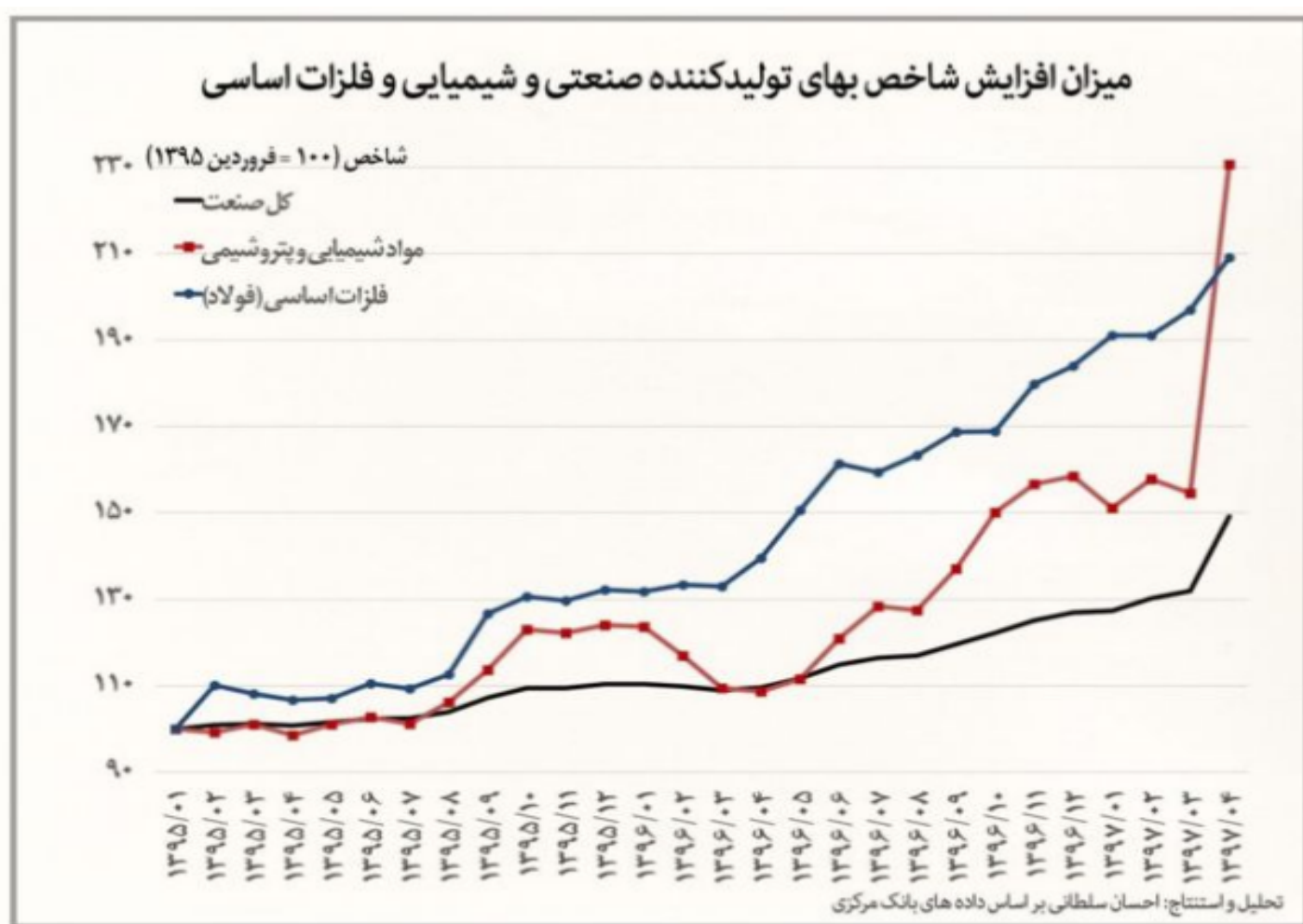
نرخ رشد قیمت ارز و کالاها و خدمات (فروردین ماه ۱۳۹۰ تا مرداد ماه ۱۳۹۷)

واسطه‌ای و کالاهای مصرفی وارد می‌کند، ارزش دلار تعیین‌کننده است. نرخ رشد قیمت ارز و کالاها و خدمات (فروردین ماه ۱۳۹۰ تا مرداد ماه ۱۳۹۷)

در خصوص فرصت افزایش نرخ ارز باید گفته شود، **اول این که تاثیر مثبت افزایش نرخ ارز برای افزایش صادرات، هیچگاه به صورت شوک‌های مخرب ارزی نیست.** دوم این که در کشورهایی که صادرات مبتنی بر کالاهای کاربر است، افزایش نرخ ارز (آن هم با شرط وجود ساختارها و نهادهای لازم) فقط تا حدی می‌تواند به صادرات کمک کند. نود درصد صادرات ایران را کالاهای رانت-محور (فروش منابع خام و اولیه) تشکیل می‌دهد و حتی صادرات تولیدات

کشاورزی هم به واسطه رانت آب و واردات با ارز ارزان ممکن شده است، بنابراین در شرایطی که هیچ یک از ساختارها و نهادهای مشوق صادرات کالاها یا خدمات کار-محور یا نوآوری-محور در اقتصاد شکل نگرفته و مزیت‌های رانتی بر مزیت‌های رقابتی غالب است، افزایش نرخ ارز منجر به صادرات هر چه بیشتر منابع و ثروت‌های ملی میشود.

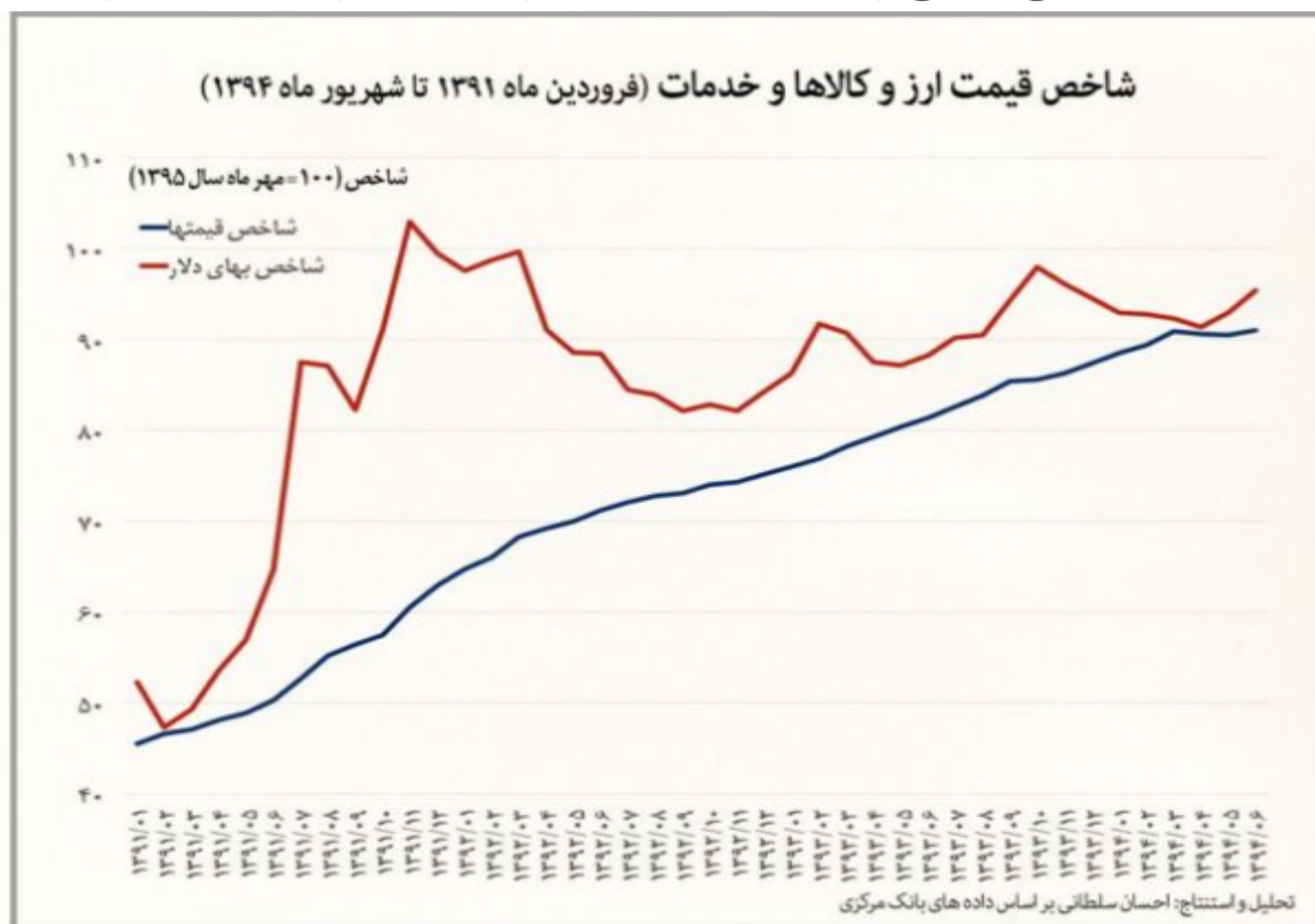
بانک مرکزی ایران: نقدینگی در یک سال بیست درصد افزایش یافته گزارش‌ها از افزایش قیمت دلار به بالای ۱۴ هزار تومان در بازار غیررسمی افت قیمت ارز و سکه همزمان با آغاز پرداخت ارز مسافرتی در تعدادی از بانک‌ها



میزان افزایش شاخص بهای تولیدکننده صنعتی و شیمیایی و فلزات اساسی

افزایش نرخ ارز در ایران: 'دانشجویان افغان از ادامه تحصیل انصراف می‌دهند' میزان افزایش شاخص بهای تولیدکننده صنعتی و شیمیایی و فلزات اساسی در اظهارات دیگری آقای امیر رضا کرمانی استادیار دانشگاه برکلی گفته‌اند که دولت در مواجهه با ابرتورم باید از افزایش حقوق و دستمزدها اجتناب کند. در

این رابطه باید گفته شود که دولت با اقداماتی مانند ایجاد بازار ثانویه و تامین ارز برای تولیدکنندگان داخلی، در عمل بدون هیچ منطق اقتصادی قیمت دلار برای تولید را به بالای هشت هزار تومان افزایش داده و از سوی دیگر بهای مواد اولیه صنعتی داخلی را بین ۷۰ تا ۱۴۰ درصد بالا برده است. بنابراین در



شاخص قیمت ارز و کالاها و خدمات (فروردین ماه ۱۳۹۱ تا شهریور ماه ۱۳۹۴)

واقع اقدامات دستوری دولت ابرتورم را شکل داده است و تورم از سمت عرضه شکل گرفته نه تقاضا.

شاخص قیمت ارز و کالاها و خدمات (فروردین ماه ۱۳۹۱ تا شهریور ماه ۱۳۹۴)

در سال ۱۳۹۶، در شرایطی که تولید ناخالص داخلی ۳.۷ درصد رشد داشت،



مصرف خانوارهای کشور ۲.۵ درصد و موجودی انبار ۲۰.۵ درصد افزایش داشت. علاوه بر این سهم بالای افزایش موجودی انبار و سهم پایین افزایش مصرف خانوارها نشان می‌دهد که در واقع مردم در سال ۱۳۹۶ (با قیمت دلار کمتر از ۴۰۰۰ تومان) قدرت خرید خود را از دست داده بودند. سهم پایین دستمزها در تولید ناخالص کشور -یکی از پایین ترین رتبه‌های جهانی- و سهم بسیار بالای رانت‌های منابع، سرمایه و مستغلات نیز در نظر گرفته شود. نرخ رشد قیمت ارز و کالاها و خدمات (شهریور ماه ۱۳۷۲ تا اسفند ماه ۱۳۷۴)

در شرایطی که ابرتورم با ابزارهای دستوری دولت شکل گرفته، اقتصاد در رکود شدید فرو رفته و نیمی از جمعیت کشور در حال سقوط به زیر فقر مطلق است، نه تنها افزایش دستمزدها ارتباط معنی‌داری با تورم ندارد که از فقیرتر شدن بخش بزرگی از مردم جلوگیری می‌کند. این درست نیست که درآمد مردم به ریال کم ارزش و هزینه مردم به دلار پر قدرت تعریف شود.

کسانی که در ایران زندگی می‌کنند و کارشان مطالعه اقتصاد ایران است، تمام وقت مطالعه و تحقیق و بررسی میدانی دارند و در بین مردم هستند و وضعیت کنونی را لمس می‌کنند، به صرف مطالعه چند خبر و تحلیل سطحی و مقایسه آن با شرایط کاملاً متفاوت اقتصادهای دیگر، شرایط اختصاصی اقتصاد ایران را به راحتی تفسیر و تبیین نمی‌کنند. آن چه در اقتصاد ایران اتفاق افتاده و دارد می‌افتد نه ربطی به علم اقتصاد دارد نه کوچکترین شباهتی با اقتصادهایی مانند آمریکا و در اصل محصول رانت جویی، آزمندی و قدرت طلبی ذینفعان است.

هجوم برای خرید خودرو؛ طبیعی، سودجویانه یا سرزنش‌آمیز؟

مهرداد خدیر

عصر ایران؛ مهرداد خدیر- هجوم یا استقبال گسترده برای خرید محصولات گروه خودروسازی سایپا اسباب طعنه‌هایی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شده و از جمله این که ما مردمی هستیم که یک روز کمپین تحریم خرید خودرو داخلی راه می‌اندازیم تا قیمت‌ها را پایین بیاورند و یک روز از سر و کول هم بالا می‌رویم تا پراید را به چند برابر قیمت بخریم!

برخی که اهل سیاست هستند قضیه را تاریخی می‌دانند و می‌گویند پدران ما هم صبح ۲۸ مرداد زنده باد مصدق گفتند و عصر، مرده باد و البته این حکایت، دروغ است چرا که عوامل شعبان جعفری و ملکه اعتضادی در خیابان‌ها بودند و عربده می‌کشیدند نه مردم.

یا بعضی به طعنه می‌گویند آخر پرایدی که قرار بود کنار گذاشته شود و حتی محصولات دیگر ارزش این همه استقبال و خرید را دارد؟!

این طعنه‌ها و خود سرزنشی‌ها اما در حالی است که اتفاقاً دلایل کاملاً روشنی برای این استقبال می‌توان برشمرد:

نخست این که با کاهش ارزش پول ملی و نگرانی درباره‌ی اندوخته‌ها و سرمایه‌ها پس اندازها و ریال‌ها و موجودی‌های نقدی به طلا، ارز، ملک و خودرو تبدیل می‌شود. البته بهتر این است که سراغ بورس بروند اما اوضاع بازار سهام هم خوب نیست و کار هر کسی هم نیست. در حالی که ارز و سکه و ملک و خودرو زیر سر یا زیر پایشان است.

طلا پر ریسک شده و دست خیلی‌ها می‌لرزد که بابت یک سکه ۴ میلیون تومان بپردازند در حالی که همین چند ماه پیش یک چهارم یا یک سوم قیمت بود و نمی‌توانند باور کنند این روند همچنان ادامه یابد.

ارز خصوصاً دلار و یورو در مجاری غیر رسمی و خارج از شبکه نیما یا کانال‌های قانونی جنبه‌ی قاچاق پیدا کرده و همه هم اهل این گونه تبدیل نیستند. ملک هم دست کم با زیر ۱۰۰ میلیون در شهرهای کوچک و چند برابر در شهرهای بزرگ در دست رس نیست. بنابر این

با بیست سی میلیون در مرحله اول، تنها خودرو می ماند. پس جای شگفتی ندارد.

دوم: احتمال افزایش قیمت بنزین وجود دارد و دولت هم تنها تا پایان امسال بر حفظ این قیمت تأکید دارد. با افزایش قیمت بنزین که در حال حاضر از آب معدنی هم ارزان تر است خودروهای کم مصرف ارزش مندتر می شود و یکی از دلایل استقبال می تواند همین باشد.

سوم: پراید مانند پیکان یکی از نمادهای طبقه متوسط شهری است. در بحران های اقتصادی طبقه متوسط نگران فروغلتیدن به پایین تر است و خودرو یکی از نمادهایی است که خود را با آن نگاه می دارد یا دست کم تظاهر می کنند.

چهارم: وقتی در مرحله اول تحریم ها که از 13 مرداد شروع شده شاهد این وضعیت هستیم طبیعتاً این نگرانی وجود دارد که با آغاز مرحله دوم که از 13 آبان آغاز می شود اوضاع، بغرنج تر شود و به همین خاطر شتاب دارند قبل از 13 آبان خرید کنند.

پنجم: این تلقی یا تصور در جامعه وجود دارد که با تشدید تحریم ها خودروها در تأمین قطعات دچار مشکل شوند. از این رو خودروهای کنونی را به لحاظ قطعات مطمئن تر می دانند و ترجیح می دهند زودتر تهیه کنند.

ششم: دلیل واضح دیگر اختلاف قیمت با بازار است. وقتی می توان با یک ثبت نام و ظرف چند ماه به سودی معادل چند ماه کار دست یافت چرا چنین نکنند؟ انگیزه کسب سود را نمی توان انکار کرد ولی آیا هر سودجویی قابل سرزنش است؟ وقتی فلان بانک بعد از تعویق دو قسط پیام می فرستد و تهدید می کند چگونه می توان افراد را به خاطر جست و جوی سود و حاشیه امنیت سرزنش کرد؟

هفتم: وقتی شرکت خودرو ساز اقدام به پیش فروش می کند نوعی اطمینان خاطر ایجاد می شود و خریداران احساس نمی کنند کاری خلاف قانون و وجدان عمومی انجام داده اند یا سرشان کلاه رفته و خاطرشان آسوده است و یکی از دلایل استقبال یا هجوم همین است. بیست سال پیش از فروش اقساطی و در قالب رایان سایپا هم استقبال می کردند چون این حجم از نقدینگی نبود. اما حالا با افزایش نقدینگی با پول بیشتر استقبال می کنند. ضمن این که تضمین سود هم هست.

هشتم: از این نکته هم نمی توان غافل شد که بخشی از رفتارهای ما از روی چشم و هم چشمی یا این است که از قافله عقب مانیم. اگر همسایه ثبت نام کند و ما این کار را نکنیم انگار زیان دیده ایم. زندگی در ایران به یک مسابقه تبدیل شده و این گزاره ریشه در نظام آموزشی دارد. همه در حال مسابقه ایم. نه تنها کنکور نماد آموزشی در ترویج مسابقه است که در دیگر عرصه های جامعه هم این اتفاق در جریان است. وقتی مسابقه در جریان است همه هجوم می برند تا عقب نمانند!

نهم: انگیزه برخی هم استفاده از خودرو برای کار در اسنپ و تپسی یا به صورت مستقل است. وقتی بیم از دست دادن کار در میان باشد کار با خودرو یکی از انتخاب هاست ولو ناگزیر و کوتاه مدت و اگر انتخاب شغل باشد چرا با خودرو نو نه و با کهنه و مستعمل؟

دهم: و دست آخر این که: برخی جوری انتقاد می کنند که انگار محصولات ژاپن و کره و آلمان را رها کرده و دو دوستی به دو خودروساز چسبیده ایم. وقتی دایره انتخاب محدود و فاصله قیمت هم بسیار است چگونه می توان شماتت کرد که چرا استقبال می کنید؟

این 10 دلیل به قاعده باید کافی باشد تا دست از شماتت و سرزنش هم وطنان مان برداریم و به جای آن انتظار داشته باشیم کیفیت را بالا ببرند و به بهانه انبوه تقاضا قیمت را رها نکنند.

بررسی امور عراق

اتهام لحماية العبادي بقتل باب

مجلس النواب

83



سومر نیوز: بغداد.. كشفت رئيسة حركة "إرادة" النائبة السابقة حنان الفتلاوي، السبت، عن قيام حماية رئيس الوزراء حيدر العبادي بـ"قلع" باب الدخول لمجلس النواب والدخول بأسلحتها.

وقالت الفتلاوي في تغريدة على صفحتها بموقع التواصل الاجتماعي "تويتر"، "بعد حصول مشادة بين حماية العبادي وحماية البرلمان .. حماية العبادي تقتلع باب دخول البرلمان وتدخل بالأسلحة".

وتساءلت الفتلاوي باللهجة الدارجة: "من شنو خايف ابو يسر؟؟ الشجاع الحازم لا يخاف!!".

وكان مصدر نيابي أفاد في وقت سابق من اليوم السبت بوقوع اشتباك بالأيدي بين حماية رئيس الوزراء ومجلس النواب.

وشهدت بغداد والمحافظات خلال الايام القليلة الماضية تظاهرات غاضبة للمطالبة بتحسين الخدمات تطورت الى اقتحام مقرات لاجزاب ومؤسسات حكومية، ما اسفر عن مقتل عدد المتظاهرين واصابة آخرين بجروح، كان آخرها في محافظة البصرة.

وكشفت لجنة النزاهة النيابية، مؤخراً عن تورط عدد من السياسيين والاحزاب ببعض ملفات الفساد منها الخدمات والكهرباء، مشيرة إلى أن هيئة النزاهة وحدها لا تستطيع إنجاز ملفات الفساد والتحقق من المتورطين ما لم يتعاون معها مجلس النواب والحكومة الاتحادية.

وكانت اللجنة القانونية النيابية أعلنت في وقت سابق عن توجه لتحويل ملفات الوزراء المستجوبين دون التصويت على اقاتلهم من عدمها الى الان الى القضاء والنزاهة للبت بها، مستبعدة تحقيق النصاب القانوني لجلسات البرلمان المقبلة.

واحتل العراق ضمن تقرير منظمة "الشفافية الدولية"، الذي صدر في 27 نوفمبر 2016، المرتبة الرابعة بأكثر البلدان العربية فساداً بعد الصومان والسودان وليبيا.

وتصدر المنظمة تقريراً سنوياً حول الفساد، وهو تقييم على مقياس من صفر إلى 100 يصنف الدول من الأكثر إلى الأقل فساداً، ويستند التقرير إلى بيانات تجمعها المنظمة من 12 هيئة دولية منها البنك الدولي والمنتدى الاقتصادي العالمي.

تحليل «الاخبار» از آخرین تحرکات برای تشکیل دولت جدید عراق؛

آيا العبادي به طور کامل از تهران شده است؟

دیگر ابهامی در موضعگیری حیدر العبادی وجود ندارد. تلاش شدید ایالات متحده برای رسیدن عبادی به دور دوم نخست وزیری، نشان دهنده نقش حیاتی این مرد در رابطه با واشنگتن است، که آخرین نمود آن، موافقتش با استقرار نیروهای آمریکایی در صحرای غربی است. در صورتی که فشارهای آمریکا در مورد جلب موافقت کردها با ادامه حکومت عبادی، به نتیجه برسد، میدان تصمیم های بیشتری برای هدف قرار دادن حشد الشعبی و ایران گشوده می شود، اما دشمنان واشنگتن مانع تحقق این امر شده و اجازه نمی دهند به این آسانی اوضاع بر وفق مراد آمریکا پیش برود.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



دعاء سویدان در الاخبارنوشت: دیگر ابهامی در موضعگیری حیدر العبادی وجود ندارد. تلاش شدید ایالات متحده برای رسیدن عبادی به دور دوم نخست وزیری، نشان دهنده نقش حیاتی این مرد در رابطه با واشنگتن است، که آخرین نمود آن، موافقتش با استقرار نیروهای آمریکایی در صحرای غربی است. در صورتی که فشارهای آمریکا در مورد جلب موافقت کردها با ادامه حکومت عبادی، به نتیجه برسد، میدان تصمیم های بیشتری برای هدف قرار دادن حشد الشعبی و ایران گشوده می شود، اما دشمنان واشنگتن مانع تحقق این امر شده و اجازه نمی دهند به این آسانی اوضاع بر وفق مراد آمریکا پیش برود.

به گزارش «انتخاب»، این رسانه عرب زبان ادامه داد: ایالات متحده با چنگ و دندان، وارد معرکه «تشکل بزرگتر» در مجلس نمایندگان عراق شده است. حالت «توازن نفوذ» که در طول سالهای گذشته در عراق حاکم بود و با سرنگونی نوری مالکی و روی کار آمدن حیدر العبادی به اوج خود رسید، از نظر آمریکایی ها، کافی نیست. آمریکایی ها بر این عقیده اند که باید مانع رسیدن هم پیمانان ایران بویژه حشد الشعبی، به هر شکلی از اشکال قدرت و حکومت در عراق شوند، چرا که این مساله انعکاس های زیادی در سطوح استراتژیک دارد.

واشنگتن قبل از آزادی مناطق مختلف عراق از دست داعش، به دنبال تحقق این هدف بود و آن را در نتایج انتخابات عراق می جست. پیروزی جریان صدری در انتخابات، که آمریکایی ها آن را مخالف با ایران می دانستند، این تصور را نزد آنها ایجاد کرد که ابزارهای لازم برای دور کردن حشد الشعبی از عراق را در اختیار دارند.

در آغاز، آمریکایی ها به دنبال پی بردن به موضع جریان صدر و میزان آمادگی آن برای همکاری با واشنگتن بودند. در همین راستا، ارتباطات بین ایالات متحده و صدری ها بیشتر شد، بدون آنکه پیچیدگی موضع مقتدی صدر برای آمریکا روشن شده یا اطمینانی در مورد صدر، برای آمریکایی ها ایجاد شود. در این شرایط بود که ایالات متحده دریافت که بهترین و مناسب ترین گزینه، بازگشت به سمت عبادی است، بویژه آنکه وی موفق شد اوراق اعتماد تحریک کننده ای را به آمریکا بدهد. به این ترتیب، صدر و ائتلاف انتخاباتی اش وسیله ای شد برای رسیدن عبادی به ریاست مجدد.

عبادی دیگر به مانند سالهای گذشته در موضعی میانه قرار ندارد، بلکه بوضوح و به شکل مستقیم در دینامیک اقدام آمریکا قرار گرفته است. در گذشته، وی عضو حزب دعوت بود و سعی داشت تحت عنوان استراتژی توازن در روابط، همزمان با تهران و واشنگتن روابط نزدیکی داشته باشد.

در پنجشنبه گذشته عبادی حکمی صادر کرد مبنی بر برکناری فالح الفیاض، رئیس هیئت حشد الشعبی. به نظر می رسد این اقدام به منزله پیامی برای حشد الشعبی، نمایندگان سیاسی و حامیان منطقه ای آن بود. علاوه بر این، عبادی بوضوح طی صحبت هایی، با مشارکت تهران در آزادی عراق از دست داعش مخالفت کرده و از عزم جدی خود برای پایبندی به تحریم های آمریکا سخن گفت. اما در روز گذشته، این انقلاب عبادی به اوج خود رسیده و او خود را بعنوان رئیس حشد

الشعبي و جايگزين الفياض معرفى كرد، اقدامى تحريك آميز كه هدف از آن، دادن اطمينان به امريكا براى كنترل حشد الشعبى و جلوگيرى از تبديل آن به كانون دشمنى با واشنگتن است. در حال حاضر، حيدر العبادى ساعتهائى سختى را مى گذراند و اميدوار است كه آمريكايى ها بتوانند موافقت كردها براى پيوستن به «ائتلاف اصلاح و سازندگى» را به دست آورند تا بتواند فرصت لازم براى رسيدن به دوره دوم نخست وزيرى را داشته باشد. اما لازم است عبادى اين مساله را در نظر داشته باشد نبردى كه اين روزها در عراق داير است، نبرد استخوان شكنى بوده و عقب نشينى هر يك از طرفها در آن، به معنى تسليم است.

العبادي يحيل القوة المكلفة بحماية القنصلية الإيرانية في البصرة الى التحقيق



أمر القائد العام للقوات المسلحة حيدر العبادي، بإحالة الوحدات الأمنية المسؤولة عن حماية المؤسسات العراقية والقنصلية الإيرانية في محافظة البصرة الى التحقيق. وذكر بيان مقتضب لمكتبه تلقت وكالة كل العراق [أين] نسخة منه ان قرار العبادي جاء "لعدم قيام هذه الوحدات بواجباتها في توفير الحماية اللازمة". وكانت محافظة البصرة شهدت أمس الجمعة استمراراً لأعمال العنف وحرق المقار الحزبية والمباني الحكومية كما طال الحرق القنصلية الإيرانية في المحافظة.

احراق مؤسسات حكومية و مقار احزاب و وسائل اعلامية متعددة في البصرة أقدم متظاهرو البصرة، مساء اليوم الخميس، بإحراق مؤسسات حكومية و مقار احزاب و وسائل اعلامية متعددة في ثورة غضب اندلعت منذ الثلاثاء الماضي. وذكر مصدر لووكالة كل العراق [أين] اليوم، ان " المتظاهرين أقدموا على احراق مؤسسات حكومية ومقار احزاب ووسائل اعلامية متعددة في البصرة أبرزها:

دار استراحة المحافظ

مقر منظمة بدر

مقر اذاعة النخيل

مقر المجلس الاعلى الاسلامي

مقر حزب الدعوة

مقر قناة العراقية

قناة الغدير

واذاعة النخيل

مقر النجباء

مقر البدلاء

مقر الاوفياء

مقر الفضيلة

انتفاضة البصرة.. هل بدأت نهاية النفوذ الإيراني في العراق؟



AFP

حرق العلم الإيراني وصورة خامنئي في البصرة

أبوظبي - سكاي نيوز عربية طال غضب المتظاهرين العراقيين المكان الذي تدار منه عملية اختطاف مدينة البصرة طيلة 15 عاماً، فأضيفت القنصلية الإيرانية إلى مصاف مقار الأحزاب والميليشيات التابعة لنظام الملالي، التي أقدمت الحشود على اقتحامها.

ويعد حرق أعلام الدولة الجارة وصور رموز نظامها، واقتحام الممثلة الدبلوماسية لأحد أبرز اللاعبين الأساسيين في الساحة العراقية، تحولا كبيرا في احتجاجات البصرة التي انطلقت شرارتها على خلفية استئثار الفساد، بعدما أدى تلوث المياه في المحافظة إلى تسمم أكثر من 30 ألف شخص.

وتصاعدت هتافات "إيران بره بره" في احتجاجات متظاهري البصرة الغاضبين من إهمال البنية التحتية المتداعية بمدينتهم. وهذه ليست المرة الأولى، التي يلقي فيها المتظاهرون باللوم على الأحزاب والميليشيات الموالية لإيران في الفساد المستشري في العراق، ففي يوليو الماضي، هاجم المتظاهرون مقرات هذه الجماعات، وأحرقوا صور المرشد الإيراني الراحل الخميني، أثناء احتجاجاتهم في الشارع، الذي يحمل اسمه.

وفي الأسبوع الماضي، أضرم متظاهرون النيران في عدد من مقار الأحزاب والميليشيات الموالية في غالبيتها لظهران لتنازع الحصيلة النهائية 20 مقرا، في مقدمتها مقرات حزب "الدعوة الإسلامية"، الذي ينتمي إليه رئيس الوزراء المؤقت، حيدر العبادي، ورئيس الوزراء السابق، نوري المالكي.

كما أقدم المتظاهرون على حرق مقرات فصائل "الحشد الشعبي"، ومنظمة بدر، التي يتزعمها رئيس تحالف الفتح، هادي العامري، وعصائب أهل الحق لزعيمها، قيس الخزعلي، وكتائب حزب الله وحركة الأوفياء.

ويفسر المتابعون للشأن العراقي هذه التطورات بأنها حركة عفوية بسبب التدخلات، التي زادت عن حدها كثيرا لإيران في الشأن الداخلي العراقي وتحريكها للأحزاب والميليشيات العراقية كما يحلو لها، فكانت النتيجة خرابا أصاب المحافظة الجنوبية، الغنية بالنفط.

ويريد متظاهرو البصرة محافظة ودولة خالية من الأحزاب، التي تقف وراء الفساد المستشري في البلاد، وتحركها قوى خارجية من أجل تنفيذ أجندتها، وربما يوضح ذلك السبب وراء عدم مهاجمة المحتجين لمقار التيارات الأخرى، التي كان لها رأيا واضحا ضد التدخل الإيراني في البلاد.

لكن تبقى نتيجة هذه التطورات مرهونة بالعملية السياسية العراقية، التي تشهد اضطرابا شديدا بسبب التحالفات والتكتلات

المدعومة من طهران، التي يتزعمها المالكي والعامري، المعروفان بـ"رجلي إيران في العراق".
فأمام هذه الأحداث المتواصلة، لم تصمت الميليشيات، التي كان الدعم والتوجيه الإيراني سببا في ظهورها للعلن، وتمتعها بسطوة لا تضاهي سطوة المؤسسات الأمنية والرسمية العراقية، فخرجت عصائب أهل الحق لترد على المتظاهرين بالرصاص، وتقتل وتجرح عددا منهم.
ويوضح رد فعل عصائب أهل الحق أن هذه التطورات لن يكون تأثيرها هينا على الميليشيات التي اعتادت على التمويل والدعم الإيراني.
كما لم تقوت كتلة الفتح التي يتزعمها هادي العامري، وتنضوي تحتها معظم فصائل ميليشيات الحشد الشعبي الموالية لإيران، هذه الفرصة، في محاولة منها للإطاحة بتحالف "الصدر-العبادي" المضاد الذي يسعى لتشكيل الحكومة.
ومن الموقف المزعوم بحرصها على مصلحة البصرة وأهلها، أصدرت الكتلة بيانا وجهت فيه سهام الاتهام فيما يحدث للحكومة العراقية، وطالبت رئيس الوزراء حيدر العبادي بالاستقالة فورا، لفشله الواضح في إدارة جميع الملفات، وفق تعبير البيان

بصريون يتهمون التيار الصدري بـ"الحرق والتخريب": هوية الفاعل مفضوحة

بغداد/ الغد برس: منذ نحو شهرين تشهد محافظة البصرة تظاهرات متواصلة غاضبة ينظموها مواطنون من اهالي المحافظة احتجاجاً على تردي الخدمات الأساسية وتفشي البطالة، إلا أنها تطورت في الاسبوعين الأخيرين بعد انتشار حالات التسمم بمياه الشرب وإصابة الآلاف من البصريين حتى اكتظت المستشفيات بهم وما عادة تستوعب هذه الأعداد الكبيرة.

وبالرغم من سقوط نحو 15 قتيلاً وإصابة المئات من المتظاهرين بنيران القوات الأمنية خلال التظاهرات، واعتقال المئات وتعرضهم للتعذيب والقمع والإهانة، إلا أن المتظاهرين حافظوا على سلمية التظاهرات بالرغم من أنها تصنف كـ"تظاهرات غاضبة"، ولم تتعرض مؤسسات الدولة والممتلكات العامة والخاصة لأعمال تخريب أو اقتحام أو حرق، باستثناء بعض الحالات الفردية التي كانت رد فعل على العنف الذي يتعرض له المتظاهرين من قبل قوات الأمن.

اللافت للانتباه هو اتخاذ التظاهرات منحى خطير ومغاير تماماً لمسارها الأول خلال اليومين الماضيين، وتحديدًا يوم الخميس 6 ايلول الجاري بعد كلمة زعيم التيار الصدري مقتدى الصدر التي هدد فيها بالقول "سيكون لنا موقف حازم قد لا يخطر على أذهانكم وسيزلزل عروش الفاسدين وذوي المحاصصات الطائفية"، وفي مساء اليوم نفسه شهد البصرة اعمال حرق وتخریب لمباني حكومية ومقرات الاحزاب السياسية والحشد الشعبي، باستثناء مقرات سرايا السلام التابعة للصدر، وهو ما أثار الكثير من علامات الاستفهام.

مواطنون وناشطون ومتظاهرون بصريون، تحدثوا لـ"الغد برس" شريطة عدم الكشف عن أسمائهم، قائلين ان "انحراف" التظاهرات عن مسارها يتحمل مسؤوليته أتباع التيار الصدري، وان متظاهري البصرة غير مسؤولين عما جرى او سيجري في الأيام المقبلة من أعمال حرق وتخریب وقتل.
يقول أحد المتظاهرين البصريين "كنا نتظاهر أمام ديوان المحافظة ومجلس المحافظة ونمر في طريقنا على العديد من مقرات الأحزاب ومؤسسات الدولة ولم نفكر يوماً بالاعتداء عليها أو حرقها، بل أننا كنا نخشى ان يقوم أحد المنفلتين أو المندسين بأي فعل من هذا النوع لذلك كنا نحرص بشدة على عدم السماح لمن نشعر أن عواطفه قد تدفعه لارتكاب فعل كهذا".

واضاف "في الاسبوع الماضي استولى المتظاهرون على رافعة واستخدموها في رفع الحواجز الكونكريتية من امام مبنى مجلس المحافظة ولو كان في نيتهم اي عمل تخريبي لكان باستطاعتهم هدم المبنى بأكمله وتسويته بالارض لكنهم لم يفعلوا ذلك".

وتساءل المتظاهر "ما حاجة المتظاهرين بحرق المباني الحكومية او مقرات الاحزاب، هل سيعود ذلك علينا بالنفع او هل سيدفع الحكومة لتلبية مطالبنا ام انه سيكون لها أشبه بالذريعة والعذر لتتهم المتظاهرين بالتخريب وعدم مشروعية التظاهرات وستدفع القوات الامنية الى مزيد من العنف ضد المتظاهرين؟".

وختم بالقول "لسنا أغبياء لنمنح الحكومة أعذار لكي تتخلص من تنفيذ المطالب، كما اننا الطابوق والمباني ليست سلطة تنفيذية لكي نهدها بالنار والهدم حتى تستجيب لمطالبنا".

متظاهر آخر قال "متظاهرو البصرة براء مما يجري، اتباع التيار الصدري هم من قاموا بحرق مؤسسات الدولة ومقرات الاحزاب، والدليل ان جميع الاحزاب تعرضت للحرق والتخريب باستثناء مقرات سرايا السلام ومكاتب السيد الصدر، الامر واضح ومفصوح".

واشار الى انه "عندما انطلقت التظاهرات في شهر تموز الماضي في البصرة والمحافظات الاخرى كانت سلمية واهدافها محددة ثم فجأة بدأت عمليات اقتحام مؤسسات الدولة وحرق مقرات الاحزاب في النجف وكربلاء وبابل وواسط والديوانية وميسان وذي قار والمثنى وايضا مقرات سرايا السلام ومكاتب السيد الصدر هي الوحيدة التي لم يتعرض لها أحد، فهل هناك سر أم لغز أم أن الامر واضح وهوية من يقوم بتلك الاعمال التخريبية مكشوفة للجميع؟".

متظاهر ثالث من دعاة اقليم البصرة، أكد انهم تعرضوا لتهديد وضغط لمنعهم من رفع علم اقليم البصرة، وقال "اتباع التيار الصدري هددونا صراحة وقالوا اياكم ان ترفعوا علم اقليم البصرة، وكانت حجتهم ان ذلك دعوة لتقسيم العراق، رغم اننا رفعنا علم الاقليم منذ اليوم الاول لانطلاق التظاهرات، بل اننا نرفعه منذ سنوات عدة ولم نتلقى اي تهديد".

واعرب عن خشيته من ان يكون مصير تظاهرات البصرة كتظاهرات ساحة التحرير ببغداد "اخشى ان يكون مصير تظاهراتنا هو الموت السريري بسبب التيار الصدري، كما حدث قبل ثلاث سنوات مع تظاهرات بغداد حين دخل التيار الصدري على الخط واستمرت التظاهرات لعدة اسابيع ثم فجأة وبدون سابق انذار انتهت الى لا شيء بعد مشاركة زعيم التيار مقتدى الصدر في التظاهرات ونصب خيمته في المنطقة الخضراء".

بدوره رفض صلاح العبيدي، المتحدث باسم زعيم التيار الصدري مقتدى الصدر، اتهام التيار بما يجري في البصرة، وقال "اتهام الصدرين بأنهم أحد الاطراف المسؤولة عن حرق المؤسسات ومكاتب الاحزاب في البصرة لا أساس له من الصحة".

واشار الى ان "عدم حرق مكتب السيد الشهيد الصدر ومقرات سرايا السلام، سببه هو انه لا يوجد في الاساس مكتب في البصرة او في كل العراق مبنى للسيد الصدر ولا يوجد سوى مكتب واحد في النجف، بالتالي ليس هناك مبنى بالاساس ليتم حرقه".

واضاف "الكل يعلم ان سرايا السلام لا تتدخل بأي موضوع سياسي او تجاري او اقتصادي في البصرة، وحتى المقر الموجود للسرايا هناك اجراءات تفصيلية امر بها السيد مقتدى قبل شهرين تقضي بتسليم مقرات السرايا في العراق وايجاد مقر اقليمي في الناصرية".

واكد العبيدي "المقر الموجود في البصرة تمت هيكلته وليس فعالا ولا يوجد لسرايا السلام نشاط الا نشاط واحد وهو ترتيب الوجبات التي تغادر الى سامراء".

وختم بالقول "اتهام الصدريين بحرق مقرات الاحزاب لمجرد انه لم يتم حرق مقراتهم غير صحيح".

تنسيقية الشباب المدني في البصرة، وهي إحدى الجهات المنظمة للتظاهرات، أعلنت رفضها لما يجري في المحافظة، وقالت في بيان تلقته "الغد برس"، تعقيباً على انحراف التظاهرات عن مسارها "تمر محافظة البصرة بمنعطف خطير منذ انطلاق الهبة الجماهيرية المنادية بمطالب مشروعة، واليوم تشهد هذه الهبة في تصاعد اكثر من اجل تلبية المطالب وعدم التسوية لها وتجاهلها".

واضافت "الآن شهدت التظاهرات محاولات لجرها عن سلميتها وحرفها عن مسارها الصحيح، ونحن في تنسيقية الشباب المدني في البصرة ندعو للحفاظ على سلمية التظاهرات المطالبة بالحقوق والواجبات".

ودعت التنسيقية الى "الانسحاب منها (التظاهرات) لئلا يكون افضل وعدم الانجرار وراء اي فعل تخريبي او استفزازي لانه يحرف مسار حركة الاحتجاج عن طابعها السلمي المنادي بتوفير الخدمات الاساسية للمواطن". واكدت "كما ندعو جميع القوى الوطنية والتنسيقيات والنشطاء المدنيين الى اجتماع عاجل يحدد

فيه آليات العمل وبلورة المطالب المشروعة وان تكون هناك ادارة موحدة للتظاهرات من اجل توفيت الفرصة على كل من يحاول العبث والتخريب باسم التظاهرات".
وشددت التنسيقية على ان "تأخذ القوات الامنية دورها الحقيقي في الحفاظ على أمن وسلامة المواطنين في المحافظة، والقضاء على اي فعل تخريبي يحاول زعزعة الأمن والاستقرار".
وختمت التنسيقية بالقول "بعد ذلك سنعاود الاحتجاج السلمي المنظم بالتنسيق والتعاون مع كافة التنسيقيات والناشطين المنضويين في تظاهرات البصرة السلمية، كما نؤكد على الحفاظ على الممتلكات العامة والخاصة لانها ملك الشعب لا غيره".

تنسيقية البصرة تنسحب من التظاهرات

لوجود تصفيات سياسية في المحافظة

البصرة/ شبكة أخبار العراق- اعلنت التنسيقية للتظاهرات في محافظة البصرة، السبت، انسحابها من التظاهرات التي تشهدها المحافظة حاليا، فيما اكدت ان "اعمال الشعب والتخريب الممنهج" تقوم به "مجاهيع مدسوسة" لتصفية حسابات سياسية.

وقالت التنسيقية في بيان، إنها "تعلن برالتها من أعمال الشعب والتخريب الممنهج الذي تتخذه مجاميع مدسوسة استغلت الأوضاع في البصرة لتحقيق أهدافها"، "دفعة الى "انسحابها من أي تجمع"، وأضافت، ان "الذي يجري الآن هي خطط ممنهجة لتصفيات سياسية على حساب جراحنا"، مطالبة "جميع المواطنين ووجهاء البصرة الحفاظ على الممتلكات العامة، والمتظاهرين السلميين بعدم الخروج إلى الشارع". ودعت اللجنة التنسيقية للتظاهرات في البصرة "القوات الأمنية إلى ان تفرغ سيطرتها في حماية المؤسسات الحكومية، والحداد البصرة من تصفيات احزاب السلطة".

عاجل الحشد الشعبي: سنتعامل مع المندسين والمخربين في البصرة كدواعش
تأريخ التحرير: 2018/9/8 19:13 • 226 مرة مقرونة

بغداد: الفرات نيوز} اكدت قوات الحشد الشعبي، اليوم السبت، تعاملها مع المندسين والمخربين في محافظة البصرة كمعاملتنا مع الدواعش.

وذكر اعلام الحشد في بيان تلقت وكالة {الفرات نيوز} نسخة منه اليوم ان " نحن نعيش المحنة معكم من نقص الخدمات أو انعدامها، ونكتوي من تردي الأوضاع الصحية والبيئية والتربوية، رغم هذا قد لبينا نداء الوطن للدفاع عن الأرض والعرض و الشعب بدمائنا و ضحينا بقادتنا

الأبذاد وشبابنا الأبطال اللذين استشهدوا في عمر الورود، حين هبت ريح الفتنة الصفراء النتنّة من منصات الخيانة و الذل و الهوان التي جاءت بِ داعش لاحتلال العراق بأكمله وتدنيس المقدّسات وقتل الأبرياء و إشاعة الرعب و الخوف و الوحشية".

وتابع "لكنها لم تتوغل إلا في ثلث العراق حينما أوقفتها فتوى المرجعية خائبة خاسئة على أبواب بغداد حيث تصدى الحشد الشعبي للدواعش الأرجاس بصدور عارية و دفعنا الشر عن حزام بغداد أولاً ثم تابعنا وطاردنا جردانهم إلى آخر شبر من أرضنا الحبيبة التي تعطرت بدماء شهدائنا الأبرار وزلزلنا الأرض تحت أقدامهم و أعدنا للدولة هيبتها ومكانتها حين أشرف على السقوط و الأنهار".

واضاف "واليوم وبعد أن حققنا النصر على "داعش" صنّعة اللوبي الواهبي الصهيوني الأمريكي اللعين، نراهم قد فتحوا صفحة ثانية لإثارة العنف و الاضطرابات مستغلين هبة الشباب البصري ضدّ تردي الخدمات و الفساد وقد كان للإستكبار العالم وعلى رأسه أمريكا الدور الأكبر و كذلك أذنبه ضعف النفوس المغرضون اللذين عمدوا إلى حرف التظاهرات عن مسارها السلمي الشعبي نحو الحرق و التخريب و تعطيل مصالح المواطنين، بل وتعدى ذلك إلى الاعتداء على قداسة مقرّات الحشد الشعبي و حرقها والإعتداء على الجرحى المتواجدين في مركز العلاج الطبيعي الوحيد في العراق، وأنتم يا أهلنا تعرفون حقيقة أن الحشد المقدس هم أكثر تضحية وأكثر حباً لكم".

وبين إن "توجيه التظاهرات المطالبة للإعتداء على مقرّات الحشد إنما جاء بتوجيه خارجي ونفذه أيادي عراقية من داخل البصرة و خارجها، ولقد إتخذنا قراراً وطنياً حكيماً بعدم إراقة قطرة دم وتركنا هؤلاء ينفذون اعتدائهم و يحرقون المقرات ، ولم يكن قرارنا بعدم مواجهه ناتجاً عن ضعف أو خوف بل حفاظاً منا على دماء الشباب المغرر بهم، ولكي تتكشف خيوط المؤامرة التي تحاك على العراق إنطلاقاً من البصرة محتمية بالمظاهرات السلمية".

واشار الى ان "اليوم و بعد أن اتضحت الصورة لأبناء الشعب البصري العزيز وشيوخ العشائر الشرفاء وكل فئات المجتمع وطبقاته، تأكد للجميع أنّ هؤلاء المندسين الذين يحرقون و يخربون ويدمرون المؤسسات والبنى التحتية في محافظة البصرة ويحاولون إشاعة الفوضى وإيقاف عجلة الحياة هم خارجون عن القانون تحرّكهم أطراف خارجية خبيثة".

واوضح ان "بعد إعلان أهالي البصرة براءتهم من هؤلاء وإعلان شيوخ العشائر الشرفاء بأنهم لا يمثلون العشائر الشريفة الوطنية، ورغم إنشغالنا في جبهات القتال بتطهير ذيول وجيوب الدواعش الأنجاس الأرجاس في المناطق الساخنة إلا أننا نرى أن وقف انفلات الوضع الأمني والحفاظ على أرواح المواطنين واجب شرعي و انساني و وطني مقدس وهو يحتم علينا النزول إلى الشارع لحفظ البصرة".

واشار الى "إننا نعلن أننا سنتعامل مع من يريد أن يسيء لهذه المحافظة و شعبها و مقرّات الحشد الشعبي المقدس كما نتعامل مع الدواعش في ساحات الشرف و الفداء، ونحذر كل من صنع الفتنة من خارج العراق باستهداف قنصلياتهم ومخابراتهم وأن يد الحشد تطال الجميع". انتهى

پشت پرده تحولات بصره؛

**چه کسانی کنسولگری ایران در بصره را آتش زدند؟/ انتقام خونین
سعودی‌ها از جریان پیروز انتخابات در بصره +عکس و فیلم**

در جریان انتخابات اخیر، مردم بصره بیش از تمام گروه‌های سیاسی به ائتلاف فتح رأی دادند که ریاست آن را هادی العامری بر عهده داشت. حال سوال اینجاست چرا شعارها برخلاف نتایج انتخابات مطرح می‌شود؟

سرویس جهان مشرق - تظاهرات در استان بصره طی ماه‌های گذشته نتیجه طبیعی بی‌کفایتی سیاسی و فساد مالی برخی مسئولان دولتی و عدم توجه آنها به مشکلات معیشتی مردم به ویژه استان‌های جنوبی در خصوص قطعی مکرر برق در فصل گرم سال برای آنها بود. شرکت کنندگان در این اعتراضات به دنبال تامین کرامت شهروندان و تهیه لقمه نانی برای زندگی عادی در کشوری هستند که مملو از ثروتهای طبیعی است. در همین رابطه بود که **آیت الله علی سیستانی** مرجعیت عالی شیعیان عراق در شهر نجف نیز به حمایت از این تظاهرات پرداخت و مسئولان را به عمل به وعده‌های خود برای مقابله با فساد و بررسی مشکلات معیشتی مردم دعوت کرد.

آمریکا مدعی است که از سال 2003 تاکنون 143 میلیارد دلار برای بصره هزینه کرده است. براساس بودجه سالانه کشور، 5 دلار از فروش هر بشکه نفت به استان بصره اختصاص خواهد یافت، زیرا 90 درصد نفت عراق از طریق این استان به فروش می‌رسد. بیش از 20 دستگاه عظیم آب شیرین کن توسط کشورهای خارجی به این استان اهدا شده است. اما مردم این استان همچنان در فقر و بیچارگی به سر می‌برند. نه آثار آن 143 میلیارد دیده می‌شود و نه آن 5 دلار هزینه شده است. آن 20 دستگاه نیز هیچ یک نصب نشده‌اند.



تظاهرات مردم بصره در اعتراض به فساد مالی برخی مسئولان دولتی و عدم توجه آنها به مشکلات معیشتی مردم
تظاهرات مردم بصره در اعتراض به فساد مالی برخی مسئولان دولتی و عدم توجه آنها به مشکلات معیشتی مردم
اما طی روزهای اخیر اتفاقاتی رخ داده است که نظر مرجعیت شیعه در نجف تغییر کرده و مردم را به خویشتن‌داری و عدم آسیب زدن به دارایی‌های دولتی و خصوصی دعوت کرده است.

نماینده مرجعیت اعلای **نجف اشرف** در خطبه دیروز نماز جمعه، بار دیگر انتقادات تند را متوجه مدیریت اجرایی کشور و بی‌کفایتی برخی مسئولان کرد، اما در کنار این انتقادات از همه طرف‌ها در بصره (مردم و نیروهای امنیتی و نظامی) خواست تا آرامش خود را حفظ کنند.

پیش از این بارها شاهد موج سواری جریان‌های خاص بر تظاهرات و اعتراضات مردمی در کشورهای دیگر بوده‌ایم، آنچه که امروز در شهر بصره شاهد آن هستیم، نسخه جدیدی با امضای سعودی آمریکایی است که برای این شهر پیچیده شده است. شاید آن زمانی که **کنسولگری عربستان سعودی در بصره** فعالیت خود را آغاز کرد، دلسوزان نظام سیاسی عراق چنین روزی را پیش بینی می‌کردند.



اعتراض عراقی‌ها به بازگشایی کنسولگری عربستان در بصره (28 مرداد 97)



اعتراض عراقی‌ها به بازگشایی کنسولگری عربستان در بصره (28 مرداد 97)

توجه دو طرف به ارشادات امروز مرجعیت می‌تواند مطالبات را به ریل صحیح حرکت بازگرداند. در غیر این صورت نشان خواهد داد که حرکت تخریبی انجام شده در تظاهرات، الزاما از بستر مردم برنخاسته و سازماندهی کنندگان آن توجهی به ارشادات مرجعیت دینی کشور ندارند. به نظر می‌رسد حرکتی هماهنگ و مورد حمایت، در راستای ملتهب کردن اوضاع بصره در حال انجام است.

**** مصادره مشکوک اعتراضات بصره**

اعتراضات مردمی که از مدت‌ها پیش در شهر بصره واقع در جنوب عراق آغاز شده بود، طی روزهای اخیر رویکردی کاملاً متفاوت به خود گرفته و در حالی که پیش از این از بی‌کفایتی دولت و عدم توجه مسئولان دولتی به مطالبات مردمی اعتراض داشت، ناگهان در تحرکات مشکوک شبانه، به آتش زدن مراکز جریان الحشد الشعبی کشیده شد. جریانی که پیش از این هیچ سابقه سیاسی در کشور نداشته و در صفوف مقدم مبارزه با گروه تروریستی داعش بوده است. در جریان انتخابات اخیر، مردم شهر بصره بیش از تمام گروه‌های سیاسی به ائتلاف فتح رأی دادند که ریاست آن را هادی العامری رئیس پیشین نیروهای الحشد الشعبی بر عهده دارد. این موضوع نشان دهنده مزاج عمومی مردم شهر در حمایت از جریان‌های مقاومت و همچنین اثبات کننده فریب بزرگ برای مصادره کردن نتایج این تظاهرات برای کسب دستاوردهای سیاسی در میز مذاکرات برای تشکیل دولت است.

البصرة

الفتح: ٦

سائرون: ٥

النصر: ٥

دولة القانون: ٤

الحكمة: ٢

رجال العراق: ١

ارادة: ١

الوطنية: ١

نتایج انتخابات عراق در بصره

**** نقش آمریکا و عربستان در تحولات بصره**

تحركات افراد مشکوک در حمله شبانه به کنسولگری ایران در شهر بصره در حالی اتفاق افتاده است که مردم بصره دو هفته پیش در اعتراض به بازگشایی کنسولگری عربستان در این شهر به خیابان‌ها ریختند و شعارهای ضد سعودی سردادند.

امروز آمریکا و عربستان سعودی تلاش دارند از اعتراضات صورت گرفته برای مبارزه با فساد و تامین مطالبات معیشتی مردم در راستای تشکیل دولت مزدور خود استفاده کنند و از سوی دیگر بی‌ثباتی و ناآرامی را در عراق نهادینه سازند.

به همین علت است که دفتر هماهنگ کننده تظاهرات در استان بصره این اقدامات را تلاش‌های سیاسی ضد مطالبات مردمی دانست و تأکید کرد که از عرصه تحولات بصره خارج می‌شود. این دفتر می‌خواست این پیام را برساند که عده‌ای تلاش دارند از تحولات و اعتراضات این شهر برای ضربه زدن به ایران و متحدانش و قربانی کردن مردم برای رقابت‌های سیاسی با هزینه کشاندن آنها به جنگ داخلی و فرسایش نیروهای مقاومت در عراق سوءاستفاده کنند.



آتش زدن

کنسولگری ایران در بصره



آتش زدن کنسولگری ایران در بصره



طی ماههای گذشته عربستان تلاش زیادی برای رسیدن اوضاع به این مرحله کرده است. ریاض از مدتها پیش تمرکز خود را بر روی شهر بصره و سایر شهرهای جنوبی قرار داده است. این اتفاقات از طریق برنامه‌ریزی های نرم نظیر

سرمایه گذاری‌ها و پروژه های عمرانی و اعانه های مالی و تبلیغاتی و گاه از طریق خرید شخصیت‌های مطرح استان توسط دلال‌های داخلی انجام شده است.

تلاش‌های عربستان نیز تنها بخشی از نقشه آمریکا است که اعتراضات مردمی اخیر را بهترین فرصت برای اجرای طرح و برنامه خود در این کشور می‌داند، به ویژه که معتقد است برخی جریان‌های سیاسی عراق عزم خود را جزم کرده‌اند تا دولتی روی کار بیاورند که تسلیم محض آمریکا نباشد و در برابر دیکته های این کشور ایستادگی کنند. در طرف مقابل همزمان با افزایش تبلیغات برخی رسانه های ایرانی علیه گردشگران و زائران عراقی، شدت یافتن تبلیغات علیه ایران در جنوب و معرفی تهران به عنوان عامل مهمی خرابی ها به خصوص در استان بصره نیز از مواردی که به شدت قابل ملاحظه است. در حالی که برخی جریان‌های مشکوک اقدام به سوءاستفاده از تظاهرات مردم بصره برای مطالبات سیاسی کرده و شعارهای ضد ایرانی سر می‌دهند، تظاهرات مشکوکی ضد مردم عراق در شهر آبادان طراحی و برگزار شده است.

**** تحریکات مشکوک دولت العبادی در تحولات بصره**

در تظاهرات اعتراض آمیز تیر ماه، دولت چند روزی شبکه اینترنت را قطع کرد تا مانع از ارتباط فعالان و برنامه ریزی کنندگان تظاهرات شود و به این ترتیب این اعتراضات مهار شد، اما در حالی که اقدامات خشونت آمیز در بصره وارد چهارمین روز خود شده، و "رابطه شیوخ عشائر شط العرب" آن را بی سابقه ترین خشونت ها از زمان عثمانی‌ها تاکنون خوانده، اینترنت همچنان برقرار است.

کنسولگری ایران دیشب در حالی طعمه حریق شد که شب قبل ده‌ها نفر در حرکتی ناکام قصد آتش زدن آن را داشتند اما موفق نشدند. معلوم نیست، چرا یک مرکز دیپلماتیک مورد تهدید، این اندازه بی دفاع رها شده که تهدیدات شب گذشته برای به آتش کشیدن آن بدون کوچکترین درگیری عملی شود.



مقتدی صدر و العبادی

در حالیکه ۲۴ ساعت از به آتش کشیدن مقر احزاب و گروه های شبه نظامی و حشد الشعبی در بصره می گذرد علاوه بر کنسولگری ایران در این شهر، دفاتر دولتی بیشتری در حال تخریب و سوختن هستند. مقر مجلس اعلا، حزب الدعوة، سازمان بدر، عصائب اهل الحق و تعدادی از شبکه‌های تلویزیونی تاکنون طعمه آتش شده است.

جالب اینجاست که دفاتر و موسسات مربوط به مقتدا صدر رئیس جریان صدر که سخنرانی تحریک آمیز مبنی بر خروج نیروهای مقاومت از شهر بصره را انجام داده بود، هیچ کدام آسیبی ندیده و مورد خشم افراد ناشناس قرار نگرفته اند.

**** هوشیاری احزاب سیاسی نسبت به فتنه سعودی- آمریکایی**

نیروهای سیاسی مقاومت عراق از چند روز پیش به این طرح اشاره کرده و با صدور بیانیه ای که پنجشنبه شب منتشر شد تاکید کردند تلاش هایی که انجام می شود برای ایجاد فتنه و جنگ داخلی در استان های مرکزی و جنوبی عراق است. این نیروها ابراز داشتند که هوشیاری کاملی نسبت به خطرات پروژه آمریکایی سعودی برای هدف قرار دادن عراق و دولت و ملت این کشور دارند. این گروه ها از شخصیت های داخلی خواستند که خود را به ابزاری برای اجرای برنامه های آمریکا و عربستان تبدیل نکنند. آنها از حیدر العبادی نخست وزیر عراق خواستند تا مسئولیت خود را برای حل و فصل بحران خدمات در کشور بر عهده بگیرد و فوراً از سمت خود استعفا دهد.

ائتلاف فتح نیز که پیروز انتخابات پارلمانی در بصره بود، دیروز از گروه هایی صحبت کرد که با برنامه های خارجی در میان مردم نفوذ کرده اند و تلاش دارند این جریان را به تقابل با مردم بکشانند. هادی العامری رئیس این جریان نیز از العبادی خواست فوراً استعفا دهد، چرا که در تمامی پرونده ها شکست خورده است.

دستورالعمل خارجی که بر اساس این خشونت ها طراحی شده تلاش دارد ملت عراق را در برابر دو گزینه پذیرش دولت حیدر العبادی یا ایجاد هرج و مرج و جنگ داخلی در کشور قرار دهد. در همین رابطه بود که قیس الخزعلی دبیرکل گردان های اهل الحق نیز دیروز به صراحت اعلام کرد که حوادث بصره بخشی از پروژه آمریکایی- سعودی است که ابزارهای حزبی این کشورها در داخل عراق آن را اجرا می کنند.

مردم عراق و مرجعیت دینی این کشور پیش از این بارها ثابت کرده اند از هوشیاری لازم در برابر توطئه های خارجی برخوردارند. سابقه بد آمریکا و عربستان در اذهان عمومی عراقی ها و خدمات جمهوری اسلامی ایران به آنها به اندازه ای عمیق است که این تلاش ها و فتنه انگیزی ها نمی تواند مردم را از رویکرد درست خودشان منحرف کند. احزاب سیاسی کشور نیز باید بدانند که بازی در پازل آمریکا و غرب بویژه در کشور مسلمان عراق با روحیه بالای مقاومت، هرگز در راستای منافع سیاسی آنها نیست و دیر یا زود آنها را رسوا خواهد کرد. دلسوزان عراقی نیز باید به این نکته توجه کنند که خلأ دولت در این کشور بحران زده بیش از این جایز نیست و هر لحظه امکان توطئه های جدیدتر با هدف بازگرداندن گروه های تروریستی یا ایجاد فتنه داخلی در آن وجود دارد.

آخرین اخبار از تعرض به کنسولگری ایران در بصره؛

رئیس پلیس بصره برکنار شد / دستور العبادی برای بازجویی از محافظان کنسولگری ایران / سفیر ایران: هیچ مشکلی در نجف و کربلا وجود ندارد

به دنبال تشدید اعتراضات در بصره و به آتش کشیده شدن کنسولگری ایران و ساختمان های دولتی در این شهر، مقام های عراقی بر اقدامات قاطع برای مقابله ناآرامی ها در این شهر تاکید کردند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

به دنبال تشدید اعتراضات در بصره و به آتش کشیده شدن کنسولگری ایران و ساختمان های دولتی در این شهر، مقام های عراقی بر اقدامات قاطع برای مقابله ناآرامی ها در این شهر تاکید کردند.

به گزارش «انتخاب»، در پی به آتش کشید شدن کنسولگری ایران در بصره، سفیر عراق در تهران به وزارت امور خارجه ایران احضار شده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در این باره گفته است: «در این ملاقات مدیر کل خلیج فارس وزارت امور خارجه ضمن ابراز تعجب از بی تحرکی پلیس بصره گفت: به رغم تحریکات روزهای گذشته توسط عوامل مشکوک علیه سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران، دولت عراق به وعده ها و اطمینان های داده شده از کانال های دیپلماتیک برای انجام وظیفه خود عمل نکردند.»

روز جمعه در جریان اعتراضات اهالی بصره به نارسایی خدمات عمومی، فساد و بیکاری بالا، کنسولگری ایران، مقرهای گروه های شبه نظامی شیعه و ساختمان های دولتی در این شهر به آتش کشیده شد.

دور تازه اعتراضات در بصره به دنبال مسمومیت هزاران نفر به دلیل آشامیدن آب آلوده از سه شنبه آغاز شد و به گفته مقام‌های بیمارستانی دست کم ۹ نفر در این اعتراضات تاکنون کشته شده‌اند.

تجمع‌های اعتراضی علیه فساد و کمبود خدمات عمومی در اواخر تیرماه از شهر نفت خیز بصره شروع شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه روز جمعه هزاران نفر در مقابل کنسولگری ایران در بصره تجمع کرده و صدها نفر معترض با ورود به ساختمان کنسولگری، آن را به آتش کشیدند. یکی از ویدئوهایی که در شبکه اجتماعی فیسبوک منتشر شده است نشان می‌دهد که معترضان، ایران را به قطع آب بصره متهم می‌کنند.

در همین حال، یک سخنگوی کنسولگری ایران گفته است، کلیه کارکنان و دیپلمات‌ها پیش از شروع حمله به کنسولگری تخلیه شده بودند و هیچ یک خدمه و دیپلمات‌های در حادثه آسیب ندیده‌اند. از سوی دیگر حیدر العبادی، نخست وزیر عراق شامگاه جمعه به نیروهای امنیتی دستور داد قاطعانه با اقدامات «خرابکارانه» در جریان اعتراضات مردم برخورد کنند.

ستاد فرماندهی مشترک، متشکل از ارتش و پلیس عراق، نیز در بیانیه‌ای از اتخاذ ترتیبات امنیتی ویژه‌ای برای مقابله ناآرامی خبر داد از جمله هرگونه تجمع و تظاهرات را ممنوع اعلام کرد.

همچنین شیخ 'قیس الخزعلی' دبیرکل عصاب اهل الحق از نیروی الحشد الشعبی در واکنش به وقایع بصره این سوال را مطرح کرده است که چرا فقط مقر دفاتر مربوط به جریان صدر و العبادی مورد حمله قرار نگرفته است.

الخزعلی جمعه شب در گفتگو با تلویزیون الغدير عراق گفت: مقرهای همه احزاب سیاسی و نیروهای الحشد الشعبی در بصره آتش زده شد و فقط مراکز مربوط به مقتدا صدر و حیدر العبادی مورد حمله قرار نگرفت. وی گفت: این نشان می‌دهد این حملات و آتش زدن‌ها، تسویه حساب سیاسی است.

الخزعلی گفت: یکی از مطالبات معترضان موضوع آب آشامیدنی است، همه می‌دانیم که وزیر امور آب وابسته به جریان صدر است، نفر اول دولت نیز حیدر العبادی نخست وزیر است اما مراکز آنها از این حملات مصون می‌ماند.

وی اضافه کرد: ما بعنوان الحشد الشعبی هیچ حضور و نقشی در دولت کنونی و گذشته نداشته ایم اما دفاتر ما مورد حمله قرار می‌گیرد.

همچنین منابع رسانه‌ای از برکناری رئیس پلیس بصره خبر دادند.

پایگاه خبری شبکه «العربیه» به نقل از منابع آگاه محلی عراق از برکناری رئیس پلیس بصره خبر داد. هنوز منابع رسمی عراق این خبر را تایید یا رد نکرده‌اند اما گفته می‌شود که در پی تشدید ناآرامی‌های بصره، وی برکنار شده است.

از سوی دیگر، نخست وزیر عراق بامداد امروز (شنبه) دستور داد که از مسئولان امنیتی محافظت از نهادهای دولتی عراق و کنسولگری ایران در بصره بازجویی شود.

به گزارش «اسپوتنیک» روسیه، دفتر رسانه‌ای حیدر العبادی، نخست وزیر عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد فرمانده کل نیروهای مسلح عراق دستور داد که از مسئولان همه یگان‌های امنیتی مسئول محافظت از نهادهای دولتی عراق و کنسولگری ایران در بصره به دلیل کوتاهی در انجام وظیفه بازجویی به عمل آید. واکنش ایران

وزارت خارجه ایران حمله به کنسولگری این کشور در شهر بصره عراق را به شدت محکوم کرد. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، دولت عراق را به اهمال‌کاری و تعلل در محافظت از کنسولگری متهم کرد و گفت، ایران انتظار دارد تا بغداد «هرچه سریع‌تر نسبت به شناسایی، دستگیری و مجازات آمران و عاملان این جرم سنگین اقدام کند».

بهرام قاسمی همچنین گفته است که سفارت ایران در بغداد هیچگونه بیانیه‌ای درباره خروج اتباع ایرانی از بصره صادر نکرده است.

در همین حال، مسئول اطلاع‌رسانی کنسولگری ایران در بصره از سوختن کامل ساختمان کنسولگری خبر داده است.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران هم از بررسی حمله به کنسولگری ایران در بصره

در این کمیسیون خبر داده است.

علی نجفی ضمن محکوم کردن این حمله و به آتش کشیدن ساختمان کنسولگری گفته که خسارات مالی زیادی ببار آمده است. آقای نجفی افزوده: "طبق موازین، دولت عراق در حفاظت از اماکن دیپلماتیک مسئولیت دارد." همچنین فرماندار ویژه شهرستان خرمشهر با تکذیب شایعه بسته شدن مرز بین المللی شلمچه در پی نا آرامی‌های بصره گفت: مرز شلمچه همچنان باز است.

ولی الله حیاتی افزود: مشکلی در تردد اتباع عراقی در مرز شلمچه وجود ندارد و این مرز بین المللی از امنیت کامل برخوردار است.

می‌خواهند رابطه ایران و عراق را تخریب کنند

سفیر ایران در بغداد در خصوص همکاری دولت عراق با ایران جهت رسیدگی به موضوع حمله به سرکنسولگری کشورمان و بررسی عوامل و عناصر پشت پرده این حادثه گفت: دولت عراق به هیچ وجه نه می‌پذیرد و نه می‌پسندد که چنین تنش‌هایی برای نمایندگی‌های ما پیش بیاید.

وی افزود: البته ما گلایه‌مند هستیم که چرا تمهیدات لازم برای حراست از نمایندگی‌ها ایجاد نمی‌شود و این گلایه‌ها را منعکس کردیم. ما به وضع موجود در زمینه حفاظت و حراست از امنیت نمایندگی‌ها اعتراض داریم. اگر امنیت آنجا (کنسولگری ایران در بصره) کامل تامین می‌شد و به نوعی مراقبت‌های لازم انجام می‌شد این مسائل نباید اتفاق می‌افتاد.

سفیر کشورمان در بغداد با بیان اینکه حراست از نمایندگی‌های ایران در عراق جزو مطالبات سفارت از دولت و مسئولان عراقی بوده است، گفت: متأسفانه این مشکل حساسیت ایجاد کرده است؛ هم مادی هم معنوی. هم مردم عراق که علاقه‌مند به ما هستند و هم ایرانی‌ها، هر دو معترض و ناراحتند. (برخی عوامل) می‌خواهند این رابطه را تخریب کنند؛ رابطه‌ای که برای ایجاد آن سال‌ها تلاش شده است.

و گفت: عوامل بیگانه نزدیک به آمریکا، صهیونیست‌ها، برخی کشورهای عربی و عوامل داخلی به این تخریب روابط دامن می‌زنند.

مسجدی در خصوص رابطه این حادثه با برخی اخبار مربوط به حضور زوار عراقی در مشهد که منجر به ایجاد کدورت‌هایی بین مردم ایران و عراق شده است، گفت: زوار عراقی که به ایران می‌آیند، زائر امام رضا و مورد احترام هستند. آنها نه تقصیری دارند، نه گناهی. اینها زائر امام رضا و مهمان ایران هستند. اینکه به آنها تعرض و بی احترامی شود و وقتی به نوعی جرمی را که افراد دیگری مرتکب شدند گردن آنها بیاندازیم جایز نیست و نباید چنین اتفاقی بیافتد. زائران آنها باید مورد احترام مردم ما و جمهوری اسلامی باشند. متقابلاً کسی در عراق هم متعرض زائر ما نشده است.

وی گفت: مشتی عوامل و جریان‌های مشکوک به اماکن جمهوری اسلامی و نهادهای احزاب و نیروهای دولتی عراق حمله کرده‌اند. این حادثه منحصر به کنسولگری ما نبوده است.

سفیر کشورمان تأکید کرد: تامین امنیت نمایندگی ما بر عهده دولت است و باید مراقبت کند و کوتاهی جایز نیست.

مسجدی در خصوص وضعیت امنیتی زائران ایرانی برای عاشورا و تاسوعا گفت: هیچ مشکلی در نجف و کربلا وجود ندارد. زوار می‌توانند روال عادی خود را داشته باشند. چه بسا نیامدن زوار و قطع ارتباط زوار به ایران و عراق خواست دشمنان ما باشد و نباید به این خواست تن بدهیم.

واکنش آمریکا

در همین حال، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای بدون اشاره به حمله به کنسولگری ایران در بصره، حمله به دیپلماتها در این شهر را محکوم کرده است.

هدر نائورت در بیانیه‌ای گفته است: ایالات متحده خشونت‌ها علیه دیپلمات‌ها را محکوم می‌کند، از جمله آنچه در بصره و بغداد رخ داد. ما از همه طرف‌های درگیر از جمله نیروهای امنیتی و تظاهرکنندگان می‌خواهیم حق تظاهرات مسالمت‌آمیز و حفاظت از دیپلمات‌ها و اماکن دیپلماتیک را رعایت کنند.

عراق به مدت سه سال درگیر نبرد با گروه حکومت اسلامی، داعش بود و سال گذشته حیدر العبادی شکست داعش را در این کشور اعلام کرد. اما ناکارآمدی، فساد اداری و سطح بسیار پائین خدمات عمومی بر نارضایتی‌ها در این کشور افزوده است.

حیدر العبادی در انتخابات ۲۲ اردیبهشت پیش نتوانست به پیروزی قاطع دست یابد، ولی ائتلافی به رهبری مقتدی صدر، با شعار مقابله با فساد به پیروزی چشمگیر رسید. بنابر آمار رسمی، نرخ بیکاری در عراق نزدیک به ۱۱ درصد است و این میزان در بین جوانان دوبرابر است. حدود ۶۰ درصد از جمعیت عراق زیر ۲۴ سال دارند.

السومرية نيوز // البصرة يتحمل الجزء الاكبر من المسؤولية.. حيدر العبادي _ نائب عن البصرة: القنصلية الامريكية اعدت مخططا لتدمير المحافظة



وقال الخزعلي في حديث لـ السومرية نيوز، إن "تظاهرات محافظة البصرة كانت تحمل في بداياتها مطالب مشروعة وحقيقية وندعمها جميعا، لكن ما حصل من انحراف فيها واختراق للمهندسين رافقه احراق لمقرات حزبية والقنصلية الايرانية ومؤسسات دولة هو امر يجعلنا نضع علامات استفهام كثيرة ومخطط معد له مسبقا يسير باتجاه تدمير البصرة"، مبينا ان "استهداف مقر الحشد والذهاب الى مستشفى يضم جرحى الحشد واحراق صور الشهداء فهذا دليل على وجود مخطط اكبر وخطر". و اضاف الخزعلي، ان "القنصلية الامريكية مع بعض منظمات المجتمع المدني تتحمل المسؤولية الكاملة عن ما يجري في البصرة، يرافقه تقصير حكومي واضح يتحمل رئيس مجلس الوزراء جزء كبير منه"، مشددا على ان "من قاموا بهذه الاعمال هم متآمرون لا يمثلون البصرة او اهلها الحقيقيين وهم يريدون خلق صراع مجتمعي وتمزيق اللحمة الوطنية داخل المحافظة".

واكد الخزعلي، ان "هناك ادلة لدينا بوجود عمل سياسي تم ممارسته في البصرة وعمل على اختراق التظاهرات وعلى الجهات الامنية تحمل المسؤولية وضبط الامن بالمحافظة".

وتشهد محافظة البصرة منذ اشهر تظاهرات غاضبة تطالب بتوفير الخدمات وفي مقدمتها الماء الصالح للشرب والكهرباء، وتطورت الى تدخل القوات الامنية، ما ادى الى مقتل عدد من المتظاهرين واصابة آخرين.

القدس العربي تحليل كرد؛

حوادث بصره، گره کور ادلب و راهبرد ایران / ۹ احتمال درباره تحولات آینده منطقه

در بحبوحه تهديدهای آمريکا بود که اوضاع بصره نابسامان شده و عناصر مخالف مقاومت و ايران، اقدام به سوزاندن کنسولگری ايران کردند. گروههای مقاومت، دولت عبادی را مسئول ناآرامی های امنیتی دانسته و به همراه تشکل

سائرون، خواستار استعفای عبادی شدند. در این میان، رهبران محور مقاومت، حوادث بصره را در چارچوب گشایش زود هنگام جبهه نظامی صهیونیستی آمریکایی در بصره، به موازات جبهه آنها در ادلب، تفسیر کردند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

د. عصام نعمان در القدس العربی نوشت: رسانه ها دائما در حال صحبت کردن در مورد حضور ایران در سوریه هستند و به کلی حضور آمریکا در عراق را از یاد برده اند. در واقع آمریکا از سال 2003، همچنان حضور نظامی و سیاسی خود در عراق را حفظ کرده است. آمریکا اخیرا دریافته است که افزایش نفوذ گروههای مقاومت داخل حشد الشعبی و خارج از آن، نفوذ و موجودیت آن و نیروهای نیابتی اش را تهدید می کند. از این رو، با همکاری عربستان، برای مهار نفوذ این گروهها و تاثیر آنها، از طریق حمایت از احزاب، تشکلهای شخصیتهای سیاسی مخالف ایران، وارد عمل شد. در همین راستا، ایالات متحده موفق شد حیدر العبادی را با خود همراه کرده و او را قانع کند که باقی ماندنش در منصب نخست وزیری، مرهون همکاری با آمریکا و تشکلهای وابسته به آن در داخل و خارج از پارلمان است.

به گزارش «انتخاب»، این رسانه عرب زبان چاپ لندن نوشت: گروههای مقاومت مخالف امریکا و اسرائیل، از اعلام موضع عبادی در مورد پابندی به تحریمهای امریکا علیه ایران، نگران شده و تصمیم گرفتند او را از ریاست دولت برکنار کنند. از این رو، گروههای مذکور تلاش زیادی برای ایجاد تشکل بزرگی در پارلمان عراق کردند، که اگر دخالتهای واشنگتن از طریق ورود با تشکلهای پارلمانی کردی به این ماجرا نبود، تلاشهای گروههای مقاومت، به نتیجه می رسید.

کردهای سوریه تلاش کردند با پناه بردن به آمریکا، امکان همکاری ترکیه با سوریه در زمینه آزاد سازی ادلب از گروههای تروریستی را از بین ببرند.

آمریکا به همکاری خود با کردهای عراق و سوریه اکتفا نکرده و اعلام کرد که در صورت استفاده از سلاح شیمیایی علیه معارضان در ادلب، ضربه شدیدی به ارتش سوریه وارد می کند. علاوه بر اینکه لیبرمن، وزیر جنگ اسرائیل و پس از او، نتانیاهو، از هدف قرار دادن موشکهای بالستیک ایران در عراق، صحبت کردند.

در بحبوحه این تهدیدها بود که اوضاع بصره نابسامان شده و عناصر مخالف مقاومت و ایران، اقدام به سوزاندن کنسولگری ایران کردند. گروههای مقاومت، دولت عبادی را مسئول ناآرامی های امنیتی دانسته و به همراه تشکل سائرون، خواستار استعفای عبادی شدند. در این میان، رهبران محور مقاومت، حوادث بصره را در چارچوب گشایش زود هنگام جبهه نظامی صهیونیستی آمریکایی در بصره، به موازات جبهه آنها در ادلب، تفسیر کردند.

هنوز زود است که بخواهیم در مورد تحولات سیاسی و نظامی کنونی، اظهار نظری قاطع کنیم، اما می توانیم از

این 9 احتمال سخن بگوییم:

گشودن جبهه بصره، نمی تواند تاثیر بازدارنده ای روی محور مقاومت داشته باشد، به این دلیل که جابری انصاری، معاون عربی و افریقایی وزارت خارجه ایران، حتی پیش از برگزاری اجلاس تهران اعلام کرد که بیانیته مشترک این نشست، انجام می شود و در ضمن آن، بر ادامه مبارزه با تروریسم تاکید می گردد. به نظر می رسد سوریه برای آزادی ادلب از گروههای تروریستی و در مقدمه آنها، جبهه النصره، که بر مساحت گسترده ای از این استان سیطره دارند، مصمم است و قصد دارد با هر طرف خارجی که در این مساله دخالت می کند و قصد حمایت از تروریستها را دارد، مقابله کند.

ترکیه از پیامدهای نبرد ادلب بیمناک است، به این دلیل که می تواند موجب سرازیر شدن سیل آوارگان سوریه ای به ترکیه شود. بنابراین، تلاش گسترده ای برای اقتناع گروههای مختلف می کند، تا حاضر به صلح و سازش با دولت سوریه شده و از ریخته شدن خونهای بیشتر، جلوگیری کنند. همانطور که در اجلاس تهران نیز بر دادن وقت اضافی برای جدایی بین معارضان معتدل و جبهه النصره، متمرکز شد.

فرصت برای سازش با گروههای معارض معتدل، فراهم است، اما ایجاد راه حلی برای عناصر تروریستی غیر عرب، مانند ایگورهای چینی، ترکمنستانی و چچنی، که دولتهایشان مخالف بازگشت آنها به کشور هستند، بسیار دشوار است.

بعید است که آمریکا با سربازهای خود، وارد نبردی با سوریه یا عراق شود، اما ممکن است که با جنگنده ها و موشکهای خود، به چنین نبردی ورود کند، همانطور که در گذشته نزدیک، اقدام به بمباران خان شیخون سوریه کرد.

اسرائیل می داند که بشار اسد، برنده معرکه سوریه علیه تروریستهاست و با این حال، بر عزم خود برای مقابله با حضور ایران در سوریه و انتقال سلاح و تجهیزات از طریق سوریه برای حزب الله، تاکید می کند.

عاقلا نه نیست که رهبران سوریه، ایران و روسیه در محاسبات خود به این نکته توجه نکنند که ممکن است آمریکا و اسرائیل، تحت تاثیر حماقت ترامپ، فشارهای نتانیاهو و نفوذ او در کنگره، برنامه ای برای حمله ویرانگر به سوریه یا ایران، با هدف تضعیف آنها، داشته باشند. همچنانکه در مقابل، معقول نیست که رهبران محور مقاومت، آمادگی لازم برای شکست دادن نقشه های صهیونیستی آمریکایی را اتخاذ نکنند.

توافق تشکل الفتح با سائرون، نقشه آمریکا برای ریاست مجدد عبادی را با شکست مواجه کرد و اکنون، امکان تشکیل دولتی مخالف با برنامه های اسرائیل و ایالات متحده، و چه بسا مخالف با حضور آمریکا در عراق، فراهم شده است.

با توجه به خلاصه مذاکرات اجلاس تهران و تحولات میدانی که در پی آن بوقوع پیوست، می توان گفت که درگیری در تمام سطوح در سوریه و عراق، طولانی مدت است، همانطور که نبرد سیاسی و نظامی منطقه در مقابل برنامه های صهیونیستی آمریکایی ادامه دارد.

الحیات:

حوادث بصره، ورق را در بغداد به نفع ایران برگرداند / پیشنهاد «تهران» در مورد کرسی نخست وزیری عراق چطور در حال محقق شدن است؟ / پایان روزهای «حیدر العبادی» در قدرت نزدیک است

در اقدامی غافلگیر کننده که باعث تعجب رهبران حزب الدعوه شد، ائتلاف سائرون و الفتح، خواستار استعفای العبادی شدند. این در حالی است که حیدر العبادی تصریح کرد که جلسه پارلمان که در روز شنبه برگزار شد، با هدف سرنگونی سیاسی بود، در حالی که نوری مالکی معتقد است این جلسه پوششی برای عملیاتی بود که در بصره اتفاق افتاد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

الحیات چاپ لندن نوشت: منابع عراقی تاکید می کنند که رهبر ائتلاف سائرون، مقتدی صدر و رهبر ائتلاف الفتح، هادی العامری، برای کنترل اضطرابات در استان بصره و از بین بردن اختلافات در خصوص تشکیل «ائتلاف بزرگ» به یکدیگر نزدیک شده اند. این نزدیکی، شانس های حیدر العبادی برای باقی ماندن در

منصبش، بویژه پس از درخواست استعفای او از سوی هر دو ائتلاف مذکور و بازگشت به معامله سلیمانی را کمتر می‌کند.

به گزارش «انتخاب»؛ این روزنامه در ادامه آورده است: در اقدامی غافلگیر کننده که باعث تعجب رهبران حزب الدعوة شد، ائتلاف سائرون و الفتح، خواستار استعفای العبادی شدند. این در حالی است که حیدر العبادی تصریح کرد که جلسه پارلمان که در روز شنبه برگزار شد، با هدف سرنگونی سیاسی بود، در حالی که نوری مالکی معتقد است این جلسه پوششی برای عملیاتی بود که در بصره اتفاق افتاد.

به گفته منابع آگاه، نزدیکی حاصل شده بین سائرون و الفتح، در نتیجه حوادث بصره و سوزاندن موسسات و دفاتر احزاب، نگرانی از شدت یافتن اینگونه اقدامات برای تشکیل دولت طبق معیارهای جدید بود.

این منابع در گفتگو با الحیات فاش کردند که نشستی بین تشکلهای پنجگانه شیعه، سائرون، الفتح، النصر، دولت قانون و الحکمه، برگزار خواهد شد تا اسامی جدیدی برای نامزدی ریاست دولت، مطرح شود.

الحیات مدعی شد چند هفته پیش سردار قاسم سلیمانی پیشنهادی با عنوان ائتلاف «5+2» ارائه کرد که براساس آن، 5 قدرت شیعه، به اضافه قوای سنی و کردی، اسم سه نامزد برای ریاست دولت را ارائه می‌دهند.

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، چاره‌ای جز بازگشت اضطراری به این پیشنهاد نیست. به گزارش منابع آگاه، صدر نشستهایی با نمایندگانی از تشکل خود و ائتلاف الفتح داشته است که هدف از آنها، مهار تحولات بصره و بحران تشکیل دولت جدید بوده است و در ادامه، صدر بنابر درخواست ائتلاف الفتح، که با عبادی درگیر است، از تایید نخست وزیر فعلی، دست می‌کشد.

در واقع، حوادث بصره، عامل مهمی برای گرایش جریان الفتح، (که مورد حمایت ایران است) به سمت صدر، است.

دبیر کل عصاب اهل الحق، قیس خزعلی، می‌گوید: توافق دو ائتلاف الفتح و سائرون، به معنای استقرار عراق و پیروزی دولت است. وی در توییتی نوشت: «بیانیه اخیر صدر که در زمانی مناسب برای حل مشکلات، صادر شد، با اقدام الفتح در راستای توجه به شروط اعلام شده از سوی مرجعیت، برای انتخاب نخست وزیر و دولت، انسجام واضحی دارد.»

خلیج آنلاین گزارش داد؛

وضعیت این روزهای نخست وزیر عراق؛ از مواضع متناقض در قبال ایران تا عصبانیت شدید در جلسه با استاندار بصره / آیا دولت العبادی سقوط می‌کند؟

حیدر العبادی، نخست وزیر عراق، اولین قربانی اعتراضهای فراگیر مردمی در استان بصره خواهد بود، چرا که اگر به همین منوال در محاصره خواسته‌های مردم قرار بگیرد، ناچار به استعفا خواهد شد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :



خلیج انلاین نوشت: حیدر العبادی، نخست وزیر عراق، اولین قربانی اعتراضهای فراگیر مردمی در استان بصره خواهد بود، چرا که اگر به همین منوال در محاصره خواسته های مردم قرار بگیرد، ناچار به استعفا خواهد شد. به گزارش انتخاب، این رسانه عرب زبان ادامه داد: حوادث اخیر بصره و در معرض خطر قرار گرفتن اموال دولتی و احزاب مختلف در این کشور، به اضافه سوزانده شدن کنسولگری ایران، دلیلی شد برای برگزاری جلسه ای در داخل مجلس نمایندگان در بغداد، با هدف بررسی اوضاع بصره و راه های آرام کردن مردم بصره. حیدر العبادی شخصا در این جلسه حضور یافت. ضمن آنکه استاندار بصره و تعدادی از بزرگترین مسئولان دولتی عراق نیز در آن حاضر بودند. در جلسه مذکور، بحث و مناقشه شدیدی بین استاندار بصره، اسعد العیدانی، و حیدر العبادی، صورت گرفت و نکته جالب توجه، حالت تشنج و عصبانیتی بود که بر عبادی سیطره یافته بود، به نحوی که برای اولین بار، به این شکل ظاهر می شد.

درخواست ائتلاف رهبر جریان صدر، مقتدی الصدر، در خصوص برکناری نخست وزیر فعلی، حیدر العبادی، ضربه دیگری به عبادی محسوب می شود.

در حال حاضر، محبوبیت عبادی در بین مردم عراق، به شدت کاهش یافته است، در صورتی که پیش از این، عراقی ها در جریان مبارزه با داعش، به او کمک کرده بودند.

مواضع ناهمگون و متناقض عبادی در موارد مختلف، باعث شد تصویر او در بین مردم، به شکل یک شخصیت متزلزل و ناتوان در زمینه تصمیم گیریهای مهم، شناخته شود، بویژه زمانی که در کنفرانس مطبوعاتی از تایید تحریمهای آمریکا علیه تهران، صحبت کرده و با یک هجوم رسانه ای گسترده از سوی رسانه های وابسته به احزاب و شبه نظامیان عراقی، مواجه شد، تا از موضع خود بازگشته و با این تحریمها مخالفت کند.

عدم صلاحیت عبادی برای عهده دار شدن نخست وزیری، از مهمترین موضوعاتی است که عراقی ها امروز بر آن اصرار می ورزند، همانطور که مردم عراق، در شبکه های اجتماعی، ویدیو های زیادی در این رابطه منتشر می کنند.

از آن جمله، عزة شاهبندر، سیاستمدار معروف، در یک گفتگوی تلویزیونی، با نادان خواندن حیدر العبادی، بر این نکته تاکید نمود که وی شایستگی عهده دار شدن چنین مسئولیت بزرگی را ندارد و زمانی که عضو یک حلقه حزبی بود و در رأس آن قرار داشت، یکی از کودن ترین حلقه های آن حزب محسوب می شد.

بررسی برج‌ام‌کروی

دیدار نماینده رئیس‌جمهور کره جنوبی با رهبر کره شمالی؛

کیم جونگ اون: تخریب سایت آزمایش هسته‌ای با هدف نشان دادن حسن نیت بود / نگرانیم جامعه بین‌المللی این اقدامات معقول را نادیده بگیرد / امیدواریم خلع سلاح هسته‌ای را به پیش ببریم و روابط خصمانه با آمریکا در همین دوران ترامپ پایان یابد



رهبر کره شمالی یک بار دیگر بر تعهد خود مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای کشورش و تحقق صلح در شبه جزیره کره تأکید کرد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

رهبر کره شمالی یک بار دیگر بر تعهد خود مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای کشورش و تحقق صلح در شبه جزیره کره تأکید کرد.

به گزارش ایرنا خبرگزاری مرکزی کره شمالی روز پنجشنبه گزارش کرد، 'کیم جونگ اون' رهبر این کشور روز گذشته (چهارشنبه) در دیدار با نماینده ویژه رئیس‌جمهوری کره جنوبی در پیونگ یانگ افزود: از بین بردن خطر جنگ و درگیری‌های مسلحانه در شبه جزیره کره و تبدیل منطقه به گهواره صلح، بدون وجود تسلیحات و تهدیدات هسته‌ای از مواضع ثابت و مبتنی بر اراده کره شمالی است.

او تصریح کرد: برای تحقق این امر و انحلال هسته‌های شبه جزیره، باید کره شمالی و جنوبی تلاش‌های خود را توسعه دهند.

خبرگزاری مرکزی کره شمالی در ادامه گزارش خود به نقل از رهبر کره شمالی در نشست با هیات کره‌ای آورده است که او خواهان تسریع بخشیدن به مسائل مربوط به توسعه روابط دو کره و حفظ صلح و ثبات شبه جزیره کره شده است. 'چونگ ایو یونگ' رئیس دفتر امنیت ملی ریاست جمهوری کره جنوبی که به عنوان نماینده رییس جمهوری این کشور روز گذشته (چهارشنبه) راهی پیونگ یانگ شده بود شامگاه دیشب با 'کیم جونگ اون' رهبر کره شمالی دیدار و گفتگو کرد و نامه رییس جمهوری کره جنوبی را به او تحویل داد.

خبرگزاری کره شمالی می‌گوید که رهبر این کشور بعد از خواندن نامه رییس جمهوری کره جنوبی از وی به خاطر این نامه دوستانه تشکر کرده است و آن را بیانگر آینده روشن روابط دو کره عنوان کرده است.

کیم در این دیدار همچنین نسبت به توسعه روابط دو کره از جمله مذاکرات نظامی، دیدار مجدد خانواده‌های جدا شده دو کره و طرح‌های اقتصادی مشترک اظهار خوشحالی کرده است.

رهبر کره شمالی افزود: ما باید دست در دست هم این موفقیت‌ها را ادامه دهیم و بدون هیچ گونه انحرافی بر مدار صلح، آشتی و همکاری حرکت کنیم.

با این حال اگرچه خبرگزاری کره شمالی اشاره‌ای به برنامه زمانبندی 'کیم' برای انحلال هسته‌ای نکرده است، ولی امروز پنجشنبه 'چونگ ایو یونگ' فرستاده ویژه رییس جمهوری کره جنوبی که روز گذشته با کیم در پیونگ یانگ دیدار کرد گفته بود: 'کیم جونگ اون' در این دیدار مجدداً تعهد خود را نسبت به انحلال هسته‌ای اعلام کرد و همچنین امیدوار به همکاری با ایالات متحده برای ادامه مذاکرات است.

این مذاکرات به دنبال لغو سفر 'مایک پمپئو' وزیر خارجه آمریکا به کره شمالی انجام شده است آمریکا آن زمان این سفر را به این دلیل که پیشرفتی در مذاکرات حاصل نشده است لغو کرد، اما آنطور که نماینده رییس جمهوری کره جنوبی گفته است رهبر کره شمالی این اظهارات واشنگتن را قبول ندارد و معتقد است تلاش‌های کشورش برای خلع سلاح هسته‌ای خیلی معنا دار و مهم بوده است.

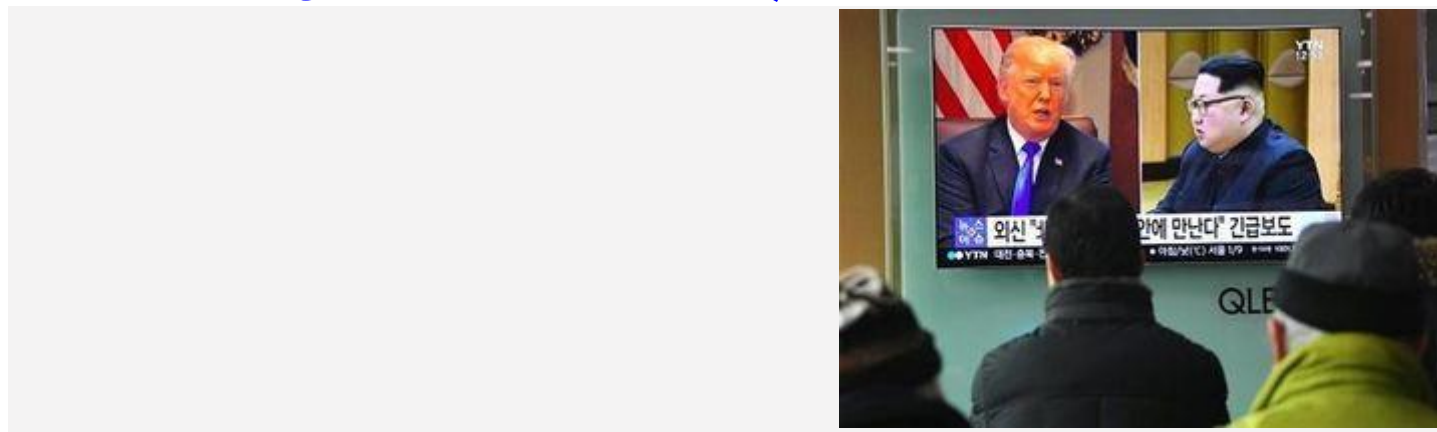
رهبر کره شمالی گفته است تخریب سایت آزمایش هسته‌ای 'پيونگ ری' با هدف نشان دادن حسن نیت او برای خلع سلاح هسته‌ای بوده است او ابراز نگرانی کرده است که جامعه بین المللی این اقدامات معقول او را نادیده بگیرد.

چانگ می‌گوید رهبر کره شمالی از او خواسته است پیامش را به ایالات متحده تحویل دهد، اما او اشاره‌ای به این پیام خاص نکرده است.

با این حال، فرستاده کره جنوبی به نقل از رهبر کره شمالی گفت که او امیدوار است به طور کامل خلع سلاح هسته‌ای را به پیش ببرد و روابط خصمانه میان کشورش با ایالات متحده تا ژانویه سال ۲۰۲۱ یعنی پیش از پایان دوران ریاست جمهوری ترامپ به پایان برسد.

کیم در این دیدار خواستار اعلام پایان جنگ دو کره شده و گفته است که اعلام رسمی پایان جنگ کره هیچ ارتباطی با حضور نیروهای آمریکایی مستقر در کره جنوبی ندارد.

تشکر ویژه ترامپ از رهبر کره شمالی



رئیس جمهوری آمریکا با نقل قولی از رهبر کره شمالی در خصوص «باور غیرقابل خدشه‌اش» به ترامپ، از او به‌طور ویژه تشکر کرد.

به گزارش مشرق، رئیس جمهوری آمریکا در پیامی توثیقی از تعریف و تمجیدهای رهبر کره شمالی ابراز خوشحالی کرد.

خلع سلاح کره شمالی مفت انجام نمی‌شود

ترامپ در پیام توئیتری خود با نقل قولی از رهبر کره شمالی درباره اینکه «باور غیرقابل خدشه‌ای به رئیس جمهوری ترامپ داریم» از کیم جونگ اون تشکر کرد.



Donald J. Trump ✓
@realDonaldTrump

Following



Kim Jong Un of North Korea proclaims
"unwavering faith in President Trump." Thank
you to Chairman Kim. We will get it done
together!

3:28 PM - 6 Sep 2018

در این پیام توئیتری آمده است:

کیم جونگ اون [رهبر] کره شمالی از «باور غیرقابل‌خدشه به رئیس جمهوری ترامپ» سخن گفته است. رئیس کیم از تو متشکرم. ما با یکدیگر این کار را انجام می‌دهیم.»

منبع: تسنیم

بلوف کره‌شمالی به ترامپ در مذاکرات چه بود؟



شواهد حاکی از آن است که کره شمالی از مذاکره با رئیس جمهوری آمریکا برای پیشبرد اهداف مورد نظر خود استفاده کرده است.

به گزارش مشرق، دو ماه قبل **دونالد ترامپ**، نشست تاریخی را با **رهبر کره شمالی** برگزار کرد. برای ترامپ هدف کلیدی از این نشست متعهد ساختن کره شمالی به "**خلع سلاح**" بود؛ عبارتی که از دید **ترامپ** به معنی تسلیم یکجانبه تسلیحات هسته‌ای کره شمالی بود. از طرف دیگر برای رهبر کره شمالی هدف از این نشست فشردن دست ترامپ به عنوان رهبر یک کشور هسته‌ای در موضعی برابر بود. هدف دیگر تلاش برای رهایی از "فشار حداکثری" آمریکا با نشان دادن این مسئله به چین و روسیه بود که کیم جونگ اون در مذاکره با آمریکا حسن نیت خود را نشان داده است.

این درحالی است که رهبر کره شمالی هرگز قصدی برای تسلیم یکجانبه تسلیحات هسته‌ای خود نداشته؛ تسلیحاتی که به گفته کیم جونگ اون "شمشیر ارزشمند عدالت" کره شمالی است و او هرگز متعهد به انجام این کار نبوده است.

60 روز بعد از نشست سنگاپور، اوضاع برای کیم به خوبی پیش می‌رود. هرچند ترامپ از تکرار این ادعا که تهدید هسته‌ای کره شمالی را حل و فصل کرده ناامید شده، همانطور که بسیاری پیش‌بینی کرده‌اند، کره شمالی به توسعه زرادخانه‌های هسته‌ای و بالستیک خود ادامه می‌دهد و در این بازی دیپلماتیک بسیار باهوش عمل کرد. پیونگ یانگ طبق برنامه مورد نظر خود زمان زیادی را تلف کرد، درحالی‌که گام‌هایی عمدتاً نمادین در برنامه هسته‌ای خود، مانند تخریب یک سایت آزمایش هسته‌ای و تاسیسات آزمایش موتور موشک برداشت. این اقدام درحالی انجام شد که برای تولید انبوه موشک‌های بالستیک و هسته‌ای به هیچ یک از این دو سایت نیازی نیست.

این اقدامات تنها زمان لازم را در اختیار کره شمالی قرار داد تا ترامپ را در فضای مذاکرات نگه داشته و از سوی دیگر پکن و مسکو (در نتیجه کاهش تحریم‌های آمریکا) امکان تامین انرژی و کالاهای تجاری را به پیونگ یانگ داشته باشند.

منبع: تسنیم

رهبر کره شمالی: توپ در زمین آمریکاست

رهبر کره شمالی در گفتگو با نماینده روسیه در مراسم تاسیس کره شمالی اعلام کرده که اقدامی یکجانبه از سوی کشورش برای خلع سلاح صورت نخواهد گرفت.

به گزارش مشرق به نقل از رویترز، ریانووستی گزارش داد یک مقام ارشد روسیه که در روزهای گذشته با **رهبر کره شمالی** دیدار کرده به نقل از **کیم جونگ اون** گفت که او هیچ برنامه‌ای برای گام‌های یکجانبه به سمت **خلع سلاح** نداشته و در عوض منتظر واکنش آمریکا به گام‌هایی است که او تا کنون برداشته است. به گفته رهبر کره شمالی اکنون توپ در زمین آمریکا افتاده است.

والنتینا ماتوینکو، رئیس سنای روسیه که روز شنبه با رهبر کره شمالی دیدار کرد گفت که کیم جونگ اون در مورد اظهاراتش درباره رئیس جمهوری آمریکا رفتاری مودبانه و دیپلماتیک داشته است. ماتوینکو همچنین گفت که رهبر کره شمالی امیدوار به حمایت روسیه از تضعیف تحریم‌های آمریکا علیه کره شمالی است.

"والنتینا ماتوینکو" رئیس شورای فدراسیون (سنای) روسیه در پایان ملاقات روز شنبه خود با "کیم جونگ اون" رهبر کره شمالی اعلام کرد که وی پیام کتبی "ولادیمیر پوتین" رئیس جمهوری روسیه را به وی تقدیم کرده و کیم در پاسخ اعلام نمود که آمادگی و تمایل زیادی برای انجام یک سفر رسمی به روسیه دارد.

به گفته وی، رهبر کره شمالی مایل نیست که این دیدار به تاخیر بیفتد و از هم اکنون دستور داده تا روند فراهم سازی مقدمات آن و دستیابی به توافق درباره زمان و مکان آن، از طریق کانال‌های دیپلماتیک آغاز شود.

منبع: تسنیم

واکنش ترامپ به رژه کره شمالی بدون موشک هسته‌ای



رئیس جمهوری آمریکا به مراسم سالگرد تاسیس کره شمالی در پیامی توییتری واکنش نشان داد.
به گزارش مشرق، دونالد ترامپ به مراسم سالگرد تاسیس کره شمالی که امروز برگزار شد واکنش نشان داد.
رئیس جمهوری آمریکا در توییتری نوشت: **"کره شمالی رژه هفتادمین سالگرد تاسیس خود را بدون نمایش همیشگی موشکهای هسته‌ای برگزار کرد. محتوای (این رژه) توسعه اقتصادی و صلح بود. کارشناسان معتقدند کره**
این بیانیهای بزرگ و بسیار مثبت از طرف کره شمالی است. رئیس کیم متشکرم. ما هر دو ثابت خواهیم کرد که همه اشتباه می‌کنند. هیچ چیزی مثل مذاکره خوب بین دو نفر نیست که یکدیگر را دوست دارند! بسیار بیشتر از زمانی که وارد کاخ سفید شوم."

کره شمالی امروز به مناسبت هفتادمین سالگرد تاسیس خود یک رژه نظامی عظیم برگزار کرد. نکته جالب در این مراسم عدم نمایش موشکهای پیشرفته این کشور و تمرکز رژه بر تلاش به منظور ساخت اقتصاد داخلی بود.

کیم در مراسم رژه حضور داشت اما برای جمعیت حاضر سخنرانی نکرد. در بین افراد حاضر در این مراسم می‌توان به رئیس پارلمان چین و والنتینا ماتوینکو، رئیس شورای فدراسیون روسیه اشاره کرد که روز جمعه وارد پایتخت کره شمالی شد. نفر سوم حزب حاکم چین نیز در این مراسم حضور داشت. قرار بود شی جین پینگ رئیس جمهور چین به کره شمالی بیاید که هفته پیش این سفر لغو شد.

منبع: تسنیم

بررسی برجام ترکی

افت 93 درصدی ارزش لیر ترکیه در برابر دلار

بررسی نرخ ارز در بازار ترکیه نشان می دهد، لیر ترکیه در برابر دلار آمریکا، بیش از 93 درصد ارز خود را طی دوازده ماه گذشته از دست داده است.

نرخ دلار در بازار امروز معاملات ارزی ترکیه 6.58 لیر خرید و فروش می شود که این نرخ در مدت مشابه سال گذشته میلادی (اوایل سپتامبر 2017) 3.41 لیر خرید و فروش می شد.

ارزش لیر در برابر اکثر ارزهای خارجی کاهش یافته، به طوری که این واحد پولی طی یک سال اخیر در برابر یورو نیز 87 درصد ارزش خود را از دست داده است.

آمار مندرج در نشریات این کشور نشان می دهد، قیمت یورو در اوایل سپتامبر سال گذشته 4.09 لیر معامله می شد و امروز این میزان به رقم 7.65 لیر رسیده است.



به ادعای مقامات آنکارا، افزایش قیمت ارزهای خارجی و افت شدید لیر پس از انتخابات اخیر ریاست جمهوری و مجلس این کشور، دسیسه ای از سوی غرب به ویژه آمریکا علیه ترکیه است اما بسیاری از کارشناسان سیاسی - اقتصادی ترک، افزایش نرخ ارز را ناشی از سیاست های اشتباه حزب حاکم طی سالیان گذشته می دانند و به باور آنها افزایش نیافتن نرخ ارز پیش از انتخابات به دلیل کنترل شدید دولت بود تا از انتخابات به سلامت خارج شود.

آمار و ارقام نرخ ارزهای خارجی در تابلوهای صرافی ها طی دو ماه اخیر نیز نشان می دهد که رشد قیمتی انواع ارز در بازار معاملات ترکیه پس از انتخابات تشدید شده و با بروز تنش در روابط میان آنکارا و واشنگتن بر سر محکومیت حبس خانگی کشیش برونسون آمریکایی در شهر ازمیر به اوج رسید.

بررسي برجام روسيه

بررسی برجام هر کشور

راهکار چین برای پشتیبانی یوان در مقابل تنش‌های جدید

رویتز نوشت: تجار بین‌المللی روز سه‌شنبه اعلام کردند، بانک‌های دولتی فراساحلی چین سوآپ دلار در مقابل یوان را از چند روز پیش شروع کرده‌اند. این اقدام بانک‌های چینی در جهت تقویت یوان برای مقابله با تنش احتمالی بر سر جنگ تعرفه ای آمریکا-چین که می‌تواند بازار را تحت الشعاع خود قرار دهد، اتخاذ شده است. احتمالاً در روز پنجشنبه دولت آمریکا طرح پیشنهادی برای اعمال تعرفه‌های جدید بر روی کالاهای چینی را اعلام کند و بعد از آن دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند برنامه اعمال تعرفه ۲۰۰ میلیارد دلاری را بر روی بیشتر کالاهای وارداتی چینی دنبال کند؛ اما سرعت اجرای آن نامشخص است.

به گفته یکی از تجار، سوآپ دلار توسط بانک‌های دولتی چینی از روز جمعه شروع شده است. همچنین به گفته برخی دیگر، این یک اقدام تدافعی برای محدود کردن نقدینگی و افزایش هزینه سلف‌فروشی یوان در خارج از مرزهای چین با توجه به اعلام برنامه آمریکا در روز پنج‌شنبه علیه کالاهای وارداتی چینی است. تحلیل‌گران اقتصادی بر این باور هستند که بانک مرکزی چین باید به زودی تصمیم بگیرد که آیا برای پشتیبانی یوان در مقابل برنامه تعرفه ای آمریکا دخالت داشته باشد یا خیر. بعد از کاهش ارزش یوان در مقابل دلار برای چهار ماه متوالی، بانک مرکزی چین اعلام کرد که نسبت به کاهش بیشتر یوان ناخرسند است و مدیریت کرده که ارزش آن را ثابت نگه دارد. به نقل از اینها، همچنین بانک‌های بزرگ چین در داخل خاک این کشور هم از اواسط ژوئن اقدام به سوآپ یوان در برابر دلار کرده‌اند تا ارزش یوان عرضه شده در چین را در مقابل دلار با افزایش محسوسی روبه‌رو کنند.

بررسی روابط خارجی

اقدام عمران خان به حراج ماشینهای لوکس نخست وزیری

ایسنا : نخست وزیر جدید پاکستان در اقدامی عجیب ۱۷ سپتامبر خودروهای سوپر لوکس دفتر نخست وزیری را به حراج می‌گذارد. از خودروهای لوکس نخست وزیری می‌توان به هشت بی‌امو از جمله سه مدل ۲۰۱۴ و سه مدل اس‌یو وی و دو مدل اس‌یو وی ۲۰۱۶ و همچنین چهار خودروی مرسدس بنز ۲۰۱۶ که دو دستگاه آن ضد گلوله است، اشاره کرد.

«عارف علوی» رئیس جمهور پاکستان شد

پس از بروز اختلاف میان احزاب اپوزیسیون، تحریک انصاف بازهم توانست در انتخابات پیروز شود و این بار رئیس جمهور پاکستان را مشخص کند. به گزارش تسنیم، سرانجام نمایندگان پارلمان های ملی و ایالتی و همچنین سنای پاکستان رئیس جمهور این کشور را به مدت 5 سال انتخاب کردند. گزارش ها حاکی است «عارف علوی» نامزد مورد حمایت تحریک انصاف با کسب 212 رای توانست از رقبای خود پیشی گرفته و بر کرسی ریاست جمهوری تکیه بزند.

همچنین فضل الرحمن نامزد مورد حمایت حزب نواز و برخی دیگر از احزاب اپوزیسیون 131 رای را به خود اختصاص داد.

«اعتزاز احسن» نامزد حزب مردم نیز با کسب 81 رای در جایگاه بعدی قرار گرفت. گفتنی است بروز اختلاف میان احزاب اپوزیسیون کار را برای حزب تحریک انصاف آسان تر ساخت و عارف علوی را به کرسی ریاست جمهوری نزدیکتر کرد.



این در حالی است که عارف علوی با پیش بینی پیروزی خود در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده بود: من رئیس جمهور ساکت و ضعیفی نخواهم بود. وی 13 امین رئیس جمهور تاریخ پاکستان است و می تواند از موقعیت مناسبی که تحریک انصاف برای او به وجود آورده است برای پیشرفت کشور استفاده نماید. طبق قانون اساسی پاکستان رئیس جمهور بالاترین پست سیاسی به حساب می آید و حداکثر 5 سال بر مسند امور قرار خواهد داشت.

استقبال سرد و معنادار دولت جدید پاکستان از وزیر خارجه آمریکا/ پامپئو با عمران خان دیدار کرد

در حالی که وزیر خارجه آمریکا با هیاهوی رسانه‌ای وارد اسلام‌آباد شده است هیچ کدام از مسئولین مهم وزارت خارجه پاکستان به استقبال او نرفتند.



به گزارش دفتر منطقه‌ای خبرگزاری تسنیم به نقل از جنگ نیوز، «مایک پامپئو» وزیر خارجه آمریکا درحالی وارد پاکستان شد که برای استقبال از وی وزیر خارجه یا معاونان او در فرودگاه حضور پیدا نکردند.

این حرکت معنادار دولت جدید پاکستان مورد توجه ویژه‌های رسانه‌های خبری این کشور و دیگر رسانه‌های جهان قرار گرفت.

در ادامه مایک پامپئو با حضور در ساختمان وزارت خارجه پاکستان با «شاه محمود قریشی» دیدار و در مورد مسائل مهم منطقه‌ای گفتگو کرد.

وزیر امور خارجه پاکستان در این دیدار تصریح کرد: منافع ملت پاکستان را با هیچ چیز عوض نخواهیم کرد.

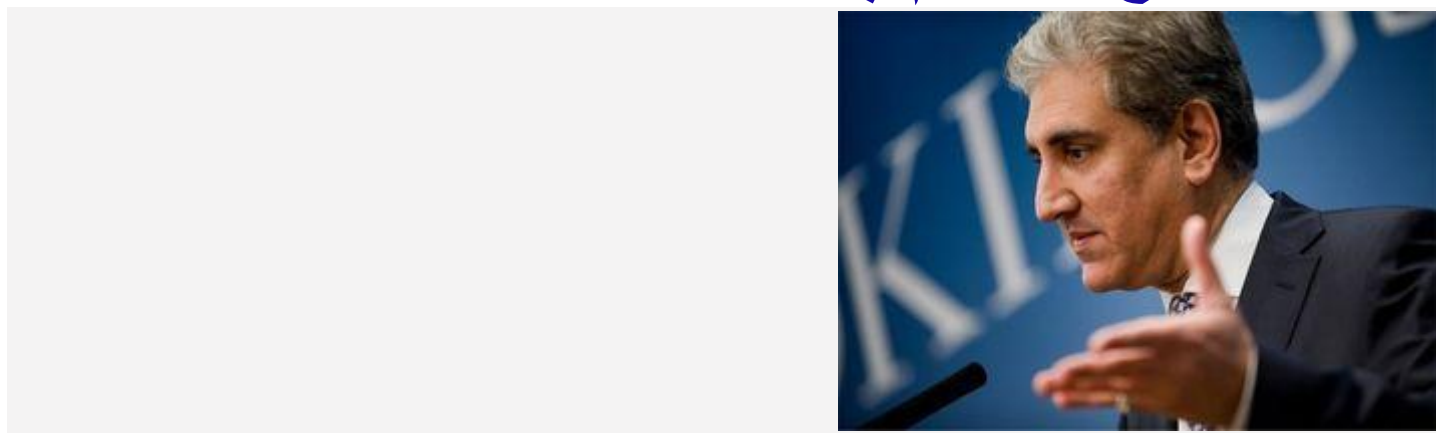
وی خطاب به وزیر امور خارجه آمریکا گفت: تلاش دولت جدید پاکستان این است که زندگی مردم پاکستان را در سطح جهان ارتقا ببخشد.

در ادامه وزیر خارجه آمریکا به دیدار «عمران‌خان» نخست وزیر پاکستان رفت و در مورد موضوعات مهمی چون امنیت در منطقه و صلح در افغانستان با وی به‌گفتگو نشست.

گفتنی است وزیر خارجه آمریکا با «ژنرال قمر جاوید باجوا» فرمانده ستاد ارتش پاکستان نیز دیدار و گفتگو خواهد کرد.

سفر وزیر خارجه آمریکا به پاکستان در حالی صورت می‌گیرد که رسانه‌های این کشور حسن نیت او را زیر سؤال برده و بدبینی خود را نسبت به حکام کاخ سفید اعلام کرده بودند.

مواضع محکم پاکستان در مقابل آمریکا



وزیر خارجه پاکستان که روز گذشته میزبان همتای آمریکایی خود بود اعلام کرد: ما تمام آنچه نیاز بود را به مسئولین آمریکایی گوشزد کردیم.

به گزارش مشرق به نقل از ای آر وی نیوز، «شاه محمود قریشی» وزیر خارجه پاکستان پس از پایان سفر یک روزه «مایک پامپئو» وزیر خارجه آمریکا به کشورش گفت: ما تمام آنچه نیاز بود را به سران آمریکا اعلام کردیم.

وی تصریح کرد: آنها باید بدانند که ما نیز مانند آنها تلاش می‌کنیم با تروریسم مبارزه کنیم، البته تنش‌های موجود پس از سفر مایک پامپئو کمتر شده است ولی انکار نمی‌کنیم که ممکن است در آینده نیز روابط ما با آنها با چالش مواجه شود.

بیشتر بخوانید:

رئیس‌جمهور جدید پاکستان کیست؟

شاه محمود قریشی با اشاره به امتناع آمریکا از پرداخت بدهی خود به پاکستان گفت: از قبل مشخص شده بود که در این رابطه با وزیر خارجه آمریکا صحبتی نشود، البته آنها باید بدانند که ما نیازی به پول‌های آنان نداریم.

وزیر خارجه پاکستان اظهار داشت: یکی از تاکیدات جدی ما به پامپئو این بود که کشورش دست از اتهام زنی بی‌اساس بردارد زیرا این اتهام زنی‌ها کار را به جایی نخواهد رساند.

وی افزود: ما به حکام آمریکایی گفته ایم که اگر در خصوص افغانستان از ما کمک می‌خواهند باید برای مدیریت مرزهای شرقی ما که با هند است از طریق دولت دهلی‌نو با ما همکاری کنند.

عضو ارشد حزب تحریک انصاف اضافه کرد: متأسفانه هند دائماً به سوی مرزهای پاکستان تجاوز می‌کند و با شلیک گاه و بیگاه باعث مرگ مرزنشینان پاکستانی میشود، ما این مشکل را در وزارت خارجه بررسی کرده و راه حل مناسبی برای آن در نظر می‌گیریم.

وی در پاسخ به سوال یک خبرنگار آمریکایی که سازمان‌های اطلاعاتی پاکستان را طراح سیاست‌های خارجه این کشور عنوان کرده بود، گفت: سیاست‌های خارجه پاکستان در وزارت خارجه شکل می‌گیرد ولی من انکار نمی‌کنم که از مشاوره سازمان‌های اطلاعاتی خود استفاده می‌کنیم، آیا وزارت خارجه شما از مشاوره سی‌ای‌ای و پنتاگون استفاده نمی‌کند؟ هدف اصلی ما پیشرفت پاکستان است نه منافع شخصی.

گفتنی است روابط میان پاکستان و آمریکا از زمان روی کار آمدن ترامپ با چالش‌های جدی مواجه شده است و کاخ سفید علی‌رغم ادعاهای بسیار نتوانسته سیاست مناسبی در خصوص منطقه جنوب آسیا در پیش بگیرد.

منبع: تسنیم

یک روزنامه اسپانیایی عنوان کرد:

احتمال برکناری محمد بن سلمان با تشدید اختلافات با ملک سلمان!

چندی پیش بود که رسانه‌های عربی از بروز اختلاف میان ملک سلمان پادشاه عربستان و محمد بن سلمان ولیعهد سعودی (پسر ملک سلمان) بر سر مسائل مختلف و به ویژه سیاست‌های جاه طلبانه منطقه‌ای و بین‌المللی بن سلمان خبر دادند.

چندی پیش بود که رسانه‌های عربی از بروز اختلاف میان ملک سلمان پادشاه عربستان و محمد بن سلمان ولیعهد سعودی (پسر ملک سلمان) بر سر مسائل مختلف و به ویژه سیاست‌های جاه طلبانه منطقه‌ای و بین‌المللی بن سلمان خبر دادند.

به گزارش تابناک، روزنامه «پابلیکو» اسپانیا از پر رنک شدن اختلافات بین پادشاه سعودی و ولیعهد جوان و جاه طلب خبر داده است. به گفته این روزنامه اختلافات بین پادشاه و پسرش ناشی از تفاوت در رویکرد آنها به موضوعات مختلف ملی و بین‌المللی است.

یکی از بزرگترین اختلافات میان آنها، اختلاف نظر آنها در مورد مسئله اسرائیل و فلسطین است. شاهزاده به اسرائیل نزدیک شده است اما در ماه ژوئیه، پادشاه به طور رسمی از فلسطینی‌ها دفاع کرد و باعث ایجاد اختلاف بین آنها شد.

در اوایل این هفته هم، پادشاه فروش پنج درصد از سهام شرکت آرامکو، شرکت دولتی نفتی که برای اقتصاد عربستان سعودی بسیار مهم است را لغو کرد. فروش سهام آرامکو اوج جاه طلبی برنامه چشم انداز 2030 است که توسط محمد بن سلمان نگارش شده است. برنامه او این بود که وابستگی اقتصادی به نفت را کمتر کند و اقتصاد رقابتی را برای جایگزین آن کند. لغو فروش سهام شرکت آرامکو توسط ملک سلمان، یک مانع بزرگ برای پروژه بن سلمان جهت رسیدن به پادشاهی سعودی می‌تواند قلمداد شود.

از سوی دیگر، شاهزاده سعودی نیز انتقاد بازیگران بین‌المللی را به خود جلب کرد. اقدام او در جنگ علیه یمن، که تا کنون منجر به کشته شدن بیش از 10,000 نفر از مردم این کشور شده است، انتقاد شدید جامعه بین‌المللی را به دنبال داشته است.



در واقع، فقط هفته گذشته، حملات هوایی عربستان در این کشور حداقل 40 کودک را از بین برد که سازمان ملل متحد از آن به عنوان جنایت جنگی یاد کرده است. با این حال، شاهزاده به نظر می‌رسد مصمم به ادامه جنگ در یمن باشد.

در ماه اوت، بن سلمان عربستان را به سوی نبرد دیپلماتیک با کانادا به خاطر انتقاد کانادا از زندانی کردن فعالان فمینیستی در عربستان هدایت کرد. انتقاد دیپلمات کانادایی موجب شد ولیعهد روابط خود با کانادا را متوقف کند که در ادامه شاهد خروج هزاران دانشجوی عربستان سعودی در دانشگاه‌های کانادا بودیم.

همه این اقدامات بن سلمان باعث شده است که اختلافات پادشاه سلمان و ولیعهدش گسترش پیدا کند و برکناری بن سلمان از قدرت قوت گیرد.

ملک سلمان بن عبدالعزيز پادشاه سعودی اداره پرونده روابط عربستان با نظام‌های پادشاهی عربی به ویژه اردن، مغرب و عمان را از اختیار پسرش محمد بن سلمان ولیعهد سعودی خارج کرده است. دلیل این اقدام نگرانی ناشی از وخامت روابط عربستان با کشورهای مزبور به دلیل سیاست‌های بن سلمان عنوان می‌شود.

بنابر اعلام منابع مذکور، اقدام ولیعهد سعودی در راه‌اندازی ارتش الکترونیکی با هزاران نیرو به منظور حمله به کشورهای عربی که به سیاست‌های عربستان پایبند نیستند و انتقاد از چهره‌های سرشناس این کشورها یکی از عوامل اصلی تنش روابط با آنان است، به علاوه اینکه بن سلمان از سلاح کمک‌های مالی به عنوان اهرم فشار بر این کشورها استفاده می‌کند.

بررسی انحراف در حکومت

چهار به یک با علی مطهری/ تعریف «اینجا»یی تلویزیون!

چکیده: آن گاه نه مجری اول با لبخندهای ملیح، نه مجری دوم منتقد اشرافیت، که روزنامه‌نگار اصول‌گرای پشت خط و نه دوستانی که پیامک می‌فرستادند که سهل است ۳۶ نفر دیگر هم اگر اضافه می‌شدند و به جای چهار نفر به چهل نفر می‌رسیدند در برابر این استدلال چه پاسخی داشتند؟

نایب رئیس مجلس را به یک برنامه که «آنتن زنده» معرفی شد دعوت کردند اما وقتی از استودیو رفت تازه مجری دوم به نقد سخنان او و قرائت چند پیامک طعنه آمیز پرداخت!

به گزارش عصر ایران، تماشای تلویزیون در روزگار ما وقت و حوصله می‌خواهد که غالباً هم برای آدم‌هایی چون ما به دست نمی‌آید. این فقره البته به برنامه‌های سیاسی و جهت‌دار تلویزیون رسمی ایران - و در عالم واقع ارگان دیداری جبهه پایداری - که می‌رسد علاوه بر وقت و حوصله، «تحمل» هم می‌خواهد.

با این حال و به اقتضای فعالیت رسانه‌ای و ضرورت دیده‌بانی و پی‌گیری خبرها به قصد تحلیل رخدادها با مشاهده «علی مطهری» نماینده صریح‌اللهجه تهران و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در قاب سیما، پای برنامه «اینجا» از شبکه چهار نشستم. شبکه‌ای که به طعنه گفته می‌شود گاه شمار بینندگان برخی از برنامه‌های آن از دست اندرکاران تهیه و پخش آن کمتر است و البته گستره مخاطبان خاص هم دارد و قرار هم نیست همه مردم در پایان یک روز کاری وقت خود را شبانگاهان با برنامه‌های عبوس و جدی سپری کنند.

حضور علی مطهری صریح‌اللهجه که هر چند هنوز اصول‌گراست اما کلیشه‌های معمول را تکرار نمی‌کند فرصت مغتنمی بود اگر چه در ابتدا تصور می‌شد که متناسب با فضای فرهنگی شبکه چهار گفت و گو با او بیشتر فرهنگی و احتمالاً درباره آرای شهید مطهری پیرامون موضوعی خاص خواهد بود اما دست بر قضا کاملاً سیاسی بود و در واقع درباره این شایبه یا شایعه یا اتهام که برخی از نمایندگان مجلس با امضای استیضاح و پس گرفتن امضا از وزرا باج می‌گیرند و بده بستان اقتصادی و سیاسی دارند.

آقای مطهری البته این ادعا را قابل اثبات و فراگیر ندانست و گفت: هر پس گرفتن امضا به منزله انجام زد و بند نیست ضمن این که هر توافقی هم به معنی استفاده شخصی نیست و چه بسا نماینده‌ای از طرق دیگر در جذب امکان یا انجام کاری عمرانی در منطقه و حوزه انتخابیه خود ناکام مانده و به استیضاح روی آورده و وقتی اطمینان حاصل کرده که آن اتفاق به نفع منطقه او رخ خواهد داد و قول مساعد شنیده از استیضاح انصراف داده است.

شخصاً توضیح او را کاملاً نپسندیدم زیرا دلیلی وجود نداشت که بخواهد از عملکرد همه دفاع کند و با نگاه اصلاح‌طلبانه می‌توانست بگوید وقتی فعالیت احزاب را محدود می‌کنیم و نظارت استصوابی مجال حضور و رقابت افراد معتبرتر را تنگ می‌کند از این دست اتفاقات هم می‌افتد و به جای این که در جایگاه مدافع یا نماینده متهم بنشیند خود مدعی می‌شد و نظارت استصوابی یا دست کم حداکثری شدن آن را به این بهانه نقد می‌کرد ولی به جای آن درصدد توجیه و توضیح و تقلیل موضوع برآمد و بیش از آن که علی مطهری باشد که به صورت مفرد موضع می‌گرفت خود را در جایگاه منتخب نمایندگان در جایگاه نیابت ریاست می‌دید.

با این حال انگیزه این نوشتار امر دیگری و این است که هر چند مجری اصرار داشت برنامه به صورت زنده پخش می‌شود و خود آقای مطهری هم از حضور در «آنتن زنده» پس از ماه‌ها ابراز تعجب کرد و اگر اعلام ساعت ۱۸:۴۵ در ساعت ۱۹:۵۵ شامگاه دوشنبه را به حساب اشتباه لفظی مجری یا احتمال بازپخش برنامه‌ای که قبلاً زنده پخش شده بود بگذاریم چیدمان صحنه اما «چهار به یک» بود و نه یک مجری در برابر پرسش شونده.

اما چرا چهار به یک و آن چهار چه کسانی بودند؟

نفر اول: خود آقای مجری با لبخندهای ملیح که علی مطهری نماینده تهران و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و فرزند ایدیولوگ شهید جمهوری اسلامی را تنها با عنوان «عضو هیأت رئیسه مجلس» معرفی می‌کرد و اگر اعلام نادرست ساعت را به حساب احتمال بازپخش بگذاریم اشاره به مجلس یازدهم هنوز تشکیل نشده را نمی‌دانیم به چه حسابی باید گذاشت.

دومی فردی که به عنوان روزنامه‌نگار و احتمالاً همکار رسانه‌ای ما پشت خط تلفن سؤالات مفصلی مطرح کرد که هر چند مجال پاسخ گویی به میهمان داده شد اما در نهایت باز خود او بود که جمع بندی کرد و یک لحظه یادآور مناظره‌های سال ۸۸ و شیوه آقای پورحسین در توزیع وقت بود!

سوم: وقتی مطهری رفت و خداحافظی کرد و از استودیو خارج شد و بیننده طبعاً تصور می‌کرد که برنامه تمام شده ناگاه نوبت به نطق غرّای مجری دوم درباب اشرافیت سیاسی، اشرافیت اقتصادی و اشرافیت

فرهنگی و طعنه به علی مطهری رسید که استدلال ایشان که نمایندگان انصراف دهنده زد و بند شخصی ندارند و برای منافع منطقه خود احتمالا توافق می‌کنند پذیرفتنی نیست چون نگاه آنان باید ملی باشد. جدای درستی یا نادرستی این گزاره همین که مجری دوم در حضور میهمان صم بکم نشسته و نظاره می‌کرد و تا او رفت به نقد او پرداخت پدیده جالب و نوظهوری بود!

چهارمی اما که بود؟ مجری اول از مجری دوم و در غیاب علی مطهری - دقت کنید وقتی با او خداحافظی کردند و از استودیو خارج شد- خواست چند پیامک را بخواند و دست بر قضا مضامین چند پیامک هم با دیدگاه های مجری اول و دوم عینا هم سو بود.

خاصه آن پیامک که از علی مطهری می‌خواست همان گونه که پی گیر «حصر» است پی گیر اجرای قانون در افزایش حقوق کارمندان هم باشد. پیامکی که نوع نگاه پیام های تلفنی در یک روزنامه خاص در دوران اصلاحات را به یاد می‌آورد که مثلا طرف از یک بخش یا دهستان درباره نصب تیر چراغ برق و تأمین روشنایی پیام گذاشته بود و در آخر با این جمله مواجه می‌شدی: این بود اصلاحات؟! تا نگاه سیاسی و حقوق بشری را با توجه به زندگی مردم مغایر ببیند.

با احتساب دو مجری و یک سؤال کننده هم سو در پشت خط و احتمالا در استودیو بغلی! می‌توان پیامک های هم سو را طرف چهارم دانست و اینها البته شاید برنامه ریزی شده هم نباشد اما این حس به هر حال به دست می‌داد.

با این همه از تلویزیون انحصاری ایران که در بهترین حالت افکار ۲۵ درصد مردم را به لحاظ گرایش سیاسی نمایندگی می‌کند توقع افزون تری نیست اما از نماینده‌ای که ۱۰ سال است در سطح اول سیاسی فعالیت می‌کند و بارها مورد اعتماد مردم قرار گرفته و مثل خیلی از عافیت‌اندیشان و منفعت‌طلبان، زبان در کام نمی‌گیرد و از ارتباطات و انتسابات خانوادگی به سود مردم بهره می‌برد انتظار می‌رود با هوشمندی بیشتری در این گونه برنامه ها حاضر شود.

مثلا به جای این که بخواهد رفتار برخی نمایندگان را توجیه کند بگوید اگر ما می‌گوییم نظارت استصوابی یا اجرای حداکثری آن سطح مجلس را پایین آورده و از نگاه ملی به محلی و خُرد تنزل داده به خاطر همین موارد است که شما مطرح می‌کنید و نمی‌توان افراد موجه را به بهانه های گوناگون حذف کرد و از افراد دست چندم انتظار رفتارهای متفاوتی داشت.

یا صریح و روشن در آتن زنده بگوید انتخابات آزاد و با مشارکت احزاب برگزار کنید و بگذارید چهره‌های درجه اول و شناخته شده کاندیدا شوند تا شاهد این گونه صحنه‌ها نباشید.

آن گاه نه مجری اول با لبخندهای ملیح، نه مجری دوم منتقد اشرافیت، که روزنامه‌نگار اصول‌گرای پشت خط و نه دوستانی که پیامک می‌فرستادند که سهل است ۳۶ نفر دیگر هم اگر اضافه می‌شدند و به جای چهار نفر به چهل نفر می‌رسیدند در برابر این استدلال چه پاسخی داشتند؟

«روحانی به مجلس رفت، پس کی نوبت آن دیگری می‌شود؟»

چکیده: با این حساب چه امیدی می‌توان به چنین مجلسی داشت، خبرگان رهبری که به جای آنکه به وظایف رهبری و چگونگی انجام آن ها نظارت کند منویات رهبری را اجرا میکند. این مجلس از حسن روحانی می‌خواهد که بیاید و گزارش عملکردش را بدهد، در حالیکه حسن روحانی طبق قانون به مجلس شورای اسلامی می‌رود و بهتر آن است که مجلس خبرگان از رهبری دعوت کند تا بیاید و یک بار در جلسه علنی به مردم و خبرگان رهبری بگوید که چه می‌کند؟ نهادهای زیر دستش در چه حالی هستند؟ سپاه چه می‌کند؟ آستان قدس چه می‌کند؟ صدا و سیما در چه وضعیتی قرار دارد؟ و او به عنوان رهبری که در ریز تمام امور دخالت می‌کند یک بار پاسخ دهد که ۳۰ سال چه کرده است؟

کلمه - گروه خبر: صبح امروز، حسن روحانی به مجلس رفت تا به سوالات نمایندگان مجلس پاسخ دهد. سوالاتی که پیرامون مسائل اقتصادی کشور مطرح شده بود، و البته پاسخ های حسن روحانی نیز در پاسخ به این سوال ها قانع کننده نبود.

در مورد اظهارات حسن روحانی حرف زیاد زده شده و بیشتر نقطه نظرات نیز نقد به رفتار امروز روحانی در مجلس بوده است. نقادان حسن روحانی، از یک سو متانت و صبوری او در مجلس را ستودند و راضی بودند از اینکه رئیس جمهور وارد جدل و دعوا با بعضی نمایندگان تندروی مجلس نشده و از سوی دیگر، به او نقد داشتند که چرا از این فرصت استفاده نکرده تا حقایقی را بیان کند.

حقایقی در خصوص عملکرد نهادهای انتصابی، عملکرد موسسات مالی، نهادهای زیر نظر رهبری، کارشکنی‌های صورت گرفته، مذاکره با ترامپ و ... و تا حدودی چون هفته ی آخر انتخابات عمل کند.

اما حسن روحانی اینگونه عمل نکرد، و باوجود توقعات ایجاد شده و انتظاراتی که می‌رفت، خصوصا با توجه به اظهارات دولتی‌ها در خصوص اینکه رئیس جمهور ناگفته های خویش را بیان خواهد کرد، روحانی بیشتر از در نصیحت و دعوت به اتحاد و همدلی وارد شد، کلیاتی مطرح کرد و نقدها را نیز نپذیرفت.

روحانی چون این چندماه اخیر کلی گویی کرد، بیشتر فضای اقتصادی سال گذشته را ترسیم کرد، در خصوص سیاست‌های ارزی اشتباهات دولت را نپذیرفت، چشمش بیشتر به کارشکنی های امریکا بود تا

داخلی‌ها و ندانم کاری‌های خود و هیأت دولتش را قبول نداشت.

روحانی همچنین در بخش نخست سخنانش گفت: "امیدوارم که بتوانم نقاط مورد نظر مقام معظم رهبری را که در توصیه‌هایی که نسبت به جلسه امروز به من فرمودند، دقیقاً مراعات کنیم." و با این توضیح به نظر می‌رسد که روحانی باید امروز طبق توافق و یا حتی دستور رهبری رفتار می‌کرده و حتماً قول‌هایی بهش داده بودند تا مجلس ختم به خیر شود که اتفاقاً برعکس آن عمل شد و مجلس گام بعدی را برای به زیر سوال بردن رئیس‌جمهور بر خواهد داشت.

اما پس از روحانی و مجلس شورای اسلامی، سوالی که مطرح می‌شود این است که پس کی نوبت دیگری می‌شود؟ بالاخره چه زمانی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جمهوری اسلامی می‌خواهد پاسخگوی عملکرد خود باشد.

مجلس شورای اسلامی با استفاده از اختیارات قانونی، حالا با هر نیتی، رئیس‌جمهور را به خاطر عملکردش به چالش کشید، پس کی مجلس خبرگان رهبری می‌خواهد از اختیارات خود استفاده کند و از رهبری در خصوص چگونگی انجام وظایفش سوال کند.

روز گذشته احمد خاتمی سخن‌گوی مجلس خبرگان رهبری در مورد نشست اخیر این نهاد می‌گوید: "چرا بلیت هواپیما این‌قدر گران شده؟ و سپس می‌گوید: "برخی نگویند این موضوع ربطی به خبرگان ندارد." و بعد با افتخار مطرح می‌کند: "وظیفه قانونی خبرگان یکی انتخاب رهبر و دیگری مراقبت از رهبر برای اینکه واجد شرایط باقی بماند. اما آیت‌الله خامنه‌ای، برای خبرگان، فراتر از این وظیفه را در نظر داشتند و مطالبه‌گری را هم جزء وظایف قرار دادند و فرمودند که علاوه بر بیانیه، قطع‌نامه صادر کنید." خاتمی همچنین می‌گوید: "دو هفته پیش از رییس‌جمهوری برای سخنرانی در این اجلاس دعوت کردیم، ولی ایشان عذرخواهی کردند و گفتند نمی‌توانند در اجلاس‌یه سخنرانی داشته باشند. ما عذر ایشان را نمی‌دانیم اما این یک فرصت برای رئیس‌جمهور است."

با این حساب چه امیدی می‌توان به چنین مجلسی داشت، خبرگان رهبری که به جای آنکه به وظایف رهبری و چگونگی انجام آن‌ها نظارت کند منویات رهبری را اجرا میکند. این مجلس از حسن روحانی می‌خواهد که بیاید و گزارش عملکردش را بدهد، در حالیکه حسن روحانی طبق قانون به مجلس شورای اسلامی می‌رود و بهتر آن است که مجلس خبرگان از رهبری دعوت کند تا بیاید و یک بار در جلسه علنی به مردم و خبرگان رهبری بگوید که چه می‌کند؟ نهادهای زیر دستش در چه حالی هستند؟ سپاه چه می‌کند؟ آستان قدس چه می‌کند؟ صدا و سیما در چه وضعیتی قرار دارد؟ و او به عنوان رهبری که در ریز تمام امور دخالت می‌کند یک بار پاسخ دهد که ۳۰ سال چه کرده است؟

انتقاد از دوگانگی برخورد و ترجیح مصلحت بر عدالت

تهدید یاران محمود احمدی‌نژاد به انتشار فیلم افشاگرانه/مشایی چه کسی را تهدید کرده است؟

تهدید مشایی نسبت به اینکه چنانچه مانند بقایای دستگیر شود، فیلمی منتشر خواهد شد. این تلقی را پدید می‌آورد که گروه احمدی‌نژاد در ادامه افزایش تنش خود با دستگاه قضایی و نظام یک گام دیگر در تقویت شایعاتی که در گذشته وجود داشته است، برمی‌دارد.

آفتاب‌نیوز :

«براساس ماده 669 قانون مجازات اسلامی، از فصل بیست و دوم هرگاه کسی، دیگری را تهدید به افشاگری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا 74 ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» به گزارش **آفتاب‌نیوز**، این، قطعاً می‌توانست جمله‌ای باشد که احتمالاً بازپرس احتمالی در یک اتاق احتمالی ساختمانی که دیروز اسفندیار رحیم مشایی از آن به داخل رفت می‌توانست به زبان بیاورد و او را عازم اوین کند. اسفندیار رحیم مشایی عضو ارشد تیم احمدی‌نژاد در ادامه تحرک پرجسارت این تیم در ماه گذشته دیروز درحالی برای بار دوم به دیدار بازپرس شعبه چهارم دادسرای فرهنگ و رسانه رفت که قبل از آن با انتشار عمومی یک نوار ویدیویی تهدید کرده بود چنانچه او را بازداشت کنند، مدارکی به صورت فیلم منتشر خواهد شد.



حتی اگر مشایى پشت تلفن و خصوصى چنین تهدیدى را به عمل آورده بود، بازپرس پرونده مى‌توانست و وظیفه داشت او را بازداشت کند و به جرم تهدید بازپرس به زندان بپندازد. چنین نشد!

بازپرس هنگامى که آقای مشایى نوار خود را منتشر و قوه قضائیه را تهدید کرد، مى‌توانست حکم دستگیرى او را فوراً صادر و او را در خانه اش بازداشت کند، زیرا تهدید او قاعدتاً باید تهدید مستقیم امنیت ملی محسوب شود. چنین نشد!

براساس محتوای فیلمى که منتشر شده، مشایى داستانى طولانى از بازپرسى قبلى خود برای حاضرین که گویا احمدى نژاد هم بین آنهاست تعریف مى‌کند و سپس با اشاره به اینکه تا سال 92 خط قرمز احمدى نژاد بوده است، مى‌گوید: «آقا دکتر احمدى نژاد گفته است ایشان خط قرمز است، حال با پرونده آقای بقایى مشخص شد که داستان چیست. من هم نوارى ضبط کرده‌ام و در اینجا هم به شما بگویم هم به مردم عزیز که اگر یک وقت کار من مانند آقای بقایى شد، این نوار منتشر شود. در ابتدای دستگیرى بقایى در سال 94، 59 روز وکیل هم نتوانست به آقای بقایى بگوید سلام چه خبر؟! من در آن نوار پشت صحنه کار را توضیح داده‌ام که در سال 90 مى‌خواستند ما را دستگیر کنند، آقای بقایى مقدمه بود. در این نوار برخی از پشت صحنه‌ها را که مهم است، توضیح دادم. در آن شرایط مهم است که اگر چنین اتفاقى یک روز بیفتد و من هم مانند ایشان بروم و هیچ‌کس از من خبرى نداشته باشد، مردم بدانند اگر از زندان چیزى به نام من، یادداشت من، تصویر و صداى من، بیرون بیاید هیچ اعتبارى ندارد. البته این نوار متعلق به آن زمان مشخص است.»

تهدید مشایى نسبت به اینکه چنانچه مانند بقایى دستگیر شود، فیلمى منتشر خواهد شد. این تلقى را پدید مى‌آورد که گروه احمدى نژاد در ادامه افزایش تنش خود با دستگاه قضایى و نظام یک گام دیگر در تقویت شایعاتى که در گذشته وجود داشته است، برمى دارد. در گذشته شایع شده بود هنگام تصدى ریاست‌جمهورى احمدى نژاد و زمانى که وزیر اطلاعات استعفا داده بود و سرپرستى وزارت اطلاعات در اختیار رئیس‌جمهورى بود، بخشى از مدارک این وزارتخانه در برخى از استان‌هاى مهم به محل نامعلومى انتقال داده شده است. گروه احمدى نژاد همواره طورى رفتار کرده است که تداوم حضورش در عرصه سیاست و حتى حضور خود احمدى نژاد در پست رسمى عضویت مجمع تشخیص مصلحت به علت آن است که نظام از حذف این گروه هراس دارد. تهدید مشایى درباره پر کردن فیلم نیز در همین راستا قابل ارزیابى است.

ارزیابى‌ها چه مى‌گویند؟

براساس آنچه در گذشته از سوى ناظران در ارزیابى رفتار این تیم در عرصه سیاسى ابراز شده بود، گروه احمدى نژاد برای دست و پا کردن جایگاهی در روند سیاسى و به‌دست‌آوردن پایگاهی اجتماعى و گریز از فراموش‌شدگى گهگاه تحرکاتى انجام مى‌داد و غالباً مورد بی‌اعتنائى ناظران بود، اما در حال حاضر این تلقى در حال تغییر است. به زعم ناظران، گروه در حال حاضر به دلایلى خواستار افزایش سطح تنش خود با سیستم است. این دلایل مى‌تواند ناشى از افزایش توجه و یا احساس خطر از جزم شدن عزم نظام در برخورد یا جرائم متعدد این گروه است. به اعتقاد این ناظران، کامیابى‌هاى اخیر نظام در عرصه سیاست خارجى فضای آرام کشور و ثباتى که در حال حاضر در عرصه سیاسى وجود دارد، توجه جامعه از گروه یادشده را به سمت فضای آرام جلب کرده و واکنش طبیعى آن مى‌تواند افزایش تحرکاتى باشد که با سخنرانى‌هاى متعدد احمدى نژاد، نمایش بست‌نشینی در شاه‌عبدالعظیم و تهدید اخیر شکل مى‌گیرد.

انتقاد از دوگانگی برخورد و ترجیح مصلحت بر عدالت

با افزایش تحرکات یادشده و نرمشی که در برخورد با گروه مذکور مشاهده می‌شود، قضاوت‌هایی در سطح جامعه شکل گرفته است. برخی رفتار دستگاه‌های مسئول با این مسئله‌آفرینی را رفتن به استقبال تحرکی آشوبگرانه می‌دانند. به اعتقاد این گروه، حرکت بست‌نشینی اساساً با هدف مسئله‌آفرینی در بخش‌های شلوغ جنوب تهران طراحی شده بود و در یک مورد درگیری بین طرفداران احمدی‌نژاد گروهی که به نظر می‌رسید برای مقابله با آنها به حرم وارد شده بودند، احتمالاً هدف بالا کشیدن شعله درگیری را پی می‌گرفت. برخی انتقادهای نیز به دوگانه بودن برخورد با رفتار آشوب‌طلبانه گروه احمدی‌نژاد و رفتار نرم و بخردانه سران جنبش اصلاح‌طلبانه می‌پرداخت.

حمیدرضا جلایی‌پور، جامعه‌شناس و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران، هم در یادداشتی درباره رفتارهای احمدی‌نژاد نوشت: «در شرایطی که مردم و دولت در ایران مشغول مهار پیامدهای جانکاه زلزله‌زدگان کرمانشاه هستند، بقایای، مشایب و احمدی‌نژاد یک «شوی سیاسی- مذهبی» راه انداخته و در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشستند و سخنان رادیکال علیه مسئولین دو قوه ایراد می‌کنند. اگر بخواهیم با زبان تندروها در دولت موازی این اقدامات آنها را ارزیابی کنیم، می‌توانیم بگوییم اقدامات و سخنان جنجالی این سه نفر در این بست‌نشینی غیرقانونی و «براندازه» است. اما علت موثری که به «احمدی‌نژادیسلم» رونق داد حمایت‌های بی‌دریغ دولت پنهان از او بود (این حمایت‌ها از ۱۳۸۲ که احمدی‌نژاد شهردار شد شروع شد و تا ۱۳۹۰، یعنی دو سال قبل از پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری او ادامه داشت). اینک دولت موازی وضع را به جایی رسانده که احمدی‌نژادیون جسورانه و وقیحانه می‌توانند سران قوای کشور را به سخره بگیرند. در ۱۰ سال گذشته هرچه قلمرو دولت موازی در امور سیاست داخلی و خارجی و اقتصادی قلمروی رسمی جمهوری اسلامی را محدود کرده: هزینه‌های زیادی برای کشور داشته که یکی از آنها ظهور و بروز احمدی‌نژادیون (با شیشکی‌های بلند) در جامعه سیاسی ایران است! با شنیدن سخنان سخیف احمدی‌نژاد در هنگام بست‌نشینی‌اش و در پایان این نوشته به مخاطبان محترم پیشنهاد می‌کنم بیاییم به احترام سیاستمداران اصلاح‌طلبی که نجیبانه تحمل مشقت کردند، ولی ضد قانون عمل نکردند و پاسدار «اصلاح‌طلبی مسئولانه» بودند کلاه خود را به احترام برداریم.»

منبع: روزنامه جامعه فردا

مشایب که امروز - شنبه هم برای دومین جلسه بازپرسی روانه دادسرا شده در فیلم دیگری گفته است: یک فهرست از اتهامات سیاسی در احضاریه برای من ارسال کرده‌اند که البته بین آن‌ها، یک اتهام مالی هم وجود دارد که شاید از وجه سیاسی این احضاریه کم کند.

بخاطر عملکرد شما در گذشته، اکنون شرمنده بسیاری از مردم هستیم. الان از ما ایراد می‌گیرند که صدایتان برای خودتان درآمده است؛ حق دارند! چون فکر می‌کردیم که شماها در موضع عدالت نشستید! ما تازه فهمیده ایم که شماها دارای چه دیدگاه‌ها و باورهای هستید و چگونه به مسائل نگاه می‌کنید. مسئولان نظام هم دروغ است!

مشایب در این فیلم از جمله گفته است: .. اگر به مواضع و اقدامات شما انتقاد می‌کنیم و عملکرد شما در این انتقادات زیر سوال می‌رود، می‌روید پشت نظام جمهوری اسلامی ایران قایم می‌شوید؟! این خیانت و ظلم بزرگ نیست؟! ما به دنبال آن هستیم که شما را از آن پشت، بیرون بکشیم؛ ما می‌خواهیم نگاه و چهره واقعی شما را افشا کنیم!

شما می‌خواهید ما را محاکمه کنید، بکنید و هر حکمی که می‌خواهید صادر کنید. ما اصلاً به نتیجه فکر نمی‌کنیم و با این اتهام زنی‌ها از راه به در نمی‌رویم.

... اگر خواستید اعدام کنید، خیابان پاستور؛ اما اگر خواستید شلاق بزنید آدرس دیگری به شما می‌دهم؛ من آماده‌ام! بهترین جا برای شلاق، میدان انقلاب است!

... اگر فکر می‌کنید احمدی‌نژاد، بقایب و بنده کوتاه می‌آییم این یک خیال خام است؛ خام‌خام! ... توهین به مقام معظم رهبری، تبلیغ علیه جمهوری اسلامی و تصرف غیرقانونی را بعنوان چماق بالای سر نگه داشته اید، برای همین است: توهین به مسئولان نظام؛ یعنی خودتان!

=====

مطالبی که این فرقه قبلاً با این عناوین مطرح کرده اند

=====

تهدید باند احمدی‌نژاد: نوار پخش می‌شود

فیلمی از یک سخنرانی ۵۰ دقیقه‌ای در کانال حامیان احمدی‌نژاد منتشر شده که در بخشی از آن اسفندیار رحیم مشایب از ضبط فیلمی خبر داد که در صورت بازداشت وی منتشر خواهد شد و می‌گوید در این فیلم پشت پرده بسیاری از مسایل سالهای اخیر تشریح شده است....

Afbeeldingsresultaat voor مشایب و احمدی‌نژاد

افشاگری جنجالی احمدی نژاد در باره قوه قضاییه
احمدی نژاد اخیراً در مصاحبه دیگری با حمله شدید به قوه قضائیه صادق لاریجانی گفته: یکی از تخلفات بزرگ قوه قضائیه این است که زندانها را در اختیار نهادهای امنیتی قرار داده است. در زندان اوین یک تکه مال اطلاعات سپاه است. یک تکه مال اطلاعات است. یک تکه مال حفاظت اطلاعات خود قوه قضائیه است... الان کل کشور به خطر افتاده یعنی اصلاً آمیدی به اجرای عدالت نیست.
خبر حذف شده: احمدی نژاد تهدید کرد ثقلب در انتخابات ۸۸ را افشا می کند

بر اساس یک خبر حذف شده این شایعه وجود دارد که احمدی نژاد نواری در دست دارد که در آن صدای مسئولانی ضبط شده که روز ۲۳ خرداد ۸۸ از ثقلب هشت میلیونی به نفع وی خبر می دهند. کاربران ایرانی واکنش نشان داده اند.

روز گذشته (۷ اردیبهشت/ ۲۷ آوریل) حذف خبری منتشر شده در سایت «بازتاب امروز» نتوانست جلوی انتشار آن را بگیرد. به مدد شبکه های اجتماعی و وبلاگ ها کاربران نسخه ذخیره شده خبر در اینترنت را بارها به اشتراک گذاشتند و درباره اش نظر دادند.

بر اساس خبر به سرعت حذف شده وبسایت محافظه کار «بازتاب» شایعاتی وجود دارد که محمود احمدی نژاد تهدید کرده نواری در اختیار دارد که در ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ مسئولان کشور در آن به وی اطلاع می دهند که تعداد واقعی آرای او ۱۶ میلیون است که به نفعش هشت میلیون ثقلب می کنند. او تهدید کرده در صورت رد صلاحیت اسفندیار رحیم مشایی این نوار را منتشر خواهد کرد. به نقل از متن حذف شده در این نوار مقام هایی که نامی از آنها برده نشده گفته اند: برای اینکه شائبه ثقلب پیش نیاید و اختلاف آرا زیاد به نظر برسد، قرار است ۲۴ میلیون رای اعلام شود.» سایت «بازتاب امروز» می نویسد که ادامه محتوای این نوار مربوط به تماس های احمدی نژاد برای مخالفت با اعلام رای بیشتر برای اوست. نسخه ذخیره شده خبر حذف شده در اینترنت با دست به دست شدن در شبکه های اجتماعی نظیر فیس بوک و توییتر واکنش های کاربران را برانگیخت.

«این خبر واقعیت دارد» وبسایت «دیگران» که به بررسی رسانه های محافظه کاران در ایران مشغول است از خبر بازتاب نقل می کند: «سایت بازتاب امروز درباره این نوار صوتی احتمالاتی مطرح کرده که احتمال اول این است که نوار مذکور اصالت نداشته و برای جنگ روانی علیه شورای نگهبان به آن دامن زده می شود.

این سایت همچنین احتمال داده که نوار مذکور «واقعیت داشته و» احمدی نژاد قصد دارد با بحث ۱۶ میلیون هم شورای نگهبان و نظام را متهم به ثقلب کند.»

با این همه آرش سیگارچی، بلاگر، در تحلیل خبر حذف شده در وبلاگ خود می نویسد که اعتقاد دارد این خبر درست است و دلایل خود را بر می شمارد. وی می نویسد: «محمود احمدی نژاد مشهور است به جمع آوری مدرک برای روز مبادا. یک نمونه اش را روز ۱۶ بهمن ۹۱ در مجلس شورای اسلامی شاهد بودیم. نواری رو کرد که در آن فاضل لاریجانی برادر لاریجانی ها به سعید مرتضوی پیشنهاد می دهد در قبال رشوه، در مجلس و قوه قضائیه برای او لابی کند.» وی نتیجه می گیرد: «هیچ از ذهن دور نمی دانم که محمود احمدی نژاد در بامداد ۲۳ خرداد ۸۸ هم به سادگی از مکالمات آن دقایق نگذشته باشد. به نظر من می تواند چنین فایلی وجود داشته باشد.»

سیگار جی دلیل دیگری را که بر صحت وجود نوار بر می شمارد این است که وجود این نوار با اظهارات این روزهای احمدی نژاد همخوانی دارد: «احمدی نژاد در ۱۰ روز گذشته چندین بار از رای ملت، آده آنها و اینکه عده ای نمی خواهند بگذارند رای مردم تجلی پیدا کند صحبت کرده است.

اتفاقاً این بار دیگر مخاطب او هاشمی، خاتمی و غیره نیست. این بار خود حاکمیت هستند: شورای نگهبان، سپاه و محافظه کاران نزدیک به خامنه ای.»

این روزنامه نگار و بلاگر اما مشخص نبودن سرنوشت آرای مهدی کروبی، و هویت مسئولانی را که صدایشان در این نوار احتمالاً ضبط شده است از نکات نامعلوم قضیه می داند.

مارادونا علیه خود؟ برخی از کاربران ایرانی اینترنت به روش های مختلف بیان داشتند که منتظرند ببینند تا چنین خبری چه تاثیری در معادلات آینده پیش از انتخابات می گذارد. یکی از آنها در فیس بوک نوشت «اندک اندک جمع مستان می رسد».

با این همه عده ای صرفاً چنین اظهارنظری را به ریشخند گرفتند.

یک کاربر توییتر نوشت: «شاکای شدن احمدی نژاد به خاطر ثقلب انتخابات ۸۸ مثل اینه که مارادونا شاکای بشه چرا گل هند (با دست) من رو مقابل انگلیس در جام جهانی ۱۹۸۶ نگرفتین.»

دیگری هم توییت کرد: «آخرالزمان همینه دیگه، خود احمدی نژاد می خواد ثابت کنه تو انتخابات ۸۸ به نفعش ثقلب شده.»

یکی دیگر از کاربران توییتر هم نوشت: «اگه احمدی نژاد فقط به نوار داره من هفتاد میلیون شاهد دارم که تو انتخابات ۸۸ به نفعش ثقلب شده.»

یکی از کاربران توییتر هم با طنز تلخی نوشت که «احمدی نژاد نوار رو کنه دوباره میرحسین نامزد شه دوباره ثقلب شه به محمود بیاد سر کار دوباره اون نوار رو کنه دوباره میرحسین نامزد شه...»

برخی نیز نوشتند که احمدی نژاد از هول مرگ دارد خودکشی می کند. یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران قرار است روز ۲۴ خرداد امسال برگزار شود. هر چند شایعاتی مطرح است که دولت قصد دارد انتخابات را به تعویق بیاورد، ام آیت الله علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، در آخرین موضع گیری خود هر نوع تاخیری را منتفی دانست.

=====

مقدمات برخورد با رجایی ثانی
هزینه سنگین "هاله نور" در نیویورک
نازنین کامدار

با محاکمه اسفندیار رحیم مشایی، همانطور که پیش بینی می شد، مقدمات برخورد با او و اطرافیان اش که به جریان "انحرافی" شهرت دارند آغاز شد. در نخستین گام، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در نامه ای به رئیس قوه قضاییه از تخلفات مالی احمدی نژاد در جریان آخرین سفرش به نیویورک برای شرکت در اجلاس عمومی سازمان ملل پرده برداشته است.

این نخستین بار است که یک نهاد حکومتی به طور رسمی شخص محمود احمدی نژاد را متهم به سوء استفاده مالی از جایگاه حقوقی اش می کند. پیش از این پرونده هایی در مورد نزدیکان وی از جمله اسفندیار رحیم مشایی، محمدرضا رحیمی و حمید بقایی در ماجرای اختلاس ۳ هزار میلیاردی، پرونده فساد خانه فاطمی و قاچاق اجناس عتیقه و... مطرح شده، اما در هیچ کدام نامی از احمدی نژاد به میان نیامده بود. آگاهان سیاسی با توجه به سخنان و موضع گیری های وابستگان حکومت از جمله اسماعیل کوثری، نماینده مجلس که چند ماه پیش از برخورد قضایی با "جریان انحرافی" پس از پایان دولت خبر داده بود، پیش بینی می کنند که در صورت نرسیدن به توافق های پشت پرده، پس از انتخابات با احمدی نژاد و اطرافیانش برخورد خواهد شد.

به نوشته خبرگزاری فارس، در نامه محمدعلی پورمختار، رییس کمیسیون اصل نود که در ۱۲ بند تهیه شده، آمده است: "۱- تعداد ویزاهای درخواستی ۱۷۵ عدد بوده است. ۲- ویزاهای درخواست شده شامل حدود ۵۰ عدد برای گروه پرواز و ۱۲۵ عدد برای باقی افراد بوده است. ۳- در مجموع ۸۴ نفر از ۱۲۵ عدد ویزای درخواست شده (به غیر از کادر پرواز)، در سفر هیات اعزامی همراه رئیس جمهور بودند که شامل هیات اصلی، هیات همراه، اعضای خانواده، گروه خبری، گروه حفاظت و سایر عوامل دست اندرکار می گردد. ۴- از ۸۴ نفر مسافر نیویورک، ۲۷ نفر با گذرنامه سیاسی و ۵۷ نفر با گذرنامه خدمت اعزام شده اند. ۵- از ۵۷ نفر اعزامی با گذرنامه خدمت، حدود ۴۳ نفر از مدیران و

کارکنان ریاست جمهوری و ۱۴ نفر از بستگان و اعضای خانواده رئیس جمهور، معاونین و دیگران مدیران ارشد بوده اند. ۶- سفر افراد غیر مسئول در هیات اعزامی ضرورت نداشته و حضور همسران و اعضای خانواده آنان نیز فاقد توجیه می باشد. ۷- حضور زنان مقامات همراه رئیس جمهور در حالی صورت گرفته است که طبق عرف بین المللی تنها همسران رئیس جمهور در چنین اجلاس هایی حضور می یابند."

در ادامه در بند ۸ این نامه نیز به اسامی همراهان احمدی نژاد اشاره شده است: "خانم اعظم السادات فراچی همسر رئیس جمهور، - خانم طیبه ترکستانی همسر بقایی، خانم شهربانو ذبیحان لنگرودی همسر رحیم مشایی، خانم قصری ضرغامی ثابت همسر ثمره هاشمی، آقای علیرضا احمدی نژاد فرزند رئیس جمهور، خانم حسنا احمدی نژاد فرزند رئیس جمهور، آقای رضا رحیم مشایی فرزند رحیم مشایی، آقای امیر رضا بقایی فرزند بقایی."

این نامه می افزاید: "رئیس جمهور و همراهان در سفر سه روزه به نیویورک، در دو طبقه از هتلی در نیویورک مستقر شده بودند. هزینه هر شب اقامت هر اتاق ۲ تخته از این هتل ۴ ستاره در ماه سپتامبر ۲۰۱۲، از ۴۰۰ تا ۷۰۰ دلار اعلام شده بود. با توجه به تنگناهای اقتصادی و مشکلات ارزی ناشی از تحریم ها که از سال ۱۳۹۱ کشورمان با آن مواجه می باشد، تحمیل هزینه های کلان ارزی و غیر ضرور، کاری غیرعادلانه و تحمیل فشار مالی سنگین بر مردم است و با شعار عدالت و مهرورزی دولت منافات دارد. سفرهای غیرموجه در حالی صورت می گیرد که در نهاد ریاست جمهوری از تیرماه ۱۳۸۷، هیاتی متشکل از نماینده رئیس جمهور، معاونان وزارتخانه های اطلاعات و امور خارجه و همچنین دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر بر سفرهای خارجی کارکنان دولت نظارت می نماید. هیچ یک از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس جمهور را در این سفر همراهی نکرده اند."

گفتنی ست در زمان انجام این سفر در شهریور ماه سال گذشته، بارها از ریخت و پاش محمود احمدی نژاد در جریان آن انتقاد شد. او در اجلاسی شرکت کرده بود که در اولین دور آن در سال ۸۴، در دیدار با آیت الله جوادی آملی مدعی وجود "هاله نور" در اطراف خود در زمان سخنرانی اش شده بود. وی البته بارها به دلیل حرف هایی که در این اجلاس درباره مدیریت جهانی، اسرائیل و آمریکا زد با تشویق آیت الله خامنه ای مواجه شد. اما در سفر آخرش به نیویورک، نه تنها هیچ هیات دیپلماتیکی حاضر به شنیدن نطق های تکراری او نشد، بلکه رسانه های آمریکایی نیز به او بی اعتنائی کردند. همچنین سفر سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی از سوی ایرانیان معترض، آنهم در حین خرید از بوتیک های خیابان پنجم نیویورک مورد ضرب و شتم و فحاشی قرار گرفت. احمدی نژاد در پایان این سفر بدون آنکه نماینده ای از طرف آیت الله خامنه ای به

استقبالش آمده باشد، به تهران بازگشت. احمدی نژاد طی دوران ریاست جمهوری اش تنها به بهانه شرکت در اجلاس های جهانی که بسیاری از آنها در سطح معاونان وزیر و یا مدیران کل تشکیل می شدند، فرصت سفر به اروپا و آمریکا را یافت ولی هرگز از سوی هیچ کشور مطرحی، حتی چین و روسیه که از حامیان جمهوری اسلامی هستند، به سفر و گفت و گوی دو جانبه ای دعوت نشد.

پروژه برخورد با رئیس دولتی که مجلس راستگرا وی را "رجایی ثانی" خوانده بود پس از آن آغاز شده که او در واکنش به رد صلاحیت مشایخی، جز چند بار تاکید بر مظلومیت خود و کاندیدای مورد علاقه اش دست به افشاگری هایی که بارها دیگران را با آن تهدید کرده بود، نزد او که چند هفته پیش، از "بالا زدن گوشه پرونده" تک تک مخالفانش دم می زد، به ناگاه در این خصوص سکوت کرده و از آن زمان تا کنون گوشه هیچ پرونده ای را بالا نزده است.

در همان زمان، برخی رسانه ها مدعی شدند که وی به مدت ۷ ساعت مورد بازجویی و بازداشت قرار گرفته و به وی تفهیم شده است که مراقب رفتارش باشد. خود وی پیشتر گفته بود که "من را تهدید کرده اند که اگر روی ات رازباد کنی، پدرت را در می آوریم". او نیز روی اش را تنها یکبار زیاد کرد و ظاهرا عواقب آن را دید. احمدی نژاد تاکنون به طرح اولین پرونده فساد و تخلف مالی خود که به سطح رسانه ها کشیده شده، واکنشی نشان نداده، اما سایت بولتن نیوز در خبری مدعی شده که "جریان انحرافی" در محافل خصوصی از وجود یک سی.سی.دی خبر می دهد که در صورت افشای اسرار آن، روند انتخابات تغییر خواهد کرد.

بولتن نیوز، نزدیک به عوامل امنیتی، نوشته است: "عوامل جریان انحرافی در جلسات خود اعلام کردند ما یک سی سی دی قرمز داریم که در آن ناگفته ها و افشاگری های فراوانی موجود است؛ اگر این سی سی دی پخش شود سرنوشت انتخابات عوض می شود".

پیش از این نیز شایع شده بود که سعید مرتضوی، متهم ردیف اول جنایتگاه کهریزک و متحد سیاسی محمود احمدی نژاد در جلسه دوم دادگاه تهدید کرده که نواری درباره مجتبی خامنه ای، فرزند آیت الله خامنه ای باخود به دادگاه آورده است.

این تهدیدات از مدت ها پیش در سایت های وابسته به احمدی نژاد مطرح می شود، اما هنوز عملی نشده و به همین دلیل مخالفان دولت آن را "تهدید توخالی" خوانده اند.

یک نوار، یک بازداشت و بسته شدن سایت «بازتاب»

بازداشت مدیر مسئول سایت «بازتاب» و بستن این سایت پیامد انتشار خبری در باره نوار صوتی مربوط به جابه جایی احتمالی ۸ میلیون آرا در انتخابات ۱۳۸۸ بود. یک عضو تحریریه ای ن سایت از چند و چون اتهامات وارده به بازتاب می گوید. همه چیز از انتشار خبری مربوط به یک نوار صدا آغاز شد؛ نواری که صدای احمدی نژاد را پخش می کرده در حالی که اصرار داشته به م ۵۸۷؛ تולان بالاتر بقبولاند که رای او را همان ۱۶ میلیون رأی واقعی اعلام کنند نه ۲۴ میلیون. در مقابل اما آنطور که ظاهرا در این نوار موجود است، مسئولان بر این نظر بوده اند که برای جلوگیری از شائبه تقلب و برای اینکه فاصله آرا زیاد باشد باید آرای احمدی نژاد ۲۴ میلیون اعلام شود. این خبر روز شنبه ۷ اردیبهشت (۲۷ آوریل) در سایت بازتاب منتشر شد. یک روز پس از ۷۵؛ انتشار این خبر، علی غزالی مدیر مسئول سایت بازتاب با حکم شعبه ۱۲ دادسرای فرهنگ و رسانه بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. وی تا کنون هیچ تماسی با خانواده اش نداشته است. یکی از اعضای تحریریه سایت بازتاب به دویچه وله می گوید اتهام آقای غزالی نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق انتشار خبر مربوط به نوار هشت میلیونی در سایت بازتاب بوده است. فردای روز بازداشت مدیر مسئول، سایت بازتاب مسدود می شود. به مسئولان سایت گفته شده که برای تعامل با دستگاه قضایی و حل شدن مشکل مدیرمسئول آن، فعالیت این سایت فعلا متوقف شود. این عضو تحریریه بازتاب تاکید می کند که بازتاب توقیف نشده و امیدوار است با ورود خاتمی یا هاشمی به صحنه انتخابات فضای کشور تغییر کند و فعالیت بازتاب دوباره از سرگرفته شود. ۱۶۰۸؛ د. «منبع خبر بازتاب از حلقه های نخست جریان احمدی نژاد است» سایت بازتاب ضمن انتشار خبر وجود چنین نواری، سه احتمال را مطرح کرده بود: یکی اینکه نوار مذکور صحت نداشته باشد، & #1583؛ دوم اینکه نوار صحت داشته باشد اما واقعیت انتخابات سال ۸۸ با آنچه در نوار گفته شده متفاوت باشد و سوم اینکه نوار کاملا واقعیت داشته باشد. عضو تحریریه بازتاب به دویچه وله می گوید: «موضوع گزارش ما صحت نوار نبود بلکه سناریوی دولت برای برهم زدن انتخابات و تحت فشار قرار دادن شورای نگهبان بود و در همین گزارش صحت نوار مورد تردید قرار گرفته بود. گزار & #1588؛ بازتاب موثق و از منابعی در حلقه های نخست جریان احمدی نژاد بود». اما انتشار نواری که تایید می کند احمدی نژاد نه ۲۴ میلیون که تنها ۱۶ میلیون رای داشته، چه سودی برای جناح & #1608؛ می تواند داشته باشد؟ عضو تحریریه بازتاب می گوید: «همانطور که در گزارش قید شده موضوع مربوط به هشت میلیون رای است که با کسر آن بازهم احمدی نژاد خود را برنده انتخابات ریاست جمهوری می داند اما با یک اختلاف کم. بنابراین در این سناریو هم نظام متهم به تقلب شده و هم ریاست جمهوری احمدی نژاد زیرسئوال نرفته و تنها فاصله آرای وی با نفر دوم کم شده است. ب نابراین برنده این سناریو دولت بوده اگرچه بسیاری از معترضین به انتخابات سال ۸۸ معتقدند علاوه بر ریختن آرای تقلبی، جابجایی آرا نیز صورت گرفته اما این مسایل موضوع گزارش ب بازتاب نبوده و صرفا به سناریوی دولت فارغ از اصالت آن پرداخته شده است». مسئله رای های اضافی پیشتر نیز از سوی علیرضا زاکانی نماینده مجلس

مطرح شده بود. وی به نقل از محسن رضایی & #1711؛ فته بود تا ساعت ۵ بعدازظهر روز انتخابات تنها ۱۷ میلیون تعرفه مصرف شده بود، چطور ممکن است بعد از این ساعت آرا به ۲۴ میلیون رسیده باشد. تهدیدهای مکرر احمدی‌نژاد به اینکه د ۵؛ صورت عدم تأیید صلاحیت نامزد جناح او، ناگفته‌هایی را بیان خواهد کرد، برخی را به این نتیجه رسانده که نوار مورد اشاره سایت بازتاب می‌تواند یکی از این ناگفته‌ها باشد.

تکذیب خبر ۸ میلیون رای ساختگی برای احمدی‌نژاد
مرکز روابط عمومی دفتر محمود احمدی‌نژاد «نوار ۸ میلیونی...» منتسب به او را تکذیب کرد. پیش‌تر سایت «بازتاب» از نوار مکالمه‌ای خبر داد که بامداد ۲۳ خرداد ۸۸، مسئولان به ۸۱؛ مدی‌نژاد اعلام می‌کنند رای واقعی او «۱۶ میلیون» است. مرکز روابط عمومی دفتر محمود احمدی‌نژاد، سه‌شنبه ۱۰ اردیبهشت انتساب «نوار ۸ میلیونی رئیس‌جمهور» به محمود احمدی‌نژاد ۱۵۸۵؛ را «دروغ» خوانده است. سایت بازتاب شنبه ۷ اردیبهشت در گزارشی با عنوان «نوار ۸ میلیونی، بگم بگم احمدی‌نژاد پس از رد صلاحیت مشایی است؟» نوشت: «برگ برنده احمدی‌نژاد نواری از مکا ۰۴؛ مت وی در بامداد ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ است.» بنا بر این گزارش «در این مکالمات از طرف برخی مسئولان به احمدی‌نژاد گزارش می‌شود که رای واقعی او ۱۶ میلیون است اما برای این‌که شائبه پیش‌ن‌یاید و اختلاف آرا زیاد به نظر برسد، قرار است ۲۴ رای اعلام شود». این گزارش ساعاتی پس از انتشار از صفحه سایت «بازتاب» حذف شد. در اعلامیه اخیر مرکز روابط عمومی دفتر محمود احمدی‌نژاد آمده است: «در پی انتشار مطلبی غیرواقعی و دروغین با موضوع «نوار ۸ میلیونی رئیس‌جمهور...» توسط یکی از سایت‌های خبری که گرایش‌های خاص سیاسی آن بر همگان آشکار است، صراحتاً ۸؛ اکید می‌شود که اصل موضوع مطرح شده در آن و آنچه به رئیس‌جمهور نسبت داده شده، کاملاً بی‌اساس و کذب محض است». در این اعلامیه همچنین آمده که انتشار دهندگان این مطلب به د ۶؛ بال ایجاد پیامدهای سو نسبت به نتیجه آرای انتخابات، التهاب آفرینی و مقدمه‌سازی برای بلوا و آشوب هستند. همان برنامه و سناریویی که قبلاً هم - پیش از برگزاری انتخابات ۸۸ - از سوی برخی افراد و محافل سیاسی مطرح شد و بعد از انتخابات به اجرا درآمد». سایت «بازتاب» توسط منتقدان دولت محمود احمدی‌نژاد در ایران اداره می‌شود. احضار مدیران مسئول روزنامه‌ها به وزارت اطلاعات با نزدیک شدن انتخابات ریاست‌جمهوری آینده در ماه خرداد و بالا گرفتن اتهام‌زنی و انتقاد منتقدان محمود احمدی‌نژاد، سایت «کلمه» از احضار مدیران مسئول روز ۶۰۶؛ امه‌ها و مطبوعات سراسری ایران به وزارت اطلاعات برای حضور در یک جلسه توجیهی خبر داد. بنا بر این گزارش در این جلسه، ضمن هشدار دادن به مطبوعات برای پرهیز از انتقاد به‌نظرات & #158۵؛ هبر جمهوری اسلامی تأکید شده که هر میزان انتقاد از احمدی‌نژاد مجاز است و محدودیتی ندارد.



محمد هاشمی: استخر فرح در حقیقت در مشهد است؛ در تهران چنین استخری وجود ندارد / وقتی کریمی قدوسی فرمانده بسیج مشهد بود، برای شنا به آنجا می‌رفت / استخر فرح یک علامت و کد است بین آنها

محمد هاشمی خطاب به عضو جبهه پایداری گفت: آقای کریمی قدوسی می‌داند که استخر فرح کجاست. استخر فرح در حقیقت در مشهد است که وقتی آقای قدوسی فرمانده بسیج مشهد بود، برای شنا به آنجا می‌رفت و با دوستانش در آنجا درباره مسائلی صحبت و رایزنی می‌کرد.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

محمد هاشمی در روزنامه ایران خطاب به عضو جبهه پایداری گفت: آقای کریمی قدوسی می‌داند که استخر فرح کجاست. استخر فرح در حقیقت در مشهد است که وقتی آقای قدوسی فرمانده بسیج مشهد بود، برای شنا به آنجا می‌رفت و با دوستانش در آنجا درباره مسائلی صحبت و رایزنی می‌کرد.

استخر فرح یک علامت و کد است بین آنها و الا در تهران چنین استخری وجود ندارد و این استخری که آقای هاشمی در آنجا فوت شد، سال 77 ساخته شده است.

آقای ازغدی؛ که دم از آزاد اندیشی می زند، اگر نتیجه بحث خارج فقه درباره شلاق؛ این شد که باید حذف بشود؛ آیا بر می تابد؟ اتفاقا ترس از دوستان جناب رحیم پور است که در سالهای قبل به راحتی «غیر خودی ها» را نواختند.



نکته اینجاست که ورود به مباحث جدید مدنظر آقای ازغدی، در مرتبه‌ی اول محتاج یک سلسله مباحث کلامی است که از ابتدا معلوم نیست که نتیجه‌ی آن‌ها به مذاق جناب رحیم پور خوش بیاید. مثلاً اگر فقیهی بخواهد درباره مجازات در دوره مدرن سخن بگوید، باید به نقش علوم تربیتی جدید بپردازد. از همین جا باید حقیقت قول کارشناسان این علوم را ثابت و یا رد کند. حال اگر فقیهی ثابت کرد که نظر روان‌شناسان اجتماعی و یا مربیان تربیتی باید مورد توجه قرار گیرد و بعد نتیجه گرفت که مثلاً شلاق باید از مجازات اسلامی حذف شود، آیا جناب رحیم پور تضمین می‌دهد که چنین فقیهی با مشکل مواجه نشود؟ اگر فقیهی در چهارچوب بحث از حدود و تعزیرات و تعارض آن با قانون منع شکنجه، به نفع دومی حکم کرد، آیا جناب رحیم پور خود در صدا

سخنان خطیب توانا جناب استاد رحیم پور ازغدی این روزها نقل همه محافل حوزوی است. جناب ایشان حوزه را سکولار خوانده است.

لب کلام ایشان چنین است: «فقه بی‌ربط با زندگی، زندگی بی‌ربط با فقه، درس خارج‌هایی که به جای تئوریزه حکومت و تمدن دینی، عملاً فقه سکولار می‌سازند، فقه فردی، عبادی طهارت و نجاست. اما درباره اقتصاد، سیاست، بانک و روابط بین‌الملل حرفی ندارند. سکولاریسم یعنی همین است. همه می‌گویند سکولاریسم در دانشگاه است، بگذارید بگویم ریشه سکولاریسم در حوزه است. سکولاریسم یعنی تفکیک دین از حکومت، دولت و تمدن. تفکیک نظری وقتی است که حرفی ندارید. ۵ درس خارج از فقه نه، یک درس خارج فقه در قم، مشهد، نجف و اصفهان دارید که پرسش‌هایش را از بیرون بگیرد و همین الان در مسائل حکومتی بیاید بر اساس آنها ادله را پیدا کند و بحث کند. یعنی از ذهن نیاید به عین، از عین بیاید به ذهن. چنداناً هستند؟ هنر نیست هی طهارت، نجاست و طواف بگویند، هزار بار گفته شده و برای هزار و یکم هم می‌گویند. به قول مطهری می‌گوید اجتهاد تکرار حرف‌های مکرر نیست. جواب مسائل حل شده نیست اجتهاد یعنی جواب مسائل حل نشده. مسائل حل نشده را جواب بده، مسائل حل شده را که همه بلدند جواب بدهند.»

بر خلاف بسیاری از منتقدین، من معتقدم به یک شرط و تنها یک شرط، سخن جناب رحیم پور صحیح است و آن اینکه حضرت استاد رحیم پور از کسانی که می‌شناسد، تضمین بگیرد که اگر در یک درس خارج، نتیجه بحث‌هایی که مطرح شد به آنچه ایشان نمی‌پسندد، ختم شد، گوینده با مشکل مواجه نمی‌شود.

در توضیح این مطلب اشاره کنم که باید پذیرفت که بسیاری از سخنان مطرح شده در درس‌های حوزه تکراری است و البته این مختص درس‌های این شهرها که آقای رحیم پور اشاره کردند، نیست و درس‌های تهران و سایر بلاد هم همین است ولی نکته اینجاست که ورود به مباحث جدید، در مرتبه‌ی اول محتاج یک سلسله مباحث کلامی است که از ابتدا معلوم نیست که نتیجه‌ی آنها به مذاق جناب رحیم پور خوش بیاید.

اجازه دهید مثالی بزنم. اگر فقهی بخواهد درباره مجازات در دوره مدرن سخن بگوید، باید به نقش علوم تربیتی جدید بپردازد. از همین جا باید حجیت قول کارشناسان این علوم را ثابت و یا رد کند. حال اگر فقهی ثابت کرد که نظر روان‌شناسان اجتماعی و یا مربیان تربیتی باید مورد توجه قرار گیرد و بعد نتیجه گرفت که مثلاً شلاق باید از مجازات اسلامی حذف شود، آیا جناب رحیم پور تضمین می‌دهد که چنین فقهی با مشکل مواجه نشود.

یا حقوق بشر. اگر فقهی در چهارچوب بحث از حدود و تعزیرات و تعارض آن با قانون منع شکنجه، به نفع دومی حکم کرد و در این باره از دلیل کلامی مبنی بر کرامت انسان استفاده کرد و به همین جهت احکام و یا حد اقل بخشی از آنها را، محدود به زمان‌های قدیم دانست، آیا جناب رحیم پور خود در صدا و سیما تکلیف او را روشن خواهد کرد؟ بگذارید مثالی دیگر را هم ضمیمه کنم.

بحث فقهی مثل هر بحث دیگر با یک تئوری شروع می‌شود ولی ممکن است فقیه در فرایند تفقه نتواند آن را اثبات کند و یا حتی آن را رد نماید. حال اگر فقهی در درس خارج، حدود اختیارات ولی فقیه و یا شورای نگهبان و یا نحوه انتخاب خبرگان را مردود بداند، آیا جناب رحیم پور تحمل آن را دارد؟ یا اگر در بحث از عقود و ایقاعات، به چنان استحکامی برای مالکیت فردی برسد که حتی قاضی هم نتواند اموال کسی را مصادره کند، آیا جناب رحیم پور به لوازم آن تن می‌دهد؟

غرض من پذیرش این موارد نیست بلکه اشاره به این نکته است که: حوزه‌ها از دو جهت با سانسور مواجه هستند. یکی از آنها سانسور داخلی و «جو حاکم اراء فقهای زمان» است. نوع دوم از «خود سانسوری» در حوزه‌ها، اتفاقاً ترس از دوستان جناب رحیم پور است که در سالهای قبل به راحتی «غیر خودی‌ها» را نواختند.

به نظر من حالا که جناب رحیم پور به این مهم اشاره کرده است، خوب است شخص ایشان پیشگام فراهم‌آوری مقدمات «آزاد اندیشی» هم باشد. این مهم را با مناظره‌ای در همین مورد که گفتیم می‌توان آغاز کرد.

* سید حمید محمدیان منبع: جماران

حمید روحانی: رئیس جمهور بد است، امام موسی صدر جاسوس! / شعار «ای آنکه مذاکره شعارت، استخر فرح در انتظارت» شعاری سازنده، هشدار دهنده و مقدس است!

واکنش آیت الله بطحایی
به شعار «استخر فرح درانتظارت»:

ناخواسته باشعارشان گفتند
ماجرای استخر کار ماست

کیشن مطالعه شود

ای آنکه
مذاکره شعارت
استخر فرح، در

واکنش آیت الله مکارم شیرازی
به تجمع طلاب در فیضیه قم:

رئیس جمهور را تهدید
به مرگ کردند

ای آنکه
مذاکره شعارت
استخر فرح، در
انتظارت

حمید روحانی در حمایت از شعار فیضیه و تهدید به مرگ حسن روحانی گفته است: «برج عاج نشسته‌اید همیشه می‌توانید قدرت نمایی کنید هر جا باشید مرگ سراغ شما هم می‌آید.» البته این صحبت‌های او علیه شخصیت‌های برجسته مسبق به سابقه است.

به گزارش اصلاحات نیوز؛ سید حمید زیارتی یا همان حمید روحانی رئیس بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی است. او که دست به تریبون شدنش بسیار خوب است و از مقربان صدا و سیما هم محسوب می‌شود بار دیگر دست به بلندگو شد و این بار در حمایت از یک شعار علیه حسن روحانی سخن گفت.

زیارتی در نشست خبری اخیرش گفته است: شعارهایی در فیضیه داده شد که برخی به آنها برخورد؛ شعار «ای آنکه مذاکره شعارت، استخر فرح در انتظارت» شعاری سازنده، هشدار دهنده و مقدس است که می‌خواهد بگوید ای کسانی که کاخ نشین شده اید و به محافظ داشتن عادت کرده اید هوشیار باشید و از بزرگانی که آلوده به این قدرت و امکانات شده اند عبرت بگیرید فکر نکنید که چون در برج عاج نشسته اید همیشه می‌توانید قدرت نمایی کنید هر جا باشید مرگ سراغ شما هم می‌آید.

صحبت‌های زیارتی به همین چند جمله ختم نمی‌شود و ادامه می‌دهد: این یک هشدار بسیار عمیق و اخلاقی برای کسانی بود که عبرت بگیرند درباره شاه نیز چنین تعبیری به کار می‌بردند و می‌گفتند ای که می‌نازی به تخت پادشاهی یاد پدرت باش که چگونه از دنیا رفت.

حمید زیارتی که موسس بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی است و تا سال ۹۶ توانسته بود از بودجه عمومی ذیل جدول شماره ۱۷ برای این موسسه، بودجه ای بیش از ۳ میلیارد و چهارصد میلیونی دریافت کند امروز درحالی این صحبت‌ها را بیان می‌کند که کارنامه اش از این موارد ثبت شده زیاد دارد. درواقع او در تخریب چهره‌ها ید طولایی دارد و حتی اظهاراتش تا جاسوس خواندن امام موسی صدر هم که این روزها سالروز ربوده شدنش است پیش می‌رود.

جاسوس خواندن امام موسی صدر

صادق طباطبایی در خاطراتش پرده از جلسه ای بر می دارد که در آن جلسه حمید روحانی تلاش می کند امام موسی صدر را جاسوس صهیونیست‌ها معرفی کند. او می نویسد:

امام در تمام سفرهایی که من خدمتشان می رسیدم، در مورد آقای صدر از من سؤال می کردند! احوالپرسی می کردند و سلام ایشان را می رساندند! حتی امام خمینی از بدگویی اطرافیان نسبت به امام موسی صدر ناراحت می شدند. از جمله در سفری به عراق (به نظرم سال ۱۳۴۹ بود)، یک شب منزل آقای شیخ حسن کروبوی بودم. عده ای از دوستان روحانی از جمله آقایان محنتشمی، شریعتی، معین، فاضل و زیارتی و احتمالاً مرحوم املائی و شیخ احمد نوری هم آنجا بودند. البته آقای دعایی مرا به آنجا رساند ولی خودش داخل نیامد، چون زیاد در این جلسات شرکت نمی کرد.

آن شب آقای زیارتی (سید حمید روحانی) سخنان تندى علیه امام موسی صدر و سید محمد باقر صدر اظهار کرد. از جمله این که آقای موسی صدر عامل و جیره خوار امپریالیسم و صهیونیسم است و طور هم حرکت کرده که هیچ ردپایی از خودش به جای نگذاشته است. دلیل هم این که ایشان مروج آقای خویی است نه امام خمینی. آقای سید محمد باقر صدر هم که در اینجا (نجف) است همینطور.

دلایلی که آقای زیارتی علیه آیت الله صدر اقامه می کرد، این بود که: روزی که امام مبحث ولایت فقیه را شروع کردند، جا داشت که آقای صدر هم همان مبحث را دنبال می کردند. دوم این که ایشان در قید و بند مرجعیت است، در حالی که ما مرجع داریم. سوم این که آقای صدر طهارت اهل کتاب را به آقایان حکیم و خویی تحمیل کرده است و این موضوع در راستای خواسته سید موسی صدر بوده، زیرا او در ارتباط با غربی هاست و می خواهد راه آنها را به جهان اسلام باز کند و از طریق طهارت اهل کتاب می خواهد مقاومتی از سوی مسلمانان نسبت به کفار بروز داده نشود.

طباطبایی در ادامه تعریف می کند که بعد از آن جلسه به منزل خاله اش رفته و با شهید آیت الله سید محمدباقر صدر صحبت کرده و این مسایل را مطرح کرده که شهید صدر با لبخندی به همه آنها پاسخ داده است.

عکس العمل امام خمینی به اظهارات سید حمید روحانی

طباطبایی در این بخش از خاطراتش می نویسد: صحبت من با آیت الله صدر تمام شد. فردا بعد از ظهر با امام قرار داشتم، وقتی رفتم خدمتشان گفتم: آقا! شما وقتی که در حضور خودتان اجازه نمی دهید افراد با بی احترامی از مراجع نام ببرند چه برسد به اسائه ادب و غیبت که اصلاً تحمل نمی کنید، پس چرا عده ای از کسانی که به شما منتسب هستند، از شاگردان و اطرافیان که فکر و گفتار و اعمال و کردار آنها به حساب شما گذاشته می شود، به خودشان اجازه می دهند در مورد بعضی از شخصیت های برجسته که به هر دلیل اختلاف نظر و سلیقه با آنها دارند، چنین اتهاماتی را مطرح کنند از جمله در مورد آقا سید محمد باقر و آقا موسی صدر این مطالب گفته شود؟ پرسیدند چه کسی این مطالب را می گوید؟ من هم ماجرای روز قبل و نیز پاسخ شهید صد را شرح دادم.

پس از آنکه من این حرفها را زدم، امام خیلی متأثر شدند. به حدی که من احساس کردم بهتر بود این مطالب را با ایشان در میان نمی گذاشتم. هیچ پاسخی ندادند. سکوت کردند و یک حالت نگران کننده ای در چهره شان نمایان شد. اصلاً جلسه آن روز من با ایشان ادامه پیدا نکرد، قرار بود مطالبی را بگویند که موکول به فردا شد. ظاهراً امام فردا یا پس فردا در درس خود در این زمینه تذکراتی به آقایان داده بودند. (ج ۲، ص ۱۸۳)

سخنان امام خمینی در جلسه ی درس خارج فقه مورخ ۱۲/۱۲/۴۹ در نجف:

بنده می خواستم امروز مباحثه بکنم، لکن دیروز دو نفر از آقایان آمدند و مطالبی گفتند که موجب تأسف شد، و لازم شد که من یک تذکراتی به آقایان عرض بکنم... من نمی دانم که این اختلافات سر چیست؟... من متأسفم که یک نفر جوان- از اروپا آمده بود اینجا، یکی دو دفعه با من ملاقات کرد، و شاید هفت- هشت روز، پنج- شش روز، هفت- هشت روز، یک همچو چیزی، خیلی کم اینجا بود، به یکی از آقایان

گفته بود- به من صحبتی نکرد- به یکی از آقایان گفته بود که خوب شد که من که آخوندزاده ام آدم نجف، اگر یک کس دیگری می آمد و این وضع را می دید چه می کرد؟! من نمی دانم که در این چند روز، در این چهار- پنج روز، یک نفر، یک نفر آدم محصل خارجی که از سنخ ما هم نیست، [یعنی روحانی نیست] و لو پدرش از سنخ ماست، خودش از سنخ ماها نیست، این در این حوزه مبارکه چی دیده است! با چه اشخاصی تماس پیدا کرده، آنها چه مطالبی به این آدم گفته اند که باید اظهار تأسف کند یک نفر آدم محصل جدید. اظهار تأسف کند از اینکه چرا وضع نجف این طور است!

اگر یک دستهایی در کار باشد و شما را همین دستها وادار کند با هم جبهه بندی کنید ... و خدای نخواستہ اگر راست باشد این مطلب ... دستهای ناپاکی هم اینها را دامن بزند و این آتش را روشن کند ... علاوه بر اینکه در دنیا ما کاذب می شویم و نجف ساقط می شود- نه من و شما تنها- یک حوزه هزار ساله دینی ساقط می شود، یک اشخاص عالم متدین ... اینها هم در جامعه ساقط می شوند...

انسان خودش را بازی می دهد که من در فلان جبهه که واقع شدم تکلیف شرعی اقتضا می کند!

تکلیف شرعی اقتضا می کند که انسان اهانت کند به مسلمین؟! اهانت کند به ملا؟! اهانت کند به ...

همجنس خودش؟! این تکلیف شرعی است؟! ... اینها هواهای نفس است...

اگر ما به جان هم بیفتیم و من آن را تکفیر کنم، او من را تکفیر کند، هر دومان ساقط بشویم ... ملت هم از دست ما می رود؛ چنانچه رفته است حالا ...

برای چی شما نزاع با هم دارید؟ آخر چه تان است؟ چه دشمنی ای با هم دارید شما؟ ...

دعوی شما پیش خدا اعظم از همه معاصی است ... برای اینکه یک جامعه را شما به گند می زنید؛ یک نجف را شما ساقط می کنید در نظر مردم ...

شما خیال نکنید تا آخر عمر بتوانید با ریاکاری کارتان را درست ... بالاخره کشف می شود فساد ... چند سال با ریا و تزویر و با خدعه و با فحش به مردم زندگی می کنید

من خیلی خوف از این مطلب دارم که یک اشخاصی ... به وسایط، وسایط به واسطه، واسطه به واسطه برسد به اینکه تکلیف شرعی درست کنند! / خبر آنلاین

موسوی تبریزی: برخی افراد پشت پرده تجمع فیضیه را

می‌شناسم؛ قطعا با برنامه‌ریزی قبلی بود / فردی که در تجمع

سخنرانی می‌کرد، قبل از انقلاب با آیت‌الله خامنه‌ای زاویه داشت

آیت الله موسوی تبریزی گفت: جدا از اینکه این موضوعات سیاسی است، مسائل دینی را هم شامل می‌شود و در واقع مراجع اساس انقلاب هستند. به عنوان مثال فیلم سخنرانی فردی که در تلویزیون همیشه دیده می‌شود و در شورای انقلاب فرهنگی هم حضور دارد و از قدیم هم روی این فرد شناخت دارم، برای من فرستاده‌اند.

پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (Entekhab.ir) :

ایلنا نوشت: آیت الله موسوی تبریزی گفت: جدا از اینکه این موضوعات سیاسی است، مسائل دینی را هم شامل می‌شود و در واقع مراجع اساس انقلاب هستند. به عنوان مثال فیلم سخنرانی فردی که در تلویزیون همیشه دیده می‌شود و در شورای انقلاب فرهنگی هم حضور دارد و از قدیم هم روی این فرد شناخت دارم، برای من فرستاده‌اند. این فرد قبل از انقلاب با آیت الله خامنه‌ای زاویه داشت و بعد از مدتی چهره‌ای دیگر از خود نشان داد.



آیت الله موسوی تبریزی در خصوص موضوع توهین‌های اخیر که از سوی برخی چهره‌ها و طلاب فیضیه به روحانی شد و تهدید به قتل رئیس‌جمهور گفت: این موضوع جنبه‌های مختلفی دارد که به ابهامات آن افزوده است. در وهله اول باید گفت که اطلاعیه جمعی این افراد از سوی شورای مدیریت حوزه نبوده است. وی افزود: گروه‌هایی وجود دارند که خیلی تندرو هستند و به بعضی جاها هم وابسته هستند، از زمان احمدی‌نژاد هم وجود داشتند و در پشت پرده این موضوع رد پای آن‌ها وجود دارد. دادستان کل کشور در دوران دفاع مقدس با بیان اینکه برای شرکت در تجمعات فیضیه برای وی پیامک ارسال شده بود، گفت: در این تجمع فرمانده سپاه آن ناحیه سخنرانی کرده است که جای سوال داشت و البته پاسخی هم به آن داده شد.

وی خاطرنشان کرد: به نظر من که از افراد مطلع در تشکیلات حوزه و مراجع هستم این تجمعات و این توهین‌ها قطعاً با برنامه‌ریزی قبلی است. درواقع در ساختار تشکیلاتی این مراسم خصوصاً وقتی طلاب در آن حضور دارند، هیچ کاری بدون برنامه‌ریزی پیش نمی‌رود و سخنان، مهمانان، سخنرانان و اهداف تجمعات از قبل مشخص می‌شود.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با تأکید بر اینکه برای تجمع فیضیه از قبل پیامک فرستاده شده بود و اطلاعیه هم صادر شده بوده است، اظهار داشت: یک زمانی در یک تجمع می‌بینیم افراد پلاکاردهای حاوی پیام‌های اعتراض‌آمیز به تعداد محدود به همراه دارند که نمونه‌های آن را در راهپیمایی‌های مردم در روز ۲۲ بهمن می‌بینیم.

وی یادآور شد: من در راهپیمایی روز قدس در راهپیمایی حوزه علمیه قم شرکت کردم، اما بسیار روشن و واضح بود که عده زیادی حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفر به طور هماهنگ شده شعارهایی را در خصوص FATF که قرار بود در مجلس مطرح شود، آماده کرده بودند و بعد هم به عنوان اعتراض جلوی درب خانه آقای لاریجانی تجمع کردند، درواقع تعداد ۲۰۰ الی ۳۰۰ تابلو آماده شده بود و به دست افرادی سپرده شده بود تا به این حواشی بپردازند.

نماینده ادوار مجلس با اشاره به شعارهایی که در روز تصویب FATF هم در مجلس با هدف تضعیف روحانی و ظریف تهیه شده بودند، گفت: با همه این‌ها شعارهای طلاب در روز فیضیه تضعیف کل نظام بود چراکه وقتی صحبت از تهدید به مرگ و یادآوری مرگ آیت الله هاشمی در شعارها مطرح می‌شود، سوال‌های زیادی در ذهن ایجاد می‌کند.

وی تاکید کرد: هیچ کس از زحمات آیت الله هاشمی برای نظام غافل نیست و نقش ایشان هم بعد از وفات حضرت امام در کشور بسیار پررنگ بوده است. درواقع همه می‌دانند اگر مدیریت آیت الله هاشمی بعد از رحلت امام خمینی نبود سرنوشت نظام نامعلوم بود.

آیت الله موسوی تبریزی با اشاره به تابلوهایی که حاوی شعارهایی با کنایه‌هایی مربوط به فوت آیت الله هاشمی در تجمع طلاب وجود داشت، گفت: فوت آیت الله هاشمی هنوز برای مردم و فرزندان ایشان روشن نشده و پرونده آن هم بسته نشده است، بعد عده‌ای می‌آیند طوری به مردم القا می‌کنند که انگار فوت ایشان طبیعی نبوده و مهرتاییدی به ابهامات موجود می‌زنند و مطرح می‌کنند آن‌طور که آیت الله هاشمی را در استخر خفه کردیم تو را هم خفه می‌کنیم، این امر هم تایید قتل است و هم تهدید به قتل فرد دیگر.

وی افزود: دوستان می‌توانند این موضوعات را بپوشانند اما دشمن که نمی‌تواند، چندروزی است که در رسانه‌های خارجی این موضوع سوژه شده است و این سوژه را افراد در داخل به آنها داده‌اند.

آیت الله موسوی تبریزی اظهارداشت: جدا از اینکه این موضوعات سیاسی است، مسائل دینی را هم شامل می‌شود و در واقع مراجع اساس انقلاب هستند. به عنوان مثال فیلم سخنرانی فردی که در تلویزیون همیشه دیده می‌شود و در شورای انقلاب فرهنگی هم حضور دارد و از قدیم هم روی این فرد شناخت دارم، برای من فرستاده‌اند. این فرد قبل از انقلاب با آیت الله خامنه‌ای زاویه داشت و بعد از مدتی چهره‌ای دیگر از خود نشان داد.

وی افزود: فردی که به آن اشاره کردم براثر خود بزرگبینی همه مراجع را بی اثر می‌بیند و در سخنرانی‌های خود به آنها توهین می‌کند و می‌گوید در قم یک توضیح المسائل تولید نمی‌شود که به درد مردم بخورد. اگر این حرف را کسی که با حکومت، نظام یا برخی نهادها مخالف بود می‌گفت صبح فردا علیه او راهپیمایی راه می‌افتاد و تمام ائمه جمعه علیه او سخن می‌گفتند. در واقع رسانه‌های خارجی هم تا به حال این‌طور در خصوص مراجع سخن نگفتند.

رئیس اسبق خانه احزاب تصریح کرد: هدف افرادی که با ادبیات اینچینی تجمع می‌کنند و کارهای آنها سازمان‌یافته است درواقع نابودی کل نظام است، خدارا شکر که همه مراجع هم به موقع نسبت به این موضوع موضع گرفتند اما حالا مثل بازی بچه‌ها هیچ کس آن را گردن نمی‌گیرد.

روحانی بدون هماهنگی نمی‌تواند به فیضیه بیاید چه برسد به تجمع وی افزود: مگر بدون هماهنگی می‌توان یک تجمع حتی ۱۰ نفره در فیضیه یا دارالشفای تشکیل داد؟ روحانی هم بدون هماهنگی نمی‌تواند به فیضیه بیاید چه برسد به تجمع. بنابراین من معتقدم دس‌هایی در کار است و متأسفانه تا حوزه هم رسیده است، این افراد همان افرادی هستند که در جاهای دیگر هم شعار می‌دهند و مدرسه‌ای را هم در کرج تخریب کردند و علیه ریشه نظام که دین و روحانیت است تلاش می‌کنند.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب خاطرنشان کرد: باید تحقیقات کاملی در خصوص حادثه فیضیه صورت بگیرد و حتی آقای لاریجانی که خود فرزند یکی از مراجع است باید به مراجع پاسخگو باشد و در مجلس هم پیگیری شود.

وی افزود: من درحال حاضر می‌دانم برخی از کسانی که پشت پرده این تجمعات هستند چه کسانی بودند اما مسئول مطرح کردن آن من نیستم.

دبیرکل مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم اظهار کرد: باید پرسید چرا بعضی از بزرگان نسبت به مسائلی که برای دین و مرجعیت پیش آمده حساسیت نشان نداده‌اند؟ البته من معتقدم در خصوص فیضیه بعضی مراجع حساسیت نشان دادند اما کافی نبود چراکه به طور مشخص این اتفاق دشمنی با مرجعیت و دین بود.

وی افزود: اینکه در هرچیزی مراجع و بزرگان در سیاست نباید دخالت کنند، ریشه‌دار است. در واقع بعضی مسائل در دولت و حکومت وجود دارد که به نفع مصالح ملی نیست، علنی شوند. به عنوان مثال در رابطه با FATF مراجع یا علمای بزرگ می‌توانستند به طور شخصی از وزیر امور خارجه در این رابطه بپرسند و قبل از شعار دادن و مخالفت، گفت‌وگو کنند.

آیت الله موسوی تبریزی تاکید کرد: برخی افراد در این رابطه اظهارنظر کردند که حتی علم آن را نداشتند. وقتی ما نظام را قبول کردیم باید به تصمیمات آن احترام بگذاریم و در بعضی مسائل هم می‌توان گفت‌وگو کرد.

وی گفت: در بعضی موارد می‌توان در صورت مصلحت، حتی در خصوص مسائلی که مفسده اعلام شده‌اند

مراسم کلنک زنی احداث سرویس بهداشتی بسیج توسط نماینده مقام معظم رهبری



به متصدیان مربوطه از جمله سرداران حاضر در محل توصیه
می شود در محل احداث سرویس بهداشتی تابلوی مقدس غدیر و
شمایل حضرت رسول الله و مولای علی را نصب نکنند این هتک
حرمت کمترینش حکم اعدام دارد و استحقاق کمبین برائت از
اهانت به مقدسات حقیقی

سیمت‌های حکومتی در «دایره بسته» می‌چرخد

روزنامه آرمان گفت‌وگویی با فائزه هاشمی داشته که مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید:

برخی گلایه دارند که آقای روحانی به وعده‌هایش در مورد زنان به‌ویژه انتخاب وزیر زن عمل نکرد. این انتقاد را قبول دارید؟

درست است آقای روحانی وزیر انتخاب نکرد، اما بخشنامه‌ای که داشت به‌خوبی پیش می‌رود. منظور آن کدام بخشنامه است؟

آقای روحانی در ابتدای دولت دوم بخشنامه‌ای خطاب به وزرا و مدیرانش صادر کرد که طی آن آنها را موظف کرده 30 درصد از مدیریت‌ها، معاونت‌ها و مدیران کل و... را به زنان اختصاص دهند که این موضوع در بسیاری از بخش‌ها اجرایی شده است. البته نمی‌توان اذعان کرد بلافاصله پس از دستور رئیس‌جمهور این 30 درصد اجرایی شد، چراکه به‌صورت تدریجی باید محقق شود. به‌طور کلی اجرای این موضوع به‌خوبی پیش می‌رود.

واقعیت است گلایه‌هایی در همین موردی که اشاره کردید وجود دارد یعنی برخی معتقدند انتصاب زنان بر اساس شایستگی نبود و بیش از این به روابط سیاسی و غیره مربوط بود. مگر انتصاب مردها بر اساس شایستگی است؟

انتصاب مردان به سمت‌های مدیریتی موضوع جدیدی نیست اما دستور رئیس‌جمهور برای اختصاص 30 درصد از مدیریت‌ها به خانم‌ها جدید است و آغاز این روند با انتصاب‌هایی که شایستگی حرف اول را در آن نمی‌زند چندان به مذاق جامعه خوش نمی‌آید.

با شما موافقم. یکی از مهم‌ترین مشکلات کشور در سطح کلان و دولت همین است که انتصاب‌ها و مدیریت‌ها بر اساس شایستگی نیست. یک حلقه بسته‌ای وجود دارد که افراد در آن جابه‌جا می‌شوند. بخش مهمی از مشکلات کشور به دلیل سوء مدیریت‌هاست البته مسائل دیگر مانند مسائل سیاسی و اختیارات کم رئیس‌جمهور هم وجود دارد، اما بخش عمده مشکلات به سوء مدیریت‌ها و عدم شایسته سالاری باز می‌گردد. شایستگان و نخبگان برای سمت‌های مورد نیاز انتخاب نمی‌شوند. این مشکلات در مورد زنان کمتر است.

شاید در حوزه مدیریت زنان در دولت کمتر باشد، اما در عرصه سیاسی شاهد هستیم افرادی برای حضور در نهادهای تصمیم‌گیر به‌ویژه در جریان اصلاحات دعوت به حضور می‌شوند که سابقه و عملکرد مشخصی ندارند.

درست است. متأسفانه این اتفاق به شدت در اصلاح‌طلبان و سیاسیون ما رخ داده است. به عنوان مثال فشاری که اصلاح‌طلبان به شهردار، معاونان شهرداری و غیره برای قرار دادن افراد حزب، گروه، باند و دوستان خودشان وارد می‌کنند که خیلی زیاد است و در نتیجه افرادی که برای آن جایگاه مناسب نیستند معرفی می‌شوند. بنابراین این موضوع تنها در دولت نیست و در میان سیاسیون هم این موضوع اتفاق افتاده است. این موضوع در شهرداری بسیار حاد شده است و ادامه دارد. کاملاً با اظهارات شما موافق هستم و واقعاً باید فکری برای این قضیه کرد. یکی از نقش‌های مهم برای کاهش این مشکل را احزاب می‌توانند داشته باشند به نحوی که به سراغ افراد شایسته و مناسب برای هر سمتی بروند که این فشل بودن همچنان ادامه پیدا نکند. به شهرداری فشار آوردند که خانمی را مسئول بخشی در شهرداری کنند که این خانم فرد سیاسی است و سابقه ورزشی و مدیریتی ندارد البته مقاومت شده و او را در این جایگاه منصوب نکردند بلکه به ایشان حکم مشاور داده شد. متأسفانه در بسیاری از مناصب این اتفاق رخ می‌دهد. معتقدم که ما اصلاح‌طلبان با اصولگرایان و افرادی که در دولت قرار گرفتند، تفاوتی نداریم یعنی ما که بیرون هم هستیم همان نگاه و تفکر را داریم که مشکل عمده در سراسر کشور است و شایسته سالاری مغفول مانده و کمتر فردی به این موضوع توجه دارد. شرط حکمرانی خوب، شایسته سالاری و چرخش نخبگان است اما در دولت و سمت‌های حکومتی یک چرخه بسته‌ای وجود دارد که تنها افراد در این چرخه بسته، تنها جابه‌جا می‌شوند یعنی یک فرد از این سمت به سمت دیگری می‌رود و از آن سمت به سمت دیگری منصوب می‌شود. اگر این فرد موفق است در همان جایگاه بماند، اگر موفق هم نیست به چه دلیل سمت دیگری به او داده می‌شود. در سیاسیون بیرون چرخه که اصلاح‌طلبان هستند همین اتفاق رخ می‌دهد. نیاز به دگرگونی عمیق داریم.

چه افراد، نهاد یا گروه‌هایی باید این دگرگونی که اشاره کردید را ایجاد کند؟

مطالبات مردم به همین دگرگونی‌ها می‌رسد.

به هر حال مشکلات کشور به سمتی می‌رود که بدون تعارف مردم مانند گذشته رویکرد و نگاه

مثبتی به جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اعتدالی نخواهند داشت.

این موضوع هم خوب است و بد نیست.

اگر این اتفاق رخ دهد شاید سال 84 تکرار شود.

خب بشود. الان مگر 84 تکرار نشده است. مگر عملکرد آقای روحانی تفاوت زیادی با سال 84 دارد؟ البته نباید فراموش کنیم آقای روحانی مشکلات بیرونی هم دارد و کسان دیگر هم اجازه نمی‌دهند که او کارهایش را انجام دهد اما خود او هم به‌ویژه در دولت دوم تلاشی نکرد که بتواند موانع را دور بزند یا برای منصوب کردن مدیران موفق و شایسته تلاش نکرد. همچنین در مقابل فشارهایی که به ایشان برای تغییر تیم و افراد وارد شد تلاشی نداشت. من به این نتیجه رسیدم که متأسفانه همان چرخه بسته مدیریت و اداره امور را فشل کرده است که نیاز به دگرگونی عظیم داریم.

از سوی دیگر تداوم این مشکلات که اشاره کردید بر روحیه جامعه تاثیر دارد و رأی دادن خودشان به اصلاح‌طلبان و غیره را بی‌فایده می‌دانند. اینطور نیست؟

شاید گفته شود که مردم به پای صندوق‌های رأی نمی‌آیند که تا حدودی حق دارند. مگر چند دوره به اصلاح‌طلبان رأی دادند، چه اتفاقی رخ داد. البته توجه کنید که برخی نمایندگان خانم و آقا در مجلس عملکرد خوبی دارند اما احساس نمی‌شود در دولت و شورای شهر، مطالبات مردمی که در انتخابات به مرحله تحقق رسیده باشد.

شاید دلیلش تعیین سهمیه از سوی احزاب در ارائه لیست انتخاباتی باشد که طی آن به افراد شایسته فرصت حضور پیدا نکردند.

بله؛ همان‌طور است. بیشتر مهندسی انتخابات به‌ویژه در شورای شهر بود. در آن برهه مهندسی انتخابات از سوی اصلاح‌طلبان انجام شد و اکنون هم در انتخابات شهردار و افرادی که در مسئولیت‌های مختلف قرار داده می‌شوند همان اتفاق رخ می‌دهد که خوشایند نیست.

عضو ارشد حزب کارگزاران هستید که بیانیه‌اش با انتقاد حزب اعتدال و توسعه مواجه شد. یا برخی احزاب سیاسی آنقدر درگیر سهم‌خواهی شدند که به نظر نمی‌رسد فرصت و انگیزه هم اندیشی داشته باشند تا تغییر مثبتی که مدنظرشان بود محقق شود. اینطور نیست؟

برخلاف آنچه برخی می‌گویند اعتقاد ندارم کارگزاران با اعتدال و توسعه وارد چالش شده است بلکه ماجرا چنین بود که کارگزاران نسبت به مسائلی که دولت با آن مواجه است بحث کارشناسی کرد و به این نتیجه رسید که این موضوعات در فعالیت دولت اثر منفی گذاشته است که طی بیانیه‌ای اعلام کرد. همچنین پیشنهادهایی را مطرح کرد که اگر قرار است روند امور در دولت شکل بهتری به خودش بگیرد و مشکلات رفع شود چه باید کرد. پس از آن بود که حزب اعتدال و توسعه این اقدامات را چنین تفسیر کرد که کارگزاران به دنبال سهم‌خواهی است. ما که آقایان جهانگیری و همتی را در دولت داریم و دنبال حضور اعضای کارگزاران در دولت نیستیم. الان چرخه سنی برخی در دولت از مدیریت گذشته است و می‌توانند مشاوران خوبی باشند اما چرخه همان چرخه بسته‌ای است که تکرار می‌شود. می‌بینید وزیری که در دولت بابا بوده و کارنامه موفقی هم داشت اکنون می‌آید اما عملکرد مورد تاییدی ندارد. آدم‌هایی که در آن برهه موفق بودند در این مقطع کارایی لازم را ندارند. حرف کارگزاران این است که باید خون تازه وارد این سیستم بشود و آن چرخه ترک بردارد و تغییر کند که دیگران آن را به سهم‌خواهی و درافتادن با دیگران تعبیر می‌کنند که چنین نیست. هدف کارگزاران درافتادن با اعتدال و توسعه نبود و ما اصلاً کاری به این حزب نداریم. به دلیل اینکه آقای روحانی عضو حزب اعتدال و توسعه است چنین تفسیر کردند. یکی دیگر از موضوعات تیم اقتصادی دولت است که در آن آقای نوبخت و برخی دیگر از اعضای حزب اعتدال و توسعه حضور دارند که با این موضوع به‌صورت شخصی برخورد می‌کنند، اما واقعیت این است که هدف کارگزاران چنین موضوعی نبوده است. من از نامه یا بیانیه کارگزاران دفاع می‌کنم، چراکه خیلی بهنگام و خوب بود.

برخی می‌گویند آقای روحانی به توصیه‌های آیت‌ا... هاشمی توجه لازم نمی‌کرد. واقعیت همین است؟

به‌طور طبیعی هر فرد دارای نظراتی است و دیگران موظف نیستند مشاوره دیگران را به‌طور کامل بپذیرند و اجرا کنند. تا جایی که من مطلع هستم آقای روحانی در همه موضوعات از بابا مشورت نمی‌گرفت و در خیلی از مواردی که مشورت می‌کرد و بابا به ایشان نظر می‌داد، آن را انجام نمی‌داد و آنچه را که خودش با آن موافق بود، انجام می‌داد. معتقدم آقای روحانی می‌توانست از تجربیات، سوابق، توانایی‌ها و علم و دانش بابا در اداره دولت استفاده کند اما چنین نکرد و می‌توانست بهتر از این باشد. اینطور نبود آقای روحانی به هر چه بابا می‌گفت عمل کند یا مشورت بگیرد. به عنوان نمونه در موضوع عربستان آقای روحانی مشورتی از بابا نخواست در حالی که بابا تلاش‌ها و گذشته خوبی برای برقراری و احیای روابط با عربستان داشت و موفق بود اما آقای روحانی نیامد که مشورت بگیرد در

شرایط ایجاد شده میان ایران و عربستان چه باید کرد. آقای روحانی خیلی اهل مشورت نیست. به موضوعات خانوادگی هم پردازیم. ظاهراً اکنون آقا محسن، شما و فاطمه خانم در ساختمان‌های کنار هم زندگی می‌کنید و مادر هم به آنجا آمده‌اند. چرا آقا یاسر در جمع شما نیست؟ محسن و فاطمی و من در پاسداران زمین‌هایی داشتیم که من زمینم را فروختم و مامان در زمین خودش یک آپارتمان سه طبقه ساخت که دو واحد برای مامان و یک واحد برای من است. فاطمی در سمت چپ و محسن در سمت راست ماست. در آن محوطه ما 4 تا در کنار هم هستیم. همان زمان که آن آپارتمان را می‌ساختیم، یاسر و مهدی در جماران زمین خریدند و ساختند. احتمالاً عروس‌ها دوست نداشتند با خواهرشوهرها در یک جا باشند. (خنده) بنابراین خانه‌های خودش را دارند و بنا نیست همه جابه‌جا شوند تا کنار هم باشند. وقتی قرار شد محل قبلی زندگی مامان و بابا، خانه موزه شود مامان آنجا را آماده کردند که ما کنار هم باشیم و یاسر هم خانه خودش است، البته مهدی که زندان است و خانم او در خانه خودش است.

خانواده هاشمی مورد توجه زیاد شایعه‌سازها هستند مثلاً می‌گویند آقا مهدی زندان نیست!

مهدی در زندان است. همین شبیه برای دیدن مهدی به زندان رفتیم.

فرزندان آقای هاشمی روزهای پرتلاطمی را گذرانند که این همبستگی و حمایت‌های 5 خواهر و برادر از همدیگر در روزهای سخت قابل تأمل است. بابا عامل این همبستگی بودند؟

احتمالاً سیره و روندی است که بابا پایه‌گذاری کرد. همیشه نهار روز جمعه را در خانه بابا بودیم و هنوز هم ادامه دارد. همه ما مشغله زیادی داریم اما در آن روز همدیگر را می‌بینیم و گفت‌وگو می‌کنیم. علت دیگر اینکه با عقاید مختلف در کنار هم متحد و پشت همدیگر هستیم این بود که بابا اصرار نداشت که همه مثل همدیگر حرف بزنیم، فعالیت کنیم، یک خط فکری داشته باشیم و... هر کدام با افکار مختلف خودمان فعالیت می‌کردیم و کسی هم به ما اعتراضی نمی‌کرد البته ممکن بود بابا گاهی تذکری بدهند که «اگر اینطوری می‌گفتی بهتر بود» اما «چرا فلان حرف را زدی» را نداشتیم یا کمتر داشتیم. این باعث شد تا در خانواده یاد بگیریم در حین کنار هم بودن، اندیشه‌های مختلف را تحمل کنیم. به عنوان نمونه محسن بارها اعلام کرده که با حرف‌های من خیلی موافق نباشد و من هم ممکن است با حرف‌های محسن خیلی موافق نباشم یا در سال 76 من در ستاد رئیس دولت اصلاحات فعالیت می‌کردم و فاطمی در ستاد آقای ناطق نوری بود اما مشکلی نداریم و در کنار هم هستیم. پس یاد گرفتیم که در حین اینکه ممکن است اندیشه‌های مختلف داشته باشیم و متفاوت فکر کنیم ولی کاری به کار هم نداشته باشیم و اجازه بدهیم هر کسی حرف خودش را بزند و از همدیگر هم حمایت کنیم و پشت همدیگر باشیم. این تربیتی بوده که در ما جا افتاده است و ادامه دارد. دلیل این موضوع را تربیت خانوادگی و سیاست‌های بابا می‌دانم.

در دولت آقای هاشمی هم این احترام به طرز فکرهای مختلف نمود داشت، یعنی از جریان‌های مختلف در این کابینه حضور داشتند.

بله. در کابینه، مجمع تشخیص مصلحت و هر جا که بابا بود سعی می‌کرد افراد با افکار مختلف یا گرایش‌های سیاسی متفاوت حضور داشته باشند. همین اعتدالی که گفته می‌شود آقای هاشمی سمبل آن است بر همین اساس بود و در زندگی هم این مشی را داشتند.

آقای هاشمی هیچوقت نخواستند مسیری که شما می‌روید را متوقف کنند، اما به دلیل حساسیتی که برخی به اقدامات‌تان داشتند، ذهن ایشان نگران بود و دغدغه شما را داشتند. اینطور نبود؟

فکر بابا مشغول بود و اعتراض‌های زیادی می‌شد. اصولگرایان در زمانی که روزنامه زن را راه‌اندازی کردم به من اعتراض نمی‌کردند و پیش بابا می‌رفتند و اعتراض می‌کردند «چرا فائزه این را نوشت، چرا فائزه این عکس را گذاشت، چرا فائزه این کار را کرد و چرا فائزه آن کار را کرد. روزنامه زن باید تعطیل شود و...» یعنی فشارها به بابا بیشتر از من بود. برخی عکس‌العمل کارهای من را به بابا منتقل می‌کردند.

این فشارها را در روز به آقای هاشمی وارد می‌کردند. شب که ایشان به خانه می‌آمدند چه واکنشی داشتند و به شما چه می‌گفتند؟

آنچنان چیزی به من نمی‌گفت. مثلاً تذکراتی که بابا در مورد روزنامه زن به من می‌داد این بود که «چرا فلان مطلب را در صفحه یک منتشر کردی که سبب عکس‌العمل شود. همان مطلب را در صفحات داخلی منتشر می‌کردی» اما یک بار هم نگفت چرا فلان مطلب را منتشر کردی. یکی از نزدیکان مرتب نسبت به تصاویر زنان و موضوعات مربوط به حقوق زنان روزنامه به بابا غر می‌زد اما بابا یکبار به من نمی‌گفت چرا این مطالب را نوشتی. تذکرات بابا به من درباره محل انتشار مطالب در روزنامه زن بود. بابا در روزی که تصمیم به انتشار روزنامه زن گرفتم از هدفم سوال کرد و پاسخ دادم هدف من فرهنگ سازی درباره حقوق زنان است چون معتقد بودم «مشکلات فرهنگی ما با مطالعه روزنامه و آگاهی

رسانی به مردم کاهش پیدا می‌کند. طبیعتاً می‌خواهم به قوانین و نابرابری حقوق زنان و مردان هم توجه کنم. روزنامه نباید مختص یک قشر باشد، چراکه برای همه مردم است. اگر قرار باشد روزنامه زنانه باشد فقط زنان می‌خوانند، پس مردان در کجا باید تحت تأثیر قرار بگیرند بنابراین باید به مسائل کل جامعه بپردازم علاوه بر اینکه اولویت من اختصاص بخش عمده روزنامه به مسائل زنان است» که موافقت کرد. نکته جالب اینکه در ابتدا به روزنامه زن مجوز نمی‌دادند. معتقدم بابا آنچنان با حرف‌های من مخالف نبود و بیشتر در مورد زمان، نوع و سیاست مطرح شدن آن تذکر می‌داد. تذکراتی که از بابا می‌گرفتم خیلی کم بود.

یکی از ایراداتی هم که به شما می‌گرفتند و حتماً این بار هم شکایت شما را به آیت‌ا... کردند موضوع دوچرخه سواری زنان بود که دیگر مانند گذشته مخالفتی با آن نمی‌شود. آن روزها بر شما و آیت‌ا... چگونه گذشت؟

دوچرخه سواری زنان هیچگاه خلاف قانون نبود و کسی هم با آن مخالف نبود.
پس آن همه اعتراض و فشار چه دلیلی داشت؟

من موضوع دوچرخه سواری زنان را دو سال قبل از آغاز اعتراضات به این موضوع مطرح کرده بودم. اعتراضات و فشارها در حالی بود که دوچرخه سواری خانم‌ها نیاز به قانون ندارد و منعی برای آن نیست. 2 سال پس از طرح دوچرخه سواری زنان وقتی که برای مجلس، کاندیدا شدم مخالفان یادشان افتاد که می‌توانند از این موضوع علیه من استفاده کنند. من هر کجا که می‌رفتم از من سوال می‌شد و پاسخ می‌دادم و گرنه دوچرخه‌سواری بانوان هیچگاه شعار انتخاباتی من نبود ولی تبدیل به شعار تبلیغاتی شد. به نظرم دوچرخه سواری بانوان منعی نداشت و یک جو سیاسی برای آن ایجاد کردند. فتوایی که گرفتم هم اینگونه بود که گفته نشد دوچرخه سواری حرام است بلکه گفتند مفسده انگیز باشد، حرام است. الان مطالبات جامعه بسیار بالاتر رفته و حساسیت‌ها به دوچرخه سواری بانوان وجود ندارد یا بسیار ناچیز است. دوچرخه سواری بانوان در جامعه به تدریج به اقدام عادی در جامعه تبدیل شد و مطالبات زنان به سمت موضوعات حادث‌تر رفت بنابراین مخالفت‌ها با این موضوع در زمانی که مطالبات دیگری مطرح شد کاهش پیدا کرد و برخلاف آن سال‌ها دیگر ایرادات جدی به این موضوع گرفته نشد. همان ایام هم می‌دیدیم که زنانی در تهران و شهرستان‌ها دوچرخه سواری می‌کنند و بیشتر اعتراضات به دلیل مسائل سیاسی بود.

شما هنوز ورزش می‌کنید؟

والیبال، پیاده‌روی و کوهنوردی از ورزش‌هایی است که به‌صورت برنامه‌ریزی شده انجام می‌دهد. ممکن است برخی اوقات هم بدمینتون بازی کنم.

مسئولیتی در حوزه ورزش داشتید؟

نه. من هیچوقت مسئولیتی نداشت‌م. گهگاهی در مورد ورزش زنان مشورت‌هایی می‌دهم اما هیچوقت مسئولیت رسمی نداشت‌م.

تعداد زیادی برای حلالیت طلبی به نزد آقای هاشمی می‌آمدند؟

خیلی‌ها می‌آمدند به‌ویژه پس از سال 84 و 76 که چپی‌ها تخریب کردند و 88 و بعد از آن خیلی افراد برای حلالیت آمدند. بسیاری از افراد از من هم حلالیت می‌طلبید.

آقای هاشمی اهل بخشش بودند و با لبخندشان به این افراد آرامش می‌دادند. شما به افرادی که برای حلالیت طلبی می‌آمدند چه می‌گفتید؟

من معمولاً می‌گویم برای من مهم نیست. بالاخره چیزی بوده که گذشته و من کینه به دل نگرفتم. همین که خود شما متوجه اشتباهتان شدید کافی است. آقای هاشمی سریع همه را می‌بخشید. حتی اگر برای حلالیت نمی‌آمدند من فکر نمی‌کنم کینه‌ای نسبت به چنین افرادی در دل داشت.

مردم در این شرایط چه باید بکنند؟

مردم باید بیان مطالباتشان را از مسیر منطقی ادامه دهند. مردم خودشان کار خودشان را می‌کنند و ادامه بیان مطالبات اگر ادامه پیدا کند، تأثیرگذار است. در قرآن هم آمده است که سرنوشت هر قومی را خودشان تعیین می‌کنند یعنی اشتباه است اگر ساکت باشیم و فکر کنیم اتفاقات خوبی رخ می‌دهد بلکه باید مطالبات گفته شود، گفته شود، گفته شود تا شاید اتفاقی بیفتد.

این در شرایطی است که مردم هدف مشترک یعنی بهبود وضعیت اقتصادی را داشته باشند و خبری از سوءاستفاده کنندگان نباشد.

اشکال ندارد و طبیعت کار است.

این عده مسیر بیان مطالبات مردم را منحرف می‌کنند.

به نظرم این حرف‌ها پاک کردن صورت مساله است. قبول ندارم. بالاخره آنها هم مردمی هستند که مطالباتی دارند که ممکن است جایی به آنها گفته باشد اما در نهایت جزو مردم ناراضی هستند. مگر کسی در زمان انقلاب می‌توانست جدا کند و بگوید این طرفدار فلان است و آن طرفدار فلان. همه

می‌آمدند و اعتراضاتشان را می‌گفتند. این تقسیم بندی مردم و معترضان سیاسی است که بر اعتراضات مردم سرپوش بگذارد و بگوید طبیعی نیست. یک عده ممکن است دغدغه اقتصاد و یک عده ممکن است دغدغه دیگری داشته باشند. همه قرار نیست دغدغه اقتصاد داشته باشند. مگر چه نقشی غیر از بیان یک اعتراض می‌توانند داشته باشند. باید حرف آنها هم شنیده شود. من قبول ندارم دیگران سوءاستفاده می‌کنند. معتقدم ما دشمن خودمان هستیم.

چه کسی دایناسور ایرانی را در برزیل سوزاند؟

همچنین این پرسش مطرح است که چه آثار در چند دهه اخیر قرض داده شده و کدام آثار هنوز در موزه‌های خارجی است و به ایران بازنگشته و آیا باید یک تراژدی دیگر رخ دهد تا اندک تحرکی را نسبت به این اتفاق در افکار عمومی شاهد باشیم؟



پس از سوختن یک دایناسور ایرانی در برزیل، این پرسش مطرح شد که چه مقام مسئولی برای مدت شانزده سال این دایناسور را به برزیل قرض داده و چرا مدت قرض با گذشت این مدت به سر نیامده بود؟ همچنین این پرسش مطرح است که چه آثار در چند دهه اخیر قرض داده شده و کدام آثار هنوز در موزه‌های خارجی است و به ایران بازنگشته و آیا باید یک تراژدی دیگر رخ دهد تا اندک تحرکی را نسبت به این اتفاق در افکار عمومی شاهد باشیم؟

به گزارش «تابناک»؛ آتش سوزی بزرگ در موزه ملی برزیل در عصر یکشنبه یازده شهریورماه، این مرکز فرهنگی 200 ساله را با بیش از بیست میلیون شی تاریخی و باستانی نابود کرد. بر اساس اخبار موثق، نخستین و ارزشمندترین نمونه دایناسوری که در سال 1381 برابر با 2003 میلادی طی نخستین پی‌جویی دایناسورها در منطقه آب‌بید کرمان کشف شده بود، با اجازه رئیس وقت پژوهشکده علوم زمین، به‌رسم امانت به موزه ملی برزیل منتقل شده و یکی از آثار نابود شده در این موزه، همین دایناسور ارزشمند است که جزو معدود دایناسورهای کشف شده در ایران است.

متأسفانه تصویب قانون جدید حفظ میراث فرهنگی ایران در 14 اسفند 1381 رخ داد و این دایناسور ماه‌ها پیش از اجرای این قانون که مانع جدی برای خروج این دایناسور از ایران بود، از کشور خارج و به

برزیل منتقل شده بود. بر اساس ماده یک قانون جدید، اموال فرهنگی-تاریخی و هنری به اموالی گفته می‌شود که از نظر علمی، تاریخی، فرهنگی، باستان‌شناسی، دیرین‌شناسی و هنری حایز اهمیت بوده و بیش از یکصد سال از تاریخ ساخت یا ایجاد آن گذشته باشد و بر اساس ماده 21 این قانون، اموال فرهنگی تاریخی و هنری درجه یک (ملی) برای شرکت در نمایشگاه‌های خارج از کشور منوط به تایید سازمان میراث فرهنگی و سپس تصویب هیأت وزیران تلقی شده و برای آثار درجه دو و سه نیز موافقت سازمان میراث فرهنگی ضروری است.

محمدرضا کارگر، مدیر اداره کل موزه‌ها در این زمینه تاکید کرده است: «سازمان میراث فرهنگی مسئول نمونه‌های اشیای تاریخی و فرهنگی است، در حالی که نمونه فسیل دایناسوری جزو آثار طبیعی است که بیشتر مربوط به محیط‌زیست، زمین‌شناسی و فسیل‌شناسی می‌شود چیزی که ما اصلاً در آن دخالتی نداریم و حتی از این موضوع اطلاعی نداشته‌ایم. از هیچ کدام از موزه‌های ایران، هیچ اثر تاریخی و فرهنگی در موزه‌ی برزیل در معرض نمایش نبوده است.»

در این زمینه چند پرسش اساسی وجود دارد، نخست اینکه مشخص نیست این امانت چرا بعد از 16 سال یعنی عمر چهار تا دولت برنگشته است؟! چرا پس از خروج این آثار و اجرای قانون جدید، در این زمینه از هیأت دولت کسب مجوز نشده و با توجه به اینکه چنین مجوزی وجود نداشته، چرا شرایط با قانون جدید تطبیق داده نشده و این اثر تاریخی به ایران بازگردانده نشده است؟ پرسش دیگر اینکه چه کسی مسئول خروج این اثر تاریخی ایران از کشور بوده و حال چه کسی باید تاوانش را بدهد؟ آیا اساساً برزیل قرار است یک خسارت محدودی پرداخت کند و در این روزها پیگیری مشخصی صورت پذیرفته است؟

پرسش دیگر اینکه چرا رسانه‌ها و افکارعمومی حساسیت جدی نسبت به این خبر نشان نداد؟ از جانب دیگر تجربه نشان داده، همین حساسیت‌های اندک نیز مقطعی است و مرور زمان باعث می‌شود افکارعمومی فراموش کند چه چیزی به امانت به کشورهای دیگر داده شده است. بنابراین انتظار می‌رود سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر نهادهای مسئول اعلام کنند در حال حاضر چه اشیای تاریخی را از چه زمان به کدام کشورها به امانت دادند و این آثار دقیقاً چه زمان به کشور بازمی‌گردد؟

در کنار این همه پرسش‌ها پیرامون دایناسور سوخته و فراتر از این حادثه، باید اندکی به موزه‌های کشور به خصوص موزه‌هایی که گنجینه اصلی آثار تاریخی ایران هستند، با تامل و نگرانی نگریست. آیا اطمینان بالایی وجود دارد که موزه‌های بزرگ ایران نظیر موزه ایران باستان و موزه هنرهای معاصر با حادثه مشابهی مواجه نشوند و میراث ملت ایران در آتش نسوزد؟ آیا نباید نگران بود و تمهیدات ایمنی اندیشیده شده دست کم برای موزه‌های بزرگ ایران وسیع‌تر از موزه ملی برزیل است؟

1. اقتصاد

بانک مرکزی پاسخ دهد؛

به کربلا نروید؛ ارز نداریم/ به ترکیه و تایلند بروید!



دو بانک تجارت و پارسیان که مسئولیت تامین ارز مسافرتی برای زائران عتبات را داشتند، از پرداخت ارز به این مسافران امتناع می‌کنند در حالی که به راحتی می‌توان برای مسافرت به سایر کشورها ارز دریافت کرد. **سرویس اقتصاد مشرق** - ماجرای پرداخت ارز مسافرتی برای سفرهای خارج از کشور به یکی از پرمناقشه‌ترین مسایل حوزه بانکی کشور طی ماه‌های اخیر تبدیل شده است و بسیاری از کارشناسان نسبت به ضرورت حذف این یارانه برای سفرهای غیر ضروری هشدار داده‌اند.

عمده دلیل اصلی که مخالفان پرداخت این ارز به مسافران مطرح می‌کنند، سواستفاده برخی شرکت‌های مسافرتی از این یارانه است بطوریکه هم‌اکنون تعدادی از این تورها در ازای دریافت ارز داده شده به مسافران، آن‌ها را به‌طور رایگان به مسافرت می‌برند و در مقابل ارزی را که با قیمت حدود ۵۰۰۰ تومان خریداری کرده‌اند با قیمت بیش از ۱۱ هزار تومان به فروش می‌رسانند.

یارانه ۶ هزار میلیاردی برای سفر به ترکیه و تایلند + جدول

یارانه ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیاردی برای سفرهای خارجی

از سوی دیگر، بی‌توجهی و ضعف بانک مرکزی سبب شده، تخصیص این ارز که برای هزینه‌های شخص در کشور خارجی پرداخت می‌شود تنها مختص به سفرهای تفریحی و... باشد و سایر سفرها بخصوص زیارتی از آن محروم بمانند.

گرچه بانک مرکزی در بخشنامه‌ای که ۱۴ اردیبهشت ماه امسال صادر کرد، وظیفه پرداخت ارز به مسافران عتبات را به دو بانک تجارت و پارسیان محول کرد و آن‌ها موظف به پرداخت ۲۵۰ هزار دینار ارز مسافرتی به زائران عتبات عالیات شدند، اما آنچه در عمل اتفاق افتاده این است که هیچ‌کدام از این دو بانک و بانک‌های دیگر برای این مسافران ارز تخصیص نمی‌دهند.

در بیانیه بانک مرکزی آمده است:

در حال حاضر تأمین و پرداخت ارز مسافرتی (به صورت اسکناس) از طریق پنج بانک ملی ایران، ملت، سامان، تجارت و پارسیان امکان‌پذیر است و در این بین، **تأمین و پرداخت ارز مسافرتی به زائران عتبات عالیات صرفاً از طریق دو بانک تجارت و پارسیان انجام می‌شود.**

حسب هماهنگی‌های به عمل آمده با سازمان حج و زیارت و به منظور تسهیل شرایط مسافرت هموطنان ایرانی به

عتبات عالیات، تأمین و پرداخت ارز مسافرتی به زائران عتبات عالیات اعلامی از سوی سازمان حج و زیارت (به طور کلی اعم از زمینی یا هوایی) به میزان **250 هزار دینار عراق صرفاً از طریق تمام شعب ارزی منتخب بانک‌های تجارت و پارسیان در سطح شهر** و با ارایه فهرست مشخصات زائران که توسط دفاتر سازمان مورد اشاره تایید شده باشد، بدون ارایه بلیط و گذرنامه بلامانع است.



مشارکت بانک های تجارت و پارسیان در تأمین ارز مسافرتی و زیارتی / بانک ملت هم ارز مسافرتی می دهد

۱۳۹۷

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۷

بانک های تجارت، پارسیان و ملت هم راستا با سیاست جدید ارزی، به فهرست بانک های ارایه دهنده خدمات ارز مسافرتی به مسافران خارج کشور افزوده شدند. همچنین در تصمیمی دیگر، بانک های تجارت و پارسیان با هماهنگی سازمان حج و زیارت نسبت به تأمین و پرداخت ارز مسافرتی به زائران عتبات عالیات اقدام خواهند کرد.



به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، در حال حاضر تأمین و پرداخت ارز مسافرتی (به صورت اسکناس) از طریق پنج بانک ملی ایران، ملت، سامان، تجارت و پارسیان امکان پذیر است و در این بین، تأمین و پرداخت ارز مسافرتی به زائران عتبات عالیات صرفاً از طریق دو بانک تجارت و پارسیان انجام می شود.

از این رو و در راستای اجرای تصمیمات اتخاذ شده از سوی ستاد اقتصادی دولت مبنی بر تبیین سیاست‌های جدید ارزی، ترتیبات تأمین و پرداخت ارز مسافرتی به شرح زیر است:

۱- تأمین و پرداخت ارز مسافرتی (به صورت اسکناس) یک بار در سال امکان پذیر خواهد بود.

طی تماس **خبرنگاران مشرق** با شعب ارزی این دو بانک که وظیفه تخصیص ارز را داشتند، آنچه اعلام شد این است که هیچ دستور و بخشنامه ای برای تخصیص ارز مسافرتی برای افرادی که برای زیارت به عراق می‌روند دریافت نکرده‌اند.

در این زمینه می‌توان به پاسخ شعبه ارزی یکی از این دو بانک حاضر سازمان حج و زیارت اشاره کرد که در این زمینه گفت:

بانک مرکزی هیچ ابلاغی برای پرداخت ارز نداشته و از شهریور پارسال تا کنون به زائران عتبات ارزی تخصیص داده نشده است. وی دلیل اصلی این ماجرا را ناتوانی دولت در تأمین ارز مسافرتی برای سفر عتبات ذکر کرد.

در واقع در حال حاضر نه بانک تجارت و نه بانک پارسیان هیچ‌کدام به زائران حرم‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)، باوجود اینکه دسترسی ایران به منابع دینار بسیار راحت‌تر از سایر ارزهاست، هیچ ارزی تخصیص نمی‌دهند ولی در مقابل برای سفرهای تفریحی و گشت‌وگذار به راحتی دلار و یورو می‌دهند.

طبق اماراتی که مدتی قبل منتشر شده است، **بانک مرکزی از ۲۱ فروردین ماه امسال تا 21 تیرماه و در مدت سه ماهه، در مجموع معادل ۳۱۲ میلیون دلار ارز بابت سفرهای خارجی هموطنان پرداخت کرده است.** که با این وجود می‌توان گفت سهم سفرهای زیارتی از این یارانه پرداختی صفر بوده است.

این درحالیست که هنوز مدت زیادی از توصیه رهبرانقلاب در نماز عیدفطر برای سفرهای خارجی نگذشته است. ایشان در خطبه‌های نماز عید فطر فرمودند:

رفتن به سفرهای خارجی تفریحی، به کشورهای گوناگون -البته غیر از سفرهای زیارتی به عتبات یا به حج، این مورد نظر نیست؛ آن این‌قدر خرج و هزینه‌ای هم بر دوش کشور نمی‌گذارد، دارای برکاتی هم هست- سفرهای تفریحی، سفرهای زائد با بهانه‌های گوناگون را کنار بگذارند.

قصه فوران دماوند و سیل عجیب آن پیچیده تر شد!

هفته گذشته پس از وقوع سیل در گزنک در استان مازندران بر اثر ذوب شدن ناگهانی یخچال‌های قله دماوند شایعاتی مبنی بر فعال شدن قله دماوند در فضای مجازی منتشر شد. سخنگوی سابق سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی درباره وقوع این سیلاب بر این نظر است؛ احتمال اینکه این اتفاق یک پدیده لحظه‌ای باشد، بسیار کم است و به احتمال زیاد با لغزشی در دامنه‌های پرشیب دماوند به مرور آب در یک نقطه جمع‌شده و بعد از شکست سد طبیعی سیلاب رها شده و به سرعت به پایین شیب آمده است. بدلیل گل و سنگ فراوان همراه با این پدیده حتی می‌توان آنرا گلروانه و یا روانه واریزه‌ای نامید.

به گزارش اصلاحات نیوز؛ کانال آب و هوای ایرانی نوشت:

هفته گذشته پس از انتشار ویدئویی درباره سیلی عظیم در مازندران ناشی از برف و یخهای دماوند، آن را غیر طبیعی خواندیم و ماجرا را قابل تحقیق. اینک قصه این کوه سپید موی که سر بر بالین پایتخت دارد، پیچیده تر شده است!

سخنگوی سابق سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور با بیان اینکه وقوع سیل در گزنک احتمال دارد به دلیل گرم شدن بدنه قله دماوند و آب شدن یخ‌برف‌ها باشد، گفت: مدل‌های نقشه‌برداری که از آتشفشان دماوند توسط تصاویر ماهواره‌ای دریافت شده، تغییر شکل‌های دائمی را از سال‌ها قبل در قله دماوند نشان داده است و این تغییر شکل در نهایت روزی به انفجار و آتشفشان منجر خواهد شد!

هفته گذشته پس از وقوع سیل در گزنک در استان مازندران بر اثر ذوب شدن ناگهانی یخچال‌های قله دماوند شایعاتی مبنی بر فعال شدن قله دماوند در فضای مجازی منتشر شد. سخنگوی سابق سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی درباره وقوع این سیلاب بر این نظر است؛ احتمال اینکه این اتفاق یک پدیده لحظه‌ای باشد، بسیار کم است و به احتمال زیاد با لغزشی در دامنه‌های پرشیب دماوند به مرور آب در یک نقطه جمع‌شده و بعد از شکست سد طبیعی سیلاب رها شده و به سرعت به پایین شیب آمده است. بدلیل گل و سنگ فراوان همراه با این پدیده حتی می‌توان آنرا گلروانه و یا روانه واریزه‌ای نامید.

سوال از سخنگوی سابق سازمان زمین‌شناسی این است که اگر چنین بود و برف و یخ‌ها طی مدتی طولانی آب و در جایی جمع شده، باید یک دریاچه طبیعی در کوهستان دماوند تشکیل می‌شد که از دید کوهنوردان فراوان این کوهستان نمی‌توانست دور بماند! پس چرا هیچ گزارشی مبنی بر وجود دریاچه مخابره نشده بود؟!

از نظر ما فعالیت‌های لحظه‌ای تکتونیکی در این قله، سبب لغزش یخ‌ها به ارتفاع‌های پایین تر که بسیار گرم تر است و ذوب سریع آنها شده است.

داعش در استان گلستان

جلالی، مدیرکل اطلاعات استان گلستان: در سال‌های ۹۳ تا ۹۴ فعالیت داعش در استان گلستان آغاز شد متأسفانه برخی جذب این گروه شدند، برخی در عملیات‌هایی در پاکستان، افغانستان و عراق کشته و برخی دیگر با اقدامات اداره کل اطلاعات توجیه و ارشاد شدند و به آغوش خانواده و زندگی برگشتند

در ۲۲ بهمن سال گذشته فردی قصد انفجار در گرگان و بهره‌برداری رسانه‌ای از آن را داشت که با هوشمندی و اشرافیت سربازان گمنام امام زمان (عج) استان قبل از هرگونه اقدام خرابکارانه دستگیر شد/ فارس



دمیدن در تنور درگیری‌های قومیتی در لوای "روسری ترکمن"

افرادی که هیچ نسبتی با قوم ترکمن نداشتند با سر کردن روسری‌های ترکمنی به دنبال دمیدن در تنور جنگ و درگیری‌های قومی و مذهبی بودند که با هوشیاری نیروهای اطلاعاتی استان این افراد دستگیر شدند. **به گزارش مشرق**، استان گلستان را به واسطه میزبانی از اقوام و مذاهب مختلف، نگارستان ایران لقب داده‌اند. استانی با بیش از یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفر جمعیت که از شیعه و سنی، فارس و ترکمن، لر، کرد، بلوچ و مازنی و سیستانی را در خود جای داده است. استانی که وحدت کم نظیر مذاهب اسلامی و اقوامش، می‌تواند الگویی مناسب برای جهان اسلام باشد. دشمن بارها تلاش کرده تا این وحدت مثال زدنی را از بین برده و در تنور جنگ‌های مذهبی و قومی بدمد اما مردمان این سرزمین، همچنان وفادار به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی هستند.

هیولای خونخوار داعش از دل همین تفرقه‌ها و اختلافات قومی و مذهبی، سر برآورد و دشمن دیگر راحت‌ترین راه برای ضربه زدن به کشورهای اسلامی را پیدا کرده بود. هرچند رزمندگان غیور سپاه اسلام و مدافعان حریم اهل بیت (ع) دشمن را کیلومترها دورتر از مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی متوقف کرده بودند، اما دشمن برای ورود به داخل کشور و ایجاد ناامنی و عضوگیری برای اجرای نقشه‌هایش چشم طمع به ظرفیت اقوام و مذاهب مختلف دوخته بود.

موضوعی که جلالی، مدیرکل اطلاعات استان گلستان در همایش و نمایشگاه "مجاهدتهای خاموش" به آن اشاره کرد و گفت: قتل و کشتار داعش باعث شد که جمهوری اسلامی در ۴۰ مایلی ورود آنها به عراق درصدد کمک به دولت‌های عراق و سوریه برای متوقف کردن این گروه برآمد. تهاجمی که ۷ سال طول کشید و مقاومتی که با تاکید، درایت و تیزبینی پشتیبان انقلاب اسلامی؛ مقام معظم رهبری همراه بود که با عاقبت‌اندیشی آینده را ساخت و داعش را در منجلاب گرفتار کرد.

مدیرکل اطلاعات استان گلستان جلالی با اشاره به اغتشاشات و برنامه منافقان و ضدانقلاب برای اختلاف‌افکنی و ملتهب کردن فضای روانی جامعه این افراد کاملاً تشکیلاتی، آموزش دیده و به علت آشنایی با اصول حرفه‌ای اطلاعاتی در راستای تعالیم سازمان منافقان، مدتی هیچ سرنخی از خود به جا نمی‌گذاشتند با رصد اطلاعاتی تاکتیک‌ها و تکنیک‌های این گروه، در نهایت در شهرستان کردکوی عملیات دستگیری آنها انجام و تمام اعضای آن متلاشی شدند.

جلالی گفت: گاهی در همین استان ۳ نفر جمع می‌شدند، یکی می‌شد قاضی و فتوا می‌داد که مثلاً فلان معلم چون با حکومت همکاری می‌کند نباید زنده باشد، درست همان شیوه‌ای که منافقان و سازمان مجاهدین به اصطلاح خلق در اوایل انقلاب داشتند، برای همین در شرایطی که در جامعه جهل مرکب در حوزه تفکر داعش وجود دارد، مسئولیت و مأموریت اهل قلم بیش از این‌ها است.

مدیرکل اطلاعات استان به فعالیت‌های گروه‌های داعشی در استان گلستان هم اشاره کرد و گفت: در سال‌های ۹۳ تا ۹۴ فعالیت داعش در استان گلستان آغاز شد که متأسفانه برخی جذب این گروه شدند، برخی در عملیات‌هایی در پاکستان،

افغانستان و عراق کشته و برخی دیگر با اقدامات اداره کل اطلاعات توجیه و ارشاد شدند و به آغوش خانواده و زندگی برگشتند. برای خیلی از این افراد که از لحاظ فکری آلوده شده بودند، قبل از اینکه به داعش بپیوندند و از کشور خارج شوند، اقدامات پیش‌دستانه انجام دادیم و توجیه و ارشاد کردیم. به فضل الهی اهل سنت استان گلستان یکدست و از وحدت، انسجام و همدلی کامل برخوردار هستند، همگرا و حاکمیتی فکر می‌کنند برای همین در اغتشاشات اخیر حتی یک مورد دستگیری اهل سنت نداشتیم.

منبع: تسنیم

چهار ترکمن سنی مذهب با اتهام «عضویت در داعش» بزودی محاکمه میشوند

خبرگزاری هرانا - یونس نفسی، عبدالحی آق آتابای، محمد صفا مرادی گنبد و وحید یزدان پرست، چهار فعال مذهبی اهل سنت ترکمن با صدور کیفرخواست قرار است سوم مردادماه به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق «عضویت در داعش» در دادگاه انقلاب شهر گرگان محاکمه شوند. این شهروندان ترکمن قویا اتهام وارده را رد می‌کنند و خود را مبلغان مذهبی می‌دانند که باورهای فقهی آنان با گروه‌های بنیادگرایی چون داعش در تضاد است.

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، یونس نفسی، عبدالحی آق آتابای، محمد صفا مرادی گنبد و وحید یزدان پرست، چهار شهروند سنی‌مذهب ترکمن با صدور کیفرخواست بصورت رسمی به اتهام «عضویت در داعش» در سوم مردادماه سال جاری دادگاهی می‌شوند. یک منبع نزدیک به این شهروندان ترکمن با تایید این خبر در گفتگو با گزارشگر هرانا گفت: «در کیفرخواست این فعالین با طرح اتهام «اقدام علیه امنیت ملی با عضویت در گروه‌های معاند نظام (داعش)»، ماده ۴۹۹ مطرح شده که می‌تواند سه تا پنج سال حبس داشته باشد».

این منبع نزدیک به متهمان در مورد دلیل طرح چنین اتهامی خاطرنشان کرد: «ترکمن‌ها حنفی مذهب هستند، یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت که هیچ‌گونه ارتباطی با سلفی‌گری و وهابیت ندارد. سابقه امر نشان می‌دهد دستگاه امنیتی به هدف سرکوب و محدود کردن جامعه سنی مذهب کشور همیشه برای مبلغین اهل سنت اتهامات سلف‌گری، وهابی‌گری و یا عضویت در گروه‌های معاند نظام را در نظر می‌گیرد در حالی که عمدتاً این اتهامات پایه‌ای ندارند».

این منبع مطلع در مورد سابقه فعالیت‌های یونس نفسی، عبدالحی آق آتابای، محمد صفا مرادی گنبد و وحید یزدان پرست تصریح کرد: «فعالیت‌های آقایان برای پاسداشت زبان و فرهنگ ترکمنی بوده و تلاش برای تبلیغ آموزه‌های دینی حنفی مذهب در حوزه‌ها و مساجد انجام می‌دادند. مثلاً در مکتب‌های تابستانه و مساجد، فقه حنفی را به زبان ترکمنی تدریس می‌کردند».

نامبردگان بایستی در تاریخ سوم مردادماه سال جاری در شعبه یک دادگاه انقلاب گرگان جهت رسیدگی به اتهام خود حضور یابند.

لازم به یادآوری است هرانا مهرماه سال گذشته [گزارش کرده بود](#)، طی ۱۰ روز ۱۴ شهروند اهل سنت ازجمله عبدالحی آتابای، یونس نفسی و وحید یزدان‌پرست در شهرهای مختلف استان گلستان بازداشت شده‌اند. این چهار شهروند طی حدود ۴۵ روز بازداشت در سلول‌های انفرادی اداره اطلاعات استان گلستان در شهر گرگان بدون اجازه تماس با خانواده یا وکیل تحت بازجویی قرار گرفته بودند. پس از تکمیل پرونده و جلسه بازپرسی برای هریک قرار وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی صادر و با تودیع آن تا وقت دادگاه آزاد شدند.

یک منبع محلی در خصوص بازداشت سه تن از آنان به گزارشگر هرانا گفته بود: «عبدالحی آتابای، یونس نفسی و وحید یزدان‌پرست را شب هنگام و در داخل منزل بازداشت کردند و منزل ایشان را هم تفتیش کامل کردند.»

بررسی پیشرفتهای نظامی (دخیل در تشخیص و تحلیل)

بررسی مدیریت رفتار با غیر اتباع حکومتی، اتباع مذاهب، مسالک و ادیان دیگر در ایران

یونسی: دولت با محدودیت مولوی عبدالحمید و دیگر چهره‌های اهل سنت مخالف است

چکیده: به منظور برگزاری بدون مشکل نماز عید قربان اهل تسنن نیز تلاش‌هایی داشتیم که برگزاری نماز این روز آن‌ها بدون مشکل اقامه شد

علی یونسی دستیار رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌ها، درخصوص محدودیت‌های موجود برای مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل تسنن زاهدان و بعضی دیگر از چهره‌های مذهبی و سیاسی اهل سنت گفت: دولت با این محدودیت‌ها مخالف است.

وی درباره اقداماتی که دولت برای رفع این محدودیت‌ها انجام داده است، افزود: ما صحبت‌های زیادی در این خصوص با مراکز مختلف داشته‌ایم و اقدامات بسیاری هم در این رابطه انجام داده‌ایم.

یونسی همچنین به مراسم روز عید قربان در کشور اشاره کرد و یادآور شد: به منظور برگزاری بدون مشکل نماز عید قربان اهل تسنن نیز تلاش‌هایی داشتیم که برگزاری نماز این روز آن‌ها بدون مشکل اقامه شد.

گفتنی است، سال گذشته مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان در نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به محدودیت‌های خود و بعضی دیگر از چهره‌های مذهبی و سیاسی اهل سنت گلایه کرد و دفتر رهبر انقلاب بعد از مدت کوتاهی نامه‌ای دراین باره منتشر کرد که در آن تاکید شده بود همه ارکان جمهوری اسلامی موظفند براساس معارف دینی و قانون اساسی هیچ‌گونه تبعیض و نابرابری بین ایرانیان از هر قوم و نژاد و مذهبی روا ندارند.

با گذشت یک سال از دستور رهبر انقلاب برای رفع این محدودیت‌ها چندی پیش ۲۱ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به این مساله اعتراض کرده و در جلسه‌ای به وزیر اطلاعات در این خصوص تذکر دادند و در تذکر خود بیان کردند در حالیکه در برابر تهدیدات بیگانگان نیاز به تقویت و همبستگی ملی داریم، «علت ایجاد محدودیت در تردد و مسافرت‌های مولوی عبدالحمید چیست؟»

«تحت شدیدترین تدابیر امنیتی؛ درویشان گنابادی با چشم‌بند و دست‌بند از انفرادی فشافویه به مکانی نامعلوم منتقل شدند»

چکیده: صبح امروز درویشان گنابادی محبوس در سلول‌های انفرادی زندان تهران بزرگ (فشافویه) با دست‌بند و پابند و چشم‌های بسته تحت شدیدترین تدابیر امنیتی از سلول خارج و به مکانی نامعلوم منتقل شده‌اند

صبح امروز درویشان گنابادی محبوس در سلول‌های انفرادی زندان تهران بزرگ (فشافویه) با دست‌بند و پابند و چشم‌های بسته تحت شدیدترین تدابیر امنیتی از سلول خارج و به مکانی نامعلوم منتقل شده‌اند. به گزارش مجذوبان نور، از تعداد، اسامی، وضعیت جسمی و محل انتقال این درویشان اطلاعی در دست نیست.

این درویشان در حادثه‌ی حمله‌ی روز هفتم شهریور گارد زندان #فشافویه به چشمت مجروح و بدون رسیدگی درمانی به سلول‌های انفرادی منتقل شده بودند.

«تهدید اعضای شورایعالی اصلاح‌طلبان توسط اطلاعات سپاه؛ جمنا، حزب سیاسی سازمان اطلاعات سپاه!»

دوشنبه، ۱۲ شهریور، ۱۳۹۷

چکیده: ماموران اطلاعات سپاه در تماس با اکثریت اعضای شورایی عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان آنها را تهدید کرده که در جلسات این شورا حضور نیابند. تهدید اعضای شورایی عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان توسط سپاه در حالی صورت می گیرد که امروز قرار است اولین جلسه‌ی دوره‌ی جدید این شورا برگزار شود

کلمه - گروه خبر: ماموران اطلاعات سپاه در تماس با اکثریت اعضای شورایی عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان آنها را تهدید کرده که در جلسات این شورا حضور نیابند. به گزارش کلمه، تهدید اعضای شورایی عالی سیاستگذاری اصلاح طلبان توسط سپاه در حالی صورت می گیرد که امروز قرار است اولین جلسه‌ی دوره‌ی جدید این شورا برگزار شود. اطلاعات سپاه در حالی به دخالت‌های بی حد و مرز خود در حوزه سیاست ادامه می‌دهد که حتی نیاز به نگه داشتن حفظ ظاهر هم ندیده و نیروهای خود را در قالب جمنا و بدون کسب مجوز سازمان داده است. خبرگزاری فارس و تسنیم و روزنامه‌هایی چون جوان و سایت‌هایی چون مشرق و ... مجموعه رسانه‌ای این تشکیلات جناحی‌ترین مواضع ممکن را در بین رسانه‌های موجود دارند. تجمع پول و اسلحه و اطلاعات و زندان و رسانه در این نهاد نظامی تمامیت خواه در حدی است که طبعا نمی‌تواند از سیاست بگذرد و با همین ابزار زورگویانه در عرصه سیاست نیز حضور می‌یابد. نکته جالب این که در کنار تماس بازجویان سپاه با اعضای شورای عالی اصلاح طلبان، سایت مشرق نیز در روزهای اخیر گزارشی منتشر کرد مبنی بر غیرقانونی بودن شورای عالی اصلاح طلبان. بازوی رسانه ای و امنیتی این نهاد نظامی در حال حاضر یک بازی مشترک را پیش می‌برند.

شکستن دست و پای یک زندانی توسط پرسنل زندان رجایی شهر کرج

خبرگزاری هرانا - روز سه‌شنبه ۱۳ شهریورماه یک زندانی محبوس در زندان رجایی شهر کرج به دلایل نامعلوم توسط رئیس اندرزگاه ۱۰ مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت. این ضرب و شتم در حدی بوده که منجر به شکستن مچ دست راست و هر دو پای این زندانی از ناحیه‌ی پنجه شد و در حال حاضر از ویلچر استفاده می‌کند.

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، "رضا قاسمی" زندانی محبوس در زندان رجایی شهر کرج است که روز سه‌شنبه ۱۳ شهریورماه ۱۳۹۷ توسط رئیس اندرزگاه ۱۰ این زندان مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است.

یک منبع نزدیک به این زندانی در این خصوص به گزارشگر هرانا گفت: "آقای "زلالی" رئیس اندرزگاه ۱۰ زندان رجایی شهر کرج است. وی روز سه‌شنبه آقای "رضا قاسمی" را به صورت وحشتناکی مورد ضرب و شتم قرار داد. این ضرب و شتم در حدی بوده که مچ دست راست و هر دو پای وی از ناحیه پنجه شکسته و در حال حاضر از ویلچر استفاده می‌کند و به هیچ وجه بدون استفاده از ویلچر توان راه رفتن ندارد."

لازم به ذکر است که از دلایل ضرب و شتم این زندانی تا لحظه تنظیم این خبر اطلاعی در دست نیست. رضا قاسمی، ۲۸ ساله، زندانی محکوم به اعدام محبوس در اندرزگاه ۱۰ زندان رجایی شهر کرج است که به اتهام قتل در این زندان نگهداری می‌شود.

ضرب و شتم و بدرفتاری مسئولان زندان رجایی شهر کرج مسبوق به سابقه است. روز شنبه مورخ ۱۶ تیرماه سال جاری نیز یک زندانی به نام **بهروز حسینی** در بند ۶ زندان رجایی شهر کرج توسط پرسنل بند به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

همچنین در موردی دیگر از رفتار خشونت آمیز مسئولان زندان رجایی شهر کرج با زندانیان می‌توان به ضرب و شتم اخیر **حمزه درویش**، زندانی سنی مذهب زندان رجایی شهر کرج در تاریخ ۲۶ اردیبهشت‌ماه اشاره کرد. این زندانی که به دلیل آسیب‌های وارده بر اثر اعتصاب غذاهای طولانی مدت با پابند و دستبند به پزشکی قانونی اعزام شد، پیش از اعزام به شدت توسط مسئولان زندان مورد بدرفتاری قرار گرفت و در خصوص احتمال بیان اظهاراتی که مسئولان زندان را در مظان اتهام قرار بدهد تهدید شد.

حسن روحانی طی سال‌های اخیر و پس از روی کار آمدن دولت خود، بارها بر حفظ حقوق شهروندی و اجرای کلیه مواد منشور حقوق شهروندی تاکید کرده و در وعده‌ها و شعارهای انتخاباتی خود در پیش از انتخابات نیز بر اجرای کامل این منشور تاکید داشته است، با این حال اما وعده‌های آقای روحانی در پنجمین سال رئیس‌جمهوری ایشان همچنان در حد شعار مانده و عملی نشده است.

در ماده‌ی ۶۴ این منشور درباره‌ی حقوق بازداشت‌شدگان، محکومان و زندانیان آمده است: "بازداشت‌شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند که از حقوق شهروندی مربوط به خود از قبیل تغذیه مناسب، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، ارتباط و اطلاع از خانواده، خدمات آموزشی و فرهنگی، انجام عبادات و احکام دینی بهره‌مند باشند."

بررسی مسائل دیگر

انتقال آب شرب از ایران به کویت و بصره؛ از شایعه تا واقعیت

سیاوش اردلان بی‌بی‌سی

این بحث که ایران آب شرب مردم خوزستان را به کویت و بصره منتقل می‌کند کافی بود تا خشم خوزستانی‌ها و دیگر ایرانیان را برافروخته کند. تصاویر متعددی منتشر شد که نشان می‌داد عده‌ای با شعارهای الله اکبر و حالتی پیروزمندانه لوله‌های آب منتهی به خوزستان را شکستند تا به زعم خود نگذارند حق آب به مردم کویت و بصره برسد. مسئولان محلی ایران گفتند روشن نیست این اقدامات به بحران اخیر کم آبی در خوزستان دامن زده باشد هر چند این مدعا قابل اثبات نیست زیرا بخش بزرگی از مشکل مردم منطقه شوری آب هم بود. مشکلاتی که به درگیری‌های خونین و اعتراض‌های چند روزه در شهرهای مختلف خوزستان مخصوصا خرمشهر منتهی شد.

مسئولان ایرانی درباره موضوع انتقال و فروش آب شرب به کویت خیلی زود واکنش نشان دادند و تکذیب کردند، اما درباره انتقال و فروش آب به بصره یا سکوت کردند یا حرف‌های ضد و نقیض زدند. حقیقت امر چیست؟

کویت

ایران در زمان دولت محمد خاتمی در سال ۱۳۸۲ توافقنامه‌ای بلندپروازانه با کویت امضا کرد که بر اساس آن مقرر شد تا ایران سالانه ۳۳۰ میلیون متر مکعب آب به کویت منتقل کند. کویت یکی از پرمصرف‌ترین کشورهای دنیا در زمینه آب شرب است. طبق توافقنامه یاد شده قرار بود خط لوله‌ای که آب را به کویت منتقل می‌کند با بیش از ۵۰۰ کیلومتر طول، از زیر آب‌های خلیج فارس عبور کند. قرار بود ۲۵۰ کیلومتر از این خط لوله زمینی باشد و ۱۵۰ کیلومتر آن زیر آبی. هزینه احداث این لوله ۲ میلیارد دلار برآورد شد. دولت محمد خاتمی در زمانی این توافق نامه را امضا کرد که کارشناسان ایران نسبت به خطر کم آبی هشدار می‌دادند ولی هشدارها جدی گرفته نمی‌شدند. اما به هر حال این طرح انتقال آب شرب به کویت هرگز به تصویب مجلس ایران نرسید و وارد مرحله اجرایی نشد. باور کردن این شایعه به خودی خود جای تعجب داشت زیرا احداث لوله‌ای که چنان بزرگی از آب را به کویت منتقل کند چیزی نبود که بتواند از دیده‌ها پنهان بماند.

بصره

عراق و مخصوصا بصره یکی از مناطق بسیار کم آب عراق است که با بحران‌های مکرر آب روبروست و در عین حال منطقه ایست که ایران برای حفظ و افزایش نفوذ خود در آنجا، کلی فعالیت‌های مختلف از جمله فعالیت‌های تبلیغاتی دارد. آنچه در شبکه‌های اجتماعی ایرانیان درباره انتقال آب شرب ایران به بصره مورد استناد قرار گرفته یک گزارش خبری/تبلیغاتی از یک کانال حامی حکومت ایران در عراق بود. در این کلیپ چند نفر از ساکنان بصره از جمهوری اسلامی به خاطر "خدمت" به مردم عراق و "تامین آب شرب بصره" تشکر می‌کنند.

پیگیری‌های بی‌بی‌سی نشان می‌دهد که ایران از سال ۲۰۰۹ به عراق آب شرب ارسال می‌کرده اما مقدار این آب در حدی ناچیز بوده که بیشتر برد تبلیغاتی داشته تا اینکه کمکی به حل بحران کم آبی در بصره کند. ایران سالانه خود را ملزم به انتقال ۱۲۰ هزار متر مکعب آب به بصره کرده که از طریق کشتی منتقل و تخلیه می‌شود. ۱۲۰ هزار مکعب برای یک شهر دو و نیم میلیون نفره که دچار کم آبی است بسیار اندک است. اگر مصرف سرانه آب در خوزستان را طبق آمار رسمی ۴۰۰ لیتر در روز بدانیم -که به علت گرمای طاقت فرسا و کشاورزی ناکارآمد نزدیک به سه و نیم برابر استانداردهای جهانی است- مقدار آب شربی که ایران به بصره منتقل می‌کند تنها کفاف نیم درصد آب شرب ساکنان شهری ۱۵۰ هزار نفره مثل خرمشهر را می‌دهد.

وزارت خارجه عراق در واکنش به پرسش بی‌بی‌سی راجع به رابطه ایران و عراق در خصوص مسائل مربوط به آب گفت: "سیاست‌های ممالک همسایه در زمینه آب به منافع عراق آسیب زده و بر منابع آبی عراق اثر سوء داشته. مناطق جنوبی عراق امروز به علت آنکه ایران جریان آب را از ۴۲ رودخانه به داخل عراق بسته دچار مشکلات اساسی است".

یکی از خواسته‌های دولت عراق باز کردن جریان آب کارون به داخل عراق است ولی ایران این درخواست را

رد می‌کند و می‌گوید مشکل کم آبی عراق ربطی به این مساله ندارد. علاوه بر این، کارشناسان زیست‌محیطی عراق می‌گویند مشکل دیگر ساکنان بصره و مناطق مرزی آن ناحیه با ایران مایعات شیمیایی است که از پالایشگاه آبادان به داخل آب های منطقه تخلیه می‌شود و همچنین سر ریز شدن آب کشاورزان مزارع نیشکر از مناطق بالادست است که آمیخته به سموم کشاورزی است و باعث آلودگی منابع آبی اطراف بصره شده.

'معتادان ایرانی' که پشت مرز داخل افغانستان گیر افتاده‌اند

محمد قاضی‌زاده ب

بعضی معتادان در هرات افغانستان می‌گویند ایرانی‌اند

بعضی از معتادانی که به تازگی از ایران به شهر مرزی هرات افغانستان فرستاده شده‌اند، می‌گویند ایرانی هستند. عده‌ای از آنها مدعی هستند که مسئولان ایرانی به ادعای ایرانی بودن آنها توجه نکرده‌اند. برخی از این معتادان به مواد مخدر به بی‌بی‌سی گفته‌اند که حدود ۴۰۰ هموطن آنها در هرات زندگی می‌کنند.

مسئولان کنسولگری ایران در هرات اما به مقام‌های افغان گفته‌اند که این افراد شهروند ایران نیستند. در یکی از قبرستان‌های شهر هرات که بیشتر معتادان مواد مخدر در آنجا جمع می‌شوند یکی از آنها در پاسخ به سؤال خبرنگار بی‌بی‌سی که از نامش پرسید، با لهجه مردم جنوب ایران پاسخ داد که: "شاید سعید، حسین، مسعود، غلام".

ظاهراً اسمش را بیاد ندارد، اما جنگ آبادان را به یاد دارد. می‌گوید که از خرمشهر است و در زمان جنگ خانواده‌اش در آنجا زندگی می‌کردند. به هر حال، حالا فرق زیادی به حالش ندارد که کجا زندگی‌اش دود می‌شود.

یکی دیگر از معتادان، صادق، پدرش ایرانی و مادرش افغان است. صادق می‌گوید در تهران، پلیس او را افغان گفته و سپس او را به اجبار همراه با سایر افغان‌های مهاجر اخراج کرده است. می‌گوید: "هرچه قسم خوردم قبول نکردند، گفتم پدرم ایرانی و مادرم افغان است، همین را بهانه گرفتند و رد مرزم کردند." به گفته صادق، اگر هزینه سفر به ایران را داشته باشد، حتماً بر می‌گردد.

علی‌رضا جالیز دو سال پیش به گمان اینکه افغانستان است از ایران رد مرز شد. علی‌رضا جالیز، یکی دیگر از "معتادان ایرانی" اهل کرج است. او دو سال پیش همراه شماری از افغان‌ها رد مرز شد. نیروهای امنیتی ایران به گمان اینکه افغان است او را وادار کردند که به افغانستان برود.

علی‌رضا پول مواد مخدر را از فروش قوطی نوشابه و آب معدنی به دست می‌آورد. داستان دیگری که می‌گویند ایرانی هستند، با کمی تفاوت، مشابه است. دور از خانه در کنار شماری از همسایه‌های معتاد مواد مخدر مصرف می‌کنند.

آمار دقیقی از این شهروندان ایرانی که در شهرهای مرزی افغانستان به سر می‌برند در دست نیست، اما برخی از آنها می‌گویند که نزدیک به ۴۰۰ معتاد ایرانی در هرات زندگی می‌کنند. این رقم را منابع مستقل تاکنون تأیید نکرده‌اند.

مقام‌ها در هرات می‌گویند تا حال کسی به عنوان شهروند ایرانی به آنها مراجعه نکرده تا زمینه درمان اعتیاد آنها را فراهم کنند.

مقام‌ها در هرات می‌گویند تا حال کسی به عنوان شهروند ایرانی به آنها مراجعه نکرده تا زمینه درمان و سپس بازگشتش را فراهم کنند.

غلامرسول حیدری، مسئول مبارزه با مواد مخدر هرات به بی‌بی‌سی گفت: "این‌ها اگر به ما مراجعه کنند و سند داشته باشند، می‌توانیم آنها را در کلینیک‌ها مداوا کنیم تا ترک کنند. بعد از آن، برای پیدا کردن خانواده‌شان و روان کردن اسناد آنان از طرف افغانستان همکاری کنیم. متأسفانه به ما مراجعه نکردند که بگویند من ایرانی و معتاد هستم و مرا رد مرز کرده‌اند."

از طرف دیگر به نظر می‌رسد استخر کوچک مرکز آب‌درمانی هرات ظرفیت پذیرایی از مهمان‌های ناخوانده همسایه را نداشته باشد؛ شهری که ۶۰ هزار معتاد روی دوش‌اش سنگینی می‌کند.

بزرگ‌شهرهای افغانستان اکنون قانون اصلی معتادان شده‌اند. این معضل در شهرهای هم‌مرز با ایران مثل هرات، فراه و نیمروز بیشتر به چشم می‌خورد.

نزدیکی افغانستان به عنوان بزرگترین تولید کننده تریاک جهان، دسترسی آسان شهروندان ایرانی به مواد مخدر ارزان‌تر و با کیفیت‌تر را فراهم کرده است.

به نظر می‌رسد برای معتادان ایرانی شهرهای مرزی افغانستان به ماموایی برای آرزوهای شیرین آنها

تبدیل شده است، آرزویی که برای رسیدن به آن حتا حاضر هستند درد غربت را به هر سختی که است تحمل کنند.



مرکز آبدرمانی معتادین به مواد مخدر در شهر هرات

مرکز آبدرمانی معتادین به مواد مخدر در شهر هرات
براساس آمارها، نزدیک به سه میلیون ایرانی مرتب مواد مخدر مصرف می‌کنند. افغانستان هم با سه میلیون معتاد دست به گریبان است. شمار زیادی از معتادان افغان از ایران به کشورشان برگشته‌اند. به نظر می‌رسد که دو همسایه به پذیرایی از مهمان‌های ناخوانده یکدیگر عادت کرده‌اند.

کشف عیوب خطیر در خودروهای تولیدی امریکا سبب جمع
آوری پنج ملیون خودرو از بازار جهانی گردید
فورد تستدعی ملیونی سیارة بسبب عیوب خطیره



سیارة فورد F150

أبوظبي - سكاي نيوز عربية قالت فورد موتور إنها بصدد استدعاء مليوني سيارة من طراز إف-150، لمعالجة مخاوف حريق مرتبطة بأحزمة المقاعد، تم الربط بينها وبين ثلاث حوادث خطيرة لكنها لم تسفر عن إصابات. وقالت ثاني أكبر شركة لصناعة السيارات في الولايات المتحدة إنها على علم بنحو 17 تقريراً عن دخان أو حريق في أميركا، وستة تقارير في كندا مرتبطة بأجهزة شد أحزمة المقاعد، لكنها ليست على علم بأي حوادث أو إصابات جراء ذلك. وتتضمن آلية عمل أجهزة شد أحزمة المقاعد، التي تعمل بالترادف مع الوسائد الهوائية شحنة متفجرة تغلق حزام المقعد في موضعه أثناء التصادم. وقالت الشركة إن بعض المشدات في أحزمة المقاعد الأمامية ربما تولد شرراً كثيفاً عندما تعمل، وهو ما قد يؤدي إلى حريق. ويأتي الاستدعاء بعدما فتحت الإدارة الوطنية لسلامة المرور على الطرق السريعة في الولايات المتحدة تحقيقاً مبدئياً في أغسطس آب يتعلق بنحو 1.6 مليون سيارة لفورد، بعد خمس شكاوى من حرائق في مكون حزام المقعد، من بينها ثلاث مركبات دمرتها الحرائق.

جنرال موتورز تسحب نحو 2.5 مليون سيارة بسبب عيوب



سيتم سحب سيارات من موديل ساب وأوبل وغيرها من الطرازات أبوظبي - سكاي نيوز عربية قال أكبر جهاز للرقابة على الجودة في الصين إن شركة جنرال موتورز ومشروعها المشترك في الصين شنغهاي جنرال موتورز سيسحبان أكثر من 2.5 مليون سيارة بسبب عطب في وحدات نفخ الوسائد الهوائية.

وقالت الإدارة العامة للرقابة على الجودة والتفتيش والحجر الصحي بالصين إن هذه السيارات مزودة بوحدات لنفخ الوسائد الهوائية من إنتاج شركة تاكاتا اليابانية التي تواجه مشكلات. وابتداء من 29 أكتوبر تشرين الأول ستسحب الشركتان 13492 سيارة مستوردة من طرازي ساب وأوبل

كما ستبدأ في 29 ديسمبر كانون الأول عملية سحب أكثر من 2.51 مليون سيارة من طرازي شيفورليه وبويك.

وجاءت عملية السحب تلك التي أعلنتها الإدارة يوم الجمعة بعد عملية سحب مماثلة قامت بها في الأسبوع الماضي شركة فولكسفاغن وفرعها المشترك بالصين وشملت 4.86 مليون سيارة في الصين بسبب مشكلات محتملة في الوسائد الهوائية التي صنعتها شركة تاكاتا.

وتم الربط بين وسائد تاكاتا الهوائية ووفاة 16 شخصا وإصابة 180 آخرين على الأقل في شتى أنحاء العالم. وهذه الوسائد الهوائية معرضة للانفجار بقوة شديدة جدا مما يؤدي إلى تطاير شظايا منها. وأدى هذا العيب إلى أكبر عملية سحب في تاريخ السيارات وإفلاس شركة تاكاتا اليابانية في نهاية الأمر.

بحران کم آبی در افغانستان؛ 'تیمم به جای وضو'

علی حسینی بی بی سی

کم آبی سبب شده است که برخی مردم از خانه همسایه آب بگیرند که توانسته‌اند چاه عمیق‌تری حفر کنند

کم آبی در افغانستان وارد "مرحله‌ای بحرانی" شده است. مسئولان در این کشور می‌گویند اگر مشکل کم آبی حل نشود، به مسئله‌ای جدی‌تر از تروریسم و ناامنی تبدیل خواهد شد.

در کابل، پایتخت شمار خانه‌هایی که چاه دوم آب حفر کرده‌اند، زیاد شده است. چاه اول پس از دو سه بار کنده شدن، خشک شده و صاحب‌خانه مجبور شده است که چاهی دیگر با عمق به مراتب بیشتر حفر کند.

وقتی برای تهیه گزارشی در مورد آب به منطقه‌ای در شهر کابل رفتم، ساکنان محل برای تصویربرداری و مصاحبه با ما همکاری خوبی کردند. متوجه شدم که کم آبی بیشتر از گذشته نگران‌شان ساخته است و امیدوارند که این بحران به گوش مسئولان برسد تا اقدام کنند. در افغانستان منبع اصلی آب اکثریت مردم چاه‌های آب است.

ظاهر الکوزی، از ساکنان این منطقه در خانه‌اش چاه دوم حفر کرده است. چاه اول دو بار خشک شد و آن‌ها مجبور شدند که چاه دیگری را بکنند. از این چاه نیز روزانه آب کمی به دست می‌آید که فقط برای نوشیدن کافی است.

او گفت: "در حدود پنج‌صد خانه در این کوچه است که بیشترشان مجبور شدند چاه دوم و یا حتی سوم را حفر کنند. در پنجاه متری عمق زمین آب خشک است. برخی مردم از مناطق دور آب آشامیدنی می‌آورند."

در برخی خانه‌های کابل آب شهری استفاده می‌شود. آن‌ها نیز با کم آبی روبه‌رو شده‌اند. مدت‌زمان توزیع آب شهری نسبت به گذشته کم شده است.

خطر بحران کم آبی در افغانستان

افغانستان، بحران کم آبی، خشکسالی زراعت را به کجا می‌برد؟

هشدار درباره استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی کابل

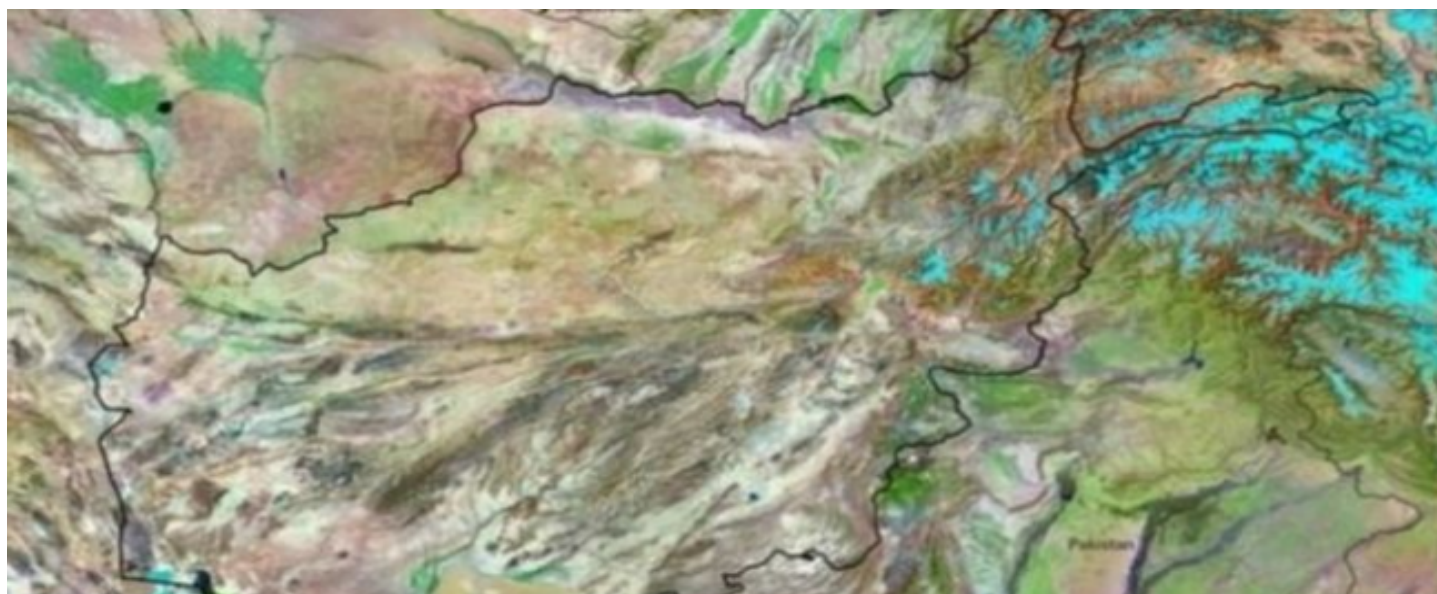
در این میان برخی از شرکت‌های خصوصی توزیع آب هم ایجاد شده است. این شرکت‌ها با حفر چاه‌های عمیق آب نوشیدنی توزیع می‌کنند. کم آبی دامنگیر این شرکت‌ها نیز شده است.

همت، ساکن شهر کابل که چاه خانه‌اش با وجود عمق ۱۲۰ متر، خشک شده است می‌گوید که پس از خشک شدن این چاه به شرکت‌های توزیع آب روی آوردند.

او گفت: "شرکت خصوصی توزیع آب به ما وعده کرده بودند که ۲۴ ساعت آب توزیع خواهند

کرد، اما به مرور زمان آب این شرکت‌ها نیز کم شد و حالا فقط دو ساعت آب توزیع می‌کنند." چاه شماری از خانه‌ها در کابل خشک شده است. سطح آب در افغانستان به‌طور متوسط هشت متر پائین رفته است. بر اساس تحقیق وزارت انرژی و آب در کابل، پایتخت با جمعیت حدود پنج میلیون نفر، نسبت به چند سال گذشته سطح آب ۲۰ متر پائین رفته است. آن‌طور که مقام‌های دولت افغانستان گفته‌اند سالانه ۲۹ میلیون متر مکعب آب باران و برف ذخیره می‌شود، ولی ۳۲ میلیون متر مکعب مصرف می‌شود. تغییرات اقلیمی و کاهش بارش برف و باران، استفاده بی‌رویه و تغییر سبک زندگی مردم از دلایل کم‌آبی در افغانستان عنوان شده است. اکثر نقاط افغانستان در سالهای بعد از ۲۰۰۰ میلادی شدیدترین و طولانی‌ترین خشکسالی تاریخ خود را تجربه کرده است. به باور کارشناسان محیط زیست خشکسالی در اثر تغییرات اقلیمی در افغانستان شدیدتر شده است. مقام‌های افغان می‌گویند که اگر بارش برف و باران زیاد نشود و در مصرف آب صرفه‌جویی نگردد، بحران آب به چالشی جدی‌تر از تروریسم و ناامنی تبدیل خواهد شد. پیش از این سازمان ملل متحد اعلام کرده بود که کاهش باران در دو سال گذشته منجر به فقدان امنیت غذایی و کمبود آب آشامیدنی سالم در افغانستان شده است. به گفته این سازمان خشکسالی بر شرایط ۲۲ ولایت اثر گذاشته و پیامدهای آن بر زندگی میلیون‌ها افغان احساس خواهد شد. از طرف دیگر به گفته حمیدالله یلانی، رئیس شرکت آبرسانی افغانستان چرخه خشکسالی در این کشور از ۷۰ سال به هفت سال رسیده است. آقای یلانی می‌گوید که اگر بارش برف و باران زیاد نشود و در مصرف آب صرفه‌جویی نگردد، بحران آب به چالشی جدی‌تر از تروریسم و ناامنی تبدیل خواهد شد. از رئیس شرکت آبرسانی افغانستان پرسیدم که چقدر نگران بحران آب است؟ پاسخ داد: "به حدی نگران مصارف بیجا و کم‌آبی هستیم که کوتاه اگر بگویم باید به جای وضو، تیمم کنیم."

افغانستان: ایران با استفاده بی‌رویه، آب‌های مشترک را خشکانده است



مدیریت منابع آبی در گذشته در افغانستان چندان مورد توجه نبود، اما در سال‌های اخیر به موضوع حساس سیاسی تبدیل شده است

وزارت آب افغانستان می‌گوید ایران با استفاده بی‌رویه از آب‌های مشترک مرزی با افغانستان سبب خشک شدن این حوزه‌های آبی شده است.

علی احمد عثمانی، وزیر انرژی و آب این کشور امروز دوشنبه ۲۶ سرطان/تیر در جلسه پرسش و پاسخ مجلس نمایندگان، گزارشی را در مورد وضعیت آب‌های افغانستان، مدیریت آب و دیپلماسی آب ارائه کرد.

حضور آقای عثمانی در این نشست، چند روز پس از اظهار نگرانی رئیس جمهوری ایران در مورد ساخت و ساز بندهای آب در افغانستان صورت می‌گیرد.

حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران در همایش سراسری مقابله با گرد و غبار که در ۳ ژوئیه/۱۲ تیر در تهران برگزار شد، گفت که ۸۰ درصد منشا گردوغبار در این کشور منشأ خارجی دارد و از جمله به تلاش‌های سدسازی در افغانستان و ترکیه اشاره کرد.

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه و معاون وزیر امور خارجه ایران، موضوع آب را "یک بحث اساسی در وضعیت کنونی جهان" خواند و گفت که در سفر اخیر وزیر خارجه ایران به کابل روی موضوع آب بحث صورت گرفت و سپس یک کمیته آب تشکیل شد و قرار است که "در ظرف ۶ ماه درباره آن به جمع‌بندی و نهایتاً به یک سند جامع" رسیده شود.

غنی: اجرا معاهده آب هلمند با ایران در دستور کار دولت قرار دارد

افغانستان و ایران بر سر مدرنیزه کردن اسناد و علایم مرزی توافق کردند

آبادی افغانستان برای گفت‌وگو در مورد تقسیم منابع آب با کشورهای همسایه

آقای عثمانی در نشست امروز در کابل، ایران را به سوء مدیریت و استفاده بی‌رویه تا مرز خشک شدن آب رودخانه‌ها مشترک متهم کرد.

او گفت که ایران بر دریاهای مشترک با افغانستان، ۶۰۰ سد ساخته اما افغانستان تنها در حال ساخت چهار سد بر این آبها است.

ایران و افغانستان دارای چهار حوزه مشترک رودخانه‌ای هستند؛ حوزه قراقم، خاف، پترگان و هیرمند که به گفته وزیر انرژی و آب افغانستان، تمامی این آب‌ها به سبب اعمار بندهای متعدد خشکیده‌اند.

آقای عثمانی افزود کشورش در حال حاضر دارای آب وافر نیست و تغییرات اقلیمی نیز سبب کاهش بارندگی و آب‌های جاری و زیرزمینی شده است.

به گفته او، افغانستان ۹ میلیارد مترمکعب آبهای سطحی خود را از دست داده و در حال حاضر تنها ۴۹ میلیارد مترمکعب آب جاری دارد. آماری که پیش از این بیش از ۵۷ میلیارد متر مکعب اعلام می‌شد.

آقای عثمانی گفت افغانستان در حال حاضر مطالعه و ساخت چهل بند را در سراسر این کشور روی دست دارند. به گفته او، تا این زمان هیچ‌گاه این کشور اینقدر متوجه آبهایش نبوده است.

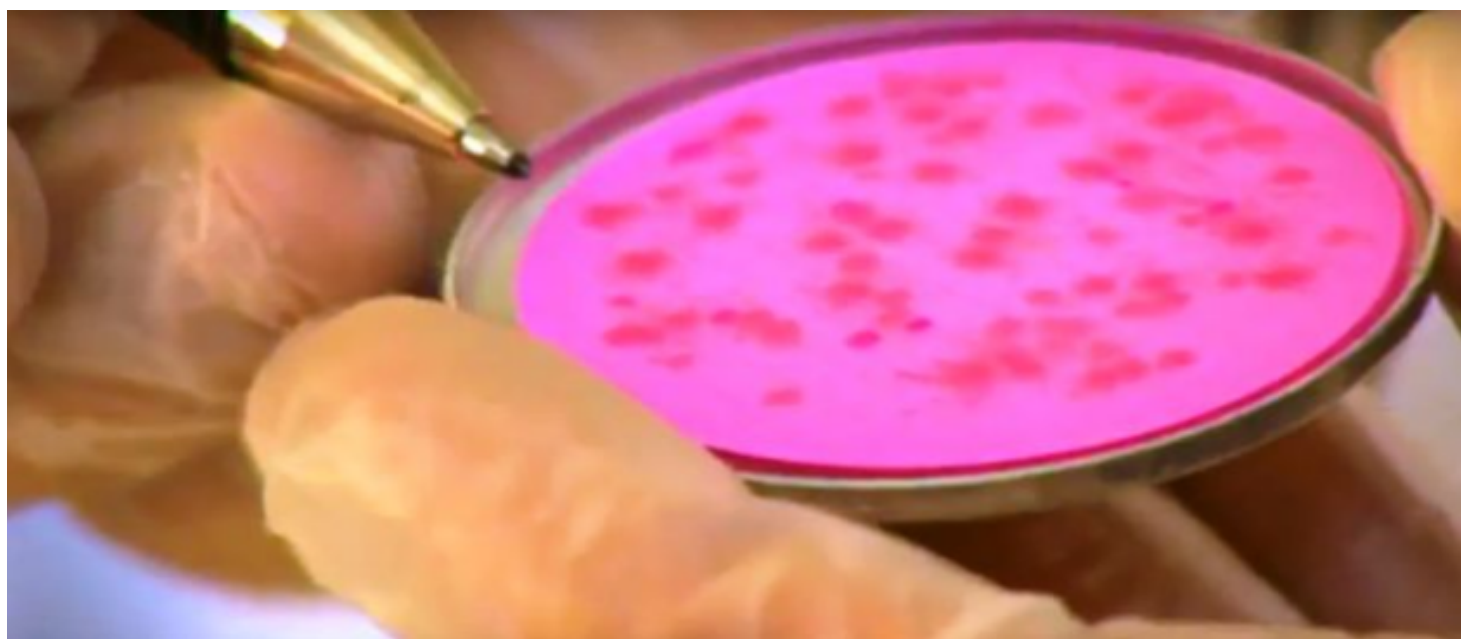
آقای روحانی با اشاره به ساخت سد در افغانستان و چند همسایه دیگر ایران گفته: "نمی‌توانیم در برابر آنچه محیط زیست ما را تخریب می‌کند، بی‌تفاوت باشیم."

وزیر آب همچنین گفت پروژه‌هایی که در حوزه مشترک دریایی قرار دارند و یا در مناطق تحت کنترل مخالفان مسلح هستند، با چالش‌های امنیتی روبرو است.

پیش از این مقام‌های افغانستان گفته بودند که مخالفان مسلح به خواست کشورهای همسایه، مانع ساخت سدهای آب در افغانستان می‌شوند.

افغانستان: سدسازی در افغانستان نباید موجب نگرانی حسن روحانی باشد
اشرف غنی از همسایه‌های افغانستان خواست از ساخت بندهای آب حمایت کنند
یک مرکز تحقیقاتی: افغانستان تنها از ۳۰ درصد آبش استفاده می‌کند
دولت افغانستان گفته که در حال مهار کردن آبهایش است و از همسایگانش خواسته بود تا نگران ساخت و ساز سد در این کشور نباشند.
هفته قبل نیز رئیس جمهوری اشرف غنی اعلام کرد که آب از منابع عمده افغانستان است و حکومت اساسات قانونی را به خاطر بهره‌برداری از این منبع ایجاد خواهد کرد.

'شصت درصد' آب‌های آشامیدنی افغانستان آلوده به مدفوع است



نتایج آلودگی آب دو منطقه شهر کابل روی کاغذهای مخصوص دایره‌ای شکل به شعاع حدود سه سانتی‌متر نشان داده شده، هر نقطه نشان‌گر یک باکتری است

این ارزیابی در ۹۰۰ خانه و ۱۰ ولایت انجام شده است
اداره مرکزی آمار افغانستان اعلام کرده که نظر به ارزیابی این نهاد از کیفیت آب‌های افغانستان، حدود ۶۰ درصد از آب‌های آشامیدنی افغانستان به مدفوع آلوده است.
این ارزیابی در مدت ۵ ماه توسط اداره مرکزی آمار افغانستان با حمایت فنی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) در ۹۰۰ خانه و ۱۰ ولایت انجام شده است.
این تیم‌ها آب‌هایی را که مردم در خانه‌های شان استفاده می‌کنند نمونه برداری کرده و بعد از آزمایش مشخص شده که این آبها با مدفوع انسانی و حیوانی آلوده است.
در این نمونه‌برداری ۶ مورد از هر ۱۰ نمونه، آلوده به مدفوع بوده و میزان آلودگی در این ده ولایت در روستاها ۶۸ درصد و در مناطق شهری ۵۲ درصد بوده است.
'۷۰ درصد آب‌های زیرزمینی کابل آلوده است'
از آب کابل دست بشوییم؟
دسترسی روستاییان افغانستان به آب آشامیدنی '۲۸ درصد افزایش یافته'

تردید یک نهاد تحقیقاتی از دستیابی افغانستان به یکی از اهداف هزاره سازمان ملل به گفته این نهاد بیشتر آب‌ها بعد از این که از منابع اصلی گرفته می‌شود به دلیل نگهداری نادرست و حمل و نقل ناسالم آلوده می‌شود. این نوع آب‌ها از هر ۵ نمونه ۴ مورد آن آلوده بوده است.

اداره آمار افغانستان اعلام کرده که در این ارزیابی مشخص شده که منابع اصلی آب آنهایی که از چشمه، لوله‌های آب، شیرهای عمومی آب، چاه‌های پمپی و چاه‌های دیگر استفاده می‌کنند، کمی بیشتر از نصف آنها آلوده است.

مسئولان وزارت بهداشت افغانستان به مردم هشدار داده که مراقب منابع آبی شان باشند و برای تصفیه آب از ماده پاک‌کننده مثل کلر استفاده کنند تا مانع شیوع بیماری‌های مسری همانند اسهال شود.

این وزارت از مردم خواسته آب‌هایی را که امکان آلودگی آنها وجود دارد بعد از جوشاندن استفاده کنند. علاوه بر آن تلاش کنند که آب‌ها را به صورت سالم نگهداری کنند.

نتایج آزمایش نشان می‌دهد که در ۱۰۰ میلی‌لیتر آب کابل، در بهترین حالت دست‌کم ۲۰ باکتری مضر برای بدن وجود دارد.

این ارزیابی در طول سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ انجام شده و مرکز آمار افغانستان اعلام کرده که تا سال ۲۰۱۸ الی ۲۰۱۹ در نظر دارد که وضعیت زندگی مردم افغانستان را در ۳۴ ولایت ارزیابی کند که کیفیت آب بخشی از آن است.

چندر روز قبل وزرات توسعه روستاهای افغانستان اعلام کرد که در سه سال گذشته سطح دسترسی روستاییان این کشور به آب آشامیدنی پاک به ۵۸ درصد رسیده است. پیش از آن، تنها ۳۰ درصد روستاییان به آب پاک دسترسی داشتند.

۷۰ درصد آب‌های زیرزمینی کابل آلوده است'

مسئولان می‌گویند آب‌های زیرزمینی کابل به گونه روزافزون آلوده می‌شوند. اداره ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان می‌گوید ۷۰ درصد آب‌های زیرزمینی کابل غیربهداشتی و غیر قابل استفاده است.

مسئولان این اداره می‌گویند آب‌های زیرزمینی پایتخت افغانستان عمدتاً آلوده به مواد شیمیایی و باکتری‌ها است. چیزی که به گفته پزشکان باعث دچار شدن استفاده‌کنندگان آن به بیماری‌های مختلف می‌شود.

مسئولان می‌گویند آب‌های زیرزمینی این شهر به گونه روزافزون آلوده می‌شود. به گفته آنان اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، باشنده‌های کابل با خطر جدی کمبود آب پاک مواجه خواهند شد.

محمد کاظم همایون، رئیس پلان اداره ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان می‌گوید که دولت در این زمینه باید اقدام فوری کند.

او تأکید کرد که اگر به این مشکل به طور فوری رسیدگی نشود، ممکن است کابل کاملاً بدون آب پاک شود.

در حال حاضر، اکثر شهروندان کابل از آب‌های زیرزمین استفاده می‌کنند.

آقای همایون بلند رفتن جمعیت کابل، نبود مدیریت سالم در این زمینه، نبود هماهنگی میان ادارت، فساد اداری، عدم اجرای قانون را دلایل عمده آلودگی آب‌های زیرزمین عنوان می‌کند.

اکثر زباله‌ها در کوچه و گذرهای کابل روزها و هفته‌ها جمع نشده باقی می‌ماند که نه تنها چهره شهر را تغییر می‌دهد بلکه می‌تواند باعث شیوع بیماری شود.

مسئولان اداره ملی حفاظت از محیط زیست افغانستان همچنین هشدار می‌دهند که علاوه بر کابل، آب‌های زیرزمینی برخی از شهرهای بزرگ دیگر این کشور هم به گونه روز افزونی آلوده می‌شوند.

بنا بر برآوردها، بیش از پنج میلیون نفر در شهر کابل زندگی می‌کنند. اما در این شهر کانالیزاسیون و سیستم منظم تخلیه زباله وجود ندارد.

مسئولان، چاه‌های فاضلاب غیرمعیاری را از دیگر عوامل عمده آلودگی آب‌های زیرزمینی کابل و دیگر شهرها می‌خوانند.

دسترسی به آب پاک دغدغه بزرگی برای بسیاری از ساکنان شهر کابل است. شهری که در سالهای اخیر بدون پلان و برنامه رشد کرده است.

در حال حاضر ریاست آبرسانی این شهر قادر است تنها که برای پنجاه و دو هزار خانواده این شهر پنج میلیونی آب صحتی تهیه کند.

تصحیح و تدقیق در نوشتن و گفتن فارسی:

عقدہ بکار بردن عنوان "دکتر" از بزشک و برستار تا همه اصناف «آقای دکتر، آقای دکتر»؛ اپیدمی برنامه‌های تلویزیونی ایران!

در غالب برنامه‌های تلویزیونی نه تنها مجری به کارشناس می‌گوید آقای دکتر که کارشناس هم به مجری می‌گوید آقای دکتر! آن قدر تکرار می‌شود که بیننده در نمی‌یابد منظور کیست و اسم طرف چیست! عصر ایران؛ سروش بامداد - «آقای دکتر»... این نوع خطاب را تا 10 یا 20 سال قبل تنها خطاب به یک پزشک و در مطب یا بیمارستان یا در دانشگاه در گفت و گو با استادان به کار می‌بردیم یا می‌شنیدیم اما در سال‌های اخیر در غالب برنامه‌های تلویزیونی نه تنها مجری به کارشناس می‌گوید آقای دکتر که کارشناس هم به مجری می‌گوید آقای دکتر!

در برنامه تلویزیونی «به خانه بر می‌گردیم» کار اجرا بر عهده یک پزشک عمومی (دکتر نظری) بود و شاید هنوز هم باشد و وقتی پزشکی را دعوت می‌کرد هم او به میهمان می‌گفت آقای دکتر و هم میهمان به مجری می‌گفت آقای دکتر!

با توجه به این که عادل فردوسی‌پور در حال تحصیل در مقطع دکتری در رسانه است و علی دایی در جامعه‌شناسی ورزش می‌توان حدس زد که در برنامه‌های آتی 90 که این مربی دعوت شود مدام هر دو به هم بگویند آقای دکتر!

مرتضی حیدری هم به جای «آقای رییس جمهور» به محمود احمدی‌نژاد مدام می‌گفت آقای دکتر و آن قدر تکرار می‌کرد که آدم خیال می‌کرد عضو درد دیده خود را در معرض معاینه یک پزشک قرار داده است!

در تازه‌ترین مورد و شب گذشته (19 شهریور 1397) پای برنامه تلویزیونی «اینجا» با موضوع «موفقیت‌های کوچک» نشستیم. هر دو میهمان برنامه را از نزدیک می‌شناسم و بحث‌های خوبی هم انصافاً درگرفت و شعاری و تکراری نبود. تنها نکته آزاردهنده اما تکرار مدام «آقای دکتر» بود.

محمد فاضلی (جامعه‌شناس) هم خطاب به مجری (محمد لسانی) می‌گفت آقای دکتر و هم هنگام نقل از امیر محبیان (کارشناس سیاسی). مجری هم به این دو فقط می‌گفت آقای دکتر و نامشان را بر زبان نمی‌آورد و بیننده هیچ گاه در معرض نام این سه قرار نمی‌گرفت و تنها می‌شنید آقای دکتر!

در دهه 60 بهرام شفیع اصرار داشت وسط مسابقه فوتبال و وقتی کاپیتان برزیل پا به توپ می‌شد، بگوید «دکتر سوکراتس» و پیش از انقلاب هم در میان فوتبالیست‌ها «دکتر زادمهر» معروف بود و در بین داورها «دکتر سیار». ولی اینها پزشک بودند و درباره بقیه بهتر است تنها در بحث‌های تخصصی و محیط‌های آکادمیک به کار رود و خصوصاً در رسانه‌ها پرهیز شود. کما این که در رسانه‌های معتبر جهانی هم مرسوم نیست. خاصه این که شماری از دکترهای تبلیغی صدا و سیما با امتیاز و رانت این درجات را به دست آورده و از مواهب مادی آن برخوردار شده‌اند و کافی است از آنها بخواهید چند خط فارسی بنویسند و چند جمله انگلیسی صحبت کنند و درباره آخرین کتابی که خوانده‌اند صحبت کنند تا مشخص شود چه در چنته دارند.

بد نیست رییس صدا و سیما دستور دهد مجریان در خطاب قرار دادن‌ها نام فرد را بگویند و «آقای دکتر آقای دکتر» یا «خانم دکتر خانم دکتر» را بگذارند برای وقتی که پزشکی را دعوت کرده‌اند و درباره یک بیماری سخن می‌گویند یا بحث تخصصی می‌کنند و در این مورد هم باید بدانیم آن فرد کیست و نامش چیست.

اگر اقتصاددان و نویسنده و سیاست‌مدار صاحب‌نام باشد اسم او کفایت می‌کند و حداکثر می‌توان رزومه ای از او را قبل یا حین مصاحبه ذکر کرد و برخورداری از درجه دکتری را هم یادآور شد.

بگذریم از این که برخی معتقدند درباره پزشکان نیز می‌توان خود کلمه «پزشک» را به کار برد و مانند قاضی، اول نامشان آورد. زیرا همه پزشکان مرتبه علمی در حد پی‌اچ‌دی ندارند و دکتری آنان بیشتر حرفه‌ای یا عمومی است و چه اشکالی دارد واژه‌هایی چون وکیل و پزشک را مانند عنوان‌های نظامی قید کنیم؟ اگر با وزیر گفت و گو می‌کنیم بگوییم آقای وزیر یا اگر خانمی وزیر شد خانم وزیر به جای آقا یا خانم دکتر.

اگر با استاد دانشگاه رو به رو شدیم بگوییم استاد و اگر با اوستای نقاش بگوییم اوستا. اگر مراقب عنوان‌های اختصاصی نباشیم آقای دکتر جای همه را می‌گیرد و کار به جایی رسیده که درباره روحانیون هم بعد از عنوان مذهبی یک دکتر می‌آورند. زمانی تعداد روحانیونی که دکتری الهیات یا فلسفه هم داشتند به انگشتان دو دست نمی‌رسید (شهیدان بهشتی، مفتاح و باهنر) و اگر برای حجت الاسلام گلزاده غفوری دکتری او هم قید می‌شد از سوربن فرانسه گرفته بود همین طور روحانیونی چون احمد احمدی که به تازگی درگذشت یا احمد بهشتی نماینده سابق فسا یا جواد اژه‌ای که در رشته‌ای غیر الهیات دکتری داشت و جالب‌تر از همه سید طه هاشمی که پزشکی خوانده اما اکنون در رشته‌های مختلف این عنوان را می‌دهند. یا نظامیان محدود به تیمسار مدنی و ناخدا افضل‌ی دو فرمانده نیروی دریایی اوایل جمهوری اسلامی و هر دو بعداً مغضوب بود که دکتری آنها هم ذکر می‌شد اما اکنون بعد از عنوان نظامی هم برای خیالی‌ها واژه دکتر را می‌شنویم. نه که ندارند یا واجد صلاحیت نباشند اما در تلویزیون دیگر چرا برای فردی که با لباس نظامی یا روحانی نشسته آقای دکتر، آقای دکتر می‌کنند؟ موضوع این نوشته بیشتر خطاب‌های تلویزیونی است نه بحث اعطای مدرک.

وقتی طرف با لباس روحانی مقابل مجری نشسته بیننده با عنوان «حاج آقا» راحت‌تر کنار می‌آید یا وقتی با لباس نظامی اگر ارتشی

باشد «امیر» به جای تیمسار سابق و اگر سپاهی باشد «سردار». دیگر چرا آقای دکتر آقای دکتر می کنند؟
کار دیگری که می توان کرد و دست کم در رشته های علوم انسانی کسانی چون دکتر عبدالحسین زرین کوب و دکتر محمد علی اسلامی ندوشن و جلال الدین همایی را بشناسانیم تا بدانیم نمی شود هم به زرین کوب یا اسلامی ندوشن با این درجه از اطلاعات و حافظه و خدمات و آثار بگوییم دکتر و هم به خیلی های دیگر که شاید یک اثر از این دو را نخوانده باشند و از سوی دیگر بدانیم جلال الدین همایی استاد فروتن و بی همتا و فقید، دکتر نبود اما از خیلی از دکترهای امروز ادبیات دکترتر بود...

